

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

١٤٠ سؤال

پیرامون مسجد

سفید



۱۴۰ سؤال

پیرامون مسجد

چاپ سوم
با تجدیدنظر و اضافات

دفتر مطالعات و پژوهش‌های
مرکز رسیدگی به امور مساجد

۱۴۰ [صد و چهل] سؤال پیرامون مسجد / تهیه کننده دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد؛ محقق مرتضی رستگار .
قم: انتشارات تقلین.
۱۳۸۷ .

۲۸۰ ص . - (انتشارات تقلین؛ ۵۴).

ISBN 964-9960-20-1

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۲۷۶ - ۲۸۰ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. مساجدها - پرسش‌ها و پاسخ‌ها. الف. مرکز رسیدگی به امور مساجد.
دفتر مطالعات و تحقیقات. ب. رستگار، مرتضی، محقق .

۲۹۷ / ۷۵

BP ۲۶۱ / ۴

■ سؤال پیرامون مسجد ■

انتشارات تقلین

ناشر:

دفتر مطالعات و تحقیقات مرکز رسیدگی به امور مساجد

تهیه کننده:

مرتضی رستگار

محقق:

چاپخانه نینوا

چاپ:

رعی - ۲۸۰ صفحه

قطع:

چاپ اول - ۵۰۰۰ نسخه

شمارگان:

بهمن ماه ۱۳۸۷

تاریخ چاپ:

نشانی:

انتشارات تقلین: قم - خیابان انقلاب - چهارراه سجادیه - کوچه شماره ۳۳ - پلاک ۱۳
تلفن ۷۷۳۴۴۶۷ - ۷۷۳۲۸۶۴

مؤسسه فرهنگی تقلین: تهران - تهرانپارس - بین‌فلکه‌دوم و سوم - خیابان ۱۸۲ غربی - پلاک ۶
تلفن ۷۷۷۰۲۳۱۲ - ۷۷۸۸۱۴۵۲

EAN 9789649960203 شابک ۱ - ۲۰ - ۹۹۶۰ - ۹۶۴ *

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۱۵	سخن ناشر.....
۱۷	مقدمه.....
۱۹	پیشگفتار.....

فصل اول: جایگاه مسجد در قرآن و روایات

۲۱	۱ - مساجد در قرآن کریم چه جایگاهی دارند؟.....
۲۵	۲ - آیا همه مساجد از فضیلت یکسانی برخوردارند؟.....
۲۶	۳ - روایات چه جایگاهی را برای مساجد ترسیم می‌کنند؟.....
۲۸	۴ - علت تعظیم و بزرگداشت مساجد چیست؟.....
۲۹	۵ - آیا احترام‌گذاشتن به مسجد، انبیا، ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small> و خانه کعبه با اصل توحید منافات دارد؟.....
۳۱	۶ - مقصود از هتك حرمت مسجد چیست؟.....
۳۴	۷ - «مسجد» در لغت و اصطلاح به چه معناست؟.....

فصل دوّم: ساخت و معماری مسجد

- ۸ - آیا ساخت و بنای مسجد در دین اسلام شروع شد یا قبل از اسلام مسجد بوده است؟^{۳۷}
- ۹ - مقصود از «عمارت مسجد» چیست؟^{۳۸}
- ۱۰ - آیا دین اسلام در ارتباط با بنای ظاهری مسجد، دستور خاصی دارد؟^{۴۰}
- ۱۱ - چه کسانی صلاحیت احداث و بنای مسجد دارند؟^{۴۳}
- ۱۲ - خداوند متعال چه پادشاهی برای بنیان مساجد در نظر گرفته است؟^{۴۵}
- ۱۳ - انگیزه‌ها، اعم از صحیح و غلط ، چه نقشی در مسجدسازی دارند؟^{۴۹}
- ۱۴ - چرا کفار و مشرکین از عمران مساجد نهی شده‌اند؟^{۵۱}
- ۱۵ - مسجد را در چه مکانی، و از نظر موقعیت جغرافیایی در کجا باید ساخت؟^{۵۳}
- ۱۶ - نوشتن آیات قرآن بر در و دیوار مسجد جایز است یا خیر؟^{۵۷}
- ۱۷ - در شبستان مسجد در چه محلی قرار بگیرد، مناسب‌تر است؟^{۵۹}
- ۱۸ - آیا تزیین مساجد و آراستن آن‌ها با طلا جایز است؟^{۶۱}
- ۱۹ - آیا تبدیل کنیف به مسجد جایز است؟^{۶۳}
- ۲۰ - آیا در ساختمان مسجد، می‌توان از مصالح نجس استفاده کرد؟^{۶۵}
- ۲۱ - آیا در زمین‌هایی که برای مخارج مسجد وقف شده‌اند، می‌توان مسجد ساخت؟^{۶۶}
- ۲۲ - آیا می‌توان در زمینی که قبلًا حمام بوده و اکنون مسجد شده است نماز خواند؟^{۶۶}
- ۲۳ - آیا نقاشی کردن مساجد جایز است؟^{۶۶}
- ۲۴ - مقصود از «محراب» چیست؟^{۶۷}

فصل سوم: آداب مسجد

- ۲۵ - حاضر شدن با وضو در مسجد چه آثاری دارد؟ ۷۱
- ۲۶ - آیا پیاده رفتن به مسجد موضوعیت دارد؟ ۷۳
- ۲۷ - خواندن چه دعاهايی هنگام ورود و خروج از مسجد سفارش شده است؟ ۷۵
- ۲۸ - آیا ورود و خروج از مسجد دستور خاص در شرع مقدس دارد؟ ۷۶
- ۲۹ - نماز تحييت چيست و در چه هنگامی خوانده می شود؟ ۷۷
- ۳۰ - مقصود از «زینت» در آیه شرife «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مسجِدٍ» چيست؟ ۷۸
- ۳۱ - سلام کردن به مؤمنان حاضر در مسجد چه حکمی دارد؟ ۸۴
- ۳۲ - چرا در روایات بر «افروختن چراغ» در مسجد سفارش شده است؟ ۸۶
- ۳۳ - چه آثار و ثواب هایی برای افرادی که خانه خدا را روشن نگه می دارند، در روایات ذکر شده است؟ ۸۷
- ۳۴ - آیا صحبت کردن درباره امور دنیوی و بلند کردن صدا در مسجد جایز است؟ ۸۹
- ۳۵ - آیا خوابیدن در مسجد جایز است؟ ۹۲
- ۳۶ - آیا تکدی و تقاضای کمک از دیگران در مسجد جایز است؟ ۹۳
- ۳۷ - آیا می توان از مساجدی که دو درب دارند به عنوان گذرگاه استفاده کرد؟ ۹۵
- ۳۸ - خارج شدن با عجله از مسجد چه توابعی دارد؟ ۹۵

فصل چهارم: عبادت و آثار حضور در مسجد

- ۳۹ - اذان چيست و مؤذن کیست؟ ۹۷
- ۴۰ - مؤذن چه جایگاهی در پیشگاه خداوند متعال دارد؟ ۹۸
- ۴۱ - چرا در شرع مقدس توصیه شده که نماز را در مساجد متعدد و نقاط مختلف یک مسجد به جای آورید؟ ۱۰۰

- ۴۲ - در چه مساجدی مسافر مختبر است که نماز را تمام یا قصر بخواند؟ ۱۰۴
- ۴۳ - فلسفه تشریع نماز جماعت چیست؟ ۱۰۴
- ۴۴ - چه فضیلت‌هایی برای نماز جماعت ذکر شده است؟ ۱۰۸
- ۴۵ - اقامه نماز جماعت چه آثار و فوایدی دارد؟ ۱۱۱
- ۴۶ - شرایط و ویژگی‌های یک امام جماعت موفق و شایسته را ذکر کنید؟ ۱۱۵
- ۴۷ - آیا مردم در قبال امام جماعت وظایفی دارند؟ ۱۱۷
- ۴۸ - اعتکاف چیست و معنکف کیست؟ ۱۱۹
- ۴۹ - اعتکاف چه رابطه‌ای با مسجد دارد و در شرع مقدس از چه جایگاهی برخوردار است؟ ۱۲۰
- ۵۰ - اعتکاف چه شرایطی دارد؟ ۱۲۱
- ۵۱ - معنکف از چه اموری باید پرهیز و خودداری نماید؟ ۱۲۲
- ۵۲ - از چه راهکارهایی برای گسترش اعتکاف می‌توان بهره گرفت؟ ۱۲۳
- ۵۳ - حضور در مسجد چه آثار و فوایدی را به دنبال دارد؟ ۱۲۴
- ۵۴ - آمد و شد به مساجد چه فواید و آثاری برای انسان دارد؟ ۱۲۸
- ۵۵ - آیا از نظر اسلام آثاری که برای رفت و آمد به مسجد و حضور در آن ذکر شده، اختصاص به مردان دارد؟ ۱۳۱
- ۵۶ - آیا در صدر اسلام زنان در مسجد حضور پیدا می‌کردند؟ ۱۳۲
- ۵۷ - در متون روایی برای حضور زنان در مساجد چه شرایطی قرار داده شده است؟ ۱۳۴
- ۵۸ - اهل مسجد چه منزلت و جایگاهی دارند؟ ۱۳۷
- ۵۹ - مسجدی‌ها باید دارای چه صفات و ویژگی‌هایی باشند؟ ۱۴۰
- ۶۰ - نقش اخلاص در اعمال عبادی انسان، بخصوص مسجد، تا چه حدی است؟ ۱۴۴
- ۶۱ - با کسانی که به مسجد نمی‌آیند، چگونه باید برخورد کنیم؟ ۱۴۷
- ۶۲ - آیا نشستن در مسجد عبادت است؟ ۱۴۸

فصل پنجم: احکام مسجد

- ۶۳ - آیا تغییر و تبدیل مسجد به کتابخانه، کوچه، خیابان و مانند آن جایز است؟... ۱۴۹
- ۶۴ - تخریب مسجد در چه صورت جایز است؟..... ۱۵۳
- ۶۵ - نجس کردن مسجد چه حکمی دارد؟..... ۱۵۶
- ۶۶ - آیا ازاله نجاست از مسجد واجب است؟..... ۱۵۷
- ۶۷ - اگر انسان قادر بر تطهیر مسجد نباشد تکلیف چیست؟..... ۱۵۸
- ۶۸ - در چه صورت تطهیر مسجد بر نماز مقدم می شود؟..... ۱۵۸
- ۶۹ - تخریب مسجد، برای تطهیر آن جایز است یا خیر؟..... ۱۶۰
- ۷۰ - بردن شیء نجس به مسجد چه حکمی دارد؟..... ۱۶۰
- ۷۱ - آیا با عذر شرعی می توان وارد حیاط مسجد و یا حرم امامان و امامزادگان شد؟ ۱۶۱
- ۷۲ - آیا جُب و حائض می توانند به مسجد بروند؟..... ۱۶۱
- ۷۳ - آیا اجیر کردن «جنب» برای کارهای مسجد صحیح است؟..... ۱۶۴
- ۷۴ - در چه صورتی جُب حق ورود و توقف در مسجد را دارد؟..... ۱۶۵
- ۷۵ - آیا زن مستحاضه می تواند به مسجد برود؟..... ۱۶۶
- ۷۶ - دفن اموات در مسجد چه حکمی دارد؟..... ۱۶۶
- ۷۷ - آیا وصیت به دفن در مسجد نافذ است؟..... ۱۶۸
- ۷۸ - نماز گزاردن بر اموات در مسجد جایز است یا خیر؟..... ۱۶۹
- ۷۹ - آیا زمین برای مسجد شدن احتیاج به صیغه خاص دارد؟..... ۱۷۰
- ۸۰ - آیا نمازخانه‌ها حکم مسجد را دارند؟..... ۱۷۱
- ۸۱ - آیا می توان مسجد را برای طایفه یا گروه خاصی وقف نمود؟..... ۱۷۲
- ۸۲ - استفاده از وضوخانه مسجد برای امور عبادی خارج از مسجد چه حکمی دارد؟ ۱۷۳

- ۸۳ - استفاده شخصی از آب مخصوص وضو در مساجد چه حکمی دارد؟ ۱۷۳
- ۸۴ - استفاده شخصی از اموال و امکانات مسجد چه حکمی دارد؟ ۱۷۴
- ۸۵ - آیا بیرون بردن ابزار و وسایل مسجد از مسجد جایز است؟ ۱۷۵
- ۸۶ - خرید و فروش مسجد و ابزار و وسایل آن چه حکمی دارد؟ ۱۷۶
- ۸۷ - آیا کتاب‌هایی را که وقف مسجد شده‌اند و مورد استفاده نیستند؛ می‌توان به کتابخانه دیگری منتقل کرد؟ ۱۷۸
- ۸۸ - قرض دادن و یا صرف کردن پولی که متعلق به مسجد است و سپس جایگزین کردن آن با پول دیگر چه حکمی دارد؟ ۱۷۹
- ۸۹ - هرگاه کسی سهواً به مسجد ضرر برساند ضامن است یا خیر؟ ۱۷۹
- ۹۰ - آیا امام جماعت می‌تواند در دو مسجد اقامه جماعت کند؟ ۱۷۹
- ۹۱ - آیا امامت غیرروحانی جایز است؟ ۱۸۰
- ۹۲ - فاصله امام جماعت و مأموران تا چه مقدار جایز است؟ ۱۸۰
- ۹۳ - آیا می‌توان به امام جماعت در طبقات گوناگون اقتدا کرد؟ ۱۸۱
- ۹۴ - تغییر نام مسجد چه حکمی دارد؟ ۱۸۲
- ۹۵ - آیا مصلی‌ها حکم مسجد دارند یا خیر؟ ۱۸۲
- ۹۶ - غصب کردن جای دیگران در مسجد چه حکمی دارد؟ ۱۸۳
- ۹۷ - حق تقدّم در مشترکات تا چه زمانی ثابت است؟ ۱۸۵
- ۹۸ - ورود انسان مست به مسجد چه حکمی دارد؟ ۱۸۶
- ۹۹ - آیا پخش موسیقی شاد به مناسبت میلاد ائمه معصومین علیهم السلام در مسجد شرعاً شکال دارد؟ ۱۸۹
- ۱۰۰ - کف زدن در حسینیه‌ها و مسجد چه حکمی دارد؟ ۱۸۹
- ۱۰۱ - آیا تغییر حسینیه به مسجد جایز است؟ ۱۹۰

-
- ۱۰۲ - آیا می‌توان از زکات و خمس در ساخت مسجد استفاده کرد؟ ۱۹۰
- ۱۰۳ - آیا بستن دَرِ مساجد در غیر اوقات نماز از مصادیق ظلم است؟ ۱۹۱
- ۱۰۴ - آیا قرار دادن متولی برای مسجد از سوی واقف صحیح است؟ ۱۹۴
- ۱۰۵ - مسجد جامع چیست؟ ۱۹۶
- ۱۰۶ - اعلام اشیای گم شده و پیدا شده در مسجد جائز است یا خیر؟ ۱۹۷
- ۱۰۷ - تشکیل مجلس عقدازدواج و شیرینی خوردن و ولیمه دادن در مسجد چه حکمی دارد؟ ۱۹۸
- ۱۰۸ - برگزاری مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی در مسجد چه حکمی دارد؟ ۱۹۹
- ۱۰۹ - آیا معامله کردن و صنعتگری در مساجد جائز است؟ ۲۰۰

فصل ششم: جامعه و مسجد

- ۱۱۰ - مساجد چگونه می‌توانند همگام با مقتضیات جامعه، حرکت فکری و فرهنگی خود را استمرار بخشند و مردم را به خود جذب کنند؟ ۲۰۳
- ۱۱۱ - برای جذب جوانان به مسجد از چه عواملی می‌توان بهره گرفت؟ ۲۰۶
- ۱۱۲ - علل عدم حضور بعضی جوانان در مسجد چیست؟ ۲۱۰
- ۱۱۳ - ترک مسجد چه عاقیبی به دنبال دارد؟ ۲۱۳
- ۱۱۴ - خدام و متولیان مساجد چگونه می‌توانند با نوجوانان خاطی برخورد مناسبی داشته باشند؟ ۲۱۵
- ۱۱۵ - آیا مسجد می‌تواند اعمال و رفتار فاسد انسان را اصلاح کند؟ ۲۱۹
- ۱۱۶ - پیامبر اکرم ﷺ پیش از هجرت به مدینه چه استفاده‌ای از مسجد الحرام می‌کردند؟ ۲۲۳
- ۱۱۷ - نقش عبادی، فرهنگی و آموزشی مسجد پس از هجرت به مدینه در صدر اسلام به چه نحو بوده است؟ ۲۲۳

- ۱۱۸ - آیا مساجد در صدر اسلام کارکرد سیاسی و اجتماعی داشته‌اند؟ ۲۲۷
- ۱۱۹ - آیا سر دادن شعارهایی از قبیل «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» در مسجد و مکان‌های مقدس صحیح است؟ ۲۲۰
- ۱۲۰ - مساجد در پیروزی نهضت‌های اسلامی چه نقشی داشتند؟ ۲۲۳
- ۱۲۱ - کارکرد فرهنگی و آموزشی مساجد و نقش آن‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی تا چه حد بود؟ ۲۲۶
- ۱۲۲ - کارکرد سیاسی - اجتماعی مساجد و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی تا چه حد است؟ ۲۲۸
- ۱۲۳ - آیا مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی کارکرد اقتصادی هم داشته‌اند؟ ۲۴۲
- ۱۲۴ - رمز پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن در چه بود و در چیست؟ ۲۴۳
- ۱۲۵ - مقصود از روایاتی که می‌گویند: «همسایه مسجد نمازش قبول نمی‌شود، مگر در مسجد» چیست؟ ۲۴۷
- ۱۲۶ - همسایه مسجد کیست؟ ۲۴۷
- ۱۲۷ - آیا همسایگان مساجد بر مسجد حقوقی دارند؟ ۲۴۹
- ۱۲۸ - نهی از ورود کودکان به مسجد برای چیست؟ ۲۵۰
- ۱۲۹ - آیا ورود کفّار و مشرکین به مساجد مطلقاً منوع است یا خیر؟ ۲۵۲
- ۱۳۰ - چه مسجدی به دستور پیغمبر اکرم ﷺ تخریب شد؟ و چرا؟ ۲۵۴
- ۱۳۱ - آیا غیر از مسجد «ضرار»، مساجد دیگری هم هستند که اقامه نماز در آن‌ها نمی‌شده باشد؟ ۲۵۸
- ۱۳۲ - گناه کردن در مسجد چه حکمی دارد؟ ۲۵۹
- ۱۳۳ - چرا خواندن شعر در مسجد نهی شده است؟ و آیا این نهی شامل همه انواع شعر می‌شود؟ ۲۶۳
- ۱۳۴ - چه رابطه‌ای بین حضور در مسجد و پرداخت زکات و خمس است؟ ۲۶۴

فصل هفتم: بهداشت مسجد

- | | | | |
|-----|-------|-------------|---|
| ۲۶۵ | | ۱۳۵ | - چه پاداش‌هایی برای تمیزکنندگان مسجد در نظر گرفته شده است؟ |
| ۲۶۸ | | ۱۳۶ | - خوش بو کردن مساجد چه آثاری دارد؟ |
| ۲۶۹ | | ۱۳۷ | - چرا از خوردن غذاهای بودار به هنگام مسجد رفتن نهی شده است؟ |
| ۲۷۱ | | ۱۳۸ | - انداختن آب دهان و بینی و خلط سینه در مسجد چه حکمی دارد؟ |
| ۲۷۲ | | ۱۳۹ | - پرهیز از آلوده کردن مسجد به اخلاط چه آثار و ثواب‌هایی دارد؟ |
| ۲۷۳ | | ۱۴۰ | - در بنای سرویس بهداشتی مسجد، چه نکاتی باید رعایت شوند؟ |
| ۲۷۷ | | فهرست منابع | |



سخن ناشر

مسجد، خانه خدا، بیوت متقین، جایگاه عبادت و پرستش حضرت حق، محل اتصال به مبدأ هستی، جایگاه پاکان و نیکان، محبوب ترین مکان‌ها نزد خدا، کانون نشر معارف الهی، جایگاه تجلی وحدت و همبستگی مؤمنان، ستاد فرماندهی و سنگر دفاع از دین و مکانی است که از آن خدا و برای خداست.

از آنجا که اسلام دین انسان‌سازی است و هدف از تعالیم و آموزش‌های دینی، ساختن و تربیت انسان‌هاست، همه ابزارها و امکانات نیز در این جهت بکار گرفته می‌شوند. مسجد نیز با داشتن جایگاهی بس رفیع در فرهنگ اسلامی، خود مکان و امکانی برای ساختن و تربیت انسان است. شاید اعمار مساجد در آیه شریفه «انما یعمِر مساجد الله من امن بالله والیوم الآخر» اشاره به این مطلب است که اعمار مساجد با حضور مؤمنان به خدا و روز قیامت صورت می‌گیرد. یعنی اگر انسان‌های تربیت یافته در مسجد حضور نیابند، اعمار صورت نگرفته است.

انقلاب اسلامی ایران نیز بدلیل داشتن خاستگاه و محتوای دینی، فرزند و مولود مسجد است و بیشک ادامه حیات آن نیز جز در سایه مسجد امکان‌پذیر نیست. سخنان و رهنمودهای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی^{ره} و مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظلمه‌العالی در مورد جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی و نیز نقش و جایگاه مسجد در انقلاب اسلامی، برخاسته از همین دیدگاه مهم است.

انتشارات ثقلین که نام زیبای خود را از حدیث شریف نبوی اخذ نموده است، وظیفه و رسالت خود را نشر فرهنگ ثقل‌اکبر -قرآن‌کریم- و ثقل‌کبیر -اهل‌بیت^{علیهم السلام}- قرار داده است. براین اساس، در سال‌های فعالیت خود تلاش نموده است که با انتشار کتاب‌هایی که عطر و فرهنگ مقدس این دو نقل‌بزرگ را در جامعه اسلامی می‌پراکند، به وظیفه و رسالت خود عمل نماید. نشر کتاب حاضر نیز که تحت عنوان «۱۴۰ سؤال پیرامون مسجد» تدوین یافته است، در ادامه عمل به همان وظیفه است.

امید است که زحمات کارشناسان و محققین محترم دفتر تحقیقات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد بخصوص حجۃ‌الاسلام والمسلمین جناب آقای غرویان مسؤول محترم آن دفتر و محقق ارجمند حجۃ‌الاسلام جناب آقای مرتضی رستگار مورد عنایت صاحب مسجد قرار گیرد. ان شاء‌الله.

انتشارات ثقلین



مقدمه

«مسجد» بی تردید نقشی بس حساس در تحکیم اساس و بنیان جامعه دینی داشته و دارد. سال ۱۳۸۴ از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام‌عزه‌العالی سال مشارکت عمومی و همبستگی ملی نامیده شده است. بدون شک مساجد در طول تاریخ اسلام همواره مجلای ظهور مشارکت عمومی و میعادگاه بروز همبستگی ملی در بین آحاد مسلمین بوده و هستند. انقلاب اسلامی ایران حقیقتاً نمادی از قدرت عظیم مسجد در شکل‌دهی جریانات سیاسی - اجتماعی است. تأکید امام خمینی ره بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران براینکه ملت مسلمان مساجده را پر کنند، برخاسته از درکی عمیق و نگاهی ژرف به نقش مهم مسجد در جهت‌دهی تحولات اجتماعی است. حضور چشمگیر مردم در مساجد همانگونه که علت محدثه انقلاب اسلامی ایران بوده است، علت مبقیه آن نیز می‌باشد و آنچه - بی هیچ تردید - دشمن را می‌ترساند، همین حضور آگاهانه است.

* * *

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد در راستای نشر و ترویج فرهنگِ مسجد و جذب اقتدار مختلف مردم بویژه جوانان به سوی مسجد، طرح‌هایی را در دست مطالعه و اقدام دارد. کتاب حاضر که توسط فاضل ارجمند حجۃ‌الاسلام آقای مرتضی رستگار نگارش یافته، گامی کوچک در راستای اهدافی بلند و درازمدت است. این دفتر ضمن تشکر و تقدیر از مؤلف محترم، امیدوار است این کتاب مورد استفاده اقتدار مختلف بخصوص جوانان اهل مسجد و علاقمند به مطالعه قرار گیرد. ان شاء الله.

قم - دفتر مطالعات و پژوهش‌های

مرکز رسیدگی به امور مساجد



پیشگفتار

مسجد خانه خدا^(۱) و جایگاه انبیا و رسولان وحی^(۲) و مأمن مؤمنان است. مسجد بهشت روی زمین و تنها مکانی است که انسان با حضور در آن به ساحل آرامش و اطمینان می‌رسد. مکانی که با حضور در آن می‌توان به قدرت مطلقه الهی اتکا کرد و با امید و توکل به او پله‌های رشد و کمال را طی نمود. آشنایی بیشتر با این مکان مقدس و شناخت ویژگی‌ها و احکام و مسائل پیرامون آن به انسان کمک می‌کند تا با نگاهی عمیق‌تر در این مکان حضور یابد. نگارنده این سطور در سفرهای متعدد تبلیغی در مناطق مختلف کشور با سئوالات متنوع و مختلفی پیرامون مسجد روبرو شده است. ولی، در این میان

۱. امام صادق علیه السلام فرماید: «إِنَّمَا أَمْرٌ بِتَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ لِأَنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، هُمَانَا دُسْتُورٌ دَادَهُ شَدَّهُ كَهْ مَسَاجِدُ رَا بَزَرَ وَ مَحْتَرَمٌ شَمَارِيدُ چُونَ مَسَاجِدُ خَانَهَهَايِ خَدا در زمین هستند».

علل الشوایع: ج ۲، ص ۳۱۸.

۲. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: المساجد مجالس الأنبياء؛ مساجد پایگاه انبیا و پیامبرانند. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۶۲، ح ۳۷۸۶.

جای کتابی مختصر و مفید که پاسخ‌گوی سوالات و نیازهای مخاطبان باشد، همواره خالی به نظر می‌رسید - البته ناگفته نماند که بحمدالله در سالیان اخیر کتاب‌ها و مقالات خوبی در ارتباط با موضوع مسجد و مسائل و موضوعات پیرامون آن به رشته‌ی تحریر درآمده است که از آن جمله می‌توان به کتاب ارزشمند «سیمای مسجد» از رحیم نوبهار، «مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت» از حسن رهبری، «مسجد و انقلاب اسلامی» از رضا شریف‌پور، «فضایل و آثار مسجد در آیینه قرآن و روایات» از عباس عزیزی و «مسجد آیینه اسلام» از پروفسور روزه‌گارودی و... اشاره کرد - به هر حال با توجه به نیاز و ضرورت پیشنهاد دفتر مطالعات و تحقیقات مرکز رسیدگی به امور مساجد را برای تدوین این اثر با اشتیاق تمام پذیرفتم. امید آنکه از عهده این مهم برآمده باشم.

از همه خوانندگان به ویژه ائمه محترم جماعات انتظار دارم با ارائه رهنمودها و انتقادات سازنده خویش، نگارنده را در رفع نقص‌ها و کاستی‌های این اثرياری بخشنده و چنانچه طرح سوالات دیگری را لازم و ضروری می‌داند به صورت مکتوب به دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد ارسال نمایند. از استاد محترم جناب حجۃ‌الاسلام والمسلمین محسن غرویان و برادر ارجمند حجۃ‌الاسلام والمسلمین محمد‌هادی یعقوب‌نژاد که از راهنمایی‌ها و کمک‌های هر دو بزرگوار در تدوین و نگارش کتاب بهره بردهام تقدیر و تشکر می‌کنم.

قم - تابستان ۱۳۸۴

مرتضی (ستگار)

فصل اول

جایگاه مسجد در قرآن و روایات

سؤال ۱ - مساجد در قرآن کریم چه جایگاهی دارند؟

در قرآن کریم آیات مختلفی پیرامون مسجد و اهمیت آن وجود دارد که ما به ذکر دو مورد اکتفا می‌کنیم.

(الف) قرآن کریم مساجد را پایگاه و کانون توحید شمرده است که در آنها فقط خداوند پرستش می‌شود و مرکز مبارزه بابت پرستی و شرک و هرگونه کفر و نفاق است؛ مکانی که باید در آن فقط خداوند متعال مورد توجه قرار گیرد.
 «و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له
 الدين». ^(۱)

و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید؛ و اورا بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید.

. ۲۹ اعراف: ۱

ب) آیه «رفع مساجد» خداوند متعال در سوره‌ی نور می‌فرماید:

«فِي بُيُوتٍ أَذْنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرْ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ
فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ». ^(۱)

در خانه‌هایی که خدا اذن فرموده است که رفعت یابد و در آنها نام او به بزرگی
یاد شود، و هر صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند.

طبق آیه‌ی شریفه اولین ویژگی مساجد آن است که؛ مساجد خانه‌های خدا
در روی زمین‌اند و به اذن و فرمان پروردگار بنیاد شده‌اند. مفسرین در تفسیر
کلمه‌ی بیوت می‌گویند؛ مراد از بیوت براساس روایات یا بیوت انبیاء علیهم السلام و ائمه
است و یا مساجد؛ صاحب مجتمع‌البيان در تبیین اینکه مراد از بیوت مساجد باشد
به روایتی از رسول گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم استناد می‌کنند که می‌فرماید:

«الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ هِيَ تُضَمِّنُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ
كَنَا تُضَمِّنُ إِلَّا تُجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ». ^(۲)

مسجد خانه‌های خدا در روی زمین است همان‌گونه که ستارگان برای اهل
زمین می‌درخشتند، مساجد نیز برای اهل آسمان درخشنان و نورانی هستند.
صاحب تفسیر مجتمع‌البيان در تأیید اینکه مراد بیوت انبیاء هم ممکن است باشد
به روایاتی استفاده می‌کنند. ^(۳)

۱. نور: ۳۶.

۲. بحار الأنوار: ج ۲۳، صص ۳۲۵-۳۲۶.

۳. ن. ک: مجتمع‌البيان: ج ۷، ص ۲۲۷.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می‌فرمایند: از مصاديق یقینی این بیوت مساجد است که آماده هستند تا ذکر خدا در آنها گفته شود و صرفاً برای این کار ساخته شده‌اند هم چنان که فرمود:

﴿وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا إِسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا﴾.^(۱)

و مساجدی که نام خدا در آن بسیار بردہ شود.^(۲)

ویژگی دوم این مراکز الهی آن است که؛ چون دارای اهمیت ویژه‌ای هستند خداوند فرمان رفع و منزلت آنها را صادر نموده است؛ آن ترفع. علامه طباطبائی می‌نویسد: مراد از رفع بیوت، رفع قدر و منزلت و تعظیم آنهاست و چون عظمت و علو، خاص خدای تعالی است واحدی شریک او نیست مگر آن که متسب به او باشد، که به مقدار انتسابش به او، از آن بهره‌مند می‌شود. پس اذن خدا به اینکه این بیوت رفیع المقام باشند به خاطر این است در این بیوت متسب به خود او بینند... علت رفعت این خانه‌ها همان یذکر فيها اسمه است یعنی همین که در آن بیوت نام خدا بردہ می‌شود.^(۳)

ویژگی سوم این است که مساجد پایگاه عبادت و پرستش هستند و یذکر فيها اسمه؛ از این رو می‌بینم که به موحدان و یکتاپرستان و عابدان در مسجد بشارت می‌دهد که:

۱. ترجمه المیزان: ج ۱۵، ص ۱۷۵.

۲. حج: ۴۰.

۳. ترجمه المیزان: ج ۱۵، صص ۱۷۴ - ۱۷۵.

«...أَلَا تَشْرُكُ الْمَشَائِنِ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالثُّورِ
الساطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». ^(۱)

بشارت دهید کسانی را که در تاریکی شب بهسوی مساجد گام بر می دارند به نوری درخشان در روز قیامت. و این شاید به آن دلیل است که مساجد مرکز انوار الهی هستند.

و بیشگی چهارم؛ مساجد از خصوصیتی برخوردارند که مردان الهی و عابد را به سوی خود جذب می کنند به طوری که هر صبح و شام در آن به تسبیح خدا مشغولند. يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ. بنابراین مساجد پایگاه عبادت و پرستش خداوند هستند و شاید بتوان گفت مهم ترین هدف از بیان مسجد همین عبادت خداوند است زیرا در دیگر آیات هم از کسانی که مانع عبادت و ذکر خدا در مسجد بشوند به عنوان ظالم یاد می کند ^(۲) علاوه بر اینکه هدف نهایی و اساسی از آفرینش و خلقت جن و انس در قرآن کریم عبادت است و بس.

«وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْأَنْسَ إِلَّا لِيَمْبُدُونَ». ^(۳)

«نیافریدم انسانها و اجننه را مگر برای عبادت و پرستش».

۱. من لا يحضره الشفاعة: ج ۱، ص ۲۳۹، باب فضل المساجد، حدیث ۷۲۰.

۲. بقره: ۱۱۴.

۳. الذاريات: ۵۶.

سؤال ۴ - آیا همه مساجد از فضیلت یکسانی برخوردارند؟

براساس متون روایی مساجد به چهار دسته تقسیم می‌شوند: مساجد خاص، مساجد جامع، مساجد قبیله و محله و مساجد موجود در بازار؛ مساجد خاص چهار مسجدند که در روایات از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بوده و دستور ویژه به اقامه نماز و عبادت در آنها داده شده است، این مساجد عبارتند از:

۱ - مسجد الحرام؛

۲ - مسجد النبی ﷺ؛

۳ - مسجد بیت المقدس؛

۴ - مسجد کوفه.^(۱)

نوع دوم مساجد؛ مساجد جامع هستند که از فضیلت بیشتری نسبت به دیگر انواع مساجد برخوردارند و به تعبیر روایات یک رکعت نماز در مسجد جامع شهر (مسجد بزرگ و محوری هر شهر) برابر با صد نماز است.^(۲)

نوع سوم مساجد قبیله و محله هستند که یک رکعت نماز در آنها برابر با بیست و پنج نماز می‌باشد^(۳) و نوع چهارم مساجد بازار هستند که یک نماز در آنجا برابر دوازده نماز فضیلت دارد.^(۴) لازم به ذکر است که برخی دیگر از مساجد

۱. وسائل الشيعة: ج ۵، ص ۲۸۲، ح ۶۵۵۶.

۲. وسائل الشيعة: ج ۵، ص ۲۸۹، ح ۶۵۷۳.

۳. همان.

۴. همان.

به دلایل تاریخی و یا سوابقی که دارند از فضیلت‌های خاصی برخوردارند که بررفتن به آنها و اقامه نماز در آنها (علاوه بر مساجد خاص که در بالا ذکر شد) سفارش شده است که البته تعداد این مساجد زیاد نیست و بیشتر آنها در مکه و مدینه و عراق قرار دارند، نظیر مسجد قبا، مسجد حنیف، مسجد سهلة، مسجد غدیر و

سؤال ۳۳ - روایات چه جایگاهی را برای مساجد ترسیم

می‌کنند؟

روایات نقل شده از پیامبر اعظم ﷺ جایگاه مساجد را این چنین ترسیم می‌کند:

۱ - مجلس مؤمن؛ قال رسول الله ﷺ:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَجْلِسُهُ مَسْجِدٌ».^(۱)

«همانا مجلس مؤمن مسجد اوست».

۲ - مساجد خانه متقین؛ قال رسول الله ﷺ:

«الْمَسْجِدُ بَيْتُ كُلِّ تَقِيٍّ».^(۲)

«مسجد خانه هر پرهیزکاری است».

۱. الكافي: ج ۲، ص ۶۶۲، ح ۱.

۲. کنز العمال: ج ۷، ص ۵۸۰، ح ۲۰۳۴۹.

۳ - مجلس پیامبران؛ قال رسول الله ﷺ:

«الْمَسَاجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ». ^(۱)

«مسجد محل نشستن و جلوس پیامبران است».

۴ - بهترین مکان؛ قال رسول الله ﷺ:

«أَحَبُّ الْبَلَادِ إِلَى اللَّهِ مَسَاجِدُهَا». ^(۲)

«محبوب‌ترین مکان شهرها (محل‌های مسکونی) در نزد خداوند، مسجد‌های آنجاست».

و در روایت دیگری می‌فرمایند:

«خَيْرُ الْبَقَاعِ الْمَسَاجِدُ». ^(۳)

«محبوب‌ترین مکان‌ها نزد خداوند مساجد است».

۵ - مرکز انوار‌الهی؛ رسول خدا ﷺ در روایتی مساجد را مرکز انوار الهی معرفی می‌کند:

«المساجد انوار الله». ^(۴)

«مسجد نورهای خداوند است».

۱. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۶۲، ح ۳۷۸۶.

۲. مجموعه درام: ج ۲، ص ۲۳۵.

۳. وسائل الشيعة: ج ۵، ص ۲۹۳، ح ۶۵۸۱.

۴. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۴۴۷، ح ۳۹۶۲.

۶- سیاحتگاه امت؛ وجود مقدس رسول خدا^{عَلَيْهِ السَّلَامُ} می فرماید:

«السِّيَاحَةُ فِي أَمَّتِي لُزُومُ الْمَساجِدِ». ^(۱)

«سیاحت و گردش امت من ملازم بودن با مسجد است».

سؤال ۱۴- علت تعظیم و بزرگداشت مساجد چیست؟

ابی بصیر نقل می کند که از امام صادق^{عَلَيْهِ السَّلَامُ} دلیل احترام و بزرگداشت مساجد را سؤال کردم، حضرت فرمود:

«إِنَّمَا أُمِرَ بِتَعْظِيمِ الْمَساجِدِ لِأَنَّهَا يُبُوتُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ». ^(۲)

«دستور به تعظیم مساجد برای این است که مساجد خانه های خداوند در روی زمین هستند».

در روایت دیگری امام صادق^{عَلَيْهِ السَّلَامُ} با نقل این روایت از پیامبر اکرم^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} که «ملعون است کسی که به مسجد احترام نگذارد» خطاب به یونس می فرماید: «ای یونس آیا می دانی چرا خداوند حق مساجد را بزرگ داشته و این آیه را نازل فرموده که «مسجد برای خداست پس احدي غير از خدا را در آنجا نخوانيد» چون یهود و نصارا هنگامی که وارد کنيسه و کلیساهاي خود می شدند به خدا شرك می ورزیدند، لذا خداوند متعال به پیامبر ش دستور داد که فقط او را بخوانند و او را عبادت کنند». ^(۳)

۱. همان: ج ۳، ص ۱۰۰، ح ۳۱۲۱.

۲. وسائل الشيعة: ج ۵، ص ۲۹۸، ح ۶۵۹۱.

۳. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۴۳۵، ح ۳۹۴۲ / بحار الأنوار: ج ۷۳، ص ۳۵۴.

و در روایات دیگری حضرت می‌فرماید: "هنگامی که به در مسجد رسیدی، بدان که تو در خانه پادشاهی بزرگ را قصد کرده‌ای که جز پاکان هرگز در آن وارد نمی‌شوند و جز راستگویان را حضور در آن روا نباشد، خود را آماده خدمت کن که اگر حرمتش را پاس نداری با خطری بزرگ رو به روی خواهی شد...".^(۱)

سؤال ۵ - آیا احترام گذاشتن به مسجد، انبیا،

ائمه اطهار^{علیهم السلام} و خانه کعبه با اصل توحید منافات دارد؟

در دین اسلام، هر خاک و سنگ و آجری احترام ندارد، مساجد و معابد به آن دلیل که محل عبادت و راز و نیاز با خداوند هستند، احترام دارند. خداوند متعال به بندگانش اجازه داده است که به این مکان‌ها احترام بگذارند و آن‌ها را عظیم بشمارند. روشن است که احترام گذاشتنی که با اذن و اجازه خالق متعال باشد، در واقع احترام به خود خالق و خدای متعال است و این نه تنها با توحید منافاتی ندارد، بلکه عین توحید است.

تعظیم و احترام به انبیای الهی و ائمه اطهار^{علیهم السلام} عین توحید است؛ زیرا خود خداوند اجازه تعظیم و احترام به آنان را داده است. اینان به فرموده خداوند متعال در قرآن کریم «فی بیوتِ اذنَ اللَّهُ آنَ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ

۱. همان: ص ۴۳۷، ح ۳۹۴۶ / بحدارالأنوار: ج ۸۰، ص ۳۷۳.

فیها اسْمَهُ^(۱) هستند؛ (چراغ‌هایی پر فروغ) در خانه‌هایی که خداوند اجازه فرموده است دیوارهای آن را بالا برند و نام خدا در آن‌ها بردۀ شود. احترام گذاشتن به اینان به دستور خداوند متعال است. این خانه‌های انسانی، که معبد روح انسان‌ها هستند، از آن خاک و آجر و سنگی که «مسجد» نام‌گرفته، بالاترند و به همین دلیل، مورد تعظیم قرار می‌گیرند.

در روایات و منابع دینی، وارد شده که مقصود از این «بیوت» همان انسان‌هایی هستند که سراسر وجودشان عبادت است. در تفسیر قمی ذیل آیه شریفه مزبور، روایاتی از امام باقر علیه السلام نقل شده‌اند که فرمود:

﴿هِيَ بَيْوَتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ بَيْتُ عَلِيٍّ مِنْهَا﴾^(۲).

منظور از این خانه‌ها، خانه‌های انبیا و پیغمبران است که خانه امام علی علیه السلام نیز یکی از آن‌هاست. به راستی، زمانی که نگاه انسان‌ها، گفت و شنودشان، خورد و خوراک و تفکرات و قدم برداشتنشان، همه برای خدا باشد، نامی جز مسجد و معبد بر آن‌ها نمی‌توان گذاشت و بالاترین مصدق در این باره، انبیا و ائمه طاهرين علیهم السلام هستند. خانه کعبه هم احترامش را از حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام و دیگر انبیا و مؤمنان گرفته است. به تعبیر قرآن کریم، احترام مکه از آن روست که اولین جایگاه عبادت در جهان است:

۱. نور: ۳۶.

۲. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۰۳.

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لِلَّذِي بَيْكَةٌ مُبَارَكًا».^(۱)

«نخستین خانه‌ای که برای مردم و نیايش خداوند قرار داده

شده همان است که در سرزمین مکه است و پربرکت».

بنابراین، اولین نقطه‌ای که برای عبادت و پرستش خدا تأسیس شده

و احترامش را از عابد و عبادت گرفته، مکه است.

نتیجه آنکه احترام گذاشتن به مساجد، انبیا و ائمه اطهار^{علیهم السلام} و خانه کعبه

نه تنها منافاتی با اصل توحید و اعتقاد به یگانگی خداوند متعال ندارد، بلکه عین

توحید است؛ زیرا احترام گذاشتن به این مکان‌های مقدس و تعظیم انسان‌هایی

که برگریده خداوند هستند در راستای تعظیم و احترام به معبد حقیقی و خالق

و آفریننده آسمان‌ها و زمین است.

سؤال ۶ - مقصود از هتك حرمت مسجد چیست؟

در پاسخ به این سوال ابتداءً نگاهی به معانی لغوی هتك و حرمت توجه کنیم.

«هتك» در لغت به معنای پرده دریدن، پاره کردن پرده، کشیدن و کندن و نیز

به معنی مفتوح ساختن و رسوا کردن کسی است.^(۲) و «حرمت» به معنی؛ آبرو،

ارجمندی، آنچه شکستن آن روان باشد، آنچه که حفظ و نگهداری و محترم

۱. آل عمران: ۹۶.

۲. فرهنگ فارسی عیید: ص ۱۲۵۷.

شمردن آن واجب است.^(۱) به این ترتیب مقصود از هتک حرمت مسجد آن است که؛ مسجد از آبرو و ارجمندی خاصی برخوردار است و حفظ و نگهداری و محترم شمردن آن بر عموم مسلمانان واجب است. از این رو نباید احترام مساجد دریده شود. به همین جهت، علمای ما هتک حرمت به مسجد و اهانت به آن را از اقسام گناهان کبیره ذکر کرده‌اند، شهید بزرگوار حضرت آیة‌الله دستغیب می‌نویسد:

«هر مکانی که به نام مسجد به وسیله مسلمانی بنا شود شیعه باشد یا از سایر فرقه‌های اسلامی، رعایت حرمت آن واجب و اهانت و هتک آن مانند خراب کردن یا آلوده ساختن به نجاست، گناب کبیره است. نزد هر دین داری، بدیهی است که مسجد به حضرت آفریدگار نسبت دارد و «آن المساجد لله» و اهانت به آن اهانت به خداست».^(۲) شهید دستغیب در ادامه به روایاتی که در آنها به تعظیم و گرامی داشت مسجد اشاره شده می‌پردازند از جمله روایت ذیل؛ ابوصیر می‌گوید از امام صادق علیه السلام در ارتباط با تعظیم و بزرگداشت مساجد پرسیدم که علت چیست؟

۱. همان: ص ۵۶۲.

۲. گناهان کبیره: ج ۲، ص ۳۸۵.

امام ﷺ در جواب فرمودند:

«إِنَّمَا أَمْرٌ بِتَطْهِيرِ الْمَسَاجِدِ لَا نَهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ». ^(۱)

«فرمان و دستور تعظیم مساجد از روست که مساجد

خانه‌های خدا در روی زمین هستند».

در روایات دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

«... مَلُوْنُ مَلُوْنُ مَنْ لَمْ يُوَقَّرِ الْمَسْجِدَ...». ^(۲)

«ملعون و لعنت شده است کسی که مسجد را گرامی ندارد».

لزوم رعایت حرمت و عظمت مساجد به آن حد است که اولیای دین به ما دستور داده‌اند که در گفتگوهای روزمره خود از «مسجد» با احترام یاد کنید و از بکارگیری تعبیری که با منزلت و عظمت مسجد سازگار نیست خودداری کنیم. در روایتی از امام علی علیه السلام می‌خوانیم:

«... و لَا يُسَمِّي الْمُسْلِمُ رُجَبًا وَ لَا يُسَمِّي الْمُصْحَفَ مُصَحِّفًا وَ لَا يُسَمِّي الْمَسْجِدَ مُسَيْجِدًا». ^(۳)

نباید به مسلمانان «مردک» گفته شود و به قرآن، قرآنک و از مسجد هم «مسجدک» تعبیر نکنید.

۱. علل الشريعة: ج ۲، ص ۳۱۸، ح ۱ از باب ۴ [باب العلة التي من أجلها أمر الله بتعظيم المساجد].

۲. كنز الفوائد: ج ۱، صص ۱۵۰ - ۱۴۹.

۳. البغويات: ص ۲۴۱ / مستدرکوسائل: ج ۳، ص ۴۴۶، باب ۵۴ از ابواب احكام المساجد،

روایت ۱۵.

شاید به پشتونه همین دسته از روایات است که بزرگان و علمای ما هتک حرمت مسجد را از گناهان کبیره دانسته‌اند. البته همان‌گونه که گذشت بارزترین نوع هتک حرمت، خراب کردن مسجد بدون دلیل و نجس کردن آن است. هم‌چنان که در روایات دیگر به این مسئله اشاره شده است. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

«جَنِّبُوا مَسَاجِدَكُمُ التَّجَاسَةَ».^(۱)

«مساجد خود را از نجاسات دور نگه دارید».

از این رو می‌بینیم در قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد که مبادا مشرکین نزدیک به مسجد‌الحرام شوند:

«إِنَّمَا أَعْيُهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يُقْبَلُونَ
الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ...».^(۲)

«ای اهل ایمان مشرکان نجس هستند، پس نباید به مسجد‌الحرام نزدیک شوند».

سؤال ۷ - «مسجد» در لغت و اصطلاح به چه معناست؟

از نظر لغوی، «مسجد» اسم مکان است از فعل «سجد» و به معنای جایگاه سجود

۱. وسائل الشيعة: ج ۵، ص ۲۲۹، باب ۲۴ از ابواب احکام المساجد، حدیث ۶۴۱۰.

۲. توبه: ۲۸.

و عبادت. «فَإِنَّ الْمَسْجِدَ مِنَ الْأَرْضِ فَمَوْضِعُ السَّجْدَةِ نَفْسَهُ»^(۱) مسجد در زمین، آن مکان و جایی است که در آن سجده می‌کنند. «وَالْمَسْجِدُ فُتحٌ وَ كَسْرًا بَيْتُ الصَّلَاةِ»^(۲) مسجد را چه به فتح جیم بخوانند و چه به کسر آن، جایگاه نماز گزاردن است.

اما در اصطلاح، بنابرآنچه برخی از نویسندها نقل کرده‌اند: «مسجد قطعه‌ای کوچک یا بزرگ از زمین است که پس از نظافت، تسطیح و پاکیزه کردن آن، سمت قبله در آن مشخص می‌شود و به نماز اختصاص می‌یابد. این قطعه زمین گاهی دارای دیوار است و گاهی بدون آن، با شن پاکیزه و یا حصیرهای ارزان یا فرش‌های گران‌قیمت فرش می‌شود. گاهی بر روی این قطعه زمین بناهای عظیم با دیوارها، سقف‌ها و گنبدها و ماذنه‌های بزرگ برپا می‌شود و گاهی نیز هیچ‌یک از این‌ها را ندارد، اما این در مسجد بودن آن تأثیری ندارد؛ زیرا یک مسجد ساده و معمولی نیز همانند عظیم‌ترین مساجد، مکانی مقدس با ویژگی‌های ممتاز است.^(۳)

بنابراین، مسجد محل راز و نیاز مخلوق با خالق و آفریننده هستی، خلوتگه ترکیه نفووس از گناهان و آلودگی‌های دنیوی و محل تفکر در عیوب و اصلاح انحرافات اخلاقی و تکامل روح است.

۱. كتاب العين: ج ۶، ص ۴۹ / سادة العرب: ج ۳، ص ۲۰۴.

۲. مجمع البحرين: ج ۳، ص ۶۵.

۳. دو ماهنامه مسجد: ش ۳۷ و ۳۸، «پیدایش مسجد» ص ۸۰ - ۸۱.

فصل دوم

ساخت و معماری مسجد

سؤال ۸- آیا ساخت و بنای مسجد در دین اسلام شروع شد

یا قبل از اسلام مسجد بوده است؟

براساس آنچه از قرآن کریم و روایات موجود در متون دینی وارد شده در پاسخ به سؤال فوق باید گفت مسجد عمری به قدمت تاریخ بشر دارد و انسان از ابتدای خلقت که پای به عرصه دنیا گذاشت مکانی جهت عبادت و پرستش برای او مهیا شده بود:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكَأَ وَهُدِي لِلْعَالَمِينَ».^(۱)

«همانا نخستین خانه‌ای که برای عموم مردم نهاده شده بود، همان است که در مکه قرار دارد و مایه برکت و هدایت جهانیان است».

۱. آل عمران: ۹۶.

در روایتی هم از صحابی بزرگ پیامبر اکرم ﷺ جناب ابوذر غفاری نقل شده که می‌گوید: از رسول خدا ﷺ سؤال کردم: ای رسول خدا ﷺ اولین مسجدی که در کره زمین ساخته شد کدام بود؟ فرمود: مسجد الحرام، عرض کردم: پس از آن کدام بود؟ فرمود: مسجد الاقصی. عرض کردم فاصله میان بنای این دو چه مقدار بوده است؟ فرمود: چهل سال.^(۱) بنابراین از هنگامی که آدمی پا به عرصه حیات گذاشته است کعبه و مسجد الحرام جایگاه عبادت و نیایش و ستایش خداوند عزوجل بوده است، ولی آنچه مسلم است تعدد مساجد پس از ظهر اسلام صورت گرفته است، از آنجاکه پیامبر «مسجد» را دارالحکومه خود قرار دادند و خود عملاً اقدام به تأسیس و ساخت مساجد نمودند، مسلمانان نیز در طول تاریخ از این سیره نبوی متابعت نموده‌اند، از این‌رو گسترش مساجد پس از صدر اسلام بوده است ولی ساخت اولین مسجد بر روی زمین خاکی قدمتی به طول عمر بشر دارد.

سؤال ۹ - مقصود از «عمارت مسجد» چیست؟

عمارت و تعمیر در لغت معانی فراوان دارد، در لغتنامه دهخدا «تعمیر المسجد» این چنین معنا شده است: ذکر کردن خدای در مسجد و درس دادن علم در آن و بازداشت خود را از کلام دنیا، پاک داشتن و روشن کردن به چراغ، مرمت کردن

۱. مسند احمد: ج ۵، ص ۱۵۶.

شکسته را، مرمت بنای شکسته و آباد ساختن.^(۱) شاید دهخدا برخی از این موارد را از احادیث استخراج کرده باشند زیرا در روایتی نبی مکرم اسلام ﷺ خطاب به ابوذر فرمودند: هر کس خواننده خدا را پذیرفت و مساجد خداوند را آباد کرد، بهشت پاداش اوست، ابوذر پرسید: چگونه مساجد خدا آباد می‌شود؟ حضرت در پاسخ فرمودند:

«لَا تُرْفَعُ الاصواتُ فِيهَا وَلَا يُخَاضُ فِيهَا بِالبَاطِلِ وَلَا يُشْتَرَى فِيهَا
وَلَا يَبْاعُ وَاتَّرَكُ اللغوُ مَا دُمْتَ فِيهَا فَإِنْ لَمْ تَفْعُلْ فَلَا تَلْوَمْنَ
يُومَ القيمةِ إِلَّا نَفْسُكَ». ^(۲)

«صدایها در آن بلند نگردد و در آن به سخنان بیهوده پرداخته نشود، در مسجد خرید و فروش صورت نگیرد و تازمانی که در مسجد هستی از لغو و بیهوده پرهیز کنی، پس اگر چنین نکردنی، روز قیامت جز خودت را نکوهش مکن».

بنابراین مقصود از «عمارت مسجد» هم آبادی‌های ظاهری آن است و هم آبادی معنوی و از متون روایی استفاده می‌شود که اسلام در مقام ارزش‌گذاری به آبادی معنوی بیشتر از آبادی ظاهری اهمیت داده است.

۱. لغتنامه دهخدا.

۲. مجموعه درام: ج ۲، ص ۶۱.

سؤال ۱۰ - آیا دین اسلام در ارتباط با بنای ظاهری مسجد،

دستور خاصی دارد؟

آنچه از منابع اسلامی و روایات استفاده می‌شود رهنمودهایی کلی درباره بنای مسجد است. روشن است که این رهنمودها در جهت تحقق بخشیدن به همان اهدافی هستند که مسجد برای آن‌ها بنا شده است. در ذیل، به برخی از این رهنمودها اشاره می‌کنیم:

۱ - رعایت سادگی در بنای مسجد: از سخنان اهل بیت ﷺ و سیره عملی آنان استفاده می‌شود که مسجد با وجود برخورداری از شکوه و جلال معنوی، باید از نظر ظاهری ساده و از پیرایش‌های مادی به دور باشد. پیامبر اکرم ﷺ مسجد خود را بسیار ساده بنا کرد، به گونه‌ای که در آغاز، سقف هم نداشت. وقتی گرمای آفتاب به مسلمانان فشار آورد، از پیامبر خواستند تا سایه‌بانی برای آن ساخته شود. با این حال، هنگام آمدن باران از سقف، آب به داخل می‌ریخت. مسلمانان از حضرت خواستند تا سقف مسجد گل مالی شود، حضرت مخالفت نمود و فرمود: سقف مسجد باید همچون خیمه حضرت موسی ﷺ باشد.^(۱) برخی فقهاء با استناد به این قبیل روایات، بی‌سقف بودن مسجد را مستحب دانسته‌اند و برخی ساختن سقف را مکروه.

شهید ثانی رض می‌نویسد:

۱. اصول کافی: ج ۳، ص ۲۹۵ - ۲۹۶.

«باز بودن بخشی از سقف مسجد کافی است؛ زیرا در بیشتر

مناطق برای دفع سرما و گرمابه سقف نیاز است.»^(۱)

البته معنای حفظ سادگی خودداری از به کار بستن «هنر» و «هنرنمایی» هنرمندان نیست، مراعات هنر و سادگی، هم امکان‌پذیر است و هم خود نوعی هنر است و این رسالت بر دوش هنرمندان مسلمان است. تیتوس بورکهارت می‌گوید:

«هنر دینی یک رمز و نماد است و به این اعتبار، وسائل ساده

و ابتدایی آن را بس است.»^(۲)

۲ - استحکام: محکم‌سازی در خلقت و آفرینش شیوه خداوند است:

«صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقْنَ كُلَّ شَيْءٍ».»^(۳)

«آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده است.

پیامبر در همه زمینه‌ها، مسلمانان را به محکم‌کاری سفارش می‌نمود.

در سنن ابی داود، آمده است که پیامبر خدا^{علیه السلام} فرمان داد تا مساجد را خوب بسازیم.^(۴) رعایت استحکام در مسجدسازی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چراکه مسجد بنایی نمادین است و باید از نسل‌های آینده به ارث برسد.

۱. شرح لمعه: ج ۱، ص ۵۴۰.

۲. مجموعه مقالات ۱، مبانی هنر معنوی: تیتوس بورکهارت، «مدخلی بر اصول و روش هنر دینی»،

ص ۸۴.

۳. نمل: ۸۸.

۴. سنن ابی داود: ج ۱، ص ۱۲۵، ش ۴۵۶.

۳ - تناسب مساحت با جمعیت: مراعات این اصل در بنای مسجد، یک ضرورت است؛ چرا که جمعیت روز به روز افزایش می‌باید و امروزه در ساخت مکان‌های عمومی تناسب حفظ می‌شود. رعایت این تناسب در مسجد مهم‌تر است، تا همگان بتوانند فیض حضور در مسجد را داشته باشند. روزی پیامبر برگرهی که مشغول ساخت مسجدی بودند، عبور می‌کرد، فرمود: مسجد را وسیع و جادار بسازید و آن را از جمعیت پر کنید. آنان به فرمان پیامبر مسجد را وسیع ساختند.^(۱)

۴ - مناره: «مناره» در لغت، به معنای جایگاه نور است. نام دیگرش «مأذنه» یعنی محل اذان گفتن است. آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که مساجد زمان پیامبر ﷺ فاقد مناره بودند. از روایات استفاده می‌شود که اصل مناره ساختن مورد نکوهش قرار نگرفته و تنها از بلند ساختن آن نهی شده است. در روایتی آمده است که امام علی علیه السلام فرمودند: «مناره را باید هم سطح با پشت‌بام ساخت».^(۲)

۵ - کنگره: مقصود از «کنگره» اشکال مربعی شکل یا مثلثی است که با فاصله‌های معین در انتهای دیوار و یا پشت‌بام مسجد ساخته می‌شود. در روایات رسیده؛ از ساختن چنین اشکالی در مساجد نهی شده است.

۱. سنن بیهقی (السنن الکبیری): ج ۲، ص ۴۳۹.

۲. من لا يحضره الفقيه: ج ۱، ص ۲۳۹.

پیامبر گرامی فرمودند: مساجد را صاف و بدون کنگره بسازید.^(۱) در روایت دیگری که از امام باقر علیه السلام نقل شده، آمده است: هنگامی که قائم آلمحمد «عج» قیام کند، کنگره‌های مساجد را ویران می‌کند.^(۲)

سؤال ۱۱- چه کسانی صلاحیت احداث و بنای مسجد دارند؟

تاریخ بنای مسجد با تاریخ نهضت نبی اکرم ﷺ پیوندی عمیق و ناگسستنی دارد؛ زیرا اولین مسجد در صدر اسلام بنا نهاده شد. قرآن کریم شروطی را برای بانیان مسجد ذکر می‌کند: در آیه هجدهم سوره توبه می‌فرماید:

«إِنَّمَا يَعْمَلُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهُ». ^(۳)

«تنها آبادگران مساجد کسانی هستند که به خداوند و روز قیامت ایمان دارند و نماز پایی دارند و زکات بدهند و تنها خشیت خداوند را در دل داشته باشند».

از آیه شریفه، شروط ذیل فهمیده می‌شوند:

۱ - اولین شرط جنبه اعتقادی دارد؛ بانیان مسجد حقیقتاً باید انسان‌های خداجو و مؤمن به مبدأ و معاد باشند. بی‌تردید، صفاتی باطن و اخلاص بانیان در ایجاد فضای معنوی و روحدار شدن ساختمان مسجد اثر می‌گذارد.

۱. وسائل الشيعة: ج ۵، ص ۲۱۶، ح ۵، ب ۱۵ از ابواب «احکام المساجد».

۲. همان: ح ۴.

۳. توبه: ۱۸.

۲- شرط دوم آن است که از پای دارندگان نماز باشند. نماز به عنوان مظہر بندگی و راز و نیاز با خداوند، مشخصه انسان‌هایی است که بندگی و عبودیت را از قلب به جوارح سرایت داده‌اند. پس آنان که با نماز همدم و همراز نیستند، هرچند به گونه‌ای در رونق ظاهری و یا ساختن مسجد شرکت داشته باشند، از بانیان مساجد محسوب نخواهند شد.

۳- آبادکنندگان مساجد کسانی هستند که زکات (حقوق مالی واجب خویش) را ادا می‌کنند، نه اینکه ساختن و تعمیر مسجد بهانه‌ای برای شانه خالی کردن از زیر بار و جوهات و حقوق شرعی باشد. بنابراین، از دیدگاه فرآن کریم، کسانی که حقوق مالی خویش را پرداخت نمی‌کنند نمی‌توانند صرفاً با ساختن مسجدی هرچند مجلل در ردیف آبادکنندگان مساجد به حساب آیند.

۴- آنان کسانی هستند که تنها «خشیت خدای را در دل دارند».
علامه طباطبائی در تبیین معنای «خشیت» می‌نویسد:

«مقصود، خشیت دینی است که همان عبادت است،
نه خشیت و ترس طبیعی و عزیزی؛ چه اینکه این نوع ترس
را همه دارند، مگر اولیای مقرّب الهی که از هیچ کس غیر از
خداآوند ترسی ندارند و وجه اینکه از عبادت، به خشیت خدا
کنایه آورده شده است، این است که از میان علل و اسباب
معبدگرگتن، دو چیز از همه معروف تر است: یکی ترس از
غضب معبد، و دوم امید به رحمتش. و امید به رحمت هم
برگشتیش باز به ترس از انقطاع آن است، که آن نیز سخط

معبد است. بنابراین، در حقیقت، همان ترس است و مصدقی است برای ترس که آن را مجسم می‌سازد و میان آن دو ملازمه هست.^(۱)

روشن است که وضع چنین شرایطی برای سازندگان و تعمیرگران مساجد نوعی تأکید خاص بر اهمیت مسجد و بیان شأن و عظمت والای آن است، و گرنه هر مسلمانی اگرچه از اوصاف و شرایط مزبور برخوردار نباشد، شرعاً می‌تواند در عمارت مسجد شرکت داشته باشد، با این تفاوت که از فضایل و پاداش تعمیرگران حقیقی برخوردار نخواهد شد. به دیگر سخن، شروط مذکور انحصارآور نیستند، بلکه شرط کمال و قبولی هستند و نه شرط صحّت و جواز. همچنین روشن است که مقصود از «عمارت» تأسیس تنها نیست و عمارت شامل بنای مسجد، ترمیم و اصلاح آن نیز می‌شود.^(۲)

سؤال ۱۶ - خداوند متعال چه پاداش‌هایی برای بانیان مساجد در نظر گرفته است؟

بانگاهی به روایات، متوجه می‌شویم که وعده‌ها و پاداش‌های الهی برای بانیان مسجد بسیارند؛ به سه مورد که برجسته‌تر از سایر پاداش‌ها هستند، اشاره می‌کنیم:

۱ - مقام «ولی الله» برای سازندگان مساجد: پیامبر گرامی در حدیثی ضمن

۱. المیزان: ج ۹، ص ۲۰۲.

۲. سیماهی مسجد: ج ۱، ص ۱۴۸ - ۱۵۱.

بر شمردن پاداش‌هایی که خداوند متعال برای سازندگان مسجد در نظر گرفته، آنان را «ولی‌الله» (دوستان و یاوران خدا) خوانده است:

«وَمَنْ بَنَى مَسْجِدًا فِي الدُّنْيَا تَبَنَى اللَّهُ بِكُلِّ شَبِيرٍ مِنْهُ أَوْ قَالَ: بِكُلِّ ذرَاعٍ مِنْهُ مسيرةً أربعينَ ألفَ الْفَ عامَ مدینةٌ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ وَدَرٍّ وَيَاقُوتٍ وَزُمْرِدٍ وَزِبْرِجِدٍ وَلُؤْلُؤٍ، فِي كُلِّ مدینةٍ أربعونَ أَلْفَ الْفَ قَصْرٍ، فِي كُلِّ قَصْرٍ أربعونَ أَلْفَ الْفَ دَارٍ، فِي كُلِّ دَارٍ أربعونَ أَلْفَ الْفَ بَيْتٍ، وَفِي كُلِّ بَيْتٍ أربعونَ أَلْفَ الْفَ سَرِيرٍ عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ زَوْجَةٌ مِنَ الْحُورِ الْعَيْنِ وَفِي كُلِّ بَيْتٍ أربعونَ أَلْفَ الْفَ وَصِيفٍ وَأربعونَ أَلْفَ الْفَ وَصِيفَةٍ وَفِي كُلِّ بَيْتٍ أربعونَ أَلْفَ الْفَ مائِدَةٍ عَلَى كُلِّ مائِدَةٍ أربعونَ أَلْفَ الْفَ قَصْعَةٍ وَفِي كُلِّ قَصْعَةٍ أربعونَ أَلْفَ الْفَ لَوْنٍ مِنَ الطَّعَامِ، يُعْطَى (اللَّهُ وَلِيهِ) مِنَ الْقُوَّةِ مَا يَأْتِي عَلَى تَلْكَ الْأَزْوَاجِ وَعَلَى ذَلِكِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ». ^(۱)

«هر کس در این دنیا مسجدی بسازد، خداوند متعال به هر وجبی یا هر ذرای ^(۲) از آن، شهری در بهشت از طلا و نقره و در و یاقوت و زمرد و زبرجد و مروارید برای او بنا می‌کند که بزرگی آن به اندازه پیمودن مسافت چهل هزار هزار سال راه باشد و در هر شهری چهل هزار هزار قصر، در هر قصری

۱. اعلام الدین: ص ۴۲۲ / ثواب الاعمال: ص ۲۹۰ (با کمی اختلاف).

۲. تردید از راوی است و ذرای دست انسان از آرنج تا سر انگشتان را گویند. ر. ک:

فرهنگ فارسی عمید: ص ۶۷۶.

چهل هزار هزار خانه، در هر خانه‌ای چهل هزار هزار اتاق، و در هر اتاق چهل هزار هزار تخت و بر هر تختی همسری از حوریان و در هر اتاقی چهل هزار هزار خادم و چهل هزار هزار کنیز و در هر اتاقی چهل هزار هزار سفره‌گسترده و بر هر سفره‌ای چهل هزار هزار ظرف و در هر ظرفی چهل هزار هزار نوع از انواع طعام وجود دارد و خداوند به «دوست خود» چنان نیرو و توانی عنایت می‌فرماید که بتواند از همه همسران و خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها بهره ببرد».

۲ - خانه‌ای در بهشت: امام باقر علیه السلام در مقام بیان پاداش و ثواب الهی به سازندگان مسجد می‌فرمایند:

«مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمْ فَحَصَ قُطَّاءٌ بَنَى اللَّهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ». ^(۱)

«کسی که مسجدی به اندازه آشیانه قطا ^(۲) بناند، خداوند در بهشت خانه‌ای برای او بنا می‌کند».

روشن است که مقصود حديث آن نیست که ساختمان مسجدی به این کوچکی مطلوب است، بلکه سخن بر اهمیت مسجدسازی دلالت می‌کند تا همگان هرچند با امکانات کم، بتوانند در این عبادت بزرگ شریک شوند.

۱. من لا يحضره الفقيه: ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۷۰۳.

۲. پرنده‌ای که جنه او به اندازه کبوتر است.

ابوعبیده حذاء می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«مَنْ بَنَى مَسْجِدًا بَتَّى اللَّهُ لَهُ يَتَّبَّأَ فِي الْجَنَّةِ. فَمَرَّ بِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي طَرِيقِ مَكَّةَ وَقَدْ سَوَّيْتُ أَحْجَارًا لِمَسْجِدٍ فَقُلْتُ: جَعَلْتُ فَدَاكَ

نَرْجُو أَنْ يَكُونَ هَذَا مِنْ ذَاكَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ». ^(۱)

«کسی که مسجدی را بناند خداوند در بهشت خانه‌ای برای

وی بنا خواهد کرد. روزی در راه مکه در حالی که با سنگ

مسجدی ساخته بودم، به امام صادق علیه السلام برخورد نمودم،

به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم! آیا امیدوار باشم

که این مسجد مصدق همان مسجد است که شما فرمودید؟

امام فرمودند: بلی».

۳ - مانع نزول عذاب الهی: آبادگران مساجد نزد خداوند چنان محبوبند

که خداوند به احترام آنان، کیفر و مجازات بندگان گناه کار را به تأخیر می‌اندازد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - إِذَا أَرَادَ أَنْ يُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِعَذَابٍ يَقُولُ:

لَوْلَا الَّذِينَ يَتَحَاجُّونَ فِي وَيَعْمَرُونَ مَسَاجِدِي وَبِالْأَسْحَارِ، لَوْلَا هُمْ

لَا نَزَّلْتُ عَلَيْهِمْ عَذَابِي». ^(۲)

«خداوند متعال آنگاه که بخواهد اهل زمین را به کیفر اعمال

۱. تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۲۶۴، ح ۶۸ از باب ۲۵ باب «فضل المساجد».

۲. ثواب الاعمال: ص ۱۷۸.

بدشان عذاب نماید، می‌فرماید: به احترام آنان که به خاطر من با یکدیگر دوستی و محبت می‌ورزند و مساجدم را آباد می‌نمایند و سحرگاهان به استغفار می‌پردازند، عذاب خود را بر آنان نازل نمی‌نمایم».

سؤال ۱۳۳ - انگیزه‌ها، اعم از صحیح و غلط ، چه نقشی در مسجدسازی دارند؟

ساختن مسجد و تعمیر آن و کلیه امور مربوط به مسجد عملی عبادی است و صرف ساختن ساختمان یا تعمیر آن بدون قصد قربت و تقرّب إلى الله مقبول درگاه الهی نیست. آیات و روایاتی که مسجدسازی را به عنوان فضیلتی بزرگ یاد کرده‌اند، ناظر به هر مسجدی نیستند، بلکه ساختن آن مساجدی موردنظر است که به انگیزه الهی باشد. نبی اکرم ﷺ می‌فرمایند:

«مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِيُذَكِّرَ اللَّهُ فِيهِ بُنْيَى لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ». ^(۱)

«هر کس مسجدی را به قصد اینکه یاد خدا در آن بشود، بسازد خانه‌ای در بهشت برای او ساخته می‌شود».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در سخن پیامبر «الذکر لله» (تا یاد خدا در آن بشود) مطرح شده و ثواب و اجر نیز بر همان مترتب گردیده است. از این‌رو، اگر مسجدی با نیات دیگری ساخته شود، ارزش نخواهد داشت. قرآن کریم

۱. روضة الوعظين: ج ۲، ص ۳۳۷

با مقایسه انگیزه بنیان‌گذاران مسجد «قبا» - بر تقوا و رضایت الهی - و جانب مقابل یعنی بنیان مسجد «ضرار» - بر تفرّق و کفر - می‌فرماید: گروه نخست مسجد خویش را بر امری مستحکم و استوار بناها نهاده‌اند، در حالی که گروه دوم بنای مسجد را بر تزلزل و سستی و ناپایداری، که گویا آن را بر کنارهٔ دیوارهٔ رودخانه‌ای بنادرده‌اند که هر لحظه احتمال سقوط بنا و فروافتادن سازندگان آن به وادی هلاکت می‌رود. بنابراین، مسجد باید براساس تقوا و رضایت الهی بنا نهاده شود.

شاید به همین دلیل است که می‌بینیم در روایات، از اینکه بنای مسجد از حالت عبادی خارج شود و به عنوان عملی که مایهٔ فخر و مبارفات افراد و جمیعت‌ها نسبت به یکدیگر باشد، نهی شده است. پیامبر گرامی در مقام سرزنش و بیان انحراف امت و نشانه‌های برپایی قیامت می‌فرمایند:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّىٰ يَتَبَاهَى النَّاسُ بِالْمَسَاجِدِ». ^(۱)

«از نشانه‌های قیامت آن است که مردم مسجد را وسیلهٔ فخرفروشی قرار می‌دهند».

نهی از مبارفات و فخرفروشی در بنا اختصاص به مسجد ندارد و اساساً در روایات، از هر بنایی که برای خودنمایی و فخرفروشی ساخته شود نهی شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:

«مَنْ بَنَىْ بُنْيَانًا رَئَاءً وَ سُمْعَةً حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ

۱. سنن بیهقی: ج ۲، ص ۴۳۹.

و هو نارٌ شَتَّىْلُ ثُمَّ تَطَوَّقُ فِي عُنْقِهِ وَ يُلْقَى فِي النَّارِ، فَلَا يَحْسُبُهُ
شَيْءٌ مِّنْهَا دُونَ قِفْرِهَا إِلَّا آنَّ يَتُوبَ.^(۱)

«کسی که بنایی را برای خودنمایی و به گوش دیگران
رساندن بسازد، خداوند این بنا را تا زمین هفتم در حالی
که به صورت آتشی در گردن اوست، بر وی تحمل می‌کند
و او را در آتش می‌افکند. چیزی این شخص را از سقوط
به قعر جهنم حفظ نمی‌کند، مگر اینکه توبه کند».

طبعی است که حدیث مذبور شامل بناؤ ساختمان‌های شخصی هم می‌شود.
لازم است در ساختمان سازی رعایت حال دیگر همسایه‌ها بشود و اگر هم
به فکر دیگران نیستیم، دست کم برای نجات در آخرت از وضعیتی که این سخن
پیامبر ترسیم می‌کند رعایت حال خودمان را بکنیم.

سوال ۱۴ - چرا کفار و مشرکین از عمران مساجد نهی شده‌اند؟

قرآن کریم خطاب به مسلمانان می‌فرماید:

«مَا كَانَ لِّلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمَلُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ - شَاهِدِينَ عَلَى
أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أَوْ لِئَكَ حَبِّطَ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ
خَالِدُونَ». ^(۲)

۱. من لا يحضره الفقيه: ج ۴، ص ۱۱ و ۱۲، باب «ذكر جمل من مناهي النبي ﷺ».

۲. توبه: ۱۷.

«مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند، آنها اعمال شان نابود شده و در آتش جاودانه خواهند ماند».

طبق آیات شریفه قرآن کریم، ایمان اولین شرط قبولی اعمال در نزد پروردگار است و در بینش قرآنی «مسجد» آنگاه مسجد خواهد بود که بنیاد و بنیان آن براساس تقوا نهاده شود، بدیهی است که مشرکان و کفار به دلیل نداشتن ایمان و فقدان باورهای اسلامی و مقاصد الهی، اعمال شان نابود و هیچ‌گونه ارزشی ندارد. و طبق آیه‌ی فوق همیشه در دوزخ باقی خواهند ماند. بنابراین ممنوعیت آنان از عمران مساجد امری طبیعی است. اما اینکه مقصود از «عمارت مسجد» چیست، در سؤال مستقلی به آن پاسخ گفته‌ایم. تاریخ اسلام نیز گویای این واقعیت است که پادشاهان و شاهزادگان منافق چهره در هر دوره‌ای برای پرده‌پوشی به جنایات و ستمگری‌های بی‌حد و حصر و حیف و مال بیت‌المال مسلمین و ذخائر سرشار کشورهای اسلامی، همواره حربه‌ی عمارت و ساخت مسجد و مناره و مشاهد مشرفه را در سرلوحه دستور کار خویش قرار داده‌اند... این‌ها مصداق نوشتۀ تاریخ یعقوبی هستند، آنجاکه می‌گویند:

«کتاب راستی یعنی (قرآن) را بر سر نیزه‌های فریب بالا برده و از حلقوم مناره‌های مساجد. اذان شرک به گوش می‌رسانند و قیصروار عمامه‌ی پیامبر خدا بر سر نهاده و جلاددگونه شمشیر جهاد بر دست می‌گرفتند و با این کارهای عوام فریبانه، سیاستمداران دوران شناخته می‌شدند». ^(۱)

۱. مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت: صص ۵۲ - ۵۱.

سؤال ۱۵ - مسجد را در چه مکانی، و از نظر موقعیت

جغرافیایی در کجا باید ساخت؟

به طور کلی، زمینی را که برای ساختن مسجد استفاده می‌شود باید وقف مسجد شده باشد و سایر اراضی موقوفه را نمی‌توان برای مسجدسازی استفاده کرد و باید در همان جهتی که برای آن وقف شده‌اند استفاده نمود.

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

«الوَقْوَفُ عَلَى حَسَبٍ مَا يَقْفُهَا أَهْلُهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ». ^(۱)

«موقوفات بر اساسی که واقف معین کرده اداره و مصرف می‌شوند».

از این‌رو، از زمین‌هایی که برای اغراض دیگری وقف شده‌اند نمی‌توان برای ساخت مسجد استفاده کرد.

در ارتباط با ساخت مسجد، مکان دیگری که در روایات از مسجدسازی در آن نهی شده قبرستان‌ها هستند. سمعانه بن مهران می‌گوید:

«سُئِلَ أَبْعَدَ اللَّهُ عَنِ زِيَارَةِ الْقَبُورِ وَبَنَاءِ الْمَسَاجِدِ فِيهَا؟ فَقَالَ:

أَمَّا زِيَارَةُ الْقَبُورِ فَلَا يَبْسُطُهَا وَلَا تُبْنِي عِنْدَهَا مَسَاجِدُ». ^(۲)

از امام صادق علیه السلام در باره زیارت قبور و ساختن مسجد در قبرستان سؤال شد، امام علیه السلام فرمودند: زیارت قبور مانع ندارد، ولی نباید در قبرستان مسجد ساخته شود.

۱. اصول کافی: ج ۷، ص ۳۷، حدیث ۳۴، باب «ما يجوز من الوقف و الصدقة و...».

۲. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۲۳۴، ح ۳۴۹۶ باب ۶۵ و باب «كرامة بناء المساجد عند القبور».

در روایت دیگری عبید بن زراره می‌گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

«الأرض كُلُّها مسجَدٌ إِلَّا بَثْرَ غَائِطٍ أَوْ مَقْبَرَةً». ^(۱)

«در تمامی زمین بجز محل چاه دست‌شوابی و قبرستان می‌توان مسجد بنا نمود».

البته باید توجه داشت که از این مسجد بر قبرستان در شرایطی است که مانع دیگری نباشد، ولی اگر مانعی مثل وقف - یعنی اینکه زمین برای قبرستان وقف شده - باشد، بنای مسجد بر آن حرام است. همین طور است اگر بنای مسجد در قبرستان مستلزم نبیش قبر و هتك حرمت مؤمنان مدفون در آنجا باشد.

سؤال: هرگاه شخصی در قبرستان مسلمین، که وقف است، مسجدی روی قبور اموات بنایند، آیا جایز است یا خیر؟ و اگر چنین مسجدی بنایند، آیا نماز در آن صحیح است؟

جواب: ساختن مسجد در قبرستان، که زمین آن وقف قبرستان است، جایز نیست و نبیش قبور مسلمین حرام است و به مجرد ساختن، مسجد نمی‌شود. ولی نماز خواندن در آن مانع ندارد. ^(۲)

سؤال: مسجدی کوچک و خراب و کهنه در محل ما وجود دارد که برای مردم محل بسیار کوچک و غیرقابل استفاده است. زمین اطراف این مسجد،

۱. تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۲۵۹ - ۲۶۰ ، باب «فضل المساجد و الصلاة فيها» و ح ۴۸.

۲. مجمع المسائل: ج ۱، ص ۱۳۲ ، س ۲۲.

قبرستان است. آیا جایز است از هوایی زمین قبرستان برای اضافه و توسعه مسجد استفاده شود، به طوری که از دفن اموات، ممانعت نشود؛ یعنی قسمت فرقانی، مسجد (در ارتفاع دو متر) و قسمت تحتانی قبرستان باشد؟

جواب: اگر موجب نبش قبر یا هتك قبور مسلمین یا تصرف قبرستان نباشد اشکال ندارد، ولی مقداری که از هوایی قبرستان گرفته می‌شود، حکم مسجد پیدا نمی‌کند.^(۱)

ممکن است سؤال شود: آیا در محل نجاست می‌توان مسجد بنانمود یا خیر؟ در پاسخ این سؤال، به ذکر روایتی از مسعدة اکتفا می‌کنیم: مسعدة بن صدقه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در پاسخ به این سؤال فرمود: «اذا ألقى عليه مِن الترابِ ما يُواري ذلكَ وَ يَقطعَ رِيحَه فَلَا يَأْسَ بِذلِكَ لِآنَ الترابَ يُطْهِرُه». ^(۲)

«اگر بر روی آن خاک ریخته شود، به گونه‌ای که آن را پوشاند و بوی آن را قطع کند، اشکالی ندارد؛ زیرا خاک آنجا را پاک و ظاهر می‌کند».

اما در ارتباط با موقعیت جغرافیایی مسجد، به نکاتی کلی اشاره می‌کنیم:
۱- در اماکن پرجمعیت و آباد و در مرکزیت شهرها و محلات، نبش تقاطع‌ها و در دسترس افراد ساخته شود.

۱. استفتات: ج ۲، ص ۳۶۱، س ۶۷.

۲. قرب الأسناد: ص ۳۱-۳۲.

۲- بنای مسجد مناسب با وضع اقتصادی و فرهنگی مردم و ساختمان‌های اطراف باشد، به گونه‌ای که در اسرع وقت تکمیل گردد.

۳- مساجد در فواصل معین و دور از هم ساخته شوند. متأسفانه مشاهده می‌شود به خاطر لجاجت‌های افراد و برخی از خصوصیات‌های شخصی، مساجد متعددی نزدیک هم ساخته می‌شوند و هیچ‌کدام کارآیی لازم را ندارند.

۴- در زمین گسترده ساخته شود و در طرح و اجرای فضاهای جنبی، از قبیل کتابخانه، منزل خادم و امام جماعت، پارکینگ و مانند آن دقت لازم بشود.

۵- حتی‌الامکان، فضای سبز مناسب در محوطه اطراف مسجد دایر گردد.

۶- در مسیرهای شیبدار، اگر مسجد در قسمت‌های پایین باشد بهتر است؛ زیرا اگر مسجد در بلندی باشد ساکنان پایین سراشیبی چه بسا انگیزه لازم برای رفتن به مدرسه نداشته باشند و یا در اثر گذشت زمان، این انگیزه در افراد ضعیف شود. ولی اگر مسجد در نیمه پایین سراشیبی باشد ساکنان بالای سراشیبی انگیزه رفتن برای مسجد دارند، زیرا:

اولاً، سریع می‌رسند؛ چون سرازیری است.

ثانیاً، حرکت به سوی پایین آسان است.

ثالثاً، چون معمولاً بازگشت جمعی است، همراه و همسخن وجود دارد. از این‌رو، سختی مسیر احساس نمی‌شود. علاوه بر آن انگیزه به منزل رفتن قوی است.

رابعاً، قرار بر برگشت آسان است. از این‌رو، امکان استفاده از وسیله نقلیه مسجدی‌ها در بازگشت وجود دارد. البته در موارد استثنایی، که قسمت میانی یا بالای سرایی‌بی‌از مرکزیت خاصی برخوردار باشد، بنای مسجد در آنجا مناسب‌تر است. در هر حال، با توجه به اختلاف مناطق در ساخت و سازهای شهری، نمی‌توان قواعد و دستورالعمل‌های کلی در ارتباط با مسجدسازی وضع نمود. از این‌رو، شایسته است مؤمنان قبل از احداث مسجد، با مشاوره، به دقت جوانب کار را بررسی کنند.

سؤال ۱۶ - نوشتن آیات قرآن بر در و دیوار مسجد جایز

است یا خیر؟

علی بن جعفر برادر امام کاظم علیه السلام می‌گوید:

«أَسْأَلُهُ (مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنِ التَّسْجِدِ كُتُبٌ فِي الْقِبْلَةِ الْقُرْآنُ أَوِ الشَّيْءٌ غَيْرُهُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ، قَالَ: لَا يَبْأَسُ». ^(۱)

«از برادرم (امام کاظم علیه السلام) سؤال کردم: آیا جایز است در سمت قبله مسجد، قرآن یا چیزی از ذکر خداوند نوشته شود؟ امام علیه السلام فرمودند: اشکالی ندارد».

بنابراین، نوشتن آیات قرآن و یا الفاظی که بیانگر ذکر خداوند متعال هستند بر در و دیوار مسجد، مانعی ندارد. البته نویسنده‌گان این آثار باید توجه داشته

۱. قرب الاستناد: ص ۱۲۱.

باشد که نوع نوشتن به صورتی باشد که علاوه بر زیبایی، افراد بتوانند آن را بخوانند. متأسفانه در بیشتر موارد، هدف فقط آراستن مسجد است؛ زیرا بیشتر آیات و روایات مکتوب بر در و دیوار مساجد به عربی هستند و برای بیشتر اهل مسجد قابل استفاده نیستند. از این رو، اگر متولیان امور مساجد از ترجمه آیات و روایات استفاده کنند. به نظر می‌رسد پسندیده‌تر باشد.

یکی دیگر از اموری که متولیان امور مسجد باید توجه کنند این است که در انتخاب جملات و عباراتی که می‌خواهند بنویسن، دقت بیشتری کنند و از افراد آگاه همچون ائمهٔ جماعات کمک بگیرند. برای مثال، اطراف در ورودی مسجد، قسمتی از آداب و دعاهای هنگام ورود نوشته شود و یا اینکه

- مثلاً - با پای راست داخل شوید و صلوات بفرستید و بگویید:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي».

«خدایا گناهان مرا بیخش». «

یا بر بالای در ورودی مسجد جملات مناسبی از قبیل:

«اللَّهُمَّ ضِيقْ لَكَ بِبَابِكَ يَا مُحَسِّنٌ قَدْ أَتَاكَ الْمُسْنِىٌ».

نوشته شود. اطراف در شبستان از طرف فضای داخلی و درون مسجد، دعای خروج از مسجد به همراه کیفیت خروج (با پای چپ) نوشته شود. در جهت قبله، نماز غفیله و دعای فرج نوشته شود. در وضوخانه، بعضی از دعاهای وارد شده به هنگام وضوگرفتن نوشته شود.

باید توجه داشت، در نوشتن اذکار و ادعیه بر در و دیوار مسجد، سادگی مسجد حفظ شود، و به صورتی نباشد که شلوغی نوشته‌ها افراد را از نگاه کردن به آن‌ها خسته کند، چه رسد به خواندن آن‌ها!

باید توجه داشت که هدف از کتابت آیات و روایات و اسماء خداوند، رهایی از غفلت و هوای نفس و توجه به سوی یگانه معبد عالم آفرینش خدای متعال است.

سؤال ۱۷ - در شبستان مسجد در چه محلی قرار بگیرد،

مناسبت‌تر است؟

یکی از مکان‌هایی که نماز خواندن در آنجا مکروه می‌باشد مقابل دری است که باز باشد.^(۱) کراحت نماز در این مکان شاید به دلیل آن است که سبب حواس‌پری و غفلت از یاد خدا می‌شود؛ زیرا شبستان، معمولاً شلوغ است و افراد در حال آمد و شد هستند. از این‌رو، مناسب است در شبستان مسجد تا آنجا که امکان دارد، در طرف مقابل قبله قرار داده شود تا رفت و آمد افراد تأثیری بر نماز مؤمنان نداشته باشد.

نکته دیگری که به نظر می‌رسد به هنگام گذاشتن در لازم است رعایت شود این است که مساجد دارای دو در باشند تا ورودی و خروجی مردان و زنان از یکدیگر جدا باشند. این سنتی است که از زمان پیامبر اکرم ﷺ شروع شد و شایسته است که ادامه یابد. استاد مطهری رهنما می‌فرماید:

«اسلام به خطرات ناشی از روابط - به اصطلاح - آزاد جنسی کاملاً آگاه است. از این‌رو، نهایت مراقبت را در برخوردهای

۱. توضیح المسائل: مسئله ۸۹۸.

زنان و مردان اجنبی دارد؛ تا حدی که منجر به هرج و مرج نشود، طرفدار دور نگه داشتن زنان از مردان است. اسلام در عین اینکه به زنان اجازه شرکت در مساجد را می‌دهد، دستور می‌دهد به صورت مختلط نباشد؛ محل‌ها از یکدیگر جدا باشند. می‌گویند پیغمبر اکرم ﷺ در زمان حیات خویش، اشاره کرد در ورودی زنان به مسجد، از در ورودی مردان مجزا باشد. روزی اشاره به یکی از درها کرد و فرمود: «لو ترکنا هذا الباب لنساءٍ»؛ یعنی خوب است این در را به بانوان اختصاص بدهیم. نیز می‌گویند: پیغمبر اکرم ﷺ دستور داد که شب هنگام، که نماز تمام می‌شود، اول زن‌ها بیرون بروند، بعد مرد‌ها. رسول خدا ﷺ خوش نمی‌داشت که زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون روند؛ زیرا فتنه‌ها از همین اختلاط‌ها بر می‌خizد. یک روز رسول خدا ﷺ در بیرون مسجد بود، دید مردان و زنان با هم از مسجد بیرون آمدند. به زن‌ها خطاب کرد و فرمود: بهتر این است شما صبر کنید، آن‌ها بروند، شما از کنار (کوچه یا خیابان) بروید و آن‌ها از وسط». ^(۱)

۱. مسئله حجاب: ص ۲۳۳ - ۲۳۴.

استاد مطهری در پایان، به فتوای صاحب عروة‌الوثقی در این زمینه اشاره می‌کند که می‌فرماید:

«یکرهُ اختلاطُ النساءِ بالرجالِ الْلَّعجائز». ^(۱)

«مختلط شدن مردان و زنان مکروه است، مگر در مورد پیرزنان».

این استثنای شاید به دلیل آن است که علاوه بر نبودن فتنه در زنان پیر، از نظر معنوی نیز آنان مادران جامعه هستند و باید مورد اکرام و احترام همگان باشند، اگرچه حقیقتاً مادر همه افراد نیستند.

نتیجه آنکه سازندگان مسجد در ارتباط با در شیستان مسجد، دست کم باید دو نکته را مورد توجه قرار دهند:

۱ - تا حد ممکن در شیستان در جهت مقابل قبله قرار گیرد.

۲ - مساجد حداقل دارای دو در باشند تا در ورود و خروج مردان و زنان از یکدیگر جدا باشند.

سؤال ۱۸ - آیا تزیین مساجد و آراستن آنها با طلا جایز

است؟

اساساً نظر شارع مقدس در بنای مسجد بر آن است که مساجد از نظر جلوه ظاهری و مادی در سطحی عادی و معمولی و بلکه ساده و بی‌پیرایش باشند

۱. عروة الوثقی: ج ۲، ص ۸۰۵، مسئلہ ۴۹ از «كتاب النكاح».

تا در خانهٔ خدا، توجه انسان هرچه بیشتر از دنیا و مظاہر بر جستهٔ دنیوی و از جمله طلا و زیورآلات قطع‌گردد و انسان بتواند با حالت توجه قلبی و تمرکز حواس، به توحید و عبادت حق تعالیٰ روی آورد. دقت در کلمات معصومان ﷺ در بارهٔ آراستن مساجد بیانگر آن است که نوعی پیوستگی و ارتباط میان رواج تباہی و فساد در جامعه با روی آوردن به آراستن مساجد وجود دارد. در سنن ابن‌ماجه، به نقل از پیامبر گرامی ﷺ آمده است که:

«ما ساءَ عَمَلَ قَوْمٌ قَطٌّ إِلَّا رَخْرُفُوا مَسَاجِدَهُمْ». ^(۱)

«هرگاه عمل و رفتار گروهی تباہ می‌شود، به طلاقاری و آراستن مساجد خویش روی می‌آورند».

بنابراین، زینت کردن ظاهری مساجد از نشانه‌ها و آثار تباہی در رفتار و کردار جامعه به شمار می‌آید.

از این‌رو، در هر حال، بنای مسجد باید یادآور ذات اقدس حق باشد و حتی‌الامکان با اسمای او مزین گردد تا در و دیوار ییننده را به یاد خدا آورد و چیزی که موجب حواس‌پرتی و غفلت شود در کار نباشد. البته لازم است طراحی اسماء و آیات به گونه‌ای باشد که افراد بتوانند بخوانند. متأسفانه در برخی موارد، مشاهده می‌شود خطوطی نقش می‌شوند که یا اصلاً خوانده نمی‌شوند یا با زحمت و دشواری زیاد، که خود موجب غفلت و حواس‌پرتی می‌گردد!

۱. سنن ابن‌ماجه: ج ۱، ص ۲۴۵، کتاب «المساجد والجماعات»، باب ۲، روایت ۷۴۱.

سؤال ۱۹ - آیا تبدیل کنیف به مسجد جایز است؟

مقصود از «کنیف» مکان‌های آلوده به نجاست می‌باشد. اگرچه نجس کردن مسجد هتک حرمت و از گناهان کبیره به شمار می‌آید، اما بنا کردن مسجد براین‌گونه مکان‌ها، بخصوص بهنگام توسعه مسجد، با شرایطی بلا اشکال است. عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مکانی که زمانی دست‌شویی بوده، سؤال کردم که آیا می‌توان آن را نظافت کرد و مسجد قرار دارد؟ امام علیه السلام فرمودند:

«أُلْقِيَ عَلَيْهِ مِنَ التَّرَابِ حَتَّىٰ يُسْوَارِي فَإِنَّ ذَلِكَ يُظَهِّرُ
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى». ^(۱)

«بر چنین مکانی آنقدر خاکی بریز که نجاست آن پوشیده شوند. این کار زمین را تطهیر خواهد کرد، ان شاء الله».

نظیر این روایت را ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است.^(۲)

مسعده بن صدقه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم:

«أَيْصَلِحُ مَكَانٌ حَشًّا أَنْ يَتَخَذَّ مَسْجِداً؟ فَقَالَ: إِذَا أُلْقَى عَلَيْهِ مِنَ
الثُّرَابِ مَا يُوَارِي ذَلِكَ وَيَقْطَعُ رِيَاهُ فَلَا يَأْسَ وَذَلِكَ لِأَنَّ الثُّرَابَ
طَهُورٌ وَبِهِ مَضَتِ السُّنَّة». ^(۳)

۱. الأستیصال: ج ۱ ، ص ۴۴۲ ، باب «بئر الغائط يتخد مسجداً»، حدیث ۵.

۲. همان: ص ۴۴۱ ، ح ۳.

۳. همان: ص ۴۴۱ - ۴۴۲ ، ح ۴.

«آیا می‌توان مکان دست‌شویی را به مسجد تبدیل کرد؟
امام ﷺ فرمود: اگر به قدری خاک روی نجاسات بریزند
که پوشیده و بوی آن قطع شود مانع ندارد؛ چون خاک،
آن نجاسات را تطهیر می‌کند و سنت پیامبر نیز این‌گونه
بوده است.».

شاید به استناد همین دسته از روایات است که فقهای ما فتوا داده‌اند:
جایز است دست‌شویی و مکان‌هایی مانند آن را، که مشتمل بر بول و غایط
است، مسجد قرار دهند، به این صورت که نجاسات موجود را با خاک پاک
و ظاهر بپوشانند. در این حالت، نجس بودن باطن زمین مسجد ضرری ندارد،
هرچند که تنجیس ظاهر و باطن مسجد در غیر این غرض جایز نیست، ولی در
همین فرض هم احوط آن است که ابتدا نجاست را از این‌گونه مکان‌ها برطرف
کنند، سپس آن را مسجد قرار دهنند، یا اینکه تنها ظاهر زمین را، که پاک است،
مسجد قرار دهنند.^(۱)

لازم به توضیح است که چنانچه زمینی مخصوص دست‌شویی نبوده باشد،
تغییر و تبدیل آن به مسجد بلامانع است، ولی اگر چنانچه آن زمین در جهت
خاص وقف و استفاده شود، تبدیل آن جایز نیست:

سؤال: در اثر توسعه مسجد، توالت سابق آن در حیاط مسجد واقع گردیده
که فعلًاً معذوم و زمین آن موزائیک کاری و تمیز شده. بعضی از مؤمنین در نماز
خواندن روی چنین زمینی که سابقًاً جای توالت بوده، احتیاط می‌کنند.
متمنی است حکم آن را بیان فرماید؟

۱. عودة الوثني: ج ۱ ، ص ۵۹۹ ، مسئلۃ ۱ ، فصل ۱۵ (فی بعض احکام المسجد).

جواب: در فرض سؤال که زمین مزبور برای انتفاع در جهت مخصوص بوده، آن را جزء صحن مسجد قرار دادن، که منافی با آن جهت است. جایز نبوده و حکم مسجد را ندارد. ولکن نماز خواندن در آن مکان مانع ندارد. والله العالم.^(۱)

طبق این استفتتا، مکانی که برای جهت خاصی مثل وضوخانه و دستشویی وقف شده است، چنانچه تبدیل هم شود عنوان «مسجد» را ندارد و اگر واقف ناراضی باشد، چه بسا اقامه نماز در این مکان هم خالی از اشکال نباشد.

مسئلہ ۲۰ - آیا در ساختمان مسجد، می‌توان از مصالح نجس استفاده کرد؟

مصالح ساختمانی مسجد، اعم از آجر و سنگ و سیمان و گچ و مانند آن، که در ساختن دیوار و کف و سقف مسجد به کار می‌روند، باید پاک باشند و بنابر احتیاط واجب، آنچه در قسمت بیرونی دیوار مسجد هم به کار می‌رود، مانند سنگ‌ها و آجرهای تزیینی و غیر آن‌ها نیز باید پاک باشد.^(۲) از این‌رو، به کارگرفتن کارگر و بنای غیر مسلمان در ساختن مسجد، در صورتی که سبب نجس شدن ساختمان مسجد می‌شود و تطهیر آن امکان ندارد، جایز نیست.^(۳)

۱. مجمع المسائل: ج ۱، ص ۱۵۶، س ۱۱۴.

۲. ر.ک: عروة الونق: ج ۱، ص ۷۶-۷۴.

۳. أجوية الأسئلة: ج ۱، ص ۱۲۵، س ۴۱۹.

سؤال ۲۱ - آیا در زمین‌هایی که برای مخارج مسجد وقف شده‌اند، می‌توان مسجد ساخت؟

در زمین‌هایی که وقف مسجدند تا از عواید آن‌ها برای مخارج مسجد استفاده شود، نمی‌توان مسجد ساخت و اضافه کردن مقداری از آن هم برای مسجدسازی جایز نیست.^(۱) به طور کلی، زمین‌هایی که وقف می‌شوند تابع نحوه وقف هستند و هرگونه تصرفاتی خارج از آن محدوده جایز نیست.

سؤال ۲۲ - آیا می‌توان در زمینی که قبلًا حمام بوده و اکنون مسجد شده است نماز خواند؟

«اگر تغییر مورد وقف با اجازه مجتهد جامع الشرائط بوده (چون - مثلاً - به حمام نیازی نبوده است) از این نظر اشکالی ندارد و عدم رضایت فرزندان واقف تأثیری ندارد. ولی اگر اهل محل به آن حمام نیاز دارند، تغییر آن بی مورد بوده است. در این صورت، محل اشکال است».^(۲)

سؤال ۲۳ - آیا نقاشی کردن مساجد جایز است؟
براساس شواهد تاریخی، مساجد در صدر اسلام ساده و بی‌پیرایش بوده

۱. تحریر الوسیله: ج ۲، کتاب «الوقف»، ص ۷۴، مسئله ۵۶.

۲. برای مطالعه بیشتر ر. ک: تحریر الوسیله: ج ۲، کتاب «الوقف».

و هیچ‌گونه نقشی در آن‌ها نبوده است، ولی بعدها در برخی از مساجد تصاویری نقش شده‌اند. از این‌رو، عمرو بن جمیع می‌گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد مساجدی که دارای نقاشی و تصویر هستند، سؤال نمودم، امام علیه السلام فرمود: «آگرہ ذلك». ^(۱)

«این کار را خوش نمی‌دارم».

به همین دلیل، امام خمینی علیه السلام فتوا می‌دهند که:

«بنابر احتیاط واجب، نباید صورت چیزهایی مثل انسان و حیوان را، که روح دارد، در مسجد نقش کنند. و نقاشی چیزهایی که روح ندارد، مثل گل و بوته مکروه است». ^(۲)

سؤال ۱۴ - مقصود از «محراب» چیست؟

لغوین برای «محراب» معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند که در ذیل، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

«المِحْرَابُ -بالكسر و السكون- الغرفةُ و مقامُ الامامِ فِي المسجدِ و يقال: محرابُ المصلى مأخوذٌ من المحاربة لأنَّ المصلى يُحاربُ الشيطانَ و يُحاربُ نفسه باحضارِ قلبه». ^(۳)

۱. اصول کافی: ج ۳، ص ۳۶۹.

۲. توضیح المسائل: مسئله ۹۰۸.

۳. مجتمع البحرين: ج ۲، ص ۳۸.

«محراب - به کسر میم و سکون باء - غرفه یا جایگاه امام جماعت در مسجد است و گفته می‌شود محراب نمازگزار که از محاربه و جنگ گرفته شده است؛ چون نمازگزار با شیطان و هوای نفس می‌جنگد تا حضور قلب پیدا کند».

در لسان العرب نیز آمده است:

«وَمِحْرَابُ الْمَسْجِدِ أَيْضًا صَدْرُهُ وَأَشْرُقُ مَوْضِعِهِ».^(۱)

صدر مسجد را نیز محراب نامیده‌اند، و برخی گفته‌اند: محراب را به آن دلیل «محراب» نامیده‌اند که انسان باید در آن عاری از اشتغالات دنیوی و پریشانی خاطر باشد. در دوران ما، محراب مکانی است که با کیفیت خاصی به عنوان جایگاه مخصوص امام جماعت ساخته می‌شود.

آنچه از تاریخ استفاده می‌شود این است که در گذشته و در شرایع پیش از اسلام نیز مکانی به عنوان محراب و محل عبادت وجود داشته است، هرچند کیفیت این مکان‌ها برای ما روشن نیست. برای نمونه، در مورد حضرت مریم عليها السلام قرآن کریم می‌فرماید:

﴿كُلُّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا﴾.^(۲)

۱. لسان العرب: ج ۱، ص ۳۰۵.

۲. آل عمران: ۳۷.

هرگاه زکریا بر محراب عبادت مریم داخل می شد، نزد او رزقی (از سوی خداوند) می یافت. از روایتی در باره ساختن مسجد پیامبر ﷺ هم استفاده می شود که این مسجد فاقد محراب بود و اگرگاهی تعبیر به محراب النبی ﷺ می شود، مقصود همان محل نماز و مصلاّی حضرت است.^(۱)

۱. ر.ک: اصول کافی: ج ۳، ص ۲۹۶، ح ۱.

فصل سوم

آداب مسجد

سؤال ۲۵ - حاضر شدن با وضو در مسجد چه آثاری دارد؟

مسجد جایگاه عبادت و نیایش به درگاه حق تعالی است. از این رو انسان هر قدر که بتواند باید آماده‌تر و سرزنش در این مکان مقدس حضور پیدا کند؛ وضوگرفتن برای حضور در مسجد از جمله عوامل آماده شدن است و در متون روایی برای این عمل آثاری ذکر شده است.

۱ - امام علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

«هر کس نیکو وضو بگیرد، سپس به مسجد برود تازمانی که حدثی از او سر نزده است در حال نماز است». ^(۱)

[در روایات دیگر مقصود از حدث، غیبت کردن و یا هرگونه گناه دیگری به شمار آمده است].

۱. بحار الانوار: ج ۷۷، ص ۲۳۷.

۲- در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم که:

«هر کس بدون طهارت و بی‌وضو داخل مسجد بشود،

مسجد دشمن اوست». ^(۱)

۳- امام موسی کاظم علیه السلام از پدرش امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«کسی که در خانه‌اش نیکو وضوء بگیرد و خود را خوش بو

کند و سپس با آرامش و وقار از خانه خارج و با رغبت برای

شرکت در جماعت مسلمین برای نماز [به مسجد] برود در هر

قدمی که بر می‌دارد و بر زمین می‌گذارد حسن‌های برایش

نوشته می‌شود و گناهی از او پاک می‌گردد و یک درجه بالا

می‌رود». ^(۲)

۴- در روایتی هم از رسول ﷺ می‌خوانیم که خطاب به پیرامون

فرمودند:

«آیا می‌خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که گناهان را

بپوشاند و بر حسنات بیفزاید؟».

گفتند: آری ای رسول خدا ﷺ حضرت فرمود:

«نیکو و خوب وضو بگیرید اگرچه همراه با سختی زیاد باشد

و بسیار به مسجد بروید». ^(۳)

۱. جامع الاخبار: ص ۷۰.

۲. بحار الأنوار: ج ۸۵، صص ۹۸-۹۹.

۳. وسائل الشيعة: ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۱۰۰۶.

سؤال ۲۶ – آیا پیاده رفتن به مسجد موضوعیت دارد؟

در متون روایی برای پیاده رفتن به مسجد آثاری ذکر شده است که در ذیل اجمالاً

به آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«کسی که به سوی مسجد گام برمی‌دارد برهیچ تر و خشکی

پانمی گذارد مگر این که از زمین اوّل تا هفتم برای او تسیح
می‌کنند». ^(۱)

۲ - امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«خداوند متعال به هیچ چیز مثل سکوت و رفتن به سوی

خانه‌اش عبادت نشده است». ^(۲)

۳ - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«در هر قدمی که به سوی مسجد برمی‌دارید تا هنگامی که

به منزل برمی‌گردید ده حسنہ برایتان نوشته می‌شود و ده گناه

از شما پاک و ده درجه بر ارزش و اعتبار شما افزوده

می‌گردد». ^(۳)

۴ - خداوند متعال هنگامی که اراده می‌کند تا همه اهل زمین را عذاب کند

۱. تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۲۵۵، ح ۲۶.

۲. وسائل الشیعه: ج ۵، ص ۲۰۰، ح ۶۳۲۷.

۳. همان: ج ۵، ص ۲۰۱، ح ۶۳۲۸.

و یک نفر هم استشنا نشود، پس هنگامی که به سالخوردها می‌نگرد که برای اقامه نماز به سوی مساجد گام برمی‌دارند و کودکان به آموختن قرآن می‌پردازند بر همگان رحم می‌کند و عذاب آنان را به تأخیر می‌اندازد.^(۱)

۵- امام باقر^ع به محمد بن مکندر فرمودند:

«آن را که در تاریکی شب به سوی مسجد می‌روند به نوری
ساطع در قیامت بشارت باد».^(۲)

۶- رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} فرمود:

«در قیامت فرمان داده می‌شود مردانی در آتش افکنده شوند، پس خداوند به مالک دوزخ خطاب می‌فرماید: به آتش بگو که قدم‌هایشان [پاهای] را نسوزاند چون به سوی مساجد گام برمی‌داشتند».^(۳)

از مطالعه مجموعه روایاتی که در ارتباط با رفتن به سوی مسجد وارد شده این‌گونه برداشت می‌شود که پیاده رفتن موضوعیت دارد.

۱. همان: ج ۵، ص ۱۹۸، ح ۶۳۲۲.

۲. بخارا الأنوار: ج ۸۰، ص ۳۸۲، ح ۵۲.

۳. همان: ج ۸، ص ۳۲۵.

سؤال ۴۷ - خواندن چه دعاهايی هنگام ورود و خروج از

مسجد سفارش شده است؟

برای ورود و خروج از مسجد دستورات مختلفی در روایات داده شده است،

۱ - امام صادق علیه السلام می فرماید:

«هنگامی که وارد مسجد می شوید، خداوند را ستایش کنید

وبر او و پیامبرش درود و ثنا بفرستید». ^(۱)

۲ - حضرت زهرا علیها السلام نقل می کند که:

«رسول خدا علیه السلام هنگامی که داخل مسجد می شد بپیامبر خدا

درود می فرستاد و می گفت: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ افْتَحْ لِيْ

أبْوَابَ رَحْمَتِكَ. خدایا گناهانم را ببخش و درهای

رحمات را بر من بگشا و هنگامی که از مسجد خارج

می شد بر پیامبر درود می فرستاد و می فرمود: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيْ

وَ افْتَحْ لِيْ أبْوَابَ فَضْلِكَ. خدایا گناهانم را ببخشای

و درهای فضل و روزی را بر من بگشا». ^(۲)

۳ - پیامبر اکرم علیه السلام فرمود:

«هنگامی که بنده داخل مسجد می شود بگویید: اعوذ بالله من

الشیطان الرجیم، شیطان می گویید: کمرم شکست و خداوند

۱. تهذیب الاحکام: ج ۲، ص ۶۵، ح ۱.

۲. الامالی الطوسی: ص ۴۰۱.

برای او به این جمله عبادت یک سال را بنویسد و هنگامی که از مسجد خارج می‌گردد، اگر دوباره تکرار کند، خداوند برای او به هر مویی که در بدن دارد صد حسنه بنویسد و صد درجه او را بالا برد^(۱).
دعاهای زیادی برای هنگام ورود و خروج از مسجد ذکر شده که در کتب تفصیلی آمده است.

سؤال ۲۸- آیا ورود و خروج از مسجد دستور خاص در شرع

قدس دارد؟

مقصود از دستور خاص این نیست که اگر خلاف آن صورت گیرد فرد مرتکب گناهی شده است، بلکه منظور آن است که اگر در هنگام ورود و خروج از مسجد براین اساس عمل شود بهتر است، و آثاری دارد؛ در روایات وارد شده است که وجود مقدس نبی مکرم ﷺ هنگامی که وارد مسجد می‌شد با پای راست وارد می‌شد و می‌فرمود:

«به نام خدا و با توکل بر او و هیچ قدرتی به غیر او نیست.
و هنگامی که خارج می‌شد پای چپش را بیرون می‌گذاشت
و می‌فرمود: به نام خدا پناه می‌برم به او از شیطان رانده شده،
و می‌فرمود: ای علی، کسی که داخل مسجد بشود و چنین

۱. بحار الانوار: ج ۸۱، ص ۲۳.

کند خداوند نمازش را قبول می‌کند و برای هر رکعتی که نماز
گزارده پاداش هزار رکعت را می‌نویسد و در هنگام خروج
اگر آن جمله را بگوید، خداوند گناهانش را بیامزد و برای
هر قدمی که بر می‌دارد درجه‌ای می‌نویسد و برای او در هر
قدمی صد حسنہ می‌نویسد».^(۱)

شاید به همین دلیل است که امام صادق علیه السلام خطاب به پیروان می‌فرماید:
«هنگامی که می‌خواهی وارد مسجد بشوی، ابتدا پای راست
خود را بگذار و بر پیامبر و آل او درود بفرست و هنگامی که
می‌خواهی خارج شوی پای چپت را بیرون بگذار
و بر پیامبر و آلش درود بفرست».^(۲)

سؤال ۴۹ - نماز تحيت چیست و در چه هنگامی خوانده می‌شود؟

نماز تحيت؛ نمازی که به هنگام ورود به مسجد و قبل از نشستن مستحب است
خوانده شود و دو رکعت مثل نماز صبح است فقط نیت آن نماز تحيت است.
در روایتی از رسول خدا علیه السلام خطاب به صحابی بزرگ ابوذر غفاری می‌خوانیم
که فرمودند:

-
۱. جامع الأخبار: ص ۶۸.
 ۲. بحار الأنوار: ج ۸۱، ص ۲۳، ح ۱۳.

«ای ابوذر، مسجد تحيیتی مخصوص به خود دارد».

عرض کردم: تحيیت مسجد چیست؟ فرمود:

«اینکه دو رکعت نماز به جای آوری».^(۱)

در روایت دیگری از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

«از جمله حقوق مسجد [برمؤمنان] آن است که [به هنگام

ورود به آن] دورکعت نماز تحيیت در آن به جای آورند».^(۲)

لازم به ذکر است که چنانچه انسان هنگام ورود و قبل از نشستن در مسجد [که زمان خواندن نماز تحيیت است] اقدام به خواند نماز واجب یا قضای نماز واجب بنماید، از نماز تحيیت کفایت می‌کند.

سؤال ۳۰ - مقصود از «زینت» در آیه شریفه

«خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» چیست؟

آیه شریفه می‌فرماید:

«یا بَنِي آدَمْ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ».^(۳)

ای فرزندان آدم! هنگام رفتن به مسجد زینت خود را برگیرید».

۱. وسائل الشيعة: ج ۵، ص ۲۴۷، ح ۶۴۶۱.

۲. دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۱۵۰.

۳. اعراف: ۳۱.

آیه زینت کردن را یکی از آداب رفتن به مسجد برای مؤمنان ذکر می‌کند.
تفسران از جمله علامه طباطبائی در ذیل این آیه شریفه می‌فرماید:
«مقصود از به همراه داشتن زینت در تمام مساجد، آن است
که انسان هنگام حضور در مسجد، نیکو و پستنیده خود را
بیاراید. و فرمان خداوند به زینت کردن، در حقیقت،
به معنای مطلوب بودن این عمل برای نماز و دیگر عبادات
مشابه همچون طواف می‌باشد و شامل زینت کردن در
نمازهای عید و جماعات یومیه و سایر عبادات نیز
می‌شود». ^(۱)

بنابراین، طبق آیه شریفه، خداوند متعال دوست دارد بندگان او آراسته
و مرتب به خانه‌وی داخل شوند، که البته از نظر عقلی هم رعایت ادب بندگی این
اقتضارا دارد. همچنان که انسان در مهمانی تا حد ممکن آراسته و نیکو حضور
پیدا می‌کند، نیکوست که در حضور معبد و آفریننده خود نیز این چنین حضور
پیداکند. روشن است که مراد از «زینت» فقط آراستگی ظاهر نیست و آرایش
معنوی، که متناسب با نماز و سایر عبادات باشد، نیز منظور است. از این‌رو،
آراسته شدن به زیور فضایل معنوی مانند اخلاق و یاد خدا و خضوع و خشوع
نیز از مصادیق مهم زینت در مسجد است. همچنان که در منابع دینی ما وارد شده
است که ائمه اطهار علیهم السلام ما را به آراستن خود به زیور فضایل معنوی به هنگام
ورود به مساجد فرمان داده‌اند:

۱. المیزان: ج ۸، ص ۷۹.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«اَنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - اَوْحَى إِلَى عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُلْ لِلْمَلَأَ مِنْ
بَنِي اسْرَائِيلَ لَا يَدْخُلُوا يَتِيمًا مِنْ بَيْوَتِي اِلَّا يُقْنُوبُ طَاهِرٍ وَ اَبْصَارٍ
خَاسِعٍ وَ اَكْفُّ نَقْتَةً».^(۱)

«خداؤند - عزوجل - به عیسی بن مریم وحی نمود
که به بنی اسرائیل بگو: جز بادل های پاکیزه و دیدگان خاشع
و دستان پاک به هیچ یک از خانه های من وارد نشوید».

از این رو، می توان گفت: زینت واقعی براساس روایت مذبور، در سه چیز
است:

- ۱ - در قلب که از هرگونه شرک و ریا و کثری به دور و آراسته به طهارت
و پاکی و خالصی باشد.
- ۲ - چشم ها به زینت خشوع در مقابل حق آراسته و از خیانت مبتا باشند.
- ۳ - دست ها که پاک باشند و از حرام و شبھه اجتناب نمایند.^(۲)

البته در روایات وارد شده از ائمّه اطهار علیهم السلام اموری به عنوان مصدق و معنای
«زینت» در تفسیر آیه شریفه ذکر شده اند. در تفسیر عیاشی، ذیل آیه شریفه از
خیشمه نقل شده است که می گوید:

«كَانَ الْحَسْنُ بْنُ عَلَىٰ عَلِيًّا إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ لَيْسَ أَجْوَدَ ثَيَابِهِ.

۱. الحصال: ج ۱، ص ۳۳۷.

۲. سیما مسجد: ج ۱، ص ۳۵۹ - ۳۶۰.

فقیل له: یا بن رسول الله لِمَ تَلِسْ أَجُودَ ثِيابِكَ؟ فَقَالَ اللَّهُ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، فَأَتَجْمَلُ لِرَبِّي وَ هُوَ يَقُولُ: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» فَأَحَبُّ أَنْ أَبْسَ أَجُودَ ثِيابِي». ^(۱)

«امام حسن علیه السلام هر وقت می خواست به نماز بایستد، بهترین لباس های خود را می پوشید. عرض کردند: ای پسر رسول خدا علیه السلام، چرا بهترین لباس های خود را هنگام نماز می پوشی؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و می فرماید: زینت خود را به هنگام سجود - نماز و مسجد - به همراه داشته باشید. من نیز خود را برای پروردگارم زینت می دهم و دوست دارم بهترین لباسم را بپوشم».

از دیگر مصاديقی که در تفسیر آیه شریفه ذکر شده، شانه کردن موی سر است. ای بصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ».

سؤال کردم، حضرت در جواب فرمود:

«هو المِشَطُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةٌ وَ نَافِلَةٌ». ^(۲)

مقصود شانه کردن پیش از هر نماز است، چه واجب باشد و چه مستحب. بنابراین، آنچه از روایات در تفسیر کلمه «زینت» استفاده می شود

۱. تفسیر عیاشی: ج ۲، ص ۱۴.

۲. همان: ص ۱۳.

این است که «زینت» در آیه شریفه، هم شامل آراستگی ظاهری می‌شود و هم شامل آراستگی باطنی و درونی. و ذکر مصاديق در روایات از قبیل پوشیدن لباس نیکو یا شانه کردن جنبه تعیینی ندارد، این‌ها از مصاديق زینت هستند. از این‌رو، استفاده کردن هرگونه زینتی که شرعاً و یا عرفانکوهیده نباشد، از قبیل استعمال عطر و بوی خوش در نماز و مسجد، مطلوب و پسندیده است. علاوه بر آن، در برخی دیگر از روایات، استفاده از عطر نیز از مصاديق زینت به شمار آمد و آثار و فوایدی نیز برای استعمال آن ذکر شده است. در روایتی، امام صادق علیه السلام نقل می‌فرماید که امام سجاد علیه السلام در شبی سرد، در حالی که ردا و عمامه‌ای از خز پوشیده و بوی خوش نیز استعمال کرده بودند، به خادم خود برخورد نمودند. خادم عرض کرد:

«جُعْلْتُ فِدَاثَ! فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ الْهَيَّةِ إِلَى أَيْنَ؟».

«فَدَاهِيتُ شَوْمًا! دَرَأْتُ سَاعَتَ اَذْ شَبَّ بَايْنَ هَيَّاتٍ وَقِيَافَةٍ نِيكَوْ

بِهِ كَجا مِي رويد؟».

امام سجاد علیه السلام در جواب فرمود:

«إِلَى مَسْجِدِ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ». (۱)

«به مسجد جدم پیامبر اکرم علیه السلام می‌روم».

بنابراین، نه تنها در سیره پیامبر علیه السلام و اهل‌بیت علیهم السلام استفاده بسیار از عطر را می‌بینیم، بلکه برای کسی که در نماز از آن استفاده کند فضایلی هم ذکر

۱. اصول کافی: ج ۶، ص ۵۱۷، ح ۵.

شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«صلاتٌ مُتَطَيِّبٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينِ صَلَاةً بِغَيْرِ طَيْبٍ». ^(۱)

«نمایزی که با بوی خوش خوانده شود فضیلتش از هفتاد نماز

در حالت عادی بالاتر است».

در پایان این بحث، به دو اثر از آثار پاکیزگی و استعمال بوی خوش اشاره می کنیم:

۱ - در روایتی از مولای متقيان امام علی علیه السلام وارد شده است:

«النظيفُ مِن الشَّابِ يُذَهِّبُ الْهَمَّ وَالْحَزَنَ وَهُوَ طَهُورٌ لِلصَّلَاةِ». ^(۲)

«استفاده از لباس های پاکیزه و تمیز غم و اندوه را از بین

می برد و برای نماز خواندن هم پسندیده تر است».

بنابراین، از جمله آثار پاکیزگی از بین رفتن غم و اندوه روحی است.

۲ - امام صادق علیه السلام از نبی اکرم ﷺ نقل می کند که فرمود:

«الطَّيِّبُ يَتَسَدَّدُ الْقُلُوبَ».

«بوی خوش قلب را قوی و مقاوم می کند».

آثار دیگری نیز در روایات ذکر شده که به دلیل طولانی شدن پاسخ،
از ذکر آنها خودداری می کنیم.

۱. همان: ص ۵۱۰، باب «الطيب»، ح ۷.

۲. همان: ص ۴۴۴، حدیث ۱۴ از باب «اللباس».

سؤال ۱۳۱ - سلام کردن به مؤمنان حاضر در مسجد چه حکمی دارد؟

به طور کلی، سلام کردن در شریعت مقدس اسلام از جمله مستحباتی است که در اخبار و روایات بسیار بر آن تأکید شده و آثار و ثواب هایی برای آن ذکر گردیده است، بخصوص برای کسی که در سلام کردن به دیگران بر آنها پیشی بگیرد. ولی باید توجه داشت که سلام کردن هنگام ورود به هر مکانی و از جمله مسجد مستحب است، اما در روایات از سلام کردن به شخص نمازگزار نهی شده است. شاید به این دلیل که پرداختن به جواب سلام از سوی نمازگزار، او را از توجه به نماز خویش بازمی دارد و شاید به همین دلیل است که فقهاء فتوا می دهند:

«در حال نماز، انسان نباید به دیگری سلام کند». ^(۱)

امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می کند که فرمود:

«لَا تُسْلِمُوا عَلَى الْمُصْلَى وَ ذَلِكَ لِأَنَّ الْمُصْلَى لَا يَسْطِيعُ أَنْ يَرَدَ

السلام لِأَنَّ النَّسْلِيمَ مِنَ الْمُسْلِمِ تَطْعُعُ وَ الرُّدُّ فِي ضَيْضَةٍ». ^(۲)

«به نمازگزار سلام نکنید؛ زیرا نمازگزار نمی تواند سلام را پاسخ دهد؛ چون سلام کردن مستحب است، ولی جواب آن واجب است».

پس شایسته است که انسان هنگام ورود به مسجد در صورتی که مؤمنان مشغول بجای آوردن نماز هستند، از سلام کردن خودداری کند، ولی اگر گروهی

۱. توضیح المسائل: مسئله ۱۱۳۷.

۲. الخصال: ج ۲، ص ۴۸۴.

از مؤمنان در قسمتی از مسجد، در حال نماز نیستند، مستحب است به آنان سلام کنند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«كُنْتُ أَسْمِعُ أَبِي يَقُولُ إِذَا دَخَلَتِ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَالْقَوْمُ يُصْلِوَنَ فَلَا تُسْلِمُ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى صَلَاتِكَ وَإِذَا دَخَلَتْ عَلَى قَوْمٍ جُلُوِسٍ يَتَحَدَّثُونَ فَسَلِّمْ عَلَيْهِم». ^(۱)

«شنیدم پدرم امام باقر علیه السلام می‌فرمود: هنگامی که به مسجد الحرام داخل شدی و مردم در حال بجای آوردن نماز بودند، به آنان سلام نکن، بلکه بر پیامبر سلام و درود بفرست و به نماز مشغول شو. ولی اگر بر جمعی وارد شدی که مشغول سخن گفتن هستند، بر آنان سلام کن».

ممکن است سؤال شود: چنانچه شخصی وارد مسجد شد و به نمازگزار سلام کرد و او جواب سلام را نداد، نمازش چه حکمی دارد؟ در پاسخ به این سؤال مسئله‌ای از توضیح المسائل حضرت امام خمینی علیه السلام عیناً ذکر می‌کنیم: «اگر نمازگزار جواب سلام را ندهد، معصیت کرده، ولی نمازش صحیح است». ^(۲)

سؤال: اگر کسی به انسان در حال نماز سلام کرد، به چه کیفیتی باید پاسخ داد؟

۱. قب‌الأسناد: ص ۴۵.

۲. توضیح المسائل: مسئله ۱۱۴۲.

جواب: حضرت امام و دیگر فقهاء در پاسخ به این سؤال می‌فرمایند: «و اگر دیگری به او سلام کند، باید طوری جواب دهد که سلام مقدم باشد؛ مثلاً، بگویید: «السلام عليکم» یا «سلامٌ علیکم» و نباید «علیکم السلام» بگویید.^(۱) سؤال: اگر کسی به گروهی سلام کند و بگویید: «السلام عليکم جمیعاً» و یکی از آنان مشغول نماز باشد، آیا بر او هم واجب است جواب سلام را بددهد، حتی اگر دیگران جواب سلام را داده باشند؟

جواب: اگر کس دیگری جواب آن را بددهد، نمازگزار اقدام به جواب گفتن نکند.^(۲)

سُؤال ۳۳۲ - چرا در روایات بر «افروختن چراغ»

در مسجد سفارش شده است؟

مسجد محل عبادت و نور الهی است و مؤمن هنگام نیایش و راز و نیاز با خداوند، خانه دلش به نور معرفت الهی روشن می‌شود. شاید به همین دلیل است که در روایات سفارش شده است: مساجد را تاریک و ظلمانی رهانکید و خانه خدرا با افروختن چراغ، نورانی نگه دارید. شیخ صدوق^{رض} از پیامبر گرامی ﷺ نقل می‌کند که فرمود:

«مَنْ أَسْرَحَ فِي مَسْجِدٍ مِّنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ سَرَاجًا لَمْ تَرَلِ الْمَلَائِكَةُ وَ حَمَلَةُ الْعَرْشِ يَسْتَقْبِرُونَ لَهُ مَا دَامَ فِي ذَلِكَ الْمَسْجِدِ ضَوْءُ مِنَ السَّرَّاجِ». ^(۳)

۱. همان: مسئله ۱۱۳۷.

۲. أجوبة الأستفتات: س ۵۱۳.

۳. من لايحضره الفقيه: ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۷۱۶ / تهذيب الأحكام: ج ۳، ص ۲۶۱.

«هر کس که چراغی را در یکی از مساجد برا فروزد تا آنگاه
که نوری از این چراغ در مسجد برا فروخته باشد، فرشتگان
و حاملان عرش الهی برای افروزنده آن استغفار می‌کنند».

همان‌گونه که از روایت استفاده می‌شود، شاید بتوان مقصود از این حدیث را به مطلق کار نیک و پربرکت معنا کرد؛ یعنی هر تلاش و فعالیت مؤثر و عام‌المنفعه که در جهت حفظ و حراست از خانه خدا و روشن نگهداشت نور الهی صورت پذیرد مقبول و مأجور درگاه الهی است. روشن است که امروزه بازدن یک کلید، خانه خدا و مسجد روشن می‌شود، ولی آیا آثار و ثواب‌های روشن کردن خانه خدا برای کسی است که این کلید را می‌زند؟ قطعاً چنین نیست و مقصود روایت کسانی هستند که هزینه‌های جاری در مساجد را به عهده گرفته‌اند و پرداخت می‌نمایند. اگرچه آن دسته از افراد هم که به هنگام فرارسیدن شب با حضور در مسجد و زدن یک کلید خانه خدا را روشن می‌کنند بی‌اجر نیستند و قطعاً ثواب و پاداشی نزد خداوند دارد. ولی آثار و ثواب‌های بسیاری که در این باره در روایات نقل شده (و در ضمن سؤال مستقلی به آن‌ها اشاره خواهیم کرد) فقط شامل این دسته از افراد نمی‌شود، بلکه مقصود کسانی هستند که باز هزینه‌های مسجد را به دوش می‌کشند.

سؤال ۳۳- چه آثار و ثواب‌هایی برای افرادی که خانه خدا را روشن نگه می‌دارند، در روایات ذکر شده است؟
در روایات و منابع اسلامی، آثار و پاداش‌هایی برای این افراد ذکر شده است که در ذیل، به اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - بخشیده شدن گناهان: پیامبر گرامی ﷺ فرمودند:

«مَنْ أَدْخَلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً سَرَاجًا فِي الْمَسْجِدِ عَفَّرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَ

سَبْعِينَ سَنَةً».^(۱)

«هر کس که در یک شب چراغی را در مسجد برافروزد،

خداؤند گناهان هفتاد سال او را می آمرزد».

از قید «لَيْلَةً وَاحِدَةً» در روایت استفاده می شود که افراد هر چند با امکانات

محدود و کم، حق مشارکت در امور و هزینه های مسجد را دارند تا هیچ کس از

این عبادت بزرگ محروم نگردد.

۲ - برخورداری از ثواب های انبیا: در ادامه حديث مزبور آمده است

که اگر افروختن چراغ در مسجد بیش از یک شب باشد، در برابر هر شبی

خداؤند متعال ثوابی را که به یکی از پیامبران خویش می دهد به وی عطا می کند:

و اگر چراغ افروختن مسجد به ده شب رسید، کسی نمی تواند پاداشی را که او نزد

خدا دارد، توصیف کند.

«وَإِنْ زَادَ عَلَى لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ فَلَهُ بِكُلِّ لَيْلَةٍ يَزِيدُ ثَوَابُهُ تَبَّاعًا فَإِذَا تَمَّ

عَشْرَ لَيَالٍ لَا يَصِفُ الْوَاصِفُونَ مَا لَهُ إِنَّهُ لِلَّهِ مِنَ الثَّوَابِ».^(۲)

۳ - حرام شدن آتش جهنم: در روایت مذکور وارد شده است که از دیگر

آثار روشن نگه داشتن مسجد و خانه خدا، حرام شدن آتش بر بدن فردی است

که خانه خدا را روشن نگه داشته است:

۱. جامع الأخبار: ص ۷۱.

۲. همان.

«فِإِذَا تَمَّ الشَّهْرُ حَرَمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى التَّارِ».^(۱)

«اگر روشن نگه داشتن مسجد توسط فردی به یک ماه رسید، خداوند متعال بدن او را بر آتش حرام می‌کند».

۴- روشنایی قبر: از دیگر آثار روشن نگه داشتن مساجد، روشنایی قبر در عالم بزرخ است. در حدیثی که منسوب به پیامبر اکرم ﷺ است، وارد شده که حضرت فرمودند: در شب معراج، دیدم که بر در ششم بهشت نوشته شده بود:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ لَا يَظْلِمَ لَحَدِهِ فَلِيَنُورِ الْمَسَاجِدَ».^(۲)

«هر کس که دوست دارد قبرش تاریک نباشد، مساجد را روشن نگه دارد».

سؤال ۱۴۳ - آیا صحبت کردن درباره امور دنیوی و بلند کردن صدا در مسجد جایز است؟

مسجد خانه خدا به شمار می‌آید و از جایگاه و عظمت خاصی برخوردار است و هدف از بنای آن عبادت کردن و تقرّب به خدای متعال است. به همین دلیل، در احادیث و منابع روایی، از صحبت کردن درباره امور دنیوی و بلند کردن صدا در آن نهی شده است. در روایتی که از امام علی علیه السلام نقل شده است، فرمودند:

«يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعُدُونَ حَلْقًا ذِكْرَهُمْ

۱. همان.

۲. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۸۵، باب ۲۴، حدیث دوم.

الدُّنْيَا وَ حُبُّ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَئِسَ لِلَّهِ فِيهِمْ خَاجَةً.^(۱)

در آخرالزمان، مردمی یافت می شوند که در مساجد حضور می یابند و تشکیل جلسه می دهند و از دنیا و دوستی دنیا سخن می گویند. با چنین افرادی همنشینی نکنید که خداوند آنان را به حال خود رها کرده و کاری به آنها ندارد. همچنین از بلند کردن صدا در مسجد نهی شده است. ابوذر غفاری از پیامبر اکرم ﷺ پرسید: ای رسول خدا، مساجد را چگونه باید آباد کرد؟ پیامبر فرمودند:

«لَا تُرْفَعُ الْأَصْوَاتُ فِيهَا وَ لَا يُخَاضُ فِيهَا بِالْبَاطِلِ وَ لَا يُشْتَرَى فِيهَا وَ لَا يُبَاعُ وَ اتْرُكُ اللَّغْوَ مَا دُمْتَ فِيهَا. فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَا تَلُومَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَنْفُسَكَ».^(۲)

«آباد کردن مسجد به این است که صدا در آن بلند نشود، گفت و گوهای باطل و بیهوده در آن صورت نگیرند و از خرید و فروش در مسجد خودداری شود و تا وقتی که در مسجد هستی از سخنان بیهوده پرهیز! و اگر این امور را رعایت نکردی در روز قیامت کسی جز خودت را مورد ملامت و سرزنش قرار مده».

حضرت در روایت دیگری، بلند کردن صدا در مسجد را از نشانه های نزول بلا بر امت می شمارند و می فرمایند:

۱. مجموعه ورثام: ج ۱، ص ۶۹.

۲. همان: ج ۲، ص ۶۱.

«إِذَا فَعَلْتُ أُمْتَى خَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً حَلَّ بِهَا الْبَلَاءُ، قَيْلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هِيَ؟ قَالَ: وَإِرْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ». ^(۱)

«هنگامی که پانزده خصلت در میان امت من رایج شود بلا بر آنان نازل خواهد شد؛ از جمله این خصلت‌ها، بلند کردن صدا در مساجد است».

البته معلوم است که گفتن اذان با صدای بلند و قرائت قرآن از موارد استثناست؛ چرا که در روایات متعددی بر بلند گفتن اذان تأکید شده است؛ از جمله در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

«إِذَا اذْنَتْ فَلَا تُخْفِيَنَّ صَوْتَكَ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْجُرُكَ مَدْ صَوْتَكَ فِيهِ». ^(۲)

«هنگامی که اذان می‌گویی، صدایت را کوتاه مکن؛ چرا که خداوند به میزان بلند کردن صدا - و کشیدن آن - به تو پاداش می‌دهد».

اما در قرائت قرآن کریم، علاوه بر رعایت میزان متعارف صدا، به گونه‌ای که با خصوع و خشوع منافات نداشته باشد، باید حال دیگران را هم رعایت کرد تا مبادا قرائت قرآن با صدای بلند، مایه تشویش و یا حواس‌پرتی دیگران شود.

۱. الحصال: ج ۲، ص ۵۰۱-۵۰۲.

۲. تهذیب الاحکام: ج ۲، ص ۴۵، ح ۵۸ باب «الأذان و الأقامة».

سؤال ۳۵ - آیا خوابیدن در مسجد جایز است؟

در ارتباط با خوابیدن در مسجد سه دسته روایات داریم:

۱ - دسته‌ی اول روایاتی هستند که خوابیدن در مساجد را جایز می‌دانند.

معاویه بن وهب می‌گوید: از اما صادق علیه السلام درباره‌ی خوابیدن در مسجد الحرام و مسجد الرسول علیه السلام سؤال کردم؟ حضرت فرمود:

«بله [اگر در مسجد نخوابند] پس مردم در کجا بخوابند». ^(۱)

۲ - دسته‌ی دوم روایاتی هستند که از خوابیدن در همه مساجد منع می‌کنند.

در روایاتی وارد شده است که هر کس بدون عذر در مسجد بخوابد خداوند او را به دردی که دواندارد مبتلا می‌نماید. ^(۲) برخی از روایات هم از خوابیدن در مسجد الحرام و مسجد النبی علیه السلام منع می‌کنند ولی در سایر مساجد را جایز می‌دانند. ^(۳)

۳ - دسته‌ی سوم؛ روایاتی هستند که خوابیدن در مسجد را برای مساکین و افراد بی‌پناه جایز می‌دانند، در روایات متعددی از متون روایی شیعه و اهل سنت می‌خوانیم که:

«مساکین و افراد بینوا در زمان رسول خدا علیه السلام در مسجد می‌خوابند». ^(۴)

۱. الکافی: ج ۳، ص ۳۶۹، ح ۱۰.

۲. جامع الأخبار: ص ۷۰.

۳. الکافی: ج ۳، ص ۳۷۰، ح ۱۱.

۴. قرب الاستناد: ص ۶۹.

فقهای شیعه در جمع بین روایات و با توجه به جایگاه خاص مسجد که ویژه عبادت و نیایش به درگاه خداوند متعال است خواهیدن در مسجد را مکروه می‌دانند. شاید در جمع بین روایات بهتر است بگوییم؛ در صورت عذر خواهیدن در مسجد به شکلی که مانع عبادت سایر مؤمنین نگردد اشکالی ندارد ولی در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۳۶- آیا تکّدی و تقاضای کمک از دیگران در مسجد جایز است؟

به طور کلی، تکّدی و تقاضای کمک از دیگران عملی ناپسند و مذموم است. متأسفانه حتی گاهی مشاهده می‌شود که برخی افراد با وجود بی‌نیازی، با زیر پا گذاشتن شخصیت و حرمت انسانی، به این کار عادت کرده، آن را به نوعی «شغل» خود قرار داده‌اند! در ناپسندی تکّدی، همین بس که در صورت احتیاج هم در روایات از آن نهی شده است. امام باقر علیه السلام در مقام نکوهش این عمل، خطاب به محمد بن مسلم می‌فرمایند:

«يا محمد، لو يعلم السائل ما في المسألة ما سأله أحد أحداً
ولو يعلم المعطى ما في العطية ما رد أحد أحداً». ^(۱)

«ای محمد! کسی که از دیگری درخواست کمک می‌کند، اگر می‌دانست که سؤال کردن چه آثار زیان‌باری به‌دلیل دارد، هرگز سؤال نمی‌کرد. و اگر آنکه چیزی به سائل

۱. اصول کافی: ج ۴، ص ۲۰.

می‌دهد، می‌دانست که عمل او چه پاداشی دارد هیچ‌گاه
سائلی را رد نمی‌کرد».

آن‌گاه امام باقر علیه السلام فرمودند: ای محمد! کسی که در حال بی‌نیازی، از مردم
تکدی می‌کند، روز قیامت در حالی که گوشتی بر صورت ندارد، خداوند متعال
را ملاقات می‌کند.

تکدی و درخواست سؤال در مجالس و به طور آشکار، در همه مکان‌ها
موردنی ی قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«قال رسول الله ﷺ: لَا تَسْأَلُوا أُمَّتِي فِي مَجَالِسِهَا فَتَبَخَّلُوا هُنَّا». ^(۱)

«رسول خدا علیه السلام فرمودند: از امت من در میان مجالس
و اجتماعات تقاضای کمک نکنید. این کار باعث می‌شود
که آنان را (در صورتی که چیزی به شما ندهنند) بخیل
بشمیرید».

برخی از دیگر روایات، به کتمان حاجت سفارش می‌کنند. بنابراین،
کراهت تکدی در صورت احتیاج و حرمت آن در صورت بی‌نیازی اختصاص
به مسجد ندارد. البته چنانچه افراد نیکوکار، هر از گاهی برای مصارف خیر
و کمک به مستمندانی که خود می‌شناسند، اقدام به جمع‌آوری بخشش‌ها
و انفاقات مؤمنان بکنند، کراهتی ندارد؛ زیرا بر این عمل، عنوان کمک و تعاون
بر «بِرٍّ و تَقْوَى» صادق است و نه تکدی و سؤال.

۱. همان: ج ۴، ص ۴۸ - ۴۷.

**سؤال ۳۷ - آیا می‌توان از مساجدی که دو درب دارند
به عنوان گذرگاه استفاده کرد؟**

انسان نباید از مساجدی که دارای دو درب هستند، برای انجام کارهای روزانه استفاده کند؛ زیرا این کار عظمت و قداست مسجد را تا حد کوچه و خیابان تنزل می‌دهد. امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کنند که حضرت فرمودند: «لا تجعلوا المساجد طرفاً حتى تصلوا فيها ركعتين». ^(۱) «مساجد را گذرگاه و محل عبور خود قرار ندهید، مگر اینکه دو رکعت نماز در آن‌ها بجای آورید».

از برخی احادیث دیگر، استفاده می‌شود که یکی از کارهای ناپسند مردم در آخرالزمان، گذرگاه قرار دادن مساجد است؛ ^(۲) مساجد را راه عبور خود قرار می‌دهند.

بنابراین، انسان باید از گذرگاه قرار دادن مساجد خودداری کند، مگر اینکه هرگاه از مسجد عبور کرد دو رکعت نماز در آن بجای آورد که در این صورت، رفع کراحت می‌شود.

سؤال ۳۸ - خارج شدن با عجله از مسجد چه توابعی دارد؟

در فرهنگ اسلامی از تعجیل و عجله کردن در هر کاری، غیر از امور خیر که دستور مستقیم سرعت گرفتن مؤمنان بر یکدیگر در آن سفارش شده است

۱. همان: ج ۴، ص ۳، ح ۴۹۶۸.

۲. روضة الوعظین: ج ۲، ص ۳۳۸.

«فاستبقوا الخيرات» نهی شده است و داشتن صبر و حوصله در زندگی و انجام کارها و امور از صفات مؤمنین به شمار آمده است. برای مسجد رفتن هم سفارش شده است که جزء اولین کسانی باشید که به مسجد می‌روید و برای خروج جزء آخرین افراد باشید و چنانچه به هنگام خروج و برای خروج از مسجد عجله کنید به تعبیر روایات گرفتار فقر و نداری خواهید شد وجود مقدس رسول خدا^{صلی الله علیہ و آله و سلم} می‌فرماید: بیست خصلت موجب پیدایش فقر است و از آن جمله است:

«وَتَعْجِيلُ الْخُرُوجِ مِنَ الْمَسْجِدِ». ^(۱)

«عجله کردن به هنگام خارج شدن از مسجد».

۱. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۴۴۶، ح ۳۹۵۸.

فصل چهارم

عبادت و آثار حضور در مسجد

سؤال ۱۳۹ - اذان چیست و مؤذن کیست؟

اذان؛ کلمات مخصوصی که از وحی خداوند برای اعلام وقت نماز، گرفته شده است. اذان در لغت به معنای؛ اعلان، آگاهی، اعلام کردن و خبر دادن از وقت نماز، با خواندن کلمات مخصوص، به آواز بلند، در ساعت‌های معین، در گل دسته و مناره یا جای دیگر و بانگ نماز آمده است.^(۱) اذان دارای هجده جمله است.^(۲) و به دو قسم اذان اعلان و اذان نماز تقسیم می‌شود. «اذان اعلان»؛ اذانی که به منظور آگاهی امت مسلمان از رسیدن وقت نماز گفته می‌شود. و «اذان نماز» پیش از نماز و متصل به آن است. و مؤذن کسی است که در اوقات نماز اذان می‌گوید و رسیدن وقت نماز را به همه‌ی مردم و مسلمانان اعلام می‌کند.

۱. معجم مقاييس اللغة: ج ۱، ص ۷۷ / لسان العرب: ج ۱، ص ۱۰۵ .

۲. ر.ک: العروة الوثقى: ج ۱، ص ۶۰۱ - ۶۰۲ .

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«طول دیوار مسجد پیامبر ﷺ به اندازه‌ی قامت یک انسان بود، پیامبر ﷺ در هنگام اذان به بلال می‌فرمود: ای بلال، بالای دیوار برو و صدایت را به گفتن اذان بلند کن، همانا خداوند بادی را مأمور کرده است تا اذان را به آسمان‌ها برند. و همانا ملائکه الهی هنگامی که صدای اذان را از زمینیان می‌شنوند می‌گویند: این صدای امت محمد ﷺ به یگانگی خداوند عزوجل است. و استغفار و طلب آمرزش برای امت محمد ﷺ می‌کنند تا هنگامی که از آن نماز فارغ می‌شوند». ^(۱)

سؤال ۵۰ - مؤذن چه جایگاهی در پیشگاه خداوند متعال

دارد؟

در روایتی از رسول خدا ﷺ می‌خوانیم که حضرت فرمود:

«هر کس متولی اذان مسجدی از مساجد خدا باشد و در آن فقط برای خدا اذان بگوید، خداوند ثواب چهل هزار هزار پیامبر و چهل هزار هزار صدیق و چهل هزار هزار شهید به او بدهد و چهل هزار هزار امت را که در هر یک چهل هزار هزار مرد است از شفاعت او بهره‌مند سازد و او را در هر

۱. الکافی: ج ۳، ص ۳۰۷، ح ۳۱.

باغی از باغ‌های بهشت که هزار هزار شهر است و در هر شهری چهل هزار هزار قصر و در هر قصری چهل هزار هزار خانه... روزی دهد. پس هنگامی که مؤذن لب به اذان بگشاید و بگوید اشهد أن لا اله الا الله چهل هزار هزار ملک او را احاطه کند و بر او درود فرستند و برایش استغفار نمایند. و در زیر سایه عرش الهی باشد، تا از اذان فارغ شود. و ثوابش را چهل هزار هزار ملک بنویسند آنگاه آن را نزد خدای تعالیٰ بالا برند.^(۱)

در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم:

«هر کس ده سال برای رضای خدا اذان بگوید، خداوند به اندازه‌ی دیدرس وی و انعکاس صدایش در آسمان او را می‌آمرزد. و هر تر و خشکی که صدای او را می‌شنود، او را تصدیق می‌کند و از ثواب هر کس که با وی در آن مسجد نماز می‌خواند، او را سهمی است. و برای او به ازای هر کس که با صدای او به نماز می‌ایستد، حسن‌های ثبت می‌شود».^(۲) روایات بسیاری در این باب موجود است که به ذکر دو روایت فوق اکتفا می‌کنیم.^(۳)

۱. ثواب الاعمال: ص ۲۹۰.

۲. تهذیب الاحکام: ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۳۳.

۳. ر.ک: «باب الأذان والأقامة و ثواب الأذان» در کتب مختلف حدیث.

سؤال ۱۴۱ - چرا در شرع مقدس توصیه شده که نماز را در مساجد متعدد و نقاط مختلف یک مسجد به جای آورید؟

در پاسخ به سؤال فوق نکاتی قابل توجه است:

۱ - قرآن کریم از مسجد خاصی نام نمی‌برد و به مسلمانان دستور می‌دهد که به هر مسجدی روی آورید؛

«**قُلْ أَمْرِ رَبِّيْ بِالْقَسْطِ وَ أَقِيمُوا وَجْهَكُمْ عَنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ
وَادْعُوهُ مُخْلِصًّا لِهِ الدِّينِ.**^(۱)

«بگو ای پیامبر؛ پروردگارم امر به عدالت کرده، و توجه خویش را در هر مسجد [به هنگام عبادت] به سوی او کنید، و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید».

تفسرین در تفسیر اقیموا وجوهکم نظرات مختلفی دارند. یکی از نظرات اینست که وقتی در مسجدی وقت نمازی را درک کردید همانجا نمازتان را بخوانید و نماز را به تأخیر نیندازید. براساس این تفسیر معنای آیه این خواهد بود که به جای آوردن نماز در مساجد متعدد مطلوب است.^(۲)

۲ - در منابع دینی وارد شده، زمین و دیگر آفریده‌ها، شاهد اعمال انسان هستند و در روز قیامت، به نفع و یا بر علیه انسان [نسبت به نوع عمل و رفتار انسان]

۱. اعراف: ۲۹.

۲. ترجمه المیزان: ج ۸، صص ۹۲-۹۱.

شهادت می‌دهند، از جمله آثار اقامه‌ی نماز در مساجد متعدد این است که این مساجد در صحراهای محشر به نفع نمازگزار شهادت خواهند داد.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«وَصَلُوا مِنَ الْمَسَاجِدِ فِي بَقَاعٍ مُّخْتَلَفَةٍ فَإِنَّ كُلَّ بُقْعَةٍ تَشَهُّدُ لِلْمُصْلِي عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^(۱)

«در جاهای متعدد و مختلف از مساجد نماز بجای آورید، چون هرگوشهای از زمین در روز قیامت برای کسی که بر آن نمازگزارده باشد شهادت می‌دهد».

از حدیث شریف، هم مطلوبیت نماز در مساجد متعدد استفاده می‌شود. و هم اینکه در مورد مسجد واحد هم شایسته است انسان در نقاط مختلف آن مسجد نماز و عبادت به جای آورد. شاید به همین جهت، وجود مقدس نبی اکرم علیه السلام در وصیت خویش به ابوذر غفاری می‌فرمایند:

«يَا أَبَا ذِرٍ، مَا مِنْ رَجُلٍ يَجْعَلُ جَبَّهَتَهُ فِي بُقْعَةٍ مِّنْ بِقَاعِ الْأَرْضِ إِلَّا تَشَهُّدُ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَا مِنْ مَنْزِلٍ تَرَلَهُ قَوْمٌ إِلَّا وَ أَصْبَحَ ذَلِكَ الْمَنْزِلُ يُصَلِّي عَلَيْهِمْ أَوْ يَلْعَنُهُمْ. يَا أَبَا ذِرٍ، مَا مِنْ صَبَاحٍ وَ لَرِوَاحٍ إِلَّا وَ بِقَاعُ الْأَرْضِ يُنَادِي بَعْضُهَا بَعْضًا يَا جَازَةً، هَلْ مَرَّ بِكَ الْيَوْمَ ذَا كَرِيلَلَهِ (تعالیٰ) أَوْ عَبْدُ وَضَعَ جَنَاحَتَهُ عَلَيْكَ سَاجِدًا لِللهِ (تعالیٰ) فَمَنْ قَاتَلَهُ لَا وَ مِنْ

۱. امامی صدوق: صص ۳۵۹ - ۳۵۸.

فَإِذَا قَالَتْ نَعَمْ؛ إِهْنَرَثْ وَ اُشْرَحَثْ وَ تَرَى أَنَّ لَهَا
فَضَلَّاً عَلَى جَارِتَهَا». ^(۱)

ای ابوذر، هر انسانی که پیشانی خود را برای سجده
بر قطعه‌ای از زمین بگذارد، آن زمین در روز قیامت به نفع
وی شهادت خواهد داد. و هر قوم و گروهی که در مکانی
فرود آیند، (چنان چه صالح باشند) آن مکان بر آنها درود
می‌فرستد و (چنان چه گناهکار و فاسد باشند) آنان را لعن
و نفرین می‌نمایند. ای ابوذر، در هر صبح و شام بخش‌های
مختلف زمین بایکدیگر به گفتگو می‌پردازند. یکی به دیگری
می‌گوید: ای همسایه، آیا امروز کسی که به یاد خداوند باشد
یا بنده‌ای که پیشانی اش را برای سجده بر تو قرار دهد از تو
گذر نموده است؟ برخی با سخن مثبت می‌دهند و برخی با سخن
منفی. بخش‌هایی از زمین که به چنین انسان‌هایی برخورد
نموده باشند به شور و وجد آمده، احساس فرح و شادی
می‌کنند و این موفقیت را که چنین انسانی بر آنها عبور نموده،
برای خود فضیلت و امتیازی بر همسایه خود به حساب
می‌آورند».

آری زمین به ظاهر بی‌جان از عبور انسان‌های صالح و موحد بر روی خود
می‌بالد، و فخر و مبارکات می‌کند. این وابستگی زمین به انسان‌های نیکوکار

۱. امالی طوسی: ص ۵۳۴ / وسائل الشیعه: ج ۵، ص ۱۸۸.

تا آنجا ادامه می‌یابد که در برخی از روایات وارد شده؛ بخش‌هایی از زمین که مؤمنین در آن مکان‌ها خداوند را عبادت کرده‌اند در مرگ مومن همراه با فرشتگان الهی به سوگ می‌نشینند و گریه و زاری می‌کنند.

امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند:

«إِذَا ماتَ الْمُؤْمِنُ بَكْتُ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَ بِقَاعُ الْأَرْضِ الَّتِي
كَانَ يَعْبُدُ اللَّهُ عَلَيْهَا وَ أَبْوَابُ السَّمَاءِ الَّتِي كَانَ يُصْعَدُ فِيهَا
بِأَعْمَالِهِ...».^(۱)

«هنگامی که مومن می‌میرد فرشتگان و بخش‌هایی از زمین که مومن خداوند را در آنها عبادت نموده و درهای آسمان که اعمال او از آنجا صعود کرده است، همگی در ماتم وی می‌گردند».

۳ - از آنجا که هدف از حضور در مسجد، انجام اعمال عبادی و تقرب به خدای تعالی است؛ لذا هرگونه وابستگی به مسجد خاصی مثل مسجد محل یا جامع و... و یا امام جماعت خاصی، باعث می‌شود تا انسان در بسیاری از اوقات از فیض حضور در نمازهای جماعت و خواندن نماز در وقت فضیلت محروم شود. و این امر با هدف رفت و آمد به مساجد چندان که باید سازگار نیست.

۱. اصول کافی: ج ۱، ص ۳۸.

سؤال ۱۴۱ - در چه مساجدی مسافر مخیّر است

که نماز را تمام یا قصر بخواند؟

در چهار مکان است که مسافر مخیّر است نماز خود را به قصر یا به اتمام بخواند:

۱ - مسجد الحرام در مکه؟

۲ - مسجد النبی در مدینه؟

۳ - مسجد کوفه در شهر کوفه؟

۴ - زائر امام حسین علیه السلام در کربلا معلی.

مسافر می‌تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر و مسجد کوفه نمازش را تمام بخواند. ولی اگر بخواهد در جایی که اول جزء این مساجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند و نیز مسافر می‌تواند در حرم و رواق حضرت سید الشهداء علیه السلام بلکه در مسجد متصل به حرم، نماز را تمام بخواند.^(۱)

سؤال ۱۴۲ - فلسفه تشریع نماز جماعت چیست؟

بی تردید چنان چه جامعه‌ای دچار تشتت و اختلاف و تفرقه شود، بخش مهمی از نیرو و توان و استعداد خود را در کشمکش و درگیری‌ها از دست خواهند داد. و این برای تمام جوامع و مخصوصاً جامعه‌ی اسلامی بسیار خطرناک و نامطلوب است؛ از این‌رو در اسلام، وحدت، یک دلی و همبستگی افراد جامعه

۱. توضیح المسائل: مسئله ۱۳۵۶.

با یکدیگر در پرتو دستورات و فرامین الهی از اساسی‌ترین نیازهای جامعه به شمار آمده، و در راستای ایجاد «وحدت» قوانین و دستورالعمل‌های برای مسلمانان وضع شده است؛ از جمله این قوانین و دستورات که در مکتب اسلام بسیار بر انجام آن تأکید شده، به جای آوردن «نمایز جماعت» در هر روز و «نمایز جمعه» هفته‌ای یک بار می‌باشد. از آنجاکه غالباً برگزاری نمازهای جمعه و جماعت در مساجد می‌باشد، از این‌رو؛ مسجد در ایجاد «وحدت» و «همبستگی» دارای نقش و جایگاهی ویژه خواهد بود. از پرسش‌هایی که از ائمه معصومین علیهم السلام در ارتباط با فلسفه‌ی تشریع نماز جماعت پرسیده شده است؛ به برخی از آثار این عمل اشاره شده، که در ذیل اشاره می‌کنیم:

فضل بن شاذان از امام هشتم حضرت رضا علیه السلام می‌پرسند: «فَلَمْ يُجْعَلْ
الْجَمَاعَةُ؟». چرا نماز جماعت تشریع شده است؟ امام هشتم در پاسخ به این سؤال به آثار فردی و اجتماعی نماز جماعت اشاره می‌فرمایند:

«إِنَّ لَا يَكُونُ الْأَخْلَاصُ وَالتَّوْحِيدُ وَالإِسْلَامُ وَالْعِبَادَةُ لِلَّهِ إِلَّا ظَاهِرًا
مَكْشُوفًا مَشْهُودًا، لَأَنَّ فِي إِظْهَارِهِ حُجَّةٌ عَلَى أَهْلِ الشَّرْقِ وَالْغَربِ
لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحْدَهُ وَلَيَكُونَ الْمُنَافِقُ وَالْمُسْتَخْفُ مُؤْدِيًّا لِمَا أَفْرَيْهُ
بِظَاهِرِ الْأَسْلَامِ وَالْمَرَاقِبَةِ وَلَيَكُونَ شَهَادَتُ النَّاسِ بِالْإِسْلَامِ مِنْ
بَعْضِهِمْ لِيَعْضُّ جَائِزَةً مُكْتَنَةً مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبَرِّ
وَالْتَّقْوَى وَالرَّجُرِ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ...».^(۱)

۱. علل الشریع: ج ۱، ص ۲۶۲.

«برای اینکه بندگی خالصانه و یکتاپرستی و اسلام و عبادت خداوند عزوجل علنى و آشکارگردد از اين طريق حجت الهى بر همه انسانها تمام گردد و منافقان و مؤمنانى که سهل انگارند و نماز را سبک مى شمارند از دیگر مؤمنین شناسایی گرددند و مؤمنین بتوانند به اسلامیت یکدیگر گواهی و شهادت دهنند، علاوه بر اینکه حضور و شرکت در نماز جماعت کاری نیک و پرهیزکاری و دوری از بسیاری از گناهان را به دنبال خواهد داشت».

در روایت دیگر وجود مقدس امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«إِنَّمَا جُعِلَ الْجَمَاعَةُ وَالْأَجْتَمَاعُ إِلَى الصَّلَاةِ لِكَيْ يُعْرَفَ مَنْ يُصَلِّي مِمَّنْ لَا يُصَلِّي وَمَنْ يَحْفِظُ مِوَاقِيتَ الصَّلَاةِ مِمَّنْ يُضِيعُ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يُمُكِّنْ أَحَدٌ أَنْ يَشْهَدَ عَلَى آخرَ بِصَالَحَ لِأَنَّ مَنْ لَا يُصَلِّي لَا صَالَحٌ لَهُ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ... وَقَدْ كَانَ يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه وسلم لَا صَلَاةً لِمَنْ لَا يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مِنْ عِلْمٍ».^(۱)

«همان نماز جماعت و اجتماع و گردد هم آیی برای نماز به این خاطر مقرر شده است که نماز خوان و بی نماز از یکدیگر شناخته شوند و نیز کسی که محافظت بر اوقات نماز می کند از کسی که آن را ضایع و تباہ می سازد جدا و مشخص گردد

۱. من لا يحضره الفقيه: ج ۳، ص ۳۸

و اگر نماز جماعت نبود فردی از جامعه‌ی اسلامی نمی‌توانست به صلاحیت فرد دیگر شهادت و گواهی دهد، چون کسی که نمازش را نخواند در بین مسلمین برای او صلاحیت و جایگاهی نیست؛ رسول‌گرامی اسلام فرمودند: نمازی نیست برای کسی که بدون عذر و علتی در مسجد و با مسلمین نماز نمی‌خواند».

از دو روایتی که در فوق ذکر کردیم آثار اجتماعی نماز جماعت ظاهر می‌شود که به طور خلاصه اشاره می‌کنیم:

۱ - آشکار شدن اسلام و بندگی خدا و آئین توحید و یکتاپرستی و اتمام حجت بر آنان.

۲ - شناخته شدن نمازخوان و افراد بی‌نماز در اجتماع مسلمانان.

۳ - شناخت منافقان و کاهلان از مؤمنین حقیقی و شهادت دادن مردم بر یکدیگر.

۴ - ترویج روحیه‌ی تعاون و همکاری و مشارکت در کارهای عمومی و عام‌المنفعه.

۵ - ترویج روحیه‌ی تقوا و پرهیزکاری.

۶ - تحقق نظارت عمومی بر رفتار و کردار افراد جامعه و در نتیجه اجتناب افراد از معاصی و فراهم شدن محیط سالم اجتماعی.

سؤال ۱۴۱ - چه فضیلت‌هایی برای نماز جماعت ذکر

شده است؟

برگزاری و اقامه‌ی نماز جماعت در اسلام تأکید و سفارش فراوان شده است، و از جانب خداوند متعال، آثار و فضایل ارزشمندی برای کسانی که در برپائی و اقامه‌ی این عمل تلاش می‌کنند، منظور گردیده است. در نامه‌ای از امام رضا^{علیه السلام} به مأمون عباسی در فضیلت «نماز جماعت» می‌خوانیم:

وَفَضْلُ الْجَمَاعَةِ عَلَى الْفُرْدِ بِكُلِّ رَكْعَةٍ أَلْفَارَ كُعْتَةٍ...^(۱)

«ثواب و پاداش هر رکعت نماز جماعت به فرادا برابر با دو هزار رکعت است».

پیامبر گرامی اسلام^{صلی الله علیه و آله و سلم} به امام علی^{علیه السلام} فرمودند:

«يَا عَلَيُّ إِنَّ مَنْ صَلَّى اللَّهَ أَوْنَادَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَانَ مَا قَاتَ اللَّهَ أَوْنَادَ كُلُّهُ رَاكِعاً وَ ساجِداً».^(۲)

«ای علی؛ هر کس نماز صبح را به جماعت بخواند، گویا تمام شب را با حالت رکوع و سجود گذرانده باشد». پیامبر گرامی اسلام، مواطلت بر نماز جماعت را؛ بهترین راه برای عبور از پل صراط می‌دانند:

۱. وسائل الشيعة: ج ۸، ص ۲۸۹، باب یکم، باب تأکد استحبابها فی الفرائض و ...

۲. دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۱۵۳ .

«مَنْ حَفِظَ عَلَى الْجَمَاعَةِ حَيْثُ مَا كَانَ مَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبَرِقِ

اللَّامِعِ فِي أَوَّلِ زُمْرَةٍ مَعَ السَّابِقِينَ وَ وَجْهُهُ أَصْوَاءُ مِنَ الْقَمَرِ لَيْلَةَ

الْبُدْرِ وَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةً حَافِظَ عَلَيْهَا ثَوَابُ شَهِيدٍ...».^(۱)

«کسی که بر نماز جماعت مواطب نماید، از پل صراط

با اولین گروه، همانند برق لامع - بسیار سریع - می‌گذرد.

در حالی که سیمای او روشن‌تر از ماه چهاردهم می‌باشد.

و برای هر شب و روزی که بر نماز جماعت محافظت نماید،

ثواب شهید داده می‌شود».

در روایت دیگری صفووف نمازگزاران را به صفاتی ملائکه‌ی الهی تشبیه،

و می‌فرمایند:

«وَ أَمَّا الْجَمَاعَةُ إِنَّ صُفُوفَ أُمَّتِي فِي الْأَرْضِ كَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ

فِي السَّمَاءِ وَ الرَّكْعَةُ فِي جَمَاعَةِ أَرْبِعٍ وَ عِشْرَوْنَ رَكْعَةً كُلُّ رَكْعَةٍ

أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عِبَادَةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَ أَمَّا يَوْمُ الْقِيَامَةِ

[الجمعة] إِنَّ اللَّهَ يَجْمِعُ فِيهِ الْأُولَئِنَ وَ الْآخِرِينَ لِلحسابِ فَمَا مِنْ

مُؤْمِنٌ مَتَّشِّيٌ إِلَى الْجَمَاعَةِ إِلَّا خَفَقَ اللَّهُ عَلَيْهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَهْوَالَ يَوْمِ

الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ».^(۲)

۱. اعلام الدین: ص ۴۲۳.

۲. الخصال: ج ۲، ص ۳۵۵ / بحار الأنوار: ج ۸۵، ص ۶، باب يکم، حدیث هشتم.

«صف‌های نماز جماعت امت من در زمین، مانند صفوف ملائکه الهی در آسمان است. و ثواب هر رکعتش، به اندازه بیست و چهار رکعتی است که، هر رکعتش در نزد خداوند متعال از عبادت چهل سال محبوب‌تر است. و اما روز قیامت [یا جمعه] خداوند تمام انسان‌ها را برای حساب جمع می‌کند، پس هیچ مؤمنی نیست، مدام است بر نماز جماعت داشته باشد مگر اینکه خداوند احوال و ترس و وحشت‌های روز قیامت را برایش تخفیف می‌دهد. و سپس دستور می‌دهد که او را به سوی بهشت ببرید».

اهمیت شرکت در نماز جماعت و برخورداری از فضایل و پاداش آن به حدی است که، پیامبر بارها و بارها به آن دسته از مسلمانانی که در نماز جماعت شرکت نمی‌کردند؛ اخطار داده و آنها را مورد عتاب و سرزنش قرار می‌دهند. حتی پیامبر کورمادرزاد را هم از شرکت در جماعت مسلمین معاف نکردند؛ وقتی کور مادرزادی به حضرت فرمود: إِنِّي ضَرِبُ الْبَصَرِ وَرُبَّنَا أَسْمَعُ النَّدَاءِ وَلَا أَجِدُ مِنْ يَقُولُنِي إِلَى الْجَمَاعَةِ وَالصَّلَاةِ مَعَكُ؟ ای رسول خدا من از چشم عاجز هستم و گاهی صدای اذان را می‌شنوم و کسی را نمی‌یابم که مرا به جماعت راهنمایی کند تا با شما نماز بخوانم. پیامبر گرامی اسلام فرمودند:

«سُدَّ مِنْ مَنْ لَكَ إِلَى الْمَسْجِدِ حَبَلًا
وَاحْضُرْ الْجَمَاعَةَ». ^(۱)

۱. تهذیب الأحكام: ج ۳، ص ۲۶۶.

«ریسمانی از خانه‌ات تا مسجد بکش و به کمک آن در نماز حاضر شو!».

به راستی آیا با دیدن این روایت از پیامبر گرامی اسلام دیگر عذری برای شرکت نکردن و عدم حضور در نماز جماعت برای افراد باقی می‌ماند؟!

سؤال ۱۴۵ - اقامه نماز جماعت چه آثار و فوایدی دارد؟

برخی از آثار و فواید اقامه نماز جماعت، از قبیل عبور آسان و سریع از پل صراط، ثواب مضاعف، ورود به بهشت، و تحقق نظرارت عمومی، در پاسخ به سؤال هدف و فلسفه تشریع نماز جماعت بیان شده است. اینکه به برخی دیگر از آثار و فواید آن اشاره می‌کنیم:

۱ - استجابت دعاها: یکی از فوایدی که در منابع اسلامی و متون دینی، برای اقامه نماز جماعت ذکر شده، مستجاب شدن دعا برای نمازگزاران در جماعت است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ -عَزَّوَ جَلَّ -لَيَسْتَحِيَ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا صَلَّى فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ سَأَلَهُ حاجَةً أَنْ يَنْصُرَفَ حَتَّى يَقْضِيهَا». ^(۱)

«قطعاً خداوند از بندها شک نماز خود را به جماعت خوانده و حاجتی از او طلبیده است، شرم می‌کند که دعای او را مستجاب نکند».

۱. ارشاد القلوب: ج ۱، ص ۱۸۳.

۲ - شناخت افراد مورد اعتماد: امام صادق علیه السلام می فرماید: از پدرم شنیدم که رسول خدا علیه السلام فرمود:

«من صَلَّى الْخَمْسَ فِي جَمَاعَةٍ فَظُلُّوْا بِهِ خَيْرًا». (۱)

«هر کس نمازهای پنج گانه خود را به جماعت برگزار کند، به او گمان خوب ببرید».

۳ - سبب قرار گرفتن در دز محکم الهی: امام صادق علیه السلام می فرماید:

«من صَلَّى الْغَدَاءَ وَالْعَشَاءَ الْآخِرَةَ فِي جَمَاعَةٍ فَهُوَ فِي ذِقْنَةِ اللَّهِ

- عزوجل - وَمَنْ ظَلَمَهُ فَإِنَّمَا يَظْلِمُ اللَّهُ وَمَنْ حَقَّرَهُ فَإِنَّمَا يَحْقِرُ اللَّهُ

- عزوجل -. (۲)

«هر کس نماز صبح و عشا را به جماعت برگزار کند، در پناه خدای متعال خواهد بود. و کسی که به چنین فردی ستم کند، به خدا ستم کرده است. و هر کس او را تحقیر کند خدای عزوجل را کوچک شمرده است».

۴ - تربیت نیکو و پسندیده: از دیگر آثاری که در اقامه نماز جماعت وجود دارد، تربیت پسندیده است. به همین دلیل، ائمه اطهار علیهم السلام شیعیان را به شرکت در این گونه محافل تشویق می کنند و آن را مایه عزت و سربلندی مذهب شیعه می دانند. امام صادق علیه السلام به زید شحام می فرماید:

۱ . اصول کافی: ج ۳ ، ص ۳۷۱ ، باب «فضل الصلة في الجماعة»، حدیث سوم.

۲ . من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ، ص ۳۷۷ ، باب «الجماعة و فضليها»، حدیث ۱۰۹۸ .

«يَا زَيْدُ! خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ، صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ، فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ قَالُوا هُوَ لِإِلَهٍ بَعْدِ الْجَعْفَرِيَّةِ، رَحِيمُ اللَّهُ جَعْفَرًا، مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤْدَبُ أَصْحَابَهُ». ^(۱)

«با مردم معاشرت داشته باشد، در مساجد آن‌ها نماز بخوانید و از بیمارانشان عیادت کنید. اگر این‌گونه رفتار کنید می‌گویند: این‌ها جعفری مذهب هستند، خداوند جعفر را رحمت کنند! چه خوب پیروانش را تربیت کرده است!».

۵ - آمرزش گناهان: امام علی علیہ السلام می‌فرماید:
«اجابة المؤذن كفارة الذنب». ^(۲)

«اجابت دعوت مؤذن (رفتن به مسجد برای اقامه نماز) كفاره گناهان است».

۶ - برائت از آتش جهنم: امام صادق علیہ السلام از جدش حضرت علی علیہ السلام نقل می‌کند که فرمود:

«مَنْ أَدْرَكَ الصَّلَاةَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فِي الْجَمَاعَةِ كُتُبَ لَهُ بِرَاءَةٌ مِنْ النَّفَاقِ وَبِرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ». ^(۳)

«هر کس چهل روز نماز جماعت را درک کند، برای او بیزاری از نفاق و آتش جهنم نوشته می‌شود».

۱. همان: ج ۱، ص ۳۸۳، ح ۱۱۲۸.

۲. جامع الأخبار: ص ۶۷.

۳. ارشاد القلوب: ج ۱، ص ۱۸۴.

علاوه بر آثار مذکور، در پاسخ به سؤال مزبور، اقامه نماز جماعت و جمعه یک اثر تبلیغی و جهانی دارد که گفتن آن از زبان غیر مسلمانان زیاتر به نظر می‌رسد. به ذکر نظر دو متفکر غیرمسلمان اشاره می‌کنیم:

هراس لیف می‌گوید:

«در مسجد "ووکنج" لندن ملاحظه کردم که عالی‌ترین نوع مساوات در میان مسلمانان وجود دارد، سخت دست‌خوش حیرت گردیدم؛ دیدم نژادهای مختلف و شخصیت‌های عالی و دانی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و برادرانه مشغول عبادت هستند. نظیر این را تاکنون ندیده بودم». ^(۱)

هوستون اسمیت در کتاب مذاهب انسان می‌نویسد:

« محل اجتماع مسلمانان را برای ادای صلوات خمسه، مسجد می‌گویند. بیگانگانی که به ممالک اسلام سفر کرده‌اند، مشاهده نموده‌اند که اجتماع مردم مسلمان در مساجد یکی از مناظر پسیار شورانگیز مذاهب بشری عالم است؛ چه، در صحن و شبستان ساده و بی‌پیرایه، که با نوری ضعیف متور است، صدها نفوس دوش به دوش یکدیگر رو به سوی قبله، گاهی به قیام و گاهی به رکوع و گاهی به سجود مشغولند». ^(۲)

۱. راه تکامل: ج ۳، ص ۱۰۲ / مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت: ص ۱۷۰.

۲. اسلام از نظر دانشمندان غرب: ص ۵۲ / مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت: ص ۱۷۱.

**سوال ۱۴۶ - شرایط و ویژگی‌های یک امام جماعت موفق
و شایسته را ذکر کنید؟**

بدون شک، مسجد و نمازهای جمعه و جماعات از مهم‌ترین ابزارهای تبلیغ و ترویج دین و ابزار سیاسی یک حکومت دینی به شمار می‌آیند. از این‌رو، شخص یا اشخاصی که عهده‌دار امامت جماعت در نمازهای جمعه و جماعات در مساجد می‌گردد، باید از شرایط لازم برخوردار باشند. در فقه شیعه، برای امام جماعت شرایطی ذکر شده که عبارتند از: ایمان، طهارت مولد، عقل، بلوغ، مرد بودن. ولی مهم‌تر از تمام این شروط، لزوم برخورداری امام جماعت از صفت «عدالت» است. «عدالت» حالتی روحی و نفسانی است که همراه با پرهیزگاری، انسان را از انجام گناهان کبیره، بلکه حتی از انجام گناهان صغیره نیز باز می‌دارد؛ زیرا اصرار بر گناهان صغیره، خود از جمله گناهان کبیره به شمار می‌آید. در مرتبه بعد، پرهیز امام جماعت از هرکاری است که حاکی از بی‌بالاتی به دین باشد، همچنین از کارهایی که خلاف مروت است و موجب می‌شود شخصیت وی را در نگاه دیگران تحقیر کند.^(۱)

امروزه با توجه به پیشرفت علوم در عرصه‌های گوناگون و بالا رفتن سطح آگاهی‌های عمومی، می‌توان گفت: از دیگر ویژگی‌های یک امام جماعت، برخورداری وی از مراتب علم و فضل و پارسایی است تا بتواند مخاطبان نمازگزار را از نظر فکری و معنوی تغذیه کند. در توضیح این ویژگی، باید گفت:

۱. تحریرالوسیله: ج ۱، ص ۲۷۴ - ۲۷۵.

که وجود این صفت لازم است، ولی کافی نیست؛ زیرا حاضران در مسجد مجموعه‌ای متنوع از جوانان و بزرگسالان، کودکان، زنان و مردان هستند. این امر ایجاب می‌کند که امام جماعت از مدیریت کافی در جهت هماهنگی کلیه نیروها، برای استفاده هرچه بیشتر از امکانات موجود برخوردار باشد. پیشوایان دینی ما بر مقبولیت امام جماعت و اینکه او مورد رضایت و پذیرش نمازگزاران باشد، تأکید فراوان نموده‌اند. این تأکیدها به حدی است که پیامبر گرامی می‌فرماید:

«ثمانية لا يقبل الله لهم صلاة... و امام قومٍ يصلى بهم
و هم له كارهونَ...». ^(۱)

«هشت دسته‌اند که خداوند نمازی از آن‌ها را قبول نمی‌کند؛

یکی از این گروه‌های هشتگانه، امام جماعتی است
که نمازگزاران امامت او را خوش نمی‌دارند».

این مسئله در دیگر روایات هم وارد شده است که به سبب اختصار،
از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم.

صفات دیگری از قبیل همنشینی با ضعفا و نیازمندان، تلاش برای رفع مشکلات آنان، ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی، برخورد خوب و مناسب، آگاهی از مبانی دینی مورد نیاز، آشنایی با علوم جدید و از جمله روان‌شناسی تربیتی، حرفه و شغل نداشتن امامت جماعت، نظم در اقامه نماز، انتخاب مطالب

۱. من لا يحضره الفقيه: ج ۱، ص ۵۹، ح ۱۳۱.

خوب و بدون تکرار در سخنرانی‌ها، پرهیز از اطالة نماز و سخنرانی و مواردی از این قبیل در تحقیقات میدانی انجام شده از جمله موقفیت‌های یک امام جماعت خوب و شایسته ذکر شده‌اند.^(۱)

امام علی^{علیه السلام} می‌فرماید:

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَاماً فَلَيَبْدأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلِيَكُنْ تَأْدِيبَهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ، وَمُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَمُؤَذِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَمُؤَذِّبِهِمْ». ^(۲)

«کسی که خود را رهبر مردم ساخته است، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد، خود را بسازد؛ و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند، باکردار تعلیم دهد؛ زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند به تعظیم سزاوارتر است از آنکه دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد».

سؤال ۱۴۷- آیا مردم در قبال امام جماعت و ظاییفی دارند؟

در پاسخ به سؤال ویژگی‌های امام جماعت موفق، نکاتی ذکر شده، اما باید توجه داشت که ویژگی‌های مزبور فقط در ارتباط با امام جماعت موفق و الگو قابل تصور هستند. طبیعی است که نباید انتظار داشته باشیم هر امام جماعتی از تمامی شرایط یاد شده برخوردار باشد. این انتظار نابجا چه بسا

۱. ر. ک: کیهان: ش ۱۴۳۱۸، ۱۴۳۰/۸/۵.

۲. نهج البلاغه: کلمات قصار، ش ۷۳.

مانع حضور انسان در نمازهای جماعت گردد و انسان را از این فیض عظیم محروم گرداند. تنها صفتی که تمامی ائمه جماعات باید دارای آن باشند تا بتوان پشت سر آنان اقامه نماز کرد داشتن ملکه «عدالت» است، به تفسیری که در پاسخ سؤال یاد شده به آن پرداختیم. از این‌رو، انسان باید انتظارات خود از ائمه جماعات را با توجه به شرایط و توانایی‌های موجود و ممکن، محدود نماید.

امام سجاد علیه السلام در «رساله حقوق»، در باره حق امام جماعت بر مأمورمان و لزوم تشکر و قدردانی از وی می‌فرماید:

«أَمَا حُقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ، فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ تَقْلِدَ^(۱) السَّفَارَةَ^(۲) فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ رَبِّكَ - عَزَّوَجَلَّ - وَتَكَلَّمُ عَنْكَ وَلَمْ تَتَكَلَّمْ عَنْهُ، وَدَعَالَكَ وَلَمْ تَدْعُ لَهُ، وَكَفَالَ هُولَ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدِي اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - فَإِنْ كَانَ بِهِ نَقْصٌ كَانَ عَلَيْهِ دُونُكَ وَإِنْ كَانَ تَمَامًا كَنْتَ شَرِيكَهُ، وَلَمْ يَكُنْ لَّهُ عَلَيْكَ فَضْلٌ، فَوْقَنِي نَفْسَكَ بِنَفْسِهِ وَصَلَاتَكَ بِصَلَاتِهِ فَتَشَكُّرْ لَهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ». ^(۳)

۱. القلادة: چیزی که در گردن قرار می‌گیرد؛ در مورد انسان و غیر آن به کار می‌رود.
(تقلد یعنی: قلاده به گردن انداخت. منظور مسئولیت ارتباط بین خدا و نمازگزاران است).
ر. ک: لسان العرب.

۲. السفاره؛ سفتر بین القوم یعنی: کشف کردم آنچه در قلب این است و آنچه را در قلب آن است تا بینشان اصلاح کنم؛ و سفیر رسول مصلح میان قوم است. ر. ک: لسان العرب.
۳. من لا يحضره الفقيه: باب «الحقوق»، ج ۲، ص ۶۲۳.

«اما حق پیش نمازت بر تو این است که بدانی او مأموریت
سیر به سوی پروردگارت را در نیایش بین تو و خدایت
بر دوش می‌کشد، و در این مقام، از جانب تو سخن می‌گوید
و تو از سوی او حرف نمی‌زنی، و او برای تودعامی کند و تو
برای او دعا نمی‌کنی، و او بیم و هراس ایستادن در برابر خدا
را به عهده دارد و از جانب تو این کار را انجام می‌دهد.
پس اگر عیبی در این کار پیدید آید، متوجه اوست نه تو، و اگر
تمام و کامل انجام شود، در این کمال، تو شریک او هستی،
و او برتری و رجحانی بر تو ندارد، جان تو را با جان خود
و نمازت را با نمازش حفظ می‌کند. پس باید به اندازه این
کار، سپاسگزار وی باشی».

از سخنان امام چهارم، استفاده می‌شود که انسان باید همواره قدردان
امام جماعت خویش باشد؛ زیرا او با قبول مسئولیت، باری سنگین از سوی
نمازگزاران بر دوش می‌کشد، علاوه بر آنکه حضرت، ائمه جماعات را
به مسئولیت خطیری که بر عهده دارند، توجه می‌دهد.

سؤال ۱۴۸ - اعتکاف چیست و معنکف کیست؟

«اعتکاف» در لغت به معنای ملازم شدن و توقف کردن است.^(۱) و در اصطلاح

۱. لسان العرب: مادة عکف.

شرع مقدس؛ اقامت در مسجد به قصد عبادت و تقرب به خداوند متعال، که با شرایط و آداب ویژه‌ای برگزار می‌شود.^(۱) و «معتكف» کسی است که در مسجد اعتکاف نموده است یعنی اقامت کرده و روزه‌ها را روزه می‌گیرد و بدون عذر مسجد را ترک نمی‌گوید.

سؤال ۱۴۹ - اعتکاف چه رابطه‌ای با مسجد دارد و در شرع

قدس از چه جایگاهی برخوردار است؟

همان‌گونه که، در پاسخ سؤال قبل روشن شد، از تعریف «اعتکاف» رابطه‌ی آن با مسجد نیز مشخص می‌گردد؛ زیرا از نظر مکان، اعتکاف محدودیت‌های خاصی دارد. نظریه‌ی معروف این است که این عمل باید در یکی از مساجد چهارگانه (مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجدکوفه و مسجدبصره) انجام شود ولی گروهی از فقهاء انجام آن را در مساجد جامع هر شهر و منطقه به قصد «رجاء»^(۲) جایز، دانسته‌اند. اعتکاف در دین اسلام از اهمیت و فضیلت خاصی برخوردار است تا آنجاکه رسول خدا^{علیه السلام} با همه‌ی مشکلات و مسائل حکومتی و دینی به این اصل مهم می‌پرداخت. امام صادق^{علیه السلام} می‌فرماید: رسول خدا^{علیه السلام} در دهه‌ی آخر ماه مبارک رمضان، در مسجد معتکف می‌شد و برای آن حضرت خیمه‌ای که از مو بافته شده بود، در مسجد آماده می‌کردند. و آن حضرت خود را

۱. تحریرالوسیله: ج ۱، ص ۳۰۴.

۲. همان.

آمده و بستر خود را جمع می‌کرد.^(۱) در روایت دیگری وارد شده که:

«چون جنگ بدر در ماه رمضان انجام گرفت و وجود مقدس

رسول خدا^{علیه السلام} موفق به انجام اعتکاف نشدن در ماه رمضان

سال بعد علاوه بر اعتکاف بر آن سال قضای اعتکاف سال

گذشته را به جای آوردند».^(۲)

از این رو پیامبر^{علیه السلام} در روایتی می‌فرماید:

«یک دهه اعتکاف در ماه رمضان معادل دو حج و دو عمره

است».^(۳)

يعنى از نظر ثواب و پاداش با آنها برابر می‌گويد.

سؤال ۵۰ - اعتکاف چه شرایطی دارد؟

اولین شرط اعتکاف عقل است، پس برای شخص مجنون و دیوانه انجام آن ممکن نیست.

دوم؛ نیت، اعتکاف یک عمل عبادی است و باید با قصد قربت و تقرب
الى الله انجام گیرد.

سوم؛ روزه، معتکف باید در طول دوران اعتکاف روزه باشد.

۱. اصول کافی: ج ۴، ص ۱۷۵، ح ۱.

۲. همان: ح ۲.

۳. من لایحضره النقیة: ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۲۱۰۱.

چهارم؛ اعتکاف از نظر زمان نباید کمتر از سه روز باشد ولی بیشتر از سه روز مانعی ندارد.

پنجم؛ اعتکاف از نظر مکان محدود به یکی از مساجد چهارگانه - در پاسخ سؤال قبل گذشت - است ولی در مساجد جامع به قصد رجاء اشکال ندارد.

ششم؛ حضور مستمر در مسجد از دیگر شرایط اعتکاف است مگر برای انجام امور ضروری نظیر؛ قضاۓ حاجت، انجام غسل، شهادت دادن در دادگاه، عیادت مریض و...^(۱).

سؤال ۵۱ - معتکف از چه اموری باید پرهیز و خودداری

نماید؟

فردی که معتکف می‌شود باید در طول اعتکاف، از هرگونه امور جنسی، خرید و فروش و جدال و کشمکش در امور دینی و دنیوی، بوییدن گیاهان معطر و بوی خوش به قصد لذت بردن و مواردی از این قبیل خودداری کند که تفصیل آن در کتب فقهی موجود است.^(۲)

۱. تحریرالوسیلة: ج ۱، صص ۳۰۸ - ۳۰۴.

۲. همان: صص ۲۶۲ - ۲۴۶ / العروةالوثقی: ج ۲، صص ۳۰۹ - ۳۱۰.

**سؤال ۵۲ - از چه راهکارهایی برای گسترش اعتکاف
می‌توان بهره گرفت؟**

برای گسترش یک سنت خوب در جوامع باید ابتدا اسباب و عوامل آن را فراهم کرد، از این رو در ارتباط با اعتکاف توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱ - نباید گرایش‌های جامعه رو به افراط و تفریط رود. در واقع، باید طرح همزمانی ابعاد فردی و اجتماعی دین در جامعه مطرح و بدان توجه شود. این مسؤولیت خطیر به دوش رسانه‌ها و مطبوعات و مبلغان دینی است. زیرا هرگاه مردم تنها به جنبه اجتماعی یا فردی دین روی آورند، بهره مثبت و کامل از دین نمی‌گیرند.

۲ - باید برای همگان تبیین شود که اعتکالف کار سهل و ساده‌ای است. بی‌اطلاعی از احکام و شرایط اعتکاف موجب می‌شود برخی آن را دشوار و سخت تصور کنند.

۳ - باید شباهات را پاسخ داد تا اعتکاف مساوی با رهبانیت و نیز مغایر با مسؤولیت اجتماعی تلقی نشود.

۴ - در نظام اسلامی همه افراد و دستگاه‌ها دست به دست هم بدهند تا افراد مختلف با اختصاص چند روز از سال، ویژه عبادت و نیایش به درگاه حق، نامه اعمال خود را بررسی و برکردار بد خود نادم شوند و از نظر روحی ترقی نمایند، بدیهی است که اصلاح نفوس و افراد جامعه در نتیجه به اصلاح خود جامعه خواهد انجامید.^(۱)

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: اعتکاف سنت محمدی.

سؤال ۵۱۳ - حضور در مسجد چه آثار و فوایدی را به دنبال دارد؟

در برخی روایات، از مسجد به عنوان «بازار آخرت» و «بهترین مکان بر روی زمین» یاد شده است. در روایتی از پیامبر گرامی ﷺ می‌خوانیم:

«الْمَسَاجِدُ سُوقٌ مِّنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ قِرَاهَا الْمَغْفِرَةُ وَ تُحْكَمُ هُنَاءُ الْجَنَّةِ». ^(۱)

«مسجدها از بازارهای آخرتند، از کسانی که به آن‌ها وارد می‌شوند با مغفرت پذیرایی می‌شود و هدیه آنان بهشت است».

نامگذاری مساجد به «بازار آخرت» شاید به آن دلیل است که مؤمنان در آنجا به کسب امور معنوی و تهیه اسبابی می‌پردازند که در سرای آخرت به آن‌ها نیاز دارند.

در روایت دیگری، امام باقر علیه السلام از پدرانش علیه السلام از رسول خدام علیه السلام نقل می‌کند:

که پیامبر ﷺ از جبرئیل علیه السلام سؤال می‌کند:

«إِيْ الْبَقَاعِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ؟».

«كدام مکان نزد خداوند از همه محبوب‌تر است؟».

جبرئیل علیه السلام در پاسخ می‌فرماید:

«الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَى اللَّهِ أَوْلَهُمْ دُخُولًا وَ آخِرُهُمْ خُروجًا مِّنْهَا». ^(۲)

۱. شیخ طوسی، الامالی: ص ۱۳۹.

۲. اصول کافی: ج ۳، ص ۴۸۹، باب «النواذر»، ح ۱۴.

«مساجد محبوب ترین مکان‌ها و دوست‌داشتنی‌ترین اهل مسجد نیز کسی است که پیش از همه به مسجد داخل و پس از همه از مسجد خارج شود».

برای اقامت در این مکان مقدس و بازار آخرت، آثار و فوایدی در روایات ذکر شده‌اند که در ذیل، به اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - دوست خدا: همان‌گونه که از روایت مزبور استفاده می‌شود، دوست‌داشتنی‌ترین اهل مسجد کسانی هستند که اقامتشان در مسجد بیش از دیگران است. در روایت دیگری، امام علی علیه السلام از پیامبر گرامی ﷺ نقل می‌کند که خداوند متعال در حدیث قدسی در شب معراج فرمود:

«يا أَحْمَدُ! لِيَسْ كُلُّ مَنْ قَالَ أَنَا أُحِبُّ اللَّهَ أَحَبَّنِي حَتَّى يَأْخُذَ الْمَسْجِدَ بِيَتًا».^(۱)

«ای احمد! هر کس ادعا کرد، من خدا را دوست می‌دارم، دوستدار من نیست، مگر اینکه مسجد را خانه خویش قرار دهد».

روشن است که مقصود این نیست که از مسجد به عنوان محل اسکان استفاده نمایند؛ زیرا توقف بیهوده در مسجد نکوهیده است. از این‌رو، به نظر می‌رسد خانه قرار دادن مسجد، کنایه از اقامت طولانی و کثرت رفت و آمد به مسجد باشد.

۱. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۶۱-۳۶۲، ۳۷۸۳، ح .

۲- میهمان و زائر خداوند: در برخی از روایات، از شخصی که منتظر اقامه نماز است با عنوانین «میهمان الهی» و «زائر خداوند» تعبیر شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مَنْ أَقَامَ فِي مسجِدٍ بَعْدَ صَلَاتِهِ انتِظاراً لِلصَّلَاةِ فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ وَحْدَهُ
عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرَمَ ضَيْفَهُ». ^(۱)

«کسی که پس از بجای آوردن نماز، برای برپایی نماز بعدی در مسجد منتظر بماند، مهمان خداوند است و قطعاً خداوند مهمان خود را احترام و تکریم می نماید».

در روایت دیگری از امام علی علیه السلام از فرد منتظر به عنوان زائر خداوند متعال یاد شده است:

«الْمُنْتَظِرُ وَقْتَ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ مِنْ زُوَّارِ اللَّهِ - عَزَّوَ جَلَّ - وَ حَقُّ
عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرَمَ زائِرَهُ وَ أَنْ يُعْطَيْهُ مَا سُأَلَ». ^(۲)

«کسی که پس از نماز، منتظر برپایی نماز دیگر بماند، زائر خداوند است و خداوند متعال زائر خویش را اکرام خواهد نمود و آنچه را که او درخواست کند، به وی عطا می نماید».

۱. المحسن: ج ۱، ص ۴۸، باب ۵۰، ح ۶۶.

۲. الخصال: ج ۲، ص ۶۳۴.

۳ - برخورداری از پاداش‌های الهی: پاداش‌های الهی برای کسی که در مسجد اقامت داشته باشد (کنایه از رفت و آمد زیاد، زودتر از همه آمدن و دیرتر از همه رفتن) متعددند:

الف) بخشش گناهان: پیامبر اکرم ﷺ در وصیت خود به ابوذر غفاری می‌فرماید:

«يَا أَبَا ذِرٍ! إِنَّ اللَّهَ يُعْطِيَكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ

تَنْقَسِتَ فِيهِ دَرْجَةً فِي الْجَنَّةِ وَيَمْحِي عَنْكَ عَشَرَ سَيِّئَاتٍ».^(۱)

«اَيُّ ابُو ذِرٍ! تَا زَمَانِي كَهْ دَرْ مَسْجِدْ نَشَستَهَ اَيِّ، خَدَاؤَنْدْ مَتعَالْ دَرْ مَقَابِلْ هَرْ نَفْسِي كَهْ مَيْكَشِي، دَرْجَهَ اَيِّ اَزْ بَهْشَتْ بَهْ تَوْ عَطَّا مَيْكَنْدْ وَدَهْ بَدَى وَرَشْتَى رَاهْ تَوْ مَحْوَ مَيْگَرْدَانَ».

ب) پرچمدار بهشتیان:

«يَا أَبَا ذِرٍ! طُوبِي لاصحَابِ الْأَلْوَاهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَحْمِلُونَهَا فَيُسِيقُونَ

النَّاسَ إِلَى الْجَنَّةِ، أَلَا وَهُمُ السَّابِقُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالْأَسْحَارِ وَغَيْرِهَا».^(۲)

«اَيُّ ابُو ذِرٍ! خَوْشَا بَهْ حَالْ پَرْجَمَدَارَانْ رَوْزْ قِيَامَتْ كَهْ پَرْجَمْهَا رَاهْ بَرْدَوْشْ گَرْفَتَهْ وَپَیْشْ اَزْ دِیْگَرَانْ وَارَدْ بَهْشَتْ مَيْشَونَدْ. آنَانْ کَسَانِی هَسْتَنَدَكَهْ دَرْ سَحْرَگَاهَانْ وَدِیْگَرَ اوْقاتَ، دَرْ رَفْتَنْ بَهْ مَسَاجِدْ بَرْ دِیْگَرَانْ پَیْشِي مَيْگَرْنَدَ».

۱. وسائل الشيعة: ج ۴، ص ۱۱۷، ح ۴۶۶۹.

۲. شیخ طوسی، الامالی: ص ۵۲۹.

ج) خانه‌ای در بهشت: روایتی را امام صادق علیه السلام از پدرش و او از رسول گرامی نقل می‌کند که فرمود:

«من کان القرآن حديثه و المسجد بنیتہ بنی اللہ بیتًا فی الجنة». ^(۱)

«کسی که سخن و گفتار او قرآن و مسجد خانه‌اش باشد، خداوند در بهشت خانه‌ای برای او بنا می‌کند».

سؤال ۵۱۴ - آمد و شد به مساجد چه فواید و آثاری برای انسان دارد؟

آثار و فوایدی که از رفت و آمد و حضور در مسجد نصیب مؤمنان می‌شود، تنها ثواب بردن و شمول لطف و مورد رحمت الهی قرار گرفتن نیست، بلکه در همین جهان هم آثار و فواید اخلاقی، تربیتی، علمی، اجتماعی و سیاسی فراوانی در سایه ارتباط با مسجد برای انسان حاصل می‌شوند. مولای متقيان امام علی علیهم السلام در مقام احصای برخی از آثار و فواید ارتباط با مسجد می‌فرمایند:

«من اختلف إلى المسجد أصاب إحدى الثمان: أخاً مستفاداً في الله، أو علماً مستطرفاً، أو آيةً محكمةً، أو سمعَ كلمةً تدلُّه على هدىٍ، أو رحمةً منتظرةً، أو كلمةً ترُدُّه عن ردٍّ، أو يترك ذنبًا خسيئًا أو حياءً». ^(۲)

۱. تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۲۵۵، باب ۲۵، ح ۲۷.

۲. تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۲۴۹ - ۲۴۸، باب «فضل المساجد و الصلاة»، ح ۱.

«کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند به یکی از موارد هشتگانه ذیل می‌رسد: اول برادری ایمانی که در مسیر خدا از او استفاده کند؛ دوم دانشی نو و فراگیر (طبعی است که مقصود این نیست که با رفت و آمد به مسجد یک علم جامع الأطراف نصیب انسان می‌شود، بلکه مراد این است که انسان دست کم می‌فهمد در چه شرایطی زندگی می‌کند، در اطراف او چه می‌گذرد و مسائلی از این قبیل که البته در زندگی امروزه با این همه اشتغالاتی که برای خود فراهم کرده‌ایم، این مقدار علم و آگاهی بسیار مفید است) سوم فهم و درک آیه‌ای از آیات قرآن؛ چهارم شنیدن سخنی که او را به هدایت رهنمون باشد؛ پنجم رحمتی که انتظار آن را از جانب خداوند متعال می‌کشد؛ ششم سخنی که او را از گمراهی و هلاکت بازدارد؛ هفتم ترک‌گناهی به سبب ایجاد روح خوف و خشیت از خدا در سایه رفت و آمد به مسجد حاصل می‌گردد؛ هشتم ترک‌گناه به خاطر حیا از برادران ایمانی خود که در مسجد با آنان آشنا شده است».

روشن است که تحصیل این امور در هر مسجدی امکان‌پذیر نیست و این فواید و آثار آن‌گاه به دست خواهند آمد که تمامی مساجد با تلاش همه مؤمنان و نهادهای دولتی و حکومتی در نظام جمهوری اسلامی، به جایگاه اصیل و واقعی خود بازگردند.

امام صادق ع در ضمن روایتی که از پدرانش و آنان از رسول گرامی علیهم السلام نقل می‌کنند، می‌فرماید:

«يَا فَضْلُ إِنَّهُ لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلَ مِنْ أَحَدِي ثَلَاثَةِ
إِنَّمَا دَعَاءُ يَدْعُو بِهِ يَدْخُلُهُ اللَّهُ بِالْجَنَّةَ، وَإِنَّمَا دَعَاءُ يَدْعُو بِهِ لِيُصْرَفُ
اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَإِنَّمَا أَخْ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ». ^(۱)

«از بهره‌ها و فوایدی که نصیب مسجدی‌ها می‌گردد، یکی از سه مورد ذیل است: یا اینکه موفق به دعایی می‌شود که خداوند با همان دعا او را به بهشت می‌برد، یا اینکه دعایی می‌کند که خداوند به سبب آن بلاعی دنیا را زوی دور می‌کند و یا اینکه دوست و برادری پیدا می‌کند که از او در مسیر خدا استفاده می‌نماید».

امام ع در ادامه همین روایت، از قول نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم تأکید می‌فرماید که حضرت فرمود:

«ما استفاده امرؤ مسلم فائدةً بعد الاسلام مثل أخ يستفيده في الله».
«هیچ بهره و فایده‌ای پس از اسلام آوردن برای مسلمان بهتر از یافتن برادری که او را در مسیر خدا کمک کند، نیست».
روشن است که هیچ یک از ما در مسیر زندگی از چنین دوستانی بی‌نیاز نیستیم، و چه مکانی بهتر از مسجد که در روایات و متون دینی از آن به عنوان کانونی برای یافتن چنین دوستانی به مؤمنان معرفی شده است.

۱. شیخ طوسی، الامالی: ص ۴۷ - ۴۶.

سؤال ۵۵ - آیا از نظر اسلام آثاری که برای رفت و آمد به مسجد و حضور در آن ذکر شده، اختصاص به مردان دارد؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: اسلام، زنان را تا جایی که حضورشان به فساد آلوده نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند، بلکه در بعضی از موارد شرکت آنان را واجب می‌کند، مانند شرکت در مراسم حج واجب که بر مرد و زن به یک اندازه واجب است و حتی شوهر حق جلوگیری از همسر خود را ندارد.

همچنان که دین میین اسلام در تحصیل علم نیز تفاوتی میان زنان و مردان قابل نشده است.

پیامبر اعظم ﷺ در روایتی می‌فرماید:

«طلَبُ الْعِلْمِ فَرِيْضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ».^(۱)

«طلب علم بر هر مسلمانی، اعم از مرد و زن واجب است».

در جهاد دفاعی نیز برخلاف جهاد ابتدایی^(۲) شرکت زنان، پیران و خردسالان واجب است و اگر افراد به قدر کفایت به دفاع برخیزند، وジョب دفاع از هیچ کس ساقط نمی شود.^(۳) بنابراین در پاسخ به سؤال فوق باید گفت تمامی آثار و پاداش هایی که در روایات برای حضور و رفت و آمد افراد به مسجد وارد شده، هیچ گونه اختصاصی به مردان ندارد.

۱. بخار الانوار: ج ۶۷، ص ۶۸، ح ۱۴.

۲. جهاد ابتدایی؛ آن است که مسلمانان آغازگر جنگ باشند، ولی جهاد دفاعی تهاجم از سوی دشمن است و بر مسلمین دفاع واجب است.

۳. تحریرالوسیله: ج ۱، ص ۴۱۷ و ۴۸۵.

سؤال ۵۶ - آیا در صدر اسلام زنان در مسجد حضور پیدا می‌کردند؟

بررسی روایات موجود در کتب روایی شیعه و عامه؛ نیز دقت در شواهد تاریخی گویای این حقیقت است که، حضور بانوان در مسجد برای انجام دادن نماز جماعت در عصر رسول خدا^{علیه السلام} از مسلمات است، زیرا اسلام، نه مردان و زنان را خانه‌نشین کرده است و نه همه‌ی قید و بندها را از پایشان گسسته است، به شهادت تاریخ، اولین نماز جماعت به امامت پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و آستانه} در نخستین روزهای دعوت علنی به اسلام در مسجد الحرام و با حضور علی بن ایطالب^{رض} و حضرت خدیجه^{رض} برگزار گردید.^(۱) در ذیل آیه ۵۹ سوره‌ی احزاب که خداوند دستور می‌دهد:

«ای پیامبر به همسران و دختران و زنان با ایمان بگو:
جلباب‌های خود را برخویش فرو افکنند، این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند، بهتر است، از معصوم^{علیه السلام} نقل شده است که: سبب نزول آیه چنین بود که؛ چون زنان برای شرکت در نماز جماعت مغرب و عشاء به مسجد می‌رفتند، جوانان بر سر راه آنان می‌نشستند و آنان را آزار می‌دادند و متعرض ایشان می‌شدند، از این‌رو، پس از نزول آیه، زنان انصار با لباس

۱. فروع ادبیت: ج ۱، ص ۲۴۳.

سیاه و بلند و با حجاب کامل در نماز جماعت حاضر
می‌شدند». ^(۱)

بنابراین دین مبین اسلام در رابطه با حضور زنان در مجتمع فرهنگی علمی، اقتصادی و سیاسی و پذیرش مسؤولیت‌های اجتماعی از طرف آنان، حتی زمانی که مورد چشم‌چرانی و مزاحمت قرار می‌گیرند، با حکم خانه‌نشینی و ایجاد محدودیت برخورد نمی‌کند، بلکه با ارائه طرح‌های مصونیت، آخرین راه را بر حضور هرچه بیشتر آنان می‌گستراند. امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«كُنْ النِّسَاءُ يُصَلِّينَ مَعَ النَّبِيِّ صلوات الله عليه وآله وسالم». ^(۲)

«زنان همراه با پیامبر صلوات الله عليه وآله وسالم نماز جماعت به جا می‌آورند».

در برخی از روایات که در منابع روایی شیعه و عامه نقل شده آمده است که:
«پیامبر صلوات الله عليه وآله وسالم در حال نماز چون صدای گریه‌ی طفلی را شنیدند نماز را کوتاه خواندند». ^(۳)

در روایتی نقل شده: زن قریشی به نام عاتکه بن زید پیوسته در نماز جماعت مسجد النبی صلوات الله عليه وآله وسالم حاضر می‌شد، عمر از او خواستگاری کرد، او با این شرط که او را از نماز جماعت منع نکند، پذیرفت با عمر ازدواج کند، عمر هم با نارضایتی پذیرفت، بعد از مرگ عمر وقتی زیبر از او خواستگاری کرد، باز این شرط را

۱. ر.ک: تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۹۶ / تفسیر نور الثقلین: ج ۴، ص ۳۰۷.

۲. من لا يحضره النّقّة: ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۱۷۶ / صحيح مسلم: ج ۴، ص ۱۶۱.

۳. وسائل الشیعه: ج ۵، ص ۴۷۰، ح ۷ / مجمع الروايات: ج ۲، ص ۴۷.

مطرح نمود، او هم پذیرفت و زن هم به نماز جماعت می‌رفت.^(۱)

در روایت دیگری نیز حضرت رسول ﷺ می‌فرماید:

«هنگامی که زنان شما، اجازه رفتن به مسجد می‌خواهند آنان

را از بهره و نصیب‌شان از مساجد محروم نکنید و مانع
نشوید».^(۲)

و حتی در برخی از روایات وارد شده که در شب هنگام نیز این اجازه را
بدهید:

«أَذْلِكَ لَيْلَاتٌ مُّبَارَّةٌ لَا يَأْتُهُنَّ أَذْلِكَ مُنْعَىٰ لَهُنَّ».^(۳)

«زنان خود را شب هنگام از رفتن به مساجد منع نکنید و چون
اذن خواستند اجازه بدهید».

سؤال ۵۷ - در متون روایی برای حضور زنان در مساجد

چه شرایطی قرار داده شده است؟

شرع مقدس اسلام برای حضور زنان مقدمات و شرایطی را تعیین نموده است
که رعایت آنها لازم است، اهم این شرایط عبارتند از:

۱- استفاده نکردن از بوی خوش؛ بدون شک یکی از آداب مسجد آراستن
و آراستگی مؤمنین به هنگام مسجد رفتن است:

۱. اسدالغایة: ج ۵، ص ۱۸۵ / مسند احمد: ج ۱، ص ۴۰.

۲. صحيح مسلم: ج ۲، صص ۳۲-۳۳ / صحيح بخاری: ج ۱، ص ۲۱۱.

۳. صحيح مسلم: ج ۲، ص ۳۳.

﴿يَا يَنِي آدَمُ خُذْ وَارِزِنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾.^(۱)

«ای فرزندان آدم، هنگام رفتن به مسجد، زینت خود را برگیرید».

از این رو فقهاء می فرمایند:

«مستحب است هنگام رفتن به مسجد از بوی خوش و لباس‌های نیکو استفاده گردد». (۲)

اما این امر در بانوان نباید به گونه‌ای باشد که تحریک‌کننده و با شؤون اسلامی مخالف باشد، به همین جهت در روایتی رسول خدا ﷺ فرمودند:
 «إِذَا شَهِدَتْ إِحْدًا كُنَّ الْمَسْجِدَ فَلَا تَمْسَ طَيِّبًا». ^(۳)
 «هنگامی که یکی از شما زنان قصد مسجد رفتن نکند،
 نباید از بوی خوش استفاده کند».

و در روایت دیگری استفاده از بوی خوش، دلیل عدم قبولی نماز ذکر شده: «هرگاه یکی از شما (زنان) خود را خوشبو کند، سپس به سوی مسجد برود، نمازش قبول نمی‌شود تا آنکه آن بوی خوش را برطرف سازد». (۴)

. ٣١ : اعراف

٦٠ . عروة الوثقى: ج ١، ص

٣. صحيح مسلم: ج ٢، ص ٣٣.

٤. سنن ابن ماجة: ج ٢، ص ١٣٢٦، ح ٤٠٠٢.

۲ - عدم اختلاط زن و مرد در مسجد؛ در نقلی آمده است که روزی رسول خدا ﷺ در بیرون از مسجد بودند، دیدند که مردان و زنان باهم از مسجد بیرون می‌آیند؛ حضرت رو به زنان کرده و فرمودند:

«بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند و سپس شما». ^(۱)

و در نقل دیگری می‌خوانیم که حضرت با اشاره به یکی از درهای مسجد فرمودند:

«خوب است این در را به بانوان اختصاص دهیم». ^(۲)

بنابراین اگر چه حضور در مسجد آثار و ثواب‌های فراوان دارد، ولی نباید زمینه‌ای برای اختلاط زن و مرد فراهم شود.

۳ - اجازه شوهر؛ همان‌گونه که در روایات آمده است، زنان باید به هنگام مسجد رفتن از شوهران خود اجازه بگیرند، ^(۳) البته خروج زن از منزل برای هر کاری که باشد نباید منافاتی با حقوق شوهران آنان داشته باشد، در غیر این صورت نباید به مسجد یا خارج از خانه بروند. ^(۴)

۱. سنن ابنی داود: ج ۲، ص ۵۳۳، ح ۵۲۷۲.

۲. همان: ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۱۷.

۳. سنن ابن‌ماجه: ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۲.

۴. توضیح المسائل امام خمینی ره: مسئله ۲۴۱۲.

سؤال ۵۸ - اهل مسجد چه منزلت و جایگاهی دارند؟

در روایات موجود در متون دینی شیعه و اهل سنت، ویژگی‌ها و برتری‌هایی برای اهل مسجد و مقام و منزلتی که دارند وارد شده است که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - در زیر سایه خداوند قرار دارند: براساس متون دینی، هفت گروه در قیامت مورد توجه و لطف خداوند متعال قرار می‌گیرند؛ از جمله این گروه‌های است:

«وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُتَّلِقٌ بِالْمَسْجِدِ إِذَا حَرَجَ مِنْهُ حَتَّى يَعُودَ إِلَيْهِ». ^(۱)
 «شخصی که وقتی از مسجد خارج می‌شود تا زمان بازگشت دوباره به مسجد، توجهش به مسجد باشد».

۲ - اهل مسجد، بهشتیان هستند: نبی مکرم ﷺ فرمودند:
 «اجابه المؤذن رحمة و ثوابه الجنة و من لم يُجب خاصمته يوم القيمة فطوبى لمن أجاب داعى الله ومشى الى المسجد ولا يجيء ولا يتمشى الى المسجد الا مؤمن من أهل الجنة». ^(۲)

«پذیرفتن دعوت مؤذن رحمت الهی است و ثواب آن بهشت است و کسی که این دعوت را نپذیرد روز قیامت با وی ستیز خواهم کرد. پس خوشابه حال کسانی که این

۱. الحصال: ج ۲، ص ۳۶۳.

۲. جامع الأخبار: ص ۶۸.

دعوت را بپذیرند و به مسجد بروند! و او را اجابت نمی‌کند
و به سوی مسجد حرکت نمی‌کند، مگر مؤمن که در بهشت
ساکن خواهد شد».

۳ - اهل مسجد محبوب ترین بندگان نزد خداوند هستند: امام علی علیہ السلام
می فرماید: نبی اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم در پاسخ به سؤالی فرمودند:
«وَخَيْرُ الْمَقَامِ الْمَسَاجِدُ وَأَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ -عَزَّوَ جَلَّ- أَوْلُهُمْ دُخُولًا
وَآخِرُهُمْ خُرُوجًا مِّنْهُ». ^(۱)

بهترین مکان‌ها مساجد هستند و محبوب ترین افراد نزد
خداوند کسانی هستند که اول وارد مسجد می‌شوند و دیرتر
از همه از مسجد خارج می‌گردند».

۴ - خداوند آسایش روحی و روانی اهل مسجد را ضمانت کرده
است: پیامبر گرامی صلوات الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«مَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بِيُثْهِ صَمِيمَ اللَّهُ بِالرَّوْحِ وَالرَّاحَةِ وَالْجَوَازِ
عَلَى الصِّرَاطِ». ^(۲)

«هرکس خانه‌اش مسجد باشد خداوند آسایش و آرامش
و عبور از پل صراط را برای او ضمانت می‌کند».

۵ - زمین برای اهل مسجد تسبیح می‌کند: تسبیح گفتن زمین برای انسانی

۱. من لا يحضره الفقيه: ج ۳، ص ۱۹۹ باب «السوق» ح ۳۷۵۱.

۲. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۶۳، ح ۳۷۸۶.

که به سوی مسجد می‌رود از دیگر آثار و برکاتی است که در متون دینی نقل شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«مَنْ مَشَّى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَأْصُمْ رِجْلًا عَلَى رَطْبٍ وَ لَا يَأْبِسُ إِلَّا
يُسْبِحُ لِهِ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِعَةِ». ^(۱)

«هر کس گامی به سوی مسجد برمی‌دارد، بر هیچ تر و خشکی پانمی نهد، مگر اینکه از زمین اول تا هفتم برای او تسبيح می‌کنند».

۶- اهل مسجد مانع نزول عذاب الهی هستند: امام صادق علیه السلام از پدرانش و آن‌ها از رسول گرامی علیه السلام روایت کردند که فرمود: هرگاه خداوند متعال مشاهده می‌نماید اهل سرزمینی راه اسراف و فساد و معصیت را در پیش گرفته‌اند و فقط سه نفر از مؤمنان در میان آنان هستند، خطاب می‌فرماید:

«يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي! لَوْلَا مَنْ فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَايِبِينَ بِجَلَالِ
الْعَالَمِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَ مَسَاجِدِي وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ
خَوْفًا مِنِّي لَانزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَأُبَالِي». ^(۲)

«ای اهل گناه! اگر در میان شما کسانی از مؤمنان نبودند که به خاطر عظمت من به یکدیگر محبت می‌ورزند و با برپا داشتن نماز، زمین و مساجد مرا آباد نگه می‌دارند و به سبب

۱. من لا يحضره الفقيه: ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۷۰۱.

۲. شیخ صدوق، الامالی: ص ۱۹۹.

ترس از من، در سحرگاهان به استغفار می‌پردازند،
عذاب خویش را بر شما فرو می‌فرستادم و به شما توجهی
نمی‌کردم».

۷- مردگان بر مسجدی‌ها غبته‌می خورند: در حدیثی از رسول گرامی ﷺ نقل شده است که فرمودند:

«ما مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ مَلَكٌ يُنَادِي فِي الْمَقَابِرِ مَنْ تَعْبَطُونَ فَيَقُولُونَ أَهْلُ
الْمَسَاجِدِ يُصَلُّونَ وَ لَا نَقْدِرُ وَ يَصُومُونَ وَ لَا نَقْدِرُ». ^(۱)

«در هر روز، ملکی از ملائکه در قبرستان ندا می‌دهد:
نسبت به چه کسانی غبته می‌خورید؟ آنان در پاسخ
می‌گویند: ما نسبت به اهل مساجد غبته می‌خوریم؛ ایشان
نماز می‌گزارند و روزه می‌گیرند، در حالی که ما توان انجام
آن را نداریم».

سؤال ۵۹ - مسجدی‌ها باید دارای چه صفات و ویژگی‌هایی باشند؟

در قرآن کریم و روایات رسیده از اهل بیت ﷺ ویژگی‌ها و صفاتی برای
مسجدی‌ها ذکر شده‌اند که افرادی که به مسجد آمد و شد دارند باید تلاش کنند
تا چنانچه واجد این صفات نیستند، آن‌ها را تحصیل نمایند:

۱. مستدرک الوسائل: ص ۳۶۲-۳۶۳، ح ۳۷۸۶.

ویژگی اول: قرآن کریم به دنبال آیه ۱۰۸ سوره توبه، که در آن مسجدی را که بر پایه تقوا بنا شده، ستایش نموده است، می‌فرماید:

«فِيهِ رَجُلٌ يُحِبُّونَ أَن يَنْتَهِرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ».

در آن - مسجدی که بر پایه تقوا بنا نهاده شده - مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد».

از آیه شریفه استفاده می‌شود که علاوه بر ایمان به خدا و اعتقاد به معاد، لازم است متعهد و معروف به راستی و درستی در رفتار و کردار باشند. از این‌رو، چنانچه کسانی تمامی نمازهای واجب و مستحب را در مسجد اقامه نمایند، ولی رفتار بیرون از مسجد آن‌ها براساس شئونات اسلامی و دینی نباشد، از اهل مسجد - به معنای واقعی کلمه - نخواهد بود و امتیازات آنان را نخواهد داشت.

ویژگی دوم: آنان براساس روایات، اسوه و الگوی جامعه هستند. در حدیثی، امام صادق علیه السلام انسان‌های مسجدی را از برترین‌ها و برگزیدگان جامعه معرفی فرمودند:

«يَا فَضْلُ! لَا يَأْتِي المسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبْيلَةٍ إِلَّا وَافْدُهَا وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ
بَيْتِ إِلَّا نَجِيَّبُهَا». ^(۱)

ای فضل! از هر جمعی تنها آنان که از همه برترند (در فضایل) و به منزله الگو برای قوم و گروه خویش

۱. شیخ صدوق، الامالی: ص ۴۶ - ۴۷.

هستند به مسجد می‌آیند، و از اهل هر خانه‌ای تنها برگردان آن‌ها به مسجد می‌آیند».

سخنان مذبور علاوه بر الگو معرفی کردن اینان برای جامعه، به افراد مسجدی نیز بازگو می‌کند که باید مراقب رفتار و حرکات خویش باشند تا مبادا شان و عظمت مسجد و یا دین را باکردار و گفتار ناشایست خود زیر سوال ببرند. از این‌رو، باید این افراد سعی کنند تا همواره الگو برای دیگر اقوام و خویشان و دوستان و آشنايان خود باشند.

ویژگی سوم: در روایات، از جمله ویژگی‌های اهل مسجد، جوانمرد بودن آنان ذکر شده است. امام هشتم علیه السلام از پدرانش و آنان از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم نقل فرمودند:

«سَتَّةٌ مِّنَ الْمَرْوَةِ، ثَلَاثَةٌ مِّنْهَا فِي الْحُضْرِ وَ ثَلَاثَةٌ مِّنْهَا فِي السَّفَرِ.
فَأَمَّا الَّتِي فِي الْحُضْرِ: فَتَلَوُّهُ كَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَعِمَارَةٌ مَساجِدِ اللَّهِ
وَاتِّخَادُ الْأَخْوَانِ فِي اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ . وَ امَّا الَّتِي فِي السَّفَرِ:
فَبَذْلُ الزِّيَادِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الْمَرْازِحُ فِي غَيْرِ الْمَعَاصِي». ^(۱)

«شش چیز از نشانه‌های جوانمردی است که سه چیز آن مربوط به حضور و اقامت در وطن است و سه چیز آن مربوط به حالت مسافرت. سه تایی که مربوط به حالت اقامت در وطن هستند، عبارتند از: تلاوت قرآن مجید و آباد کردن

۱. عنون الأخبار الرضا عليه السلام: ج ۲، ص ۲۷.

مساجد الهی و یافتن دوستانی که در مسیر خدا باشند.
و سه تای مربوط به سفر عبارتند از: بخشش توشه راه
به دیگر همسفران، داشتن اخلاق نیکو و مزاح به گونه‌ای که
موجب گناه و معصیت نباشد».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در روایت مزبور، «عمارت مسجد» را از نشانه‌های جوانمردان ذکر کرده است و در پاسخ دیگر سؤالات، توضیح داده‌ایم که براساس روایات، بهترین نوع عمارت و آبادانی مساجد «حضور در مساجد» است. علاوه بر آن، می‌توان با حضور در این مکان مقدس، دوستانی یافت که انسان را در مسیر خدا یاری می‌کنند.

ویژگی چهارم: در روایات اشاره شده است که تردیدی در مؤمن بودن اینان نداشته باشید. پیامبر گرامی ﷺ فرمودند:

«اذا رأيتم الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَأَشْهَدُوا لَهِ بِالْإِيمَانِ لَا إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «إِنَّمَا يَعْمَرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ»». ^(۱)

«هنگامی که دیدید مردی بر رفت و آمد به مسجد مداومت می‌کند وی را مؤمن بدانید؛ زیرا خداوند می‌فرماید: تنها آنان که ایمان به او دارند، مساجد خدا را آباد می‌کنند».

۱. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۲۶۲، ح ۳۷۸۶.

سؤال ۶۰ - نقش اخلاص در اعمال عبادی انسان،

بخصوص مسجد، تا چه حدّی است؟

مساجد جایگاه عبادت و یاد خداوند بر روی زمین هستند. قرآن کریم

می فرماید:

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا». ^(۱)

«مسجد از آن خدایند. پس در کنار خداوند، دیگری را

نخوانید».

در ارتباط با کلمه «مسجد» در آیه شریفه، چهار احتمال از سوی مفسران نقل

شده که عبارتند از:

۱ - مقصود اعضای هفتگانه‌ای است که انسان باید هنگام سجده آن‌ها را بر زمین بگذارد. این اعضا را خداوند آفریده است. پس دیگری را غیر از او پرستش نکنید. روایتی نیز بر تأیید این معنا ذکر شده است. ^(۲)

۲ - مقصود از «مسجد» همه زمین است؛ به دلیل اینکه همه زمین مسجد و پرستشگاه است.

۳ - مقصود نماز است؛ زیرا «مسجد» به معنای «سجده» است و مراد از «سجده» تمامی نماز است. پس در نماز، غیر او را نخوانید.

۴ - مراد از «مسجد» مکان عبادت مسلمانان است که همان مساجد می‌باشند

۱. جن: ۱۸.

۲. ر.ک: تفسیر الفقی: ج ۲، ص ۳۹۰ / تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۳۱۹.

و این معنا به ذهن هر خواننده‌ای نزدیک‌تر است و با معنای آیه مناسب‌تر؛ زیرا مساجد خانه‌های خداوند هستند و در این خانه‌ها کسی جز خداوند را پرستش نکنید. شاهد درستی این احتمال، روایتی است که در آن کلمه «مساجد» به مکان عبادت مسلمانان تفسیر شده است. امام صادق علیه السلام در حدیثی خطاب به یونس بن یعقوب می‌فرماید:

«تدری یا یونس! لم عَظَمُ اللَّهُ حَقًّا الْمَسَاجِدِ وَ أَنْزَلَ هَذِهِ الْآيَةَ
وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؟» کانت اليهود
والنصارى إذا دخلوا كنائسهم أشركوا بالله تعالى فأمر الله سبحانه
نبيه أن يوحّد الله فيها و يعبده.^(۱)

«ای یونس، آیا می‌دانی چرا خداوند حق مساجد را این‌گونه بزرگ داشته و فرموده است: مساجد از آن خدایند؛ پس در آن‌ها کسی راجز خدا عبادت نکنید؟ راز این سخن آن است که یهود و نصارا چون به عبادتگاه خویش وارد می‌شدند، در عبادت و پرستش شرک می‌ورزیدند. خداوند با این گفتار، به پیامبر خود فرمان داد تا در مساجد فقط خدای را بخواند و تنها او را پرستش کند».

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، امام صادق علیه السلام در آیه شریفه را به مکان و جایگاه عبادت تفسیر کردند.

۱. کنز الغوائی: ج ۱، ص ۱۴۹ - ۱۵۰.

در آیه دیگری از قرآن کریم می‌خوانیم:

«وَأَقِيمُوا جِوْهَمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ

مخلصینَ لِهِ الدِّينَ».^(۱)

«و توجه خویش را در هر مسجد به سوی او کنید و او را بخوانید، در حالی که دین خود را برای او خالص گردانده‌اید».

در مورد کلمه «مسجد» در آیه شریفه، مباحثی همچون احتمالات گذشته مطرح شده‌اند. ولی در هر صورت، یکی از احتمالات همان مکان و جایگاه عبادت است و لازمه حضور و عبادت در این مکان، اخلاص و خواندن خدای یگانه است و لاغیر. نقش اخلاص در عبادات تا آن حد است که گاهی انسان‌های عابد را فاسق و فاسق را عابد می‌کند. در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

«دَخْلَ رَجَلٍ الْمَسْجَدَ: أَحَدُهُمَا عَابِدٌ وَالآخَرُ فَاسِقٌ فَخَرَجَا مِنَ الْمَسْجَدِ وَالْفَاسِقُ صَدِيقٌ وَالْعَابِدُ فَاسِقٌ وَذَلِكَ أَنَّهُ يَدْخُلُ الْعَابِدَ الْمَسْجَدَ مُدَلَّاً بِعِبَادَتِهِ يَدْلُلُ بِهَا فَتَكُونُ فَكْرُهُ فِي ذَلِكَ وَتَكُونُ فَكْرُهُ الْفَاسِقِ فِي التَّدْمِ عَلَى فِسْقِهِ وَيَسْتَغْفِرُ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - مِمَّا صَنَعَ مِنَ الذَّنْوَبِ».^(۲)

«دو مرد به مسجد داخل شدند: یکی عابد و دیگری فاسق.

۱. اعراف: ۲۹.

۲. اصول کافی: ج ۲، ص ۳۱۴، ح ۶ باب «العجب».

هنگام خروج از مسجد، شخص فاسق صدیق گشته بود
و شخص عابد فاسق؛ زیرا عابد با خودنمایی و برای نشان
دادن عبادت خویش به دیگران به مسجد آمده بود و همواره
در همین فکر به سر می‌برد، ولی فاسق در حال ندامت برگاه
خویش و طلب آمرزش از خداوند به خاطر گناهانش بود».

**سؤال ۶۱ - با کسانی که به مسجد نمی‌آیند، چگونه باید
برخورد کنیم؟**

به طور کلی، در روابط اجتماعی، انسان باید سعی کند هر روز بر میزان تعهد خود
و خانواده‌اش به دین و مسائل مرتبط به آن بیفزاید، باید تلاش کند تا دیگران را
هم به این مسیر بکشانند. حال اگر به شخصی برخورد کرد که نتوانست تأثیر مثبت
بر او بگذارد، شرع مقدس اسلام دستوراتی در جهت تنیه و آگاه کردن این افراد
برای انسان مقرر کرده است. از این رو، دستور می‌دهد:

«مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود
غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود،
از او زن نگیرد و به او زن ندهد». ^(۱)

۱. توضیح المسائل: مسئله ۸۹۷.

سؤال ۶۲ - آیا نشستن در مسجد عبادت است؟

در روایات و متون دینی نشستن در مسجد بر نشستن در بهشت ترجیح داده شده است: امیرالمؤمنین علی‌الله‌امی فرماید:

«نشستن در مسجد برای من، برتر از نشستن در بهشت است

زیرا نشستن در مسجد مورد رضایت خداوند است

ولی نشستن در بهشت رضایت بنده را به دنبال دارد».^(۱)

ولی مستحب است که نشستن در مسجد اولاً^۲ با وضو و رو به قبله باشد و ثانیاً مشغول ذکر و یا مسائل علمی بشود و از امور بیهوده خودداری ورزد. در متون روایی بر نشستن در مسجد به انتظار نماز، نشستن در بین دو نماز و نشستن در مسجد هنگام بین‌الاطلوعین، سفارش ویژه شده است و برای این عمل آثارو پاداش‌هایی از جمله:

«ثواب حج عمره، درجه‌ی عالی، گنجی از گنج‌های بهشت،

مصدق رهبانیت مورد تأیید در اسلام باعث وسعت رزق،

بخشنده گناهان و... ذکر شده است».^(۲)

۱. وسائل الشيعة: ج ۵، ص ۱۹۹، ح ۶۳۲۵.

۲. ر.ک: فرهنگ مسجد: صص ۲۹۴ - ۲۹۶.

فصل پنجم

احکام مسجد

سؤال ۶۱۳ - آیا تغییر و تبدیل مسجد به کتابخانه، کوچه، خیابان و مانند آن جایز است؟

خرید و فروش مسجد و اسباب و وسایل آن حرام است. هرگونه تغییر و تبدیلی در مسجد نیز حرام است. تنها در موارد خاصی که در ضمن استفتائات به آن‌ها اشاره خواهد شد. تغییر و تبدیل به سبب رعایت مصالحی که قابل چشم‌پوشی نباشد، به اجازه حاکم و ولی فقیه بدون اشکال است.

صاحب جواهر می‌نویسد: حکم - حرمت تبدیل مسجد به چیز دیگر - قطعی است و تفاوتی ندارد که بخشی از یک مسجد را تبدیل کنند و تغییر دهند یا همه مسجد را، به اینکه جاده و یا ملک دیگری قرار دهند، به صورتی که آثار مسجد بودن از آنجا بکلی محو گردد، یا از حیث اینکه محل عبادت است نتوان در آنجا عبادت کرد. سپس در مقام تعلیل این مطلب، اضافه می‌کند: انجام این‌گونه اعمال تخریب مسجد و تبدیل آن، منافات دارد با عبادت که

مسجد مخصوص این کار ساخته شده است.^(۱) البته ایشان مثل برخی دیگر از فقهاء، قایل است به اینکه حاکم اسلامی در این موارد می‌تواند از اختیارات خاص خود استفاده کند.

در اینکه آیا جایز است مسجد را به قصد تغییر نقشه آن تخریب کنند، دو نظر وجود دارد. اقوا آن است که در صورت وجود مصلحت برای این کار و یا وجود مفسداتی در نقشه قبلی، این کار جایز است و رضایت واقف در این زمینه هیچ‌گونه مدخلیتی ندارد؛ چون مسجد با وقف از اختیار واقف خارج شده و به خداوند متعال واگذار گردیده است. بنابراین، ولی خدا (امام معصوم علیه السلام) در زمان غیبت حاکم اسلامی) می‌تواند هرگونه که صلاح بداند در آن تصرف کند.^(۲)

حضرت امام خمینی، بنیانگذار کبیر انقلاب الله عزیز، می‌فرماید: «حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله علیه السلام است، یکی از احکام اولیه اسلام است، و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج، است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است، خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند در موقع لزوم، تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند.»^(۳)

۱. جواهرالکلام: ج ۱۴، ص ۹۵.

۲. همان: ص ۸۳.

۳. صحیحه امام: ج ۲۰، ص ۴۵۲ (۱۳۶۶ دی ۱۴۵۲).

سؤال: در مسیر توسعه خیابانی، چند مسجد قرار گرفته‌اند که برخی از آن‌ها تماماً و برخی قسمتی به جهت سهولت در رفت و آمد وسائل نقلیه، باید تخریب شود. نظر شما چیست؟

جواب: خراب کردن همه مسجد یا بعضی از آن جایز نیست، مگر به خاطر وجود مصلحتی که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد.^(۱)

سؤال: مسجدی که از آن استفاده جماعت نمی‌شود و به ندرت کسی یاکسانی در آن نماز می‌خوانند، آیا می‌توان از آن برای مدتی به عنوان فروشگاه تعاوی استفاده نمود؟

جواب: تبدیل مسجد به فروشگاه جایز نیست.^(۲)

سؤال: مسجدی است که زیرزمینی دارد، که متوجه است. جمعی از افراد خیر تصمیم دارند با کسب اجازه از مرجع عالی قدر، امام خمینی[ؑ] این زیرزمین را تبدیل به صندوق قرض الحسناء عام النفعه نمایند. آیا امام اجازه می‌دهند یا خیر؟

جواب: جایز نیست.^(۳)

سؤال: آیا در پشت بام مسجد، غیر از ساختمان برای مسجد می‌توان ساختمان دیگری بنا نمود؛ مثلاً، ساختن اتاق برای بسیج و غیره؟

جواب: جایز نیست.^(۴)

۱. أوجبة الاستئنات: ج ۱، ص ۱۲۴، س ۴۱۴.

۲. استئنات: ج ۲، ص ۳۶۶، س ۷۸.

۳. همان: س ۵۵، ص ۳۵۷.

۴. همان: س ۵۶.

سؤال: اگر مسجدی که از قرن‌ها پیش محل عبادت و مسجد مسلمین بوده خراب، یا به وسیله عمال حکومت گذشته تخریب شده باشد، آیا می‌توان در محل آن، ساختمان دیگری برای سکنا و یا با عنایین مذهبی دیگر مثل حسینیه، تکیه و غیره ساخت؟ یا باید آن را به حالت اول و به صورت مسجد درآورد و برای سکنه محل، که مسجدی هم ندارند، به صورت سنگر دینی و عبادتگاه الهی قرار داد؟

جواب: تبدیل مسجد به غیر آن جایز نیست.^(۱)

سؤال: ما یک حسینیه داریم که تقریباً خراب شده و مکانش هم جای خوبی نیست. آیا می‌شود آن را بفروشیم و کنار مسجد یک زمینی است حسینیه‌ای از نو بسازیم؟ و اگر می‌شود چون وصل مسجد است یک متر هم از حیاط مسجد داخل حسینیه قرار بگیرد تا بتوانیم در عزاداری امام حسین^{علیه السلام} حسینیه خوبی داشته باشیم؟

جواب: «فروش حسینیه و همچنین جزء حسینیه قرار دادن مسجد جایز نیست.^(۲)

سؤال: شخص خیری در جنب مسجد، زمینی به نیت حسینیه در اختیار مؤمنین قرار داده است. بعداً امنای مسجد آن زمین را با اجازه صاحب آن، جزء مسجد قرار داده‌اند؛ آیا احکام مسجد بر آن جاری است یا خیر؟

۱. همان: ص ۳۶۵، س ۷۷.

۲. استفتات: ج ۲، ص ۳۷۱، س ۹۳.

جواب: اگر وقف حسینیه تمام شده و لوبه این نحو که به قصد حسینیه تحويل داده باشد، مسجد نمی شود و احکام مسجد بر آن جاری نیست.^(۱)

سؤال: مسجدی حدود بیست سال قبل ساخته شده است و به نام مبارک «صاحب الزمان علیه السلام» نامگذاری شده و معلوم نیست که این نام در صیغه وقف هم ذکر شده یا نه، حکم تغییر نام این مسجد از «صاحب الزمان» به «مسجد جامع» چیست؟

جواب: مجرّد تغییر نام مسجد مانعی ندارد.^(۲)

لیلیاں ۶۴ - تخریب مسجد در چه صورت جایز است؟

از روایات واردہ از معصومان علیهم السلام استفاده می شود که مسلمانان از ابتداء، حتی الامکان باید مسجد را وسیع بسازند تا در آینده مجبور نشوند مسجد را به خاطر توسعه، تخریب کنند. در سنن یهقی آمده است:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ بِقَوْمٍ قَدْ أَسْسُوا مَسْجِدًا لِيَبْنُوهُ، فَقَالَ: أَوْسِعُوهُ تَمَلُّوهُ. قَالَ: فَأَوْسَعُوهُ». ^(۳)

«رسول خدا بر جمعی که تازه مشغول بنای مسجدی بودند، عبور کردند، فرمودند: مسجد را وسیع بسازید تا شما را جای دهد. آنان به فرمان پیامبر علیهم السلام مسجد را وسیع ساختند».

۱. همان: ص ۳۶۴، س ۷۴.

۲. أجوية الاستفتارات: ج ۱، ص ۱۲۵، س ۴۱۹.

۳. السنن الكبرى: ج ۲، ص ۴۳۹.

با این وجود، توسعه بنای مسجد پس از ساخته شدن نیز مانع ندارد و از مصادیق «عمارت مسجد» به شمار می‌آید. ممکن است سؤال شود: آیا خراب کردن مسجد تازه ساخت و آباد هم جایز است یا خیر؟ در خراب کردن مسجد آباد بین فقهاء اختلاف است. برخی از فقهاء در این صورت، قایل به توقف شده‌اند؛ به دلیل اینکه قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمِنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعْيٌ
فِي خَرَابِهَا». ^(۱)

«وَچه كسی ظالم‌تر است از آنکه مانع ذکر خدا در مساجد می‌شود و در جهت خرابی آن تلاش می‌کند؟».

این دسته از فقهاء با استناد به آیه شریفه، می‌گویند: ممکن است بر تخریب مسجد تازه ساخت و مستحکم و قابل استفاده عنوان «تخریب» صدق کند. برخی دیگر از فقهاء مثل صاحب جواهر تخریب مساجد را به قصد توسعه و تغییر نقشه در صورتی که به صلاح مسجد باشد، جایز شمرده‌اند.^(۲) حضرت امام خمینی رض می‌نویسد:

«ساختن مسجد و تعمیر مسجدی که نزدیک به خرابی می‌باشد، مستحب است و اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می‌توانند آن را خراب کنند

۱. بقره: ۱۱۴.

۲. ر.ک: جواهر الكلام: ج ۱۴، ص ۸۳.

و دوباره بسازند، بلکه می‌توانند مسجدی را که خراب نشده برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگ‌تر بسازند».^(۱)

سؤال: اهالی یکی از روستاهای در نظر دارند مسجد محقری که تکافوی اهالی محل را نمی‌نماید تخریب کنند و مجددًا مسجد مناسبی در همان محل بسازند. با توجه به اینکه برای توسعه مسجد مزبور، تنها راه، تخریب آن است، لذا خواهشمند است تکلیف شرعی را اعلام فرماید؟

جواب: خراب کردن به منظور توسعه، در صورت احتیاج مردم اشکال ندارد.^(۲)

البته باید توجه نمود که پس از تخریب، نباید از اجزا و آلات مسجد خراب شده در جاهایی که در معرض نجس شدن است استفاده نمود.

سؤال: مسجدی قدیمی که غیرقابل استفاده بود، تخریب و نوسازی شده، مقداری از سنگ‌های شبستان باقی مانده. آیا استفاده از آن سنگ‌ها جهت توالت و دستشویی جایز است یا خیر؟ زیرا سنگ‌های اضافی از اصل ساختمان و شبستان مسجد می‌باشد؟

جواب: در فرض سؤال، اگر مسجد دیگری در محل یا غیر آن باشد که نیاز به سنگ داشته باشد، صرف آن شود و چنانچه مسجد دیگری نباشد سنگ‌هارا بفروشید و پول آن را صرف خود مسجد کنید و صرف آن در توالت و دستشویی صحیح نیست.^(۳)

۱. رساله توضیح المسائل: مسئله ۹۱۱.

۲. استفتنهات: ج ۲، ص ۳۶۸، س ۸۴.

۳. مجمع المسائل: ج ۱، ص ۱۴۶، س ۷۳.

سؤال: مسجدی است که محراب بعضی از جاهای دیگر آن، احتیاج به تعمیر و ترمیم دارد، اجازه می‌فرمایید آن را درست کنند یا نه؟

جواب: اگر مسجد در معرض انهدام یا محتاج به توسعه باشد، توسعه و یا تخریب و تبدیل آن جایز است.^(۱)

در پاسخ به استفتای دیگری در همین زمینه می‌خوانیم:

«در صورتی که توسعه مسجد، محل حاجت باشد،

تخریب و نوسازی آن جهت توسعه مانع ندارد».^(۲)

بنابراین، هرگونه تعمیر و بازسازی و تخریب مسجد در صورت احتیاج، جایز است و در غیر این موارد، مصدق آیه شریفه (۱۱۶ سوره بقره) خواهد بود و تخریب جایز نیست.

سؤال ۶۵ - نجس کردن مسجد چه حکمی دارد؟

«نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است و هر کس بفهمد که نجس شده است، فوراً باید نجاست آن را بر طرف کند، و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند و اگر نجس شود نجاستش را بر طرف نمایند، مگر آنکه واقع آن را

۱. همان: ج ۱، ص ۱۴۹، (بخشی از سؤال ۸۶).

۲. همان: ص ۱۴۶، س ۷۵.

جزء مسجد قرار نداده باشد». ^(۱)

«اگر مسجدی را غصب کنند و به جای آن، خانه و مانند آن بسازند که دیگر به آن مسجد نگویند، باز هم بنابر احتیاط واجب، نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است». ^(۲)

سؤال ۶۶ - آیا ازاله نجاست از مسجد واجب است؟

«هنگامی که انسان از نجاست مسجد مطلع می‌شود، فوراً باید آن را تطهیر کند. پس باید به قدری تأخیر اندازد که عرفاً بگویند تأخیر کرده است». ^(۳)

«برطرف کردن نجاست از مسجد واجب کفایی است و اختصاص به کسی که مسجد را نجس کرده یا سبب نجس شدن آن شده است، ندارد، بلکه بر همه افرادی که می‌توانند مسجد را تطهیر کنند واجب است». ^(۴)

«اگر حصیر مسجد نجس شود، بنابر احتیاط واجب، باید آن را آب بکشند، ولی چنانچه به واسطه آب کشیدن،

۱. توضیح المسائل: مسئله ۹۰۰.

۲. همان: مسئله ۹۰۳.

۳. عروة الريثی: ج ۱، فصل «فی ازالۃ التجاّس عن البدن»، مسئله ۲، ص ۸۴.

۴. همان: مسئله ۳، ص ۸۴-۸۵.

خراب می شود و بریدن جای نجس بهتر است، باید آن را
برند و اگر کسی که نجس کرده ببرد، باید خودش اصلاح
کند».^(۱)

**سؤال ۶۷ - اگر انسان قادر بر تطهیر مسجد نباشد
تکلیف چیست؟**

«اگر نتواند مسجد را تطهیر بنماید و کمک لازم داشته باشد
و پیدا نکند، تطهیر مسجد بر او واجب نیست، ولی اگر
بی احترامی به مسجد باشد، بنابر احتیاط واجب باید به کسی
که می تواند تطهیر کند اطلاع دهد».^(۲)

**سؤال ۶۸ - در چه صورت تطهیر مسجد بر نماز مقدم
می شود؟**

اهمیت ازالة نجاست از مسجد و تطهیر آن به حدی مهم است که گاهی بر نماز
مقدم می شود:

«اگر انسان در وقت نمازو قبل از شروع آن متوجه شود جایی
از مسجد نجس است مثلاً چند قطره خون بر فرش مسجد

۱. توضیح المسائل: مسئله ۹۰۵.

۲. همان: مسئله ۹۰۱.

ریخته است و وقت نماز وسعت دارد تطهیر مسجد و برطرف کردن نجاست بر خواندن نماز مقدم است. و چنانچه وقت نماز تنگ باشد یعنی اگر بخواهد مسجد را تطهیر کند و بعد از آن نماز بخواند، تمام نماز یا قسمتی از آن پس از وقت خوانده می‌شود نماز خواندن بر تطهیر مسجد مقدم است».^(۱)

«اگر در بین نماز متوجه شود یا یادش بیاید که مسجد نجس است، اگر با تمام کردن نماز، تطهیر به تأخیر می‌افتد. مثلاً در رکعت آخر نماز است یا وقت تنگ است نمازش را تمام کند، و پس از نماز مسجد را تطهیر نماید. و در صورتی که تأخیر نمی‌شود و وقت نماز هم وسعت دارد، باید نماز را رها کند و مسجد را تطهیر کند و پس از آن نمازش را بخواند».^(۲)
 «کسی که وظیفه او تطهیر مسجد است، چنانچه اول نمازش را بخواند، مرتكب معصیت و گناه شده، ولی نمازش صحیح است».^(۳)

۱. عروة الوشقی: ج ۱، ص ۸۵، مسئله ۴.

۲. همان.

۳. همان.

سوال ۶۹ - تخریب مسجد، برای تطهیر آن جایز است

یا خیر؟

«اگر مسجدی را با گل یا گچ نجس ساخته باشدند
یا غیر مسلمانی در ساختن آن دست داشته باشد که موجب
نجس شدن آن شده و تطهیر آن ممکن نباشد مگر با تخریب
قسمت قابل توجهی یا تمام آن، در صورتی که کسی باشد
که بدون دریافت اجرت مسجد را بازسازی کند، تخریب آن
جایز است، و گرنه بنابر احتیاط واجب، نباید خراب
کنند». ^(۱)

سوال ۷۰ - بردن شیء نجس به مسجد چه حکمی دارد؟

«بردن عین نجس به مسجد، مانند خون و چیزی که نجس
شده - مثلاً، لباس نجس - اگر بی احترامی به مسجد باشد،
حرام است». ^(۲)

۱. همان: صص ۸۶ - ۸۷، مسئله ۹.

۲. توضیح المسائل: مسئله ۹۰۶.

سؤال ۷۱ - آیا با عذر شرعی می‌توان وارد حیاط مسجد و یا حرم امامان و امامزادگان شد؟

«داخل شدن در حیاط مسجد، اگر مسجد نباشد با داشتن عذر شرعی مانع ندارد و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقف نکند، بلکه عبور نیز ننماید و همچنین در رواق‌ها. اما در ارتباط با حرم امامزادگان، رفتن با این حالت مانع ندارد، ولی بهتر این است که به حرم امامزاده‌های مشهور مثل حضرت معصومه علیها السلام در قم با حال جُنب نرود». ^(۱)

سؤال ۷۲ - آیا جُنب و حائض می‌توانند به مسجد بروند؟

یکی از موارد، رعایت حرمت و احترام مسجد، این است که شخص جُنب و زنانی که دوران قاعدگی و یا ایام نفاس خود را می‌گذرانند، باید از داخل شدن به مسجد اجتناب کنند؛ زیرا این‌ها نوعی آلودگی معنوی به حساب می‌آیند. از این‌رو، توقف و درنگ کردن در مسجد بر جُنب و حائض و نساء حرام است. ولی اگر مسجدی دارای دو در باشد، افراد می‌توانند از یک در داخل و از دیگری خارج شوند - البته به استثنای مسجدالحرام و مسجدالنبی که افراد از

۱ . ر. ک: توضیح المسائل: مستنله ۳۵۵ / آیة الله بهجت، توضیح المسائل: مستنله ۳۵۹ / مجمع المسائل:

ج ۱ ، ص ۷۱ ، س ۱۸ .

چنین حقی برخوردار نیستند - و اگر در این دو مسجد انسان بخوابد و جنب شود یا زن حائض شود باید بلافصله پس از فهمیدن، تیمم بدل از غسل نماید و از مسجد خارج شود. قرآن کریم می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَيْنَاكُمُ الْعِلْمَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا

ما تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرٍ سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَعْتَسِلُوا». ^(۱)

«ای اهل ایمان، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا اینکه بدانید چه می گویید و در حال جنابت نیز تا آن گاه که غسل نکرده اید به نماز نزدیک نشوید، مگر اینکه بدون نشستن عبور کنید».

همان گونه که ملاحظه می شود، معنای ظاهری آیه ارتباطی با مسجد ندارد، اما روایتی که در ذیل آیه شریفه نقل شده است، این ارتباط را روشن می کند: امام باقر علیه السلام در ذیل آیه فوق می فرماید:

«أَنَّ مَعْنَاهُ لَا تَقْرُبُوا مَوَاضِعَ الصَّلَاةِ مِنَ الْمَسَاجِدِ وَأَنْتُمْ

مُجْتَازُونَ». ^(۲)

معنای آیه شریفه این است که در حال جنابت به جایگاه های نماز در مساجد داخل نشوید، مگر این که بدون توقف، تنها از آن محل عبور کنید.

۱. نساء: ۴۳.

۲. مجمع البيان: ج ۳، ص ۸۱.

در روایتی نظیر همین، که صاحب تفسیر عیاشی نقل می‌کند، زراره می‌گوید: از امام باقر^{علیه السلام} پرسیدم: آیا حائض و جنب می‌توانند داخل مسجد شوند؟ حضرت در جواب فرمودند:

«لَا يَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ إِلَّا مُجْتَازٍ بِنَ أَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرٌ

سَبِيلٍ حَتَّى تَعْتَسِلُوا»». (۱)

«حائض و جنب نمی‌توانند داخل مسجد شوند، مگر به نحو عبور کردن (از دری داخل و از در دیگر بدون توقف خارج شوند). خداوند متعال می‌فرماید: و در حال جنابت، نزدیک نماز نشوید، مگر در حال عبور، تا اینکه غسل کنید».

همانگونه که اشاره کردیم، جنب و حائض حق عبور از دو مسجد مسجدالحرام و مسجدالنبی را ندارند. جمیل بن دراج می‌گوید: از امام صادق^{علیه السلام} سؤال کردم: آیا جنب می‌تواند در مسجد توقف نماید؟ امام فرمودند:

«لَا وَلَكِن يَمْرُرُ فِيهَا كُلُّهَا إِلَّا الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَ مَسْجِدُ الرَّسُولِ». (۲)

«خیر، ولی می‌تواند از مساجد عبور کند، مگر در مورد مسجدالحرام و مسجد پیامبر که حق عبور هم ندارد».

۱. تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۲۴۳.

۲. اصول کافی: ج ۳، ص ۵۰، ح ۴، باب «الجنب يأكل و يشرب».

جنب و زن حائض یا نفساء نباید به مسجد الحرام و مسجد النبی وارد شوند، هرچند از یک در داخل و از در دیگر خارج شوند؛ یعنی حتی عبور از این مساجد هم برای چنین افرادی جایز نیست. توقف جنب و حائض و نفساء در مسجد - هر مسجدی که باشد - حرام است. همچنین قرار دادن و گذاشتن چیزی در مسجد حرام است، هرچند از بیرون مسجد یا در حال عبور از آن بگذارند.^(۱)

عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا جنب و حائض می‌توانند چیزی از مسجد بردارند؟ فرمودند:

«نعم، ولكن لا يضعان في المسجد شيئاً». ^(۲)

«آری، ولی نمی‌توانند چیزی در مسجد بگذارند».

سؤال ۷۱۳ - آیا اجیر کردن «جنب» برای کارهای مسجد

صحیح است؟

برای پاسخ به این سؤال به استفتای ذیل دقت فرماید:

سؤال: شخص جنب برای شغلی، مانند بنایی و نقاشی داخل مسجد اجیر می‌شود، اجرتی که می‌گیرد چه صورت دارد؟

جواب: نظر به اینکه توقف جنب در مسجد حرام است، نقاشی یا بنایی جنب در مسجد که مستلزم توقف است نیز حرام است و بنابراین مزد او حرام است

۱. تحریر الوسیله: ج ۱، ص ۳۸، باب «القول في أحكام الجنب».

۲. اصول کافی: ج ۳، ص ۵۱، ح ۸، باب «الجنب يأكل و يشرب».

به دلیل اینکه «إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَّمَ شَيْئاً حَرَّمَ ثَمَنَهُ» خداوند زمانی که چیزی یا کاری را حرام می‌کند، أجر و مزدگرفتن بر آن را هم حرام می‌کند، چون توقف حرام است، پس اجرت و مزدی که با توقف و انجام کار به دست آید، حرام است.

همچنین استیجار جنب برای بنایی یا نقاشی مسجد باطل است.^(۱)

سؤال ۷۱۴ - در چه صورتی جُنُب حق ورود و توقف

در مسجد را دارد؟

اگر شخص جنب متوجه شود مسجد به نجاست آلوده شده است، چنانچه بتواند بدون توقف کردن در مسجد و در حال عبور، نجاست را بر طرف کند، باید فوراً اقدام به تطهیر مسجد نماید، ولی اگر تطهیر مسجد بدون مکث و توقف ممکن نباشد، باید ابتدا غسل کند و سپس اقدام به تطهیر مسجد نماید و غسل را حتی الامکان باید بدون تأخیر انجام دهد. ولی اگر تطهیر مسجد جز به اینکه با حالت جنابت داخل مسجد شود ممکن نباشد و شخص دیگری هم نباشد که عهده‌دار تطهیر مسجد شود، جایز، بلکه واجب است داخل شود و بدون غسل، مسجد را تطهیر نماید. همچنین اگر تأخیر انداختن تطهیر به بعد از غسل باعث هتك حرمت مسجد باشد، باید سریعاً و بدون غسل اقدام به تطهیر مسجد کند.^(۲)

۱. مجمع المسائل: ج ۱، ص ۱۵۷، س ۱۱۶.

۲. عروة الوثقى: ص ۸۷-۸۸، مسئله ۱۴.

اگر کسی جنب باشد و آبی که باید با آن غسل نماید در مسجد باشد (آب دیگری در دسترس نباشد) و به دست آوردن آب جز از راه داخل شدن به مسجد ممکن نباشد، باید تیمّم کند و برای برداشتن آب یا غسل به مسجد داخل شود. این تیمّم پس از پیدا کردن آب بی‌درنگ نقض نمی‌شود، بلکه تابراشتن آب و خروج از مسجد یا غسل کردن در مسجد باقی است (البته غسل کردنی که موجب نجاست و هتك حرمت مسجد نشود). باید توجه داشت که با این تیمّم، فقط ورود به مسجد و توقف در آن به مقدار نیاز مباح می‌شود و انجام دادن سایر امور (مثل تلاوت قرآن و مانند آن) محل اشکال است.^(۱)

سؤال ۷۵ - آیا زن مستحاضه می‌تواند به مسجد برود؟

«اقوا آن است که توقف زن مستحاضه در همه مساجد و همچنین داخل شدن به مسجد الحرام و مسجد النبی جائز است. ولی چنانچه بدون غسل وارد شود، احوط آن است که از اقامه نماز خودداری کند».^(۲)

سؤال ۷۶ - دفن اموات در مسجد چه حکمی دارد؟

«دفن میّت در مسجد، اگر ضرر به مسلمانان باشد یا مزاحم

۱. تحریرالوسيله: ج ۱ ، (القول في أحكام الجنب)، ص ۳۹ ، مسئلہ ۲ .

۲. ر.ک: تحریرالوسيله: ج ۱ ، ص ۶۰ ، مسئلہ ۸ .

نمازشان باشد، جایز نیست، بلکه مطلقاً دفن میت در مسجد
جایز نیست».^(۱)

بیشتر علمای شیعه تعلیل خاصی ذکر نکرده و فقط حکم به عدم جواز
داده‌اند.^(۲) برخی همانند علامه حلی بر این مطلب تعلیلی هم ذکر کرده‌اند؛
ایشان در کتاب منتهی می‌فرماید:

«لَا يَحُوزُ أَنْ يُدْفَنَ فِي شَيْءٍ مِّنَ الْمَسَاجِدِ لَا نَهَا جُعْلَةُ الْعِبَادَةِ».^(۳)

جایز نیست میت را در جایی از مسجد دفن کنند؛ چون مساجد مخصوص
عبادت می‌باشند و در کتاب نهایه می‌فرماید:

«لِمَا فِيهِ مِنَ التَّضِيقِ عَلَى الْمُصْلِيْنَ».^(۴)

«زیرا به نوعی، حق نمازگزاران تضییق می‌شود».

صاحب جواهر پس از اشاره به نقل اقوال و بررسی بعضی از اخبار و شواهد
تاریخی، این گونه نتیجه گیری می‌کند: با دفن در مسجد، انسان شک می‌کند
که آیا تکلیف و جوب دفن، از او ساقط شده است یا نه، بخصوص که در میان
قایلان به حرمت دفن میت در مسجد، کسانی یافت می‌شوند که تنها بر اساس
مستندات قطعی فتوا می‌دهند، بلکه از حاشیه مرحوم صاحب وسائل بر یکی از

۱. توضیح المسائل: مسئله ۶۲۲.

۲. ر.ک: النهایة في مجرد الفتنة و الفتاوي: ص ۱۱۱ / سوأز: ج ۱، ص ۲۸۰.

۳. منتهی المطلب: ج ۱، ص ۳۸۹.

۴. نهایة الأحكام: ج ۱، ص ۳۵۹.

نسخه‌های این کتاب ظاهر می‌شود که بر این حکم (حرمت دفن میت در مسجد) اجماع وجود دارد و شاید واقعاً همچنین باشد و اجماع وجود داشته باشد؛ چون بسیاری از فقهاء، که متعارض این مسئله شده‌اند، تردیدی در آن نکرده‌اند، ضمن اینکه دفن در مسجد، معمولاً مستلزم تنحیس مسجد نیز هست. افزون بر این، دفن میت در مسجد با ملاحظه اینکه نبیش قبر حرام است، برخی انتفاعات از مسجد را در صورت لزوم توسعه مسجد دچار اشکال می‌کند. علاوه بر همه این امور، دفن میت در مسجد، معمولاً با نفرت و کراحت نمازگزاران و یا کراحت نماز آنان همراه است که این خود نوعی ضرر به آن‌ها به حساب می‌آید.^(۱)

سؤال ۷۷ - آیا وصیت به دفن در مسجد نافذ است؟

در پاسخ به این سؤال به استفتای ذیل دقت فرمایید:

سؤال: آیا جایز است که وصیت کنم پس از مرگ، در مسجد محل که در آن زحمت زیادی کشیده‌ام، مرا دفن کنند؛ چون بسیار دوست دارم در این مسجد دفن شوم، در حیاط مسجد یا شبستان؟

جواب: اگر هنگام اجرای صیغه وقف، دفن میت استثنانشده باشد، دفن میت در آن جایز نیست و وصیت شما در این مورد اعتبار ندارد.^(۲)

۱. جواهرالكلام: ج ۱۴، ص ۱۰۲ - ۱۰۳.

۲. أجوية الاستفهامات: ج ۱، ص ۱۲۵، س ۴۱۸.

مسئلہ ۷۸ - نماز گزاردن بر اموات در مسجد جایز است

یا خیر؟

«به جای آوردن نماز میت در مساجد، بجز مسجد الحرام

مکروه میباشد». ^(۱)

مستند این حکم از سوی فقهای عظام روایاتی هستند که در آنها از بجا آوردن نماز میت در مسجد نهی شده است؛ از جمله: ابو بکر بن عیسی میگوید:

«كُنْتَ فِي الْمَسْجِدِ وَقَدْ جَعَلْتُ أَنْجَازَةً فَأَرْدَتُ أَنْ أُصْلِي عَلَيْهَا فَجَاءَ

ابوالحسن الأول علیه السلام فَوْضَعَ مِرْفَقَهُ فِي صَدْرِي فَجَعَلَ يَدِهِ فُنْتَنِي

حَتَّىٰ خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ، فَقَالَ: يَا أَبَا بَكْرٍ إِنَّ الْجَنَاثَرَ لَا يُصْلَى عَلَيْهَا

فِي الْمَسْاجِدِ». ^(۲)

«در مسجد بودم که جنازه‌ای آوردند، خواستم بر آن نماز

بگزارم، امام کاظم علیه السلام دست بر سینه من گذاشت تا اینکه مرا

از مسجد بیرون کرد. آنگاه فرمود: ای ابابکر، در مسجد

بر جنازه‌ها نماز گزارده نمی‌شود».

از آنجایی که روایات دیگری بر جواز نماز میت در مسجد وجود دارد،

لذا فقهاء در جمع بین روایات، فتوا به کراحت نماز میت در مسجد داده‌اند.

۱. توضیح المسائل: مسئله ۶۱۲.

۲. اصول کافی: ج ۳، ص ۱۸۲.

سؤال ۷۹- آیا زمین برای مسجد شدن احتیاج به صیغهٔ خاص دارد؟

درباره اینکه چگونه مکانی عنوان مسجد پیدامی کند و از چه زمانی احکام و آثار مسجد بر آن مرتب می‌شود، امام خمینی^ر می‌فرماید: قول مشهور فقهاء آن است که باید صیغهٔ وقف بر مکانی که قرار است مسجد گردد خوانده شود؛ یعنی واقف بگوید:

«وَقَفْتُهَا مسجداً قُرْبَةً إِلَى اللهِ تَعَالَى».

«این زمین را به قصد قربت و نزدیکی به خداوند متعال به عنوان مسجد وقف کردم».

ولی اگر زمینی را به قصد قربت به نیت مسجد بودن بسازند و دست کم یک نفر به اذن بانی در آن نماز به جای آورد، آن مکان مسجد می‌شود و تمامی احکام مسجد نسبت به آن مرااعات می‌شود.^(۱)

همچنین بانی می‌تواند تنها زمین را مسجد قرار دهد و بنا و پشت بام را مسجد قرار ندهد. به طور کلی، جاری شدن و نشدن احکام مسجد کاملاً وابسته به کیفیت نیت بانی و واقف است. در صورت شک در اینکه دیوار مسجد هم جزو مسجد هست یا خیر، احتیاط مستحب است که احکام مسجد را نسبت به این مکان‌ها مرااعات نمایند.^(۲)

۱. تحریرالوسیلة: ج ۱، ص ۱۵۲، مسئله ۱۹.

۲. العروفةالوثقی: ج ۱، ص ۸۹، مسئله ۱۶.

بنابراین خواندن صیغه در عنوان مسجد شدن شرط نیست، بلکه حتی اگر یک نفر هم در آن محل پس از اذن واقف به نماز خواندن همگان در آن محل، نماز بخواند، آن مکان مسجد می‌شود. باید توجه داشت که:

«اگر مسجدی ویران شود، زمین آن از مسجد بودن خارج نمی‌گردد و احکام مسجد در برخی موارد بر آن جاری است و همچنین اگر تمام روستا یا شهری که مسجد در آن است خراب شود مکانی که مسجد بوده همچنان عنوان مسجد را دارد».^(۱)

همچنین:

«لازم نیست مسجد دیوار و ساختمان داشته باشد و اگر زمینی را برای مسجد وقف کنند و به همین قصد در آن نماز خوانده شود مسجد است و احکام آن باید مراعات شود هر چند دیوارکشی نشده باشد و ساختمان هم ساخته باشند».^(۲)

سؤال ۸۰ - آیا نمازخانه‌ها حکم مسجد را دارند؟

«اگر کسی مکانی را به عنوان جایگاه نماز، نمازخانه، و یا عبادت مسلمانان وقف نماید، وقف صحیح است، ولی آن مکان مسجد نخواهد بود. برای تحقق عنوان

۱. تحریرالوسیله: ج ۲، صص ۷۵-۷۶، مسئله ۶۳.

۲. عروةالونقی: ج ۱، ص ۵۹۷، مسئله ۱۲.

«مسجد» باید واقف، مسجد بودن آن مکان را قصد نماید و نزدیک تر به احتیاط آن است که چیزی را که دلالت بر وقف برای مسجد است ذکر نماید مثلاً بگوید: این زمین یا این مکان را به عنوان مسجد وقف نمودم.^(۱)

سؤال ۸۱ - آیا می‌توان مسجد را برای طایفه یا گروه خاصی وقف نمود؟

چنانچه کسی مکانی یا بنایی را به عنوان مسجد برای گروهی خاص طایفه فلاتی وقف نماید، این وقف شرعاً صحیح است و تنها برای همان گروه نمازگزاردن در آن مکان جایز است. ولی تحقق عنوان «مسجد» به فتوانی امام خمینی^{ره} برای چنین مکانی مشکل است.^(۲)

صاحب جواهر^{ره} نیز، نه تنها چنین قصده را موجب تحقق عنوان مسجد ندانسته، بلکه آن را از اساس باطل شمرده و فرموده است: منظور از مسجد شرعاً مکانی است که برای عموم مسلمانان وقف شده باشد، پس اگر بانی در هنگام وقف کردن، مسجد را برای عده خاصی وقف کند، چنین مکانی مسجد نیست و اساساً قصد کردن عدهای خاص، با مسجد بودن منافات دارد. از این رو، چنین وقفی از اصل باطل است.^(۳)

۱. ر.ک: تحریرالوسیله: ج ۲، ص ۶۲، مسئله ۲.

۲. امام خمینی^{ره} در حاشیه بر عوذهالثئی: ج ۱، ص ۵۹۷، مسئله ۱۲.

۳. جواهرالکلام: ج ۱۴، ص ۶۹.

سؤال ۸۲ - استفاده از وضو خانه مسجد برای امور عبادی

خارج از مسجد چه حکمی دارد؟

«کسی که نمی‌خواهد در مسجدی نماز بخواند، اگر نداند حوض یا وضو خانه آن را برای همه مردم وقف کرده‌اند یا برای کسانی که در آنجا نماز می‌خوانند، نمی‌تواند از حوض یا وضو خانه آن مسجد وضو بگیرد. ولی اگر معمولاً کسانی هم که نمی‌خواهند در آنجا نماز بخوانند وضو می‌گیرند، می‌توانند در آنجا وضو بگیرد». ^(۱)

سؤال ۸۳ - استفاده شخصی از آب مخصوص وضو در

مساجد چه حکمی دارد؟

به استفتایی که از مقام معظم رهبری حفظه‌الله در این زمینه شده است توجه بفرمایید:

سؤال: آیا استفاده شخصی آن هم به مقدار کم از آب مخصوص وضو در مساجد، مثلاً مغازه‌داران محل برای نوشیدن یادداشت کردن چای یا برای ماشین، با توجه به اینکه چنین مسجدی واقع مشخص ندارد که از این کار منع کند، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر معلوم نباشد که آب، تنها وقف وضوی نمازگزاران است،

۱. توضیح المسائل: مسئله ۲۶۹.

و عرف مردم آن محل و رهگذران از مثل این آب استفاده می‌کنند، اشکال ندارد، هر چند احتیاط در این موارد مطلوب است.^(۱) (یعنی بهتر است پرهیز کنند و استفاده ننمایند).

سؤال ۸۱۴ - استفاده شخصی از اموال و امکانات مسجد

چه حکمی دارد؟

به طور کلی، هرگونه استفاده از بخش‌ها، امکانات و اموال مسجد که مغایر با جهت مسجد باشد، جایز نیست و صرف آن در مصارف شخصی غصب محسوب می‌شود. به استفتائات ذیل دقت فرمایید:

سؤال: آیا مهر مسجد را به مسجد دیگر می‌توان برد یانه؟ مثلاً، اگر کسی مهر مسجد را ببرد و مدتی با آن نماز بخواند، چه در منزل و چه در مسجد دیگر، نماز او چه صورتی دارد؟

جواب: جایز نیست و باید به جای اول برگرداند، مگر آنکه یقین کند که مخصوص آن مسجد نیست.^(۲)

سؤال: در مسجد، یک دستگاه بلندگو است که در موقع اذان و مجالس سوگواری از آن استفاده می‌شود. بعضی اوقات، کودکی یا پولی از اشخاص، مفقود می‌شود، از ما خواهش می‌کنند که به وسیله بلندگو به اهالی شهر ابلاغ نماییم، حکم‌ش چیست؟

۱. أجرية الإستفتاءات: ج ۱، ص ۱۲۴، س ۴۱۵.

۲. استفتاءات: ج ۲، ص ۳۳۴، مسئلة ۱.

جواب: اگر بلندگو را به خارج نبرند و پول برق آن را بدنهند، اشکال ندارد.^(۱)

سؤال: اگر در مسجد روضه برقرار باشد، آیا می‌توان برای ضبط شخصی از برق آن استفاده کرد؟

جواب: جایز نیست، مگر آنکه پول برق مصرف شده را بدنهند.^(۲)

سؤال: این جانب خادم مسجدی هستم که مدت سی و دو سال در این مسجد برای رضای خدا خدمت می‌کنم و از کسی مزد و حقوق نگرفته و نمی‌گیرم. در حیاط این مسجد، مقداری درخت قلمه و درخت میوه غرس نمودم و بار آوردم، آیا جایز است از میوه و چوب آن‌ها، خانواده این جانب استفاده کنند یا جایز نیست؟

جواب: اگر درختان را از مال خودتان غرس کرده‌اید و وقف ننموده‌اید، میوه آن از خود شماست و می‌توانید استفاده کنید.^(۳)

سؤال ۸۵ - آیا بیرون بردن ابزار و وسایل مسجد از مسجد

جایز است؟

بیرون بردن هیچ‌یک از ابزار و وسایل مسجد جایز نیست. بنابر آنچه از روایات

۱. مجمع المسائل: ج ۱، ص ۱۴۵، س ۷۰.

۲. آیة‌الله فاضل لنگرانی، جامع المسائل: ج ۱، ص ۹۶، س ۳۱۶.

۳. استفتایات: ج ۲، ص ۳۳۴، مسئله ۱.

استفاده می‌شود، این حکم، حتی شامل سنگریزه‌های موجود در مسجد و حیاط مسجد هم می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«اذا أخرَجَ أَحَدَكُمُ الْحِصَّةَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَلَيَرْدَّهَا فِي مَكَانِهَا أَوْ فِي مَسْجِدٍ آخَرٍ فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ». ^(۱)

«هرگاه کسی سنگریزه‌ای را از مسجد بیرون برد، باید آن را به جای خود و یا مسجد دیگری برگرداند؛ چون این سنگریزه هم خدای متعال را تسبیح می‌کند».

روشن است که چنانچه خروج وسایل مسجد به سبب هدف مطلوبی صورت گیرد، هیچ اشکالی ندارد، مثلاً اگر بلندگوی مسجد خراب شود و احتیاج به تعمیر پیدا کند، خروج آن از مسجد برای تعمیر نه تنها مانع ندارد، بلکه مطلوب هم هست. یا خارج کردن وسایل مسجد به منظور نظافت و تمیز کردن مسجد یا فرش‌های آن جهت شستن قطعاً مطلوب است.

سؤال ۸۶ - خرید و فروش مسجد و ابزار و وسایل آن

چه حکمی دارد؟

خرید و فروش مسجد و اسباب و وسایل مربوط به آن هرچند مسجد خراب شده باشد، جایز نیست و انجام هرگونه معامله‌ای در این باره باطل است.

۱. من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۲۳۷ - ۲۳۸، ح ۷۱۷.

«اگر مسجد خراب هم شود نمی‌توانند آن را بفروشند
یا داخل ملک و جاده نمایند».^(۱)

«فروختن در و پنجره و چیزهای دیگر مسجد حرام است
و اگر مسجد خراب شود، باید این‌ها را صرف تعمیر همان
مسجد کنند و چنانچه به درد آن مسجد نخورد، باید در
مسجد دیگر مصرف شود، ولی اگر به درد مسجد‌های دیگر
هم نخورد، می‌توانند آن را بفروشند و پول آن را اگر ممکن
است، صرف تعمیر همان مسجد، و گرنه صرف تعمیر
مسجد دیگر کنند».^(۲)

صاحب جواهر^ع در مقام بیان دلیل بر استعمال ابزار و وسایل یک مسجد در
مساجد دیگر می‌فرماید:

«جواز استعمال در صورتی است که خود مسجد به آن ابزار
نیازی نداشته باشد یا به دلیل مخروبه بودن ممکن
نباشد، زیرا اصل این است که این عمل - استفاده در مساجد
دیگر - جایز است، ثانیاً، مساجد برای خدا هستند و آنچه
برای خداست براساس روایات رسیده در اختیار ولی او
يعنى امام معصوم^ع و در عصر غیبت در اختیار حاکم

۱. توضیح المسائل امام خمینی^ر: مسئله ۹۰۹.

۲. همان: مسئله ۱۱۰.

اسلامی می باشد و او می تواند هرگونه که مصلحت است در آنها تصرف کند. علاوه بر این ها؛ همه مساجد متعلق به خدا هستند پس در حقیقت همه مساجد یک مسجد است».^(۱)

بنابراین قاعدة اولیه در ابزار و آلات مسجد، حرمت فروش آنهاست ولی در صورت خوف از تلف شدن، این ابزار و وسایل، یعنی وجود مصلحت، فروش جایز است و درآمد حاصل از آن نیز باید صرف همان مسجد و در صورت تعذر در مساجد دیگر صرف شود.

سؤال ۸۷- آیا کتاب‌هایی را که وقف مسجد شده‌اند و مورد استفاده نیستند؛ می‌توان به کتابخانه دیگری منتقل کرد؟
 «در صورتی که وقف آن مسجد باشند، نمی‌توان آن‌ها را به مکان دیگری انتقال داد». ^(۲)

۱. جواهرالكلام: ج ۱۴، صص ۸۳-۸۴.

۲. ر. ک: تحریرالویسیله: کتاب «الوقف».

سؤال ۸۸ - قرض دادن و یا صرف کردن پولی که متعلق

به مسجد است و سپس جایگزین کردن آن با پول دیگر

چه حکمی دارد؟

پولی که به عنوان امامت نزد هیأت امنای مسجد جمع شده است تا صرف مسجد شود، جایز نیست تصرفات دیگری در آن بنمایند؛ از قبیل قرض دادن. همچنین استفاده شخصی از اموال مسجد جایز نیست، مگر آنکه به اذن متولیان و مطابق وقف و به مصلحت مسجد باشد.

سؤال ۸۹ - هرگاه کسی سهوًأ به مسجد ضرر برساند

ضامن است یا خیر؟

«اگر ضرر مالی به مسجد وارد کرده است ضامن است،

هرچند سهوی باشد». ^(۱)

سؤال ۹۰ - آیا امام جماعت می‌تواند در دو مسجد اقامه

جماعت کند؟

امام جماعت می‌تواند نمازی را که به جماعت خوانده، در صورتی که جماعت دوم و اشخاص آن غیر اول باشند، دوباره به جماعت بخواند. ولی بیش از دو مرتبه جایز نیست. ^(۲)

۱. استفتای تلفنی توسط نگارنده از: دفتر مقام معظم رهبری (حفظه الله).

۲. توضیح المسائل: مسئله ۱۴۰۴ / استفتای: ج ۱، ص ۲۸۰، س ۶۸۷.

سؤال ۹۱ - آیا امامت غیرروحانی جایز است؟

«اگر دسترسی به روحانی نباشد، غیر روحانی با وجود سایر شرایط می‌تواند امامت نماید». ^(۱)

سؤال: بعضی از برادران اهل علم با اینکه از معلومات بالایی برخوردار هستند، ولی معنم نشده‌اند. آیا امامت جماعت برای آن‌ها جایز است؟

جواب: چنانچه معنم وجود نداشته باشد، امامت غیرمعنم اشکال ندارد؛ ولی با وجود معنم، خالی از اشکال نیست، مخصوصاً در مساجد، و اگر امامت غیرمعنم موجب هتك باشد، حرام [است] و جایز نیست. ^(۲)

سؤال ۹۲ - فاصله امام جماعت و مأمورمان تا چه مقدار جایز است؟

«مأمورمان باید با امام جماعت مرتبط باشند و ارتباط آن‌ها یا بدون واسطه است که بین امام و مأمور نباید بیش از یک گام فاصله باشد؛ یعنی از محل سجدۀ مأمور تا محل ایستادن امام، یا با واسطۀ سایر مأمورمان از جلو یا سمت راست یا چپ، باید این ارتباط برقرار باشد. بین نمازگزار و صف جلو باکسی که طرف راست یا چپ او قرار دارد بیش از یک گام فاصله نباشد». ^(۳)

۱. استئنات: ج ۱، ص ۲۸۶، س ۵۰۹.

۲. آیة‌الله فاضل لنکرانی، جامع المسائل: ج ۲، س ۳۲۵، ص ۱۵۳.

۳. توضیح المسائل: مسئله ۱۴۳۵ و ۱۴۳۶.

**سؤال ۹۳۳ - آیا می‌توان به امام جماعت در طبقات گوناگون
اقتنا کرد؟**

«اگر جای مأمور بلندتر از امام باشد، در صورتی که بلندی آن به مقدار متعارف باشد اشکال ندارد؛ مثل آنکه امام در صحن مسجد و مأمور در پشت‌بام به نماز بایستد، ولی اگر مثل ساختمان‌های چند طبقه این زمان باشد، جماعت اشکال دارد».^(۱)

سؤال: مسجدی است در کراچی که در آن نماز جماعت برگزار می‌شود و دارای چهار طبقه است و طبقه همکف هم دارد. حالت نمازگزاران در طبقات به شرح زیر است:

الف) بعضی از نمازگزاران طبقه اول می‌توانند امام جماعت و بعضی از نمازگزاران طبقه همکف را بینند.

ب) بعضی از نمازگزاران طبقه دوم و سوم می‌توانند بعضی از نمازگزاران طبقه همکف را بینند، ولی امام جماعت را خیر.

ج) طبقه چهارم نمی‌توانند هیچ‌کدام از نمازگزاران طبقه همکف و اول را بینند؛ آن‌ها فقط می‌توانند بعضی از نمازگزاران طبقه دوم و سوم را بینند. اضافه می‌کنم که در هر طبقه، صفاتی از نمازگزاران برپاست و هیچ طبقه تماماً خالی نمی‌باشد و اتصال در هر طبقه با طبقه قبل حاصل است. آیا نماز جماعت در مسجد فوق صحیح است یا خیر؟

۱. همان: مسئله ۱۴۱۶.

جواب: در صورتی که طبقات نسبت به یکدیگر علوّ فاحش [بلندی زیاد] نداشته باشد و کسی که در صف اول هر طبقه می‌ایستد از صف قبل از خودش در طبقه قبل ولو یک نفر را ببیند، نماز صحیح است.^(۱)

سؤال ۹۴ - تغییر نام مسجد چه حکمی دارد؟

صرف تغییر نام مسجد مانع ندارد، به استفتای ذیل از محضر مقام معظم رهبری دام ظله دقت فرمایید:

سؤال: مسجدی حدود بیست سال قبل ساخته شده است و به نام مبارک «صاحب الزمان علیه السلام» نامگذاری شده و معلوم نیست که این نام در صیغه وقف هم ذکر شده یانه، حکم تغییر نام این مسجد از «صاحب الزمان» به «مسجد جامع» چیست؟

جواب: مجرّد تغییر نام مسجد مانع ندارد.^(۲)

سؤال ۹۵ - آیا مصلی‌ها حکم مسجد دارند یا خیر؟

از نظر شرع مقدس، مستحب است انسان در منزل هم جایی را برای نماز اختصاص دهد، ولی مکانی را که در خانه برای نماز خواندن قرار می‌دهند و مصلاها و نمازخانه‌هایی که به عنوان مسجد قصد و وقف نشده باشند

۱. استفتایات: ج ۱، ص ۲۸۳، س ۴۹۷.

۲. أجوية الاستفتایات: ج ۱، ص ۱۲۵، س ۴۱۹.

و همچنین نمازخانه پادگان‌ها و ادارات و رستوران‌ها و مؤسسات، تا زمانی که ثابت نشده محل به عنوان مسجد قرار داده شده، حکم مسجد را ندارند. اما مصلای‌ای که برای اقامه نماز جمعه بنا می‌کنند، در صورتی که زمین محل نماز اهدا یا وقف شده باشد و به همین عنوان ساخته شود و یک نماز در آن خوانده شود، در حکم مسجد است و احکام مسجد بر آن جاری است، اگرچه اسم مسجد روی آن نمی‌گذارند و به «مصلای» معروف است.^(۱)

سؤال ۹۶ - غصب کردن جای دیگران در مسجد چه حکمی دارد؟

در فقه از برخی امور، تحت عنوان «مشترکات» بحث می‌شود. مقصود اموری هستند که همه‌ی افراد حق بهره‌برداری از آن را دارند. مثل راه‌ها، کوچه‌ها، مدارس، مساجد و... با این که همگان حق استفاده‌ی از مشترکات را دارند ولی برای کسانی که زودتر اقدام نمایند حق تقدم دارند مثلاً یکی از مؤمنین در حال استفاده از مکان خاصی از مسجد مثلاً محراب برای نماز یا دیگر عبادات مثل قرائت قرآن است؛ دیگری نمی‌تواند او را از این مکان براند. این کار علاوه بر آنکه اذیت و آزار مؤمن است نوعی غصب نیز محسوب می‌شود. لذا در رساله‌های عملیه می‌خوانیم:

«اگر انسان نگذارد مردم از مسجد و مدرسه و پل و جاهای

۱. ر.ک: العروة الوثقی: ج ۱، ص ۵۹۶، مسئله ۴ / مجمع المسائل: ج ۱، ص ۱۴۰، س ۵۰.

دیگری که برای عموم ساخته شده استفاده کنند، حق آنان را غصب نموده و همچنین است اگر کسی در مسجد جایی برای خود بگیرد و دیگری نگذارد که از آن جا استفاده نماید.^(۱)

بر طبق این مبنا نماز خواندن در چنین مکانی هم باطل خواهد بود:
 «کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را در محل دیگری بخواند». ^(۲)

امام خمینی رض در تحریر می‌نویسد:

«مسجد یکی از مشترکات و مکان‌های عمومی مسلمانان، همه در آن شریک، و از نظر بهره‌برداری یکسان هستند. بنابراین اگر کسی قبل از دیگری مکانی از مسجد را برای نماز، عبادت، قرائت قرآن، دعا و بلکه تدریس یا وعظ و فتوا دادن و... در اختیار گرفت دیگری نمی‌تواند او را از آن مکان بیرون کند.... هیچ کس به هر قصدی که داشته باشد نمی‌تواند مزاحم شخص دیگری، که مکانی از مسجد را در اختیار دارد، بشود». ^(۳)

۱. توضیح المسائل: مسئله ۲۵۴۵ از احکام غصب.

۲. همان: مسئله ۸۶۸.

۳. تحریرالوسیله: ج ۲، ص ۲۱۴، مسئله ۱۵.

البته حق تقدّم برای شخص پیشی‌گیرنده یک حق همیشگی نیست و تازمانی ثابت خواهد بود که صاحب حق از آن مکان صرفنظر نکرده باشد:

«اگر شخص سابق از جای خود برخیزد و از آن مکان دست کشیده و صرف نظر نماید بر فرض که حقی برای او ثابت شده باشد حق او (به سبب صرفنظر) ازین خواهد رفت. اما اگر کسی جای خود را ترک کند و قصد بازگشت داشته و وسایل او هم هنوز در همان جا باشد حق اولویت او باقی است ولی اگر وسایلی نداشته باشد، ظاهراً حق او ساقط خواهد بود».^(۱)

در سؤال بعدی پیرامون حق تقدّم توضیحات بیشتری خواهد آمد.

سؤال ۹۷- حق تقدّم در مشترکات تا چه زمانی ثابت است؟

فقهای عظام تشخیص زمان حق تقدّم و ثبوت آن را به عرف واگذار کرده‌اند و حق تقدّم را تازمانی که این حق موجب تعطیل بهره‌برداری از مسجد نباشد، ثابت دانسته‌اند. حضرت امام خمینی^{ره} می‌نویسد:

«در ثبوت حق تقدّم، شرط است که فاصله زمانی طولانی میان گذاردن وسایل و آمدن خود شخص نباشد، به گونه‌ای که موجب تعطیل بهره‌برداری از مسجد گردد. بنابراین،

۱. همان: صص ۲۱۴-۲۱۵، مسئلہ ۱۶.

اگر کسی وسایل خود را گذاشت و پس از مدتی طولانی برنگشت، هیچ حقی برای او ثابت نخواهد بود، برای دیگری جایز است که قبل از آمدن او، اسباب و وسایل او را بردارد و در آنجا نماز بخواند. البته برداشتن وسایل در صورتی جایز است که نماز خواندن جز با این کار ممکن نباشد. و مراد از «وسایل» گستردن سجاده و امثال آن است که به اندازه جای یک نمازگزار و یا قسمت عمدہ‌ای از جای یک نمازگزار را اشغال می‌کند. بنابراین، گذاشتن مهر، تسبیح و مسواک و مانند آن به عنوان وسایل و اسبابی که گذاردن آن‌ها حق تقدّم ایجاد کند، محسوب نمی‌شود.^(۱) بنابراین، ملاک و معیار در ثبوت حق تقدّم، آن است که از زمان گذاشتن وسایل تا بازگشت مجدد فرد، مدت زیادی نگذرد و ملاک در تعیین طولانی بودن این فاصله زمانی نیز قضاوت عرف خواهد بود.

سؤال ۹۸ - ورود انسان مست به مسجد چه حکمی دارد؟

ورود افراد مست چنانچه سبب هتك خانه خدا و مسجد شود، حرام است و بر مسلمانان واجب است که مانع ورود این‌گونه افراد به مسجد شوند، ولی در صورتی که موجب هتك نشود، دلیلی بر حرمت آن نیست. قرآن کریم

۱. تحریرالوسيله: ج ۲، ص ۲۱۵، مسئله ۱۷ و ۱۸.

می فرماید:

«لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ». ^(۱)

«نژدیک نماز نشوید در حالتی که مست هستید».

برخی از مفسران گفته‌اند: مراد از لفظ «صلاة» در آیه شریفه، محل بجا آوردن نماز یعنی «مساجد» است و مؤید این سخن، عبارت ذیل آیه است که می‌فرماید: «الاً عَابِرِي سَبِيلٍ» و عبور در مورد محل نماز معنا پیدا می‌کند، نه در مورد خود نماز. ^(۲)

علامه طباطبائی در ذیل آیه شریفه، می‌فرماید: مراد از کلمه «الصلوة» مسجد است؛ برای اینکه می‌فرماید: در حال جنابت نیز نژدیک مسجد نشوید، مگر اینکه از آن عبور کنید. پس در این تعبیر، مجاز به کار رفته است و چون استعمال مجازی مجوز لازم دارد، مجوز جمله «حتى تعلموا ما تقولون» است؛ چون اگر فرموده بود: در حال مستی نژدیک مسجد نشوید، دیگر تعلیل آوردن با جمله «حتى تعلموا ما تقولون» خیلی مناسب به نظر نمی‌رسید، و یا اینکه مقصود این بوده که بفهماند شما در حال نماز در مقابل عظمت و کبریایی خدا قرار دارید و با او سخن می‌گویید. پس صلاح نیست که در این حال، مست باشد و نفهمید چه می‌گویید، و این معنا اقتضا می‌کند که در آیه شریفه بفرماید: در حال مستی نژدیک نماز نشوید. اما به دلیل آنکه بر حسب سنت، بیشتر نمازها در مسجد به صورت جماعت انجام می‌شوند و قصد خداوند متعال آن بوده

۱. نساء: ۴۳.

۲. مجمع البيان: ج ۳، ص ۸۰.

که حکم دخول جنب در مسجد را نیز در ضمن بیان نماید، به اختصار چنین فرموده است.^(۱)

چنان‌که گذشت، بیانات مزبور همگی ناظر بودند به اینکه اگر ورود مست به مسجد موجب هتك حرمت شود، حرام است؛ همچنان‌که در برخی روایات، از ورود شخص مست به مسجد و بی‌اعتنایی مردم نسبت به شراب‌خواری به عنوان یک انحراف در امت اسلامی و از نشانه‌های ظهور امام زمان (عج) یاد شده است:

«وَرَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ مُحْتَشِيَّةً مِمَّنْ لَا يَحْافُظُ اللَّهُ مَجْتَمِعُونَ فِيهَا لِلْغَيْبَةِ
وَأَكْلُ لُحُومِ أَهْلِ الْحَقِّ وَيَتَوَاصِفُونَ فِيهَا شَرَابُ الْمُسْكِرِ وَرَأَيْتَ
السُّكَرَانَ يُصْلَى بِالنَّاسِ وَهُوَ لَا يَعْقُلُ وَلَا يَشَانُ بِالسُّكَرِ
وَإِذَا سُكِّرَ أَكْرَمَ...». ^(۲)

و می‌بینی که مساجد پر می‌شوند از افرادی که ترسی از خدا ندارند، برای غیبت کردن و گوشت اهل حق را خوردن در مسجد جمع می‌شوند. و نوشیدن شراب را توصیف می‌کنند. و می‌بینی که افراد مست در حالی که عقل ندارند، با مردم نماز می‌خوانند. و مردم مستی و می‌خوارگی را سرزنش نمی‌کنند، و هنگامی که مست هستند، مورد احترام هم قرار می‌گیرند. (البته شاید از ترس آزارشان، مردم آنان را احترام می‌کنند).

۱. المیزان: ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۴، ص ۵۷۲.

۲. اصول کافی: ج ۸، ص ۴۰.

سؤال ۹۹ - آیا پخش موسیقی شاد به مناسبت میلاد

ائمه معصومین علیهم السلام در مسجد شرعاً اشکال دارد؟

«روشن است که برای مسجد، جایگاه شرعی خاصی است و چنانچه پخش موسیقی در مسجد مناسب جایگاه و احترام مسجد نباشد، حرام است، حتی اگر موسیقی غیرمطرب باشد». ^(۱)

سؤال ۱۰۰ - کف زدن در حسینیه‌ها و مسجد چه حکمی دارد؟

در پاسخ این سؤال دو استفتنا از محضر مراجع عظام همراه با جواب آنها را ذکر می‌کنیم:

سؤال: در موالید حضرات ائمه علیهم السلام در مسجد، مجلس گرفته، اشعار می‌خوانند و موقع خوانند اشعار، کف می‌زنند، کف زدن در مسجد چه صورت دارد؟

جواب: به نظر این جانب، خالی از اشکال نیست، ممکن است جزء لهویات محسوب شود. ^(۲)

۱. اجوبة الاستفتاثات: ج ۱، س ۴۱۰.

۲. مجمع المسائل: ج ۱، ص ۱۵۵، س ۱۰۷.

سؤال: در اعیاد مذهبی و جشن ولادت ائمه علیهم السلام در مسجد یا حسینیه، مجلس جشن گرفته می‌شود و اشعار مذهبی خوانده می‌شود، آیا کف زدن در این مجالس جایز است؟

جواب: در مساجد و حسینیه‌ها کف نزنند.^(۱)

سؤال ۱۵۱ - آیا تغییر حسینیه به مسجد جایز است؟

چنانچه وقف زمین برای حسینیه تمام نشده و قبض وقف حاصل نشده، تغییر آن به عنوان مسجد اشکال ندارد، ولی اگر تغییر بعد از تمامیت وقف حسینیه حاصل شده باشد، باطل است و آن محل مسجد نمی‌شود، اگرچه نماز خواندن در آنجا اشکال ندارد، ولی احکام مسجد برآن جاری نیست.^(۲)

سؤال ۱۵۲ - آیا می‌توان از زکات و خمس در ساخت مسجد استفاده کرد؟

«یکی از موارد هشتگانه مصرف زکات سبیل الله است؛ یعنی کاری که مانند ساختن مسجد منفعات عمومی دینی دارد مثل ساختن پل و اصلاح راه که نفعش به عموم مسلمانان می‌رسد و آنچه برای اسلام نفع داشته باشد به هر نحو که باشد». ^(۳)

۱. جامع المسائل: ج ۱، ص ۹۵، س ۳۰۷.

۲. ر.ک: استفتات امام خمینی رض: ج ۲، ص ۳۶۴، س ۷۴ و ۷۵.

۳. توضیح المسائل: مسئلله ۱۹۲۵.

سؤال: در صورت وجود فقرای زکات، تا چه مقدار زکات مال خود را بدون رعایت اصناف مستحقین می‌تواند صرف در ساختمان مسجد در محل نماید؟

جواب: با بودن فقرا، تمام زکات را هم می‌تواند صرف مسجد کند، لیکن بهتر آن است که مقداری به فقرا بددهد و مقداری صرف مسجد نماید.^(۱)

ولی وضعیت خمس با زکات فرق می‌کند: خمس را باید دو قسمت کنند: یک قسمت آن سهم سادات است که امر آن با حاکم است و باید آن را به مجتهد جامع الشرایط تسلیم کنند و یا با اذن (اجازه) او به سید فقیر یا سید یتیم یا سیدی که در سفر درمانده شده بدهند، و نصف دیگر آن سهم امام علیه السلام است که در این زمان (غیبت امام عصر - عج -) باید به مجتهد جامع الشرایط بدهند یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد، برسانند.^(۲)

بنابراین اگر فردی بدون اجازه مجتهد خمس را برای مسجد خرج کرده کفایت از خمس نمی‌کند.

سؤال ۱۰۳ - آیا بستن در مساجد در غیر اوقات نماز از

مصاديق ظلم است؟

مسجد خانه خدا و جایگاه عبادت و پرستش خالصانه ای اوست. از این رو قرآن کریم از هر کسی که به مبارزه با این نقش مساجد برخیزد را «ظالم» عنوان

۱. مجمع المسائل: ج ۱، ص ۱۴۷، س ۷۷.

۲. توضیح المسائل: مسئلہ ۱۸۳۴.

کرده است:

«و من أظلم ممن منع مساجد الله أن يذكر بها اسمه و سعى في
خرابها...».^(۱)

«چه کسی ظالم‌تر است از آن که از بردن نام و یاد خدا در مساجد جلوگیری کند و در راستای خرابی آن تلاش نماید.

مؤلف کتاب سیما مسجد درباره آیه شریفه دو پرسش را مطرح می‌کنند:

- ۱ - جلوگیری از یاد خدا در مسجد ظلم در حق چه کسی است؟
- ۲ - جلوگیری از ذکر و یاد خدا در مسجد چگونه صورت می‌گیرد؟

ایشان در پاسخ به سؤال اول می‌فرمایند: این کار از یک سو مسجد را از ایفای نقش اصلی و حیاتی خوبیش باز می‌دارد. پس در حقیقت نوعی ظلم و ستم بر مسجد به شمار می‌آید و از سوی دیگر ستمی بر مؤمنان و نمازگزاران است.

چه، این کار مایه‌ی محرومیت آنان از این مکان مقدس می‌شود. بلکه می‌توان گفت: جلوگیری از یاد خدا در مسجد و تلاش در راستای کاستی و بی‌رونقی آن، ستمی بر مجموعه‌ی دین و شعائر الهی به شمار می‌آید. زیرا مسجد مظهر و نشان اسلام و مسلمانی است پس سعی و کوشش برای خرابی آن در حقیقت عملی در راستای تضعیف دین و مبارزه با آن محسوب می‌شود. و در پاسخ به سؤال دوم می‌فرمایند: این کار به انجام اعمال مهمی نیاز ندارد. هر عمل و رفتار به ظاهر ساده‌ای ممکن است در شرایطی جلوگیری از یاد خدا در مسجد به حساب آید.

اهمیت خودداری از کارهایی که مانع ذکر و عبادت مؤمنان در مسجد می‌شود،

تا بدان جاست که برخی از فقهای اهل سنت همچون ابوحنیفه بستن در مساجد را در هر شرایطی جلوگیری از یاد خدا در مسجد به شمار آورده‌اند.^(۱) هر چند این سخن، نادرست به نظر می‌رسد، زیرا اگرچه مسجد جایگاه ذکر و یاد خداست و بایستی به روی مؤمنان و نمازگذاران باز باشد؛ ولی از سوی دیگر حفظ و نگهداری مسجد و وسائل و ابزار موجود در آن و جلوگیری از اعمالی که مایه‌ی هتك حرمت مسجد می‌شود نیز واجب است. بلی می‌توان گفت بستن در مساجد در اوقاتی که عموماً مؤمنان برای پاداشتن نماز در مسجد گرد می‌آیند، جلوگیری از یاد خدا در مسجد به شمار می‌آید از این رو شایسته است سرپرستان و خادمان مساجد شیوه‌هایی را در پیش گیرند، تا آنجاکه مصالح مسجد اجازه می‌دهد و هتك حرمت و خسارته بخانه‌ی خدا وارد نمی‌آید اوقات بسته بودن در مسجد را کاهش دهند. آیه شریفه عقوبت و عذاب زیان باری که بر جلوگیری از یاد خدا در مسجد و تلاش در راستای ویرانی آن هست را یادآوری می‌کند:

«لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الآخره عذاب عظیم».

برای آنان در همین دنیا خذلان و خواری و در سرای دیگر عذابی در دنیا ک در نظر گرفته‌ایم. بنابراین، این کار عذاب و بدختی و حرمان از نعم الهی را در هر دو جهان به دنبال دارد.^(۲)

۱. ر.ک: اعلام الساجد بأحكام المساجد: محمد بن عبدالله زركشی شافعی: ص ۳۴۰ ، چاپ قاهره،

۱۳۸۴ هـ ق / سیمای مسجد: ج ۲ ، ص ۴۵ .

۲. سیمای مسجد: ج ۲ ، صص ۴۵-۴۶ .

سؤال ۱۴۱- آیا قرار دادن متولی برای مسجد از سوی واقف

صحیح است؟

به طور کلی، قرار دادن متولی و سرپرست برای وقف، از سوی واقف جایز است، ولی در مورد مسجد، واقف شرعاً از چنین حقی برخوردار نیست. به دیگر سخن، زمینی که به عنوان مسجد وقف، و مسجد در آن ساخته شد، مکانی مشترک و عمومی برای همه مسلمانان است و همگان می‌توانند با رعایت احکام و موازین شرعی در استفاده از آن نقش داشته باشند. و هیچ کس، حتی واقف، نمی‌تواند دارای نقش خاصی باشد و دیگران را از مزایا و امکانات آن محروم نماید. ولی در مورد املاک و متعلقات دیگر مسجد، که برای تأمین مخارج مسجد در نظر گرفته شده‌اند، می‌توان جعل تولیت کرد. این حق را خود واقف هم دارد.

واقف می‌تواند برای وقف، متولی (سرپرست) یا ناظر مشخص کند، حتی واقف می‌تواند تعیین متولی وقف را به شخص دیگری واگذار کند که در این صورت، تولیت وقف با همان شخصی است که از سوی واقف معین شده است، بجز در مورد مسجد که واقف نمی‌تواند خود یا شخص دیگری را به عنوان متولی مسجد مشخص کند. پس مسجد یک مکان عمومی برای استفاده شرعی همه مسلمانان است و واقف یا هیأت امنا یا دیگران تولیتی بر مسجد ندارند.^(۱)

۱ . ر . ک: تحریر الوسیله: ج ۲ ، کتاب «الوقف»، ص ۸۲، مسئله ۷۸ و ۷۹ / استفتات: ج ۲ ،

ص ۳۹۶ - ۳۹۷ ، سؤال ۱۴۶ و ۱۴۷ .

سؤال: شخصی مقداری زمین را برای مسجد وقف کرده، ولی متولی معین نکرده. اهالی، امام جماعت را دعوت می‌کنند و به سعی ایشان مسجد، آباد و تکمیل می‌گردد. آیا رضایت صاحب زمین در صحّت نماز امام و اهالی شرط است یا نه؟

جواب: مسجد متولی ندارد و رضایت کسی در عبادت در آن معتبر نیست. ولی تصرفاتی که منافی با احترام مسجد یا مزاحم نمازگزاران باشد، جایز نیست.^(۱)

سؤال: مسجدی است که موقوفاتی هم دارد. بانی مسجد براساس وقف‌نامه‌ای برای مسجد و موقوفاتش، متولی و ناظر معین نموده و مت加وز از یک قرن است که در تحت ید متولی و اعقاب وی بوده و هم‌اکنون متولی در شهر دیگری است و برای رسیدگی به امور موقوفه، برای خود نماینده‌ای تعیین نموده. در چنین صورتی، آیا می‌توان بدون اذن متولی و یا نماینده آن در رقبات تصرف نمود و در آن مسجد نماز خواند یا نه؟

جواب: مسجد تولیت‌بردار نیست و نماز خواندن در آن موقوف بر اجازه کسی نیست. ولی تصرف در موقوفات مسجد، منوط به نظر و اجازه متولی شرعی [آن‌ها] است.^(۲)

۱. استثنایات: ج ۲، ص ۳۹۶-۳۹۷، س ۱۴۷.

۲. همان: ص ۳۹۷، س ۱۴۸.

در اینجا ممکن است این سؤال مطرح شود که پس اداره امور مسجد
بر عهده چه کسانی خواهد بود؟

در پاسخ به این سؤال، باید گفت: سرپرستی و اداره امور مساجد در مرتبه
اول، بر عهده حاکم اسلامی است و چنانچه دسترسی به حاکم اسلامی نباشد،
به نماینده منصوب از طرف او مراجعه می شود و در صورت عدم دسترسی،
مؤمنان باید اداره امور مسجد را به عهده بگیرند.

حضرت آیة‌الله گلپایگانی^۱ در پاسخ به استفتایی می‌فرماید:

«أدائی تکالیف راجعه به مسجد به نحو کفایی، به عهده عموم
مسلمین است و تولیتی که برای مسجد معین می‌شود راجع
به اموال و رقبات متعلقه به مسجد است و در رقبات و اموال،
کسی نمی‌تواند با متولی مخصوص آن‌ها مざاحمت
نماید». ^(۱)

سؤال ۱۰۵ - مسجد جامع چیست؟

«مسجد جامع» مسجدی است که اغلب اوقات، بیش از سایر مساجد جمعیت
داشته باشد، ^(۲) یا مسجدی که برای اجتماع زیادی از مردم ساخته شده

۱. مجمع المسائل: ج ۱، ص ۱۵۳، س ۹۸.

۲. مجمع المسائل: ج ۱، ص ۱۵۳، س ۱۰۱.

و اختصاص به گروه خاص یا اهالی محله‌ای نداشته باشد.^(۱) بر اساس تعاریف مزبور، هیچ مانعی ندارد که در یک شهر، بیش از یک مسجد جامع باشد.

سؤال ۱۵۶- اعلام اشیای گم شده و پیدا شده در مسجد جائز

است یا خیر؟

یکی از کارهایی که فقهای شیعه انجام آن را در مسجد «مکروه» می‌دانند، اعلام اشیای گم شده و پیدا شده در مسجد می‌باشد. علت حکم به کراحت اینست که در این باره برخی از روایات گفته‌اند اعلام اشکالی ندارد؛ علی بن جعفر می‌گوید از برادرم امام کاظم علیه السلام سوال کردم: آیا جائز است گمشده در مسجد تعریف شود؟ حضرت فرمود:

«اشکالی ندارد». ^(۲)

در چند روایت دیگر هم از این عمل نهی شده است از جمله در روایتی می‌خوانیم: پیامبر خدا علیه السلام شنیدند که مردی در مسجد گمشده‌اش را اعلام می‌کند، پس فرمودند: به او بگویید، خداوند به تو بر نگرداند، مسجد را برای غیر این امور ساخته‌اند.^(۳) فقهای عظام در جمع بین روایات حکم به کراحت اعلام داده‌اند. زیرا هدف از بنای مسجد کسب تقریب به خدای متعال و عبادت به درگاه

۱. أوجبة الأسفنايات: ج ۱، ص ۱۲۲، س ۴۱۲.

۲. تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۲۴۹، ح ۳.

۳. من لایحضره الفقیہ: ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۷۱۴.

اوست. متأسفانه در موارد زیادی نگارنده شاهد این‌گونه اعلام‌ها از بلندگوی مساجد مخصوصاً در روستاها بوده‌ام؛ باید توجه داشت که چنانچه امکانات مسجد از جمله سیستم صوتی و بلندگو برای خصوص برnameه‌های مسجد وقف شده باشد این‌گونه استفاده‌ها جایز نیست. و اگر افراد استفاده می‌کنند حداقل باید پول برق مصرف شده را بدهند.^(۱)

سؤال ۱۵۷- تشکیل مجلس عقد ازدواج و شیرینی خوردن

و ولیمه‌دادن در مسجد چه حکمی دارد؟

چنانچه برگزاری جشن عقد و ازدواج در مسجد به گونه‌ای مزاحم نمازگزاران و یا همراه با اموری باشد که با شأن و متزلت مسجد که برای عبادت و نیاش به درگاه خدای سبحان ساخته شده است منافات داشته یا موجبات هتك احترام مسجد را فراهم آورد بدون شک جایز نیست. ولی اگر مقصود خواندن صیغه عقد در این مکان مقدس و شیرینی خوردن و پهن کرده سفره ولیمه باشد به صورتی که مزاحمتی برای عبادت مؤمنین ایجاد نشود، اشکالی ندارد و از برخی روایات استفاده می‌شود که ولیمه ازدواج حضرت علی^{علیہ السلام} و فاطمه زهرا^{علیہما السلام} در مسجد پهن شد.^(۲)

۱. مجمع المسائل: ج ۱، ص ۱۴۵، س ۷۰.

۲. بحار الأنوار: ج ۴۳، ص ۱۱۴.

مقام معظم رهبری در پاسخ به استفتایی در این زمینه پاسخ می‌دهند که:
 «غذا دادن به میهمان در مسجد به خودی خود،
 اشکال ندارد. ولی برپا کردن مجالس عروسی در مساجد
 مخالف جایگاه اسلامی مسجد است و جایز نمی‌باشد
 و ارتکاب محرمات شرعی از قبیل غنا و موسیقی لهوی
 مطرب، مطلقاً حرام است». ^(۱)

سؤال ۱۰۸ - برگزاری مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی در مسجد چه حکمی دارد؟
 تعزیه به دوگونه قابل انجام است:

الف) عزاداری و نوحه‌سرایی و سینه زدن و روضه خوانی.
 ب) برپایی شبیه خوانی یا تعزیه خوانی در فرهنگ عمومی مردم.
 بدون شک قسمت اول از شعائر دین محسوب می‌شود و مورد سفارش
 ائمه علیهم السلام بوده و خود آنان نیز این نحوه عزاداری را داشته‌اند. ^(۲) اما تعزیه‌ای
 که به عنوان شبیه‌خوانی سنتی معروف است، اگر با شرایط زیر خوانده شود
 اشکال ندارد:

- ۱ - از طبل و شیپور و سایر ادوات طرب‌انگیز استفاده نشود.
- ۲ - با صدای ساده خوانده شود، به گونه‌ای که به آن «غنا» گفته نشود.

۱. اجوبة الاستفتاثات: ج ۱، ص ۱۲۰، س ۴۰۶.

۲. مستدرک الوسائل: ج ۱۰، ص ۳۸۶.

۳- اجتماع مرد و زن به صورتی باشد که زن‌ها و مرد‌ها جداگانه و با فاصله مناسبی از هم بنشینند.

۴- کسی که نسخه زنانه را می‌خواند فقط عبا به دوش داشته باشد و یک دستمال سیاه به سرش پیچد.

۵- اشعار به گونه‌ای که در اغلب مجالس مرسوم است خوانده شود.

۶- مزاحم وقت نماز و روضه‌خوانی و مانع وعظ نباشد و خواننده هم مورد اعتماد باشد.^(۱)

سؤال ۱۰۹ - آیا معامله کردن و صنعتگری در مساجد

جایز است؟

در منابع دینی، از معامله و خرید و فروش در مساجد نهی شده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «جَنِبُوا مساجدكُم البَيْعَ و الشَّرَاء»^(۲) مساجد خویش را محل خرید و فروش قرار ندهید.

برخی از فقهاء، از جمله صاحب جواهر در توضیح این دسته از روایات می‌فرماید: انجام خرید و فروش و سایر عقود معاوضی،^(۳) که در آن‌ها

۱. استنائلات امام خمینی پیر: ج ۳، ص ۵۷۹ / فرهنگ مسجد: صص ۱۱۱-۱۰۹.

۲. تهذیب الأحكام: ج ۳، ص ۲۴۹.

۳. «عقود معاوضی» عقودی هستند که در آن‌ها دادوستد وجود دارد و محتوای آن دریافت چیزی

در مقابل چیز دیگر است.

نقل و انتقال انجام می‌گیرد، در مسجد مکروه است. ولی آن دسته از عقود و ایقاعاتی^(۱) که صرفاً جنبهٔ قربی و عبادی دارند مثل برگزاری عقد ازدواج، وقف، نذر و امثال این‌ها، انجامشان در مسجد بلامانع است.^(۲)

اما در ارتباط با صنعتگری و هر عمل دیگری که جنبهٔ شغل و حرفه دارد، باید از انجام آن‌ها در مساجد خودداری شود و به‌طور کلی، هر عملی که باعث غفلت و جلب توجه انسان به غیر خداوند شود، انجام آن در مسجد صحیح نیست. شیخ صدوق^{رض} می‌نویسد: رسول‌گرامی اسلام^{علیه السلام} در مسجد، به مردی که تیرهای خود را می‌تراشید برخورد نمودند، وی را از این کار منع کرده، فرمودند مسجد را برای این‌گونه کارها نساخته‌اند.^(۳)

روشن است که در شرایط کنونی، شاید انجام این کارها در مسجد حتی به ذهن کسی هم خطور نکند، ولی مصاديق دیگری می‌توان یافت که گاهی مشاهده می‌شود افراد از انجام آن‌ها در مسجد ابی ندارند؛ از قبیل بازی شترنج، منچ، جورچین و مانند آن. همان‌گونه که بیان شد، بنابر روایات مزبور، انجام هر عملی که باعث غفلت از خداوند متعال شود، در مسجد جایز نیست.

۱. «ایقاع» آن دسته از حقوق است که یک طرفه می‌باشد و قبول در آن شرط نیست؛ مثل وقف.

۲. جواهرالکلام: ج ۱۴، ص ۱۱۵.

۳. علل الشرائع: ج ۲، ص ۳۱۹.

فصل ششم

جامعه و مسجد

سؤال ۱۱۰ - مساجد چگونه می‌توانند همگام با مقتضیات
جامعه، حرکت فکری و فرهنگی خود را استمرار بخشنده
و مردم را به خود جذب کنند؟

در پاسخ به این سؤال، دو مطلب مطرح می‌شود: اول آنکه هر مسجدی باید برنامه‌های مناسب با سطح فکری و نیازهای مخاطبان خود داشته باشد. دوم آنکه مسئولان مسجد، اعم از امام جماعت و هیأت امنا باید از ابزارهای تبلیغی مناسب در هر زمان برای اشاعه فرهنگ اسلامی استفاده نمایند. مساجد ما امروزه باید به کلیه امکانات هنری، تبلیغی و فرهنگی مجھّز باشند و فضای ورزشی و کتابخانه مجھّز داشته باشند. مساجد باید فقط به ایام محرم و صفر و رمضان اکتفا کنند، بلکه باید در طول سال، برنامه‌هایی برای مردم داشته باشند. برای مثال، برگزاری مراسم دعای کمیل و ندبه و زیارت عاشورا، جلسات تفسیر قرآن از برنامه‌هایی بودند که در اوایل انقلاب در مساجد گسترش پیدا کردند،

ولی امروزه متأسفانه در بسیاری از مساجد، خبری از این برنامه‌ها نیست. مساجد می‌توانند با احیای این برنامه‌ها و استمرار آن‌ها و دیگر برنامه‌های جذاب از قبیل برگزاری اردوها و مسابقات علمی و فرهنگی و ورزشی، در جهت تعمیق بخشیدن به فرهنگ اسلامی در میان مسلمانان همت گمارند. این مهم زمانی تحقق می‌پذیرد که اداره کنندگان مساجد از یینش اجتماعی قوی برخوردار باشند تا بتوانند براساس نیازهای زمان و مکان، برنامه‌های مناسب فرهنگی را پیاده کنند. در منابع اسلامی و روایات ما نیز بر بصیرت و آگاهی تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«العالِمُ بِزَمَانِهِ لَا يَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسَ». ^(۱)

آن کس که زمان خود را درک کند، اوضاع زمان خود را بشناسد و جریاناتی را که در سطح و بطن زمان استمرار دارند درک نماید، امور مشتبه و گیج کننده به او هجوم نمی‌آورند.

روشن است که آشنایی با اوضاع و جریانات زمان و شناخت عوامل دست‌اندرکار اجتماع به انسان امکان پیش‌بینی و مقابله صحیح و منطقی با حوادث و مشکلات فرهنگی و اجتماعی روزگار را می‌دهد. استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرماید:

«مفهوم مخالف جمله گران قیمت فوق این است که الجاهل

۱. اصول کافی: ج ۱، ص ۲۶-۲۷، ح ۲۹ «كتاب العقل والجهل».

بزمانِ یهجمُ عليه اللوابس؛ آنکه نمی‌داند در جهانی که زندگی می‌کند چه می‌گذرد، چه عواملی دست‌اندرکار ساختن جامعه به میل خود هستند، چه تخم‌هایی در زمان حاضر پاشیده می‌شود که در آینده سر برخواهد آورد، روزگار آبستن چه حوادثی است، هرگز نمی‌تواند به مقابله با نیروهای مهاجم برخیزد و یا از فرصت‌های طلایی زودگذر اغتنام جوید. واضح است که توجه و بی‌توجهی قشری که مسئولیت هدایت و رهبری و رعایت و پاس‌داری جامعه خود را دارند، از نظر آگاهی به اوضاع، اهمیت فوق العاده بیشتری دارد».^(۱)

بنابراین، استفاده از ابزارها و امکانات هر زمان برای روزآمد کردن مساجد امری لازم و ضروری است. داشتن بصیرت و آگاهی نسبت به زمان در شریعت اسلامی، بر همگان لازم است، ولی در رابطه با مساجد می‌توان گفت: وجود این ویژگی‌ها در امام جماعت مساجد، در جهت رشد و ارتقای سطح آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مردم لازم‌تر است. از این‌رو، لازم است دست‌اندرکاران امور مساجد در انتخاب ائمه جماعات دقت بیشتری به عمل آورند.

۱. پیرامون جمهوری اسلامی: ص ۳۲ - ۳۳.

سؤال ۱۱۱ - برای جذب جوانان به مسجد از چه عواملی

می‌توان بهره گرفت؟

پاسخ جامع به این سؤال نیازمند تفصیل بیش از حد این مقال است. اما به اختصار، به چند عامل اصلی که در جذب جوانان لازم به نظر می‌رسد، اشاره می‌کنیم:

- ۱ - امام جماعت: علاوه بر شرایط و ویژگی‌های عمومی برای امام جماعت، که در پاسخ به دیگر سؤالات ذکر شده‌اند، به دلیل آنکه امام جماعت دارای نقش محوری است، نکاتی را در جذب جوانان باید مورد توجه قرار دهد:
 - (الف) برخورد مناسب: درک موقعیت سنی جوانان و شناخت نیازها و روحیات آنان توجه خاص می‌طلبد. شناخت جوان و خصوصیات اخلاقی، فکری و فرهنگی آنان و برخورد مناسب با جوانان شرط اولی است که امام جماعت و هیأت امنای مسجد باید برای جذب جوانان مورد توجه قرار دهند. اگر بتوانیم نیازها و سطح توقعات آن‌ها را شناسایی کنیم و برنامه‌ها و فعالیت‌های مسجد را با این شناخت هماهنگ کنیم، قطعاً حرکتی مثبت انجام داده‌ایم.

ب) دوستی با جوانان: افزون بر شناخت جوان و برخورد مناسب ائمه جماعات باید با کنار گذاشتن برخی تشریفات و محدودیت‌های کاذب و غیر ضروری، با جوانان رابطه دوستی برقرار کنند، به آنان شخصیت بدهنده و در ارتباط با اداره بخش‌های مسجد از آنان نظرخواهی کنند و آنان را دعوت به همکاری نمایند. امام جماعت و هیأت امنای مسجد باید با تقسیم مسئولیت‌ها و کارهای مربوط به مسجد، از تخصص‌های گوناگون افراد، بخصوص جوانانی که در مسجد کارایی دارند، استفاده کنند تا مشارکت آنان در امور و کارهای خیر،

عاملی برای رفت و آمد به مسجد باشد. علاوه بر این، امام جماعت باید در مراکزی که جوانان محل حضور دارند مانند دیبرستان‌ها، مراسم‌های جشن و شادی و مجالس ترحیم حضور پیدا کند تا جوانان بیشتری را شناسایی نماید و با ایجاد رابطهٔ دوستی، آنان را از راه‌های گوناگون به مسجد بکشاند.

ج) مطالعه و تحقیق: امام جماعت همواره باید ساعتی از شباه روز را صرف مطالعه و تحقیق کند و از شرایط فکری و فرهنگی و سیاسی، زمان و عصر خود غافل نباشد. این ویژگی باعث می‌شود تا همواره توانایی علمی در جهت پاسخ‌گویی به سوالات و شباهاتی را که در جامعه مطرح می‌شوند، داشته باشد. در هر زمان و مکانی سوالات و شباهات خاصی ذهن و فکر جوانان را به خود مشغول می‌کنند. طبیعی است که توانایی علمی امام جماعت برای پاسخ‌گویی به سوالات مراجعتان سبب جلب اعتماد مردم و جوانان به آن‌ها می‌شود و آنان را به مساجد می‌کشانند؛ زیرا مسجد را ملجأ و پناهگاهی برای برقراری ارتباط با خالق و مکانی برای رفع شباهات و یافتن پاسخ برای سوالات خود می‌شناشند و تا زمانی که مساجد ما از این ویژگی برخوردار نباشند، نمی‌توان شاهد حضور نشاط‌انگیز جوانان در مساجد بود.

د) تشویق: تشویق مؤثر و هدفمند تابع قوانین خاصی است که به کارگیری آن‌ها منجر به رفتارسازی در انسان‌ها می‌شود و انسان‌ها در هر شرایطی بدان نیازمند هستند، بخصوص در دوران نوجوانی و جوانی، تشویق با خواسته‌های جوان تطابق دارد. جوان ستایش خواه و به دنبال جلب توجه و شیفتهٔ تحسین و تمجید است. ائمهٔ جماعات می‌توانند با تشویق جوانانی که در مسجد حضور پیدا می‌کنند، به نحوی که با شخصیت و روحیات آنان سازگار باشد، پاسخی

به نیازهای درونی جوان در عرصه ذهن و عاطفة آنان بدهند. این‌گونه تشویق‌ها دوام حضور جوانان در مسجد و آغاز حضور دیگران را به انسان نوید می‌دهند.

ه) آراستگی: امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ». ^(۱)

«خداؤند متعال زیباست و زیبایی را دوست دارد».

زیبایودن و دوست داشتن زیبایی‌ها به صورت فطری در همه انسان‌ها هست، اما آراستگی و زیبایی در ایام جوانی مورد توجه خاص همه جوانان است. از این‌رو، ائمّه جماعات با اقتدا به سیره ائمّه اطهار علیهم السلام باید از آراستگی لازم برخوردار باشند و توجه جوانان را جلب نمایند. مسئله آراستگی به قدری اهمیت دارد که وقتی از رسول گرامی علیه السلام پرسیدند: اگر در میان گروهی دونفر از نظر قرائت و فقاهت و سوابق انقلابی و سن با یکدیگر مساوی بودند. کدام‌یک برای پیش‌نمایی مقدم است؟ حضرت فرمودند: «فأصْبِحُهُمْ وَجْهًا» ^(۲). آنکه زیباتر است، امام جماعت قرار گیرد.

۲ - مسجد: مسجد با داشتن شرایط و ویژگی‌های خاص خود، می‌تواند از جمله عوامل جذب جوانان به مسجد باشد. گسترده‌گی فعالیت‌ها و امکانات مساجد از نقاط قوت آن‌هاست. امروزه با توجه به ابزارها و شیوه‌های نوین فرهنگی، مساجد بدون امکانات و فعالیت‌های گوناگون، توان رقابت با سایر مراکز را نخواهند داشت. از این‌رو، شایسته است مساجد تا حد ممکن مجھز

۱. اصول کافی: ج ۶، ص ۴۳۸، باب یکم، ح ۱، باب «التجمل و اظهار النعمة».

۲. من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۰۹۹.

به امکانات فرهنگی باشند؛ از قبیل: کانون فرهنگی، خانه خبر، رایانه، کتابخانه، نوارخانه، بانک لوح‌های فشرده و امکانات ورزشی از قبیل: توب و تور، میز تنیس، فوتbal دستی. البته لازم نیست تمامی این امکانات در مسجد یا در کنار آن فراهم شود، چه اشکالی دارد که از طرف مسجد، مکان‌هایی برای این امور در نظر گرفته شوند و مسجد نقش مدیریتی آن‌ها را ایفا نماید؟ مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی از سوی مسجد برای این‌گونه امکانات با داشتن تخفیفات زیاد، هم برای جوانان و جامعه مفید است و هم عاملی در جهت جذب آنان می‌باشد. برگزاری کلاس‌ها و مسابقات قرآنی، خطاطی، نقاشی، نویسنده‌گی، طراحی، اردوهای زیارتی و سیاحتی، برگزاری کلاس‌های آموزشی و رفع اشکال از دیگر راه کارهایی هستند که در جهت جذب جوانان می‌توان از آن‌ها بهره‌گرفت.

۳ - تبلیغات: در دنیای امروز، تبلیغات نقش و جایگاه مخصوص به خود را دارد. از این‌رو، انکاس فعالیت‌های مسجد در بین مردم و اطلاع رسانی و آگاهی پیدا کردن نسل جوان از فعالیت‌های متنوع مساجد گامی دیگر در جهت جذب جوانان به مسجد است.

۴ - خادم: مسئله خادم از جمله مشکلات عمدۀ مساجد است. متاسفانه بیشتر خدام افراد کهن‌سال و بازنشسته هستند، و به همین دلیل، روحیه و حوصله لازم برای برخورد با تمام طبقات اجتماع را ندارند. به نظر می‌رسد اگر خادمان مسجد از افراد جوان‌تر انتخاب شوند و مشکلات اقتصادی آنان تأمین گردد، در رونق گرفتن مساجد نقش مهمی خواهند داشت. به راستی، چرا پس از گذشت ربع قرن از انقلاب اسلامی، بودجه‌ای برای احیا و سروسامان دادن به امور مساجد اختصاص نمی‌یابد؟!

سؤال ۱۱۲ - علل عدم حضور بعضی جوانان در مسجد

چیست؟

نسل جوان هر کشور، سرمایه آن می‌باشد؛ سرمایه‌ای که با به فعلیت درآوردن آن، می‌توان موجبات رشد جامعه را فراهم ساخت. درکشور ما، به علت رشد بالای جمعیت، بخش بزرگی از جمعیت در سنین جوانی قرار دارند و این امر ضرورت برنامه‌هایی برای تربیت این نسل را افزایش می‌دهد؛ نسلی که هدف گستردۀ و اصلی تهاجم فرهنگی غرب می‌باشد. در تهاجم فرهنگی، پایگاه‌های دینی مثل مساجد نیز آماج حمله قرار دارند. دشمنان اسلام و دین از راه‌های گوناگون همچون ترویج ابتدال و فساد، از طریق در اختیار گذاشتن رایگان انواع لوح‌های فشرده رایانه‌ای مبتذل و برنامه‌های ماهواره‌ای و ترویج الگوهای غربی، سعی در سست کردن پایه‌های اعتقادی و فرهنگ اسلام در جامعه و بخصوص در بین جوانان دارند. امروزه با توجه به گستردگی ارتباطات و فناوری پیشرفته، به طور قطع، نمی‌توان از ورود فرهنگ‌های بیگانه جلوگیری کرد. از این‌رو، باید به جوانان دربرابر این هیجوم افسارگسیخته مصونیت ببخشیم. به‌نظر می‌رسد بهترین و کم‌هزینه‌ترین روش در جهت نیل به این مقصود، استفاده مطلوب و برنامه‌ریزی شده از امکانات مساجد و افزایش توان مسجد، در رقابت با تهاجم فرهنگی دشمنان است. مساجد می‌توانند با جذب جوانان و تعمیق بخشیدن به فرهنگ غنی اسلامی، در این نبرد بزرگ سر بلند و پیروز باشند.

اما اینکه چرا جوانان از حضور در مساجد امتناع می‌ورزند، عوامل متعددی

دارد که به چند عامل اصلی آن اشاره می‌کنیم:

۱ - خانواده: محیط خانه نخستین مکانی است که پایه سعادت یا شقاوت افراد در آن پی‌ریزی می‌شود. از این‌رو، بخشی از علل روی‌گردانی از مسجد و شاید بتوان گفت: بخش عمده روی‌گردانی - به این نهاد باز می‌گردد. والدینی که خود پایبند تکالیف و احکام دین نیستند و در عمل، نسبت به این مسائل کم‌اعتنا و بی‌مبالغه هستند و در معاشرت‌های خانوادگی با دوستان و خویشان خود، ضوابط شرعی را رعایت نمی‌کنند و به تربیت دینی و مذهبی فرزندان خود توجهی ندارند، چگونه می‌توانند فرزندانی پایبند و متعهد به احکام دین و صالح داشته باشند؟ این‌گونه فرزندان با الگو قرار دادن والدین، روش آن‌ها را مشی‌کرده نوعاً شخصیتی بی‌تفاوت نسبت به دین و مسجد پیدا می‌کنند. البته از سوی دیگر هم والدینی که در طول زندگی خود، مقید به دین و پایبند به احکام و ضوابط دینی هستند، ولی جوانان خود را بدون در نظر گرفتن روحیات و استطاعت‌های جسمی و روحی مجبور به تکالیف واجب و مستحب دینی می‌کنند و توجیه منطق‌پذیری برای این‌گونه اجرابها ندارند، موجب بیزاری و تنفس جوانان از دین و مسجد می‌شوند.

۲ - فرد و بحران هویت: بحران هویت از سال‌های نوجوانی آغاز می‌شود و تا بخشی از جوانی ادامه دارد. جوان و نوجوان در این مرحله، با کمک والدین و اطرافیان، باید هویت خود را بسازد و با توجه به گسترده‌گی مفهوم «هویت»، هر فرد هویت‌های گوناگونی دارد که «هویت دینی» یکی از آن‌هاست.

«هویت دینی» در واقع، همان رابطه بین آدمی و دین است و نتیجه آن احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و معتقدات دینی است. بی‌تردید، فقدان جهانبینی مطلوب و نداشتن یک بینش صحیح نسبت به آفرینش و نیز هرگونه اختلال و آشتفتگی در هویت دینی، ضعف دین‌داری در بین جوانان و عدم حضور در مساجد و پایگاه‌های دینی را به همراه خواهد داشت؛ زیرا^۱ اگر باورهای انسان منفی باشند اعمال و کردار مبتنی بر آن نیز سعادت‌آفرین نخواهند بود. شکست‌ها، سرخوردگی‌ها، کمبودها، اثربندهای از تبلیغات دشمنان، برداشت غلط از دین، نداشتن بنیان و مایه علمی لازم و شناخت ناقص و غیراصولی از دین و فلسفه آن بحران هویتی فردی به دنبال دارد. امام علی^ع می‌فرماید:

«النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهَلُوا». ^(۱)

«مردم دشمن چیز‌هایی هستند که نمی‌دانند».

طبق این روایت، جهل و نادانی بحران هویتی را به همراه دارد.

۳ - جامعه: متأسفانه در بیشتر محیط‌های عمومی جامعه مسلمانان، بخصوص در ایران اسلامی و در بین شیعیان، بی‌مبالغی و بی‌اعتنایی و بعضًا تمسخر نسبت به دین و احکام دینی بیش از توجه و تشویق به دین و احکام آن مشاهده می‌شود. اگرچه مسجد همچنان از قداست خاصی نسبت به سایر مراکز - حتی در بین افرادی که تعهدی نسبت به دین ندارند - برخوردار است، اما مواردی از قبیل مسائل یاد شده و معاشرت با دوستان ناباب، سوء عملکرد

۱. نهج البلاغه: کلمات قصار، ش ۱۷۲ و ۴۳۸.

برخی دستگاه‌های اجرایی و یا کارمندان آن‌ها در حکومت دینی، تناقض در گفتار و رفتار برخی مسئولان، برخورد نکردن با مخالفان اقتصادی و برخی افراد خاص، نقش اساسی در رویگردانی جوانان و دیگر اقتشار جامعه از مسجد دارد.

۴ - مسجد: مسجد نقش مهمی در دفع جوانان دارد. مواردی از قبیل یکنواخت بودن برنامه‌های مسجد، به روز نبودن آن‌ها، تکراری بودن موضوعاتی که در مسجد مطرح می‌شوند، نپرداختن به موضوعات جوانان، محل درآمد بودن مسجد برای برخی از روحانیان و طولانی بودن نماز جماعت و سخنرانی، از جمله موانع جذب جوانان به شمار می‌آیند.

سؤال ۱۱۱۳ - ترک مسجد چه عوایقی به دنبال دارد؟

اگرچه در روایات و منابع اسلامی بر حضور مؤمنان در مسجد بسیار تأکید شده و برای این حضور آثار و فواید فراوانی نقل شده است، اما هیچ‌بک از علماء از این روایات استفاده نکرده‌اند که اگر کسی مطلقاً به مسجد نیاید پس مسلمان نیست. آری، چنانچه ترک مسجد و حضور نیافتن در آن و یا خروج از آن در هنگام عبادات - مثل وقت اذان - بدون عذر و علتی و یا همراه با اغراضی دیگر باشد، مسائلی به دنبال دارد که روایات و متون دینی به آن‌ها اشاره کرده‌اند:

۱ - نفاق: در روایتی از رسول ﷺ وارد شده است که فرمودند:

«مَنْ سَيِّعَ النِّدَاءَ فِي الْمَسْجِدِ فَعَرَجَ مِنْ غَيْرِ عِلْمٍ فَهُوَ مُنَافِقٌ إِلَّا أَن

ٰرُّيْدَ الرَّجُوعَ إِلَيْهِ». ^(۱)

۱. تهذیب الأحكام: ج ۳، ص ۶۱، ح ۲۶۳، باب «فضل المساجد».

«کسی که صدای اذان مسجد را بشنود و بدون علت از مسجد خارج شود، منافق است، جز اینکه قصد برگشت به مسجد داشته باشد».

۲ - کامل نبودن نماز تارک مسجد: از دیگر عوایقی که در روایات و متون دینی برای تارک مسجد ذکر شده‌اند، امام صادق ع فرمودند:

«مَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ جَمَاعَةً رُغْبَةً عَنِ الْمَسْجِدِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ وَلَمَنْ صَلَّى يَتَّبِعُهُ إِلَّا مِنْ عَلَّةٍ تَمَنَّعَ مِنَ الْمَسْجِدِ».^(۱)

«کسی که به خاطر اعراض و دوری از مسجد در خانه‌اش نماز جماعت برگزار کند، نماز او و همراهانش تمام و کامل نیست».

شاید به ذهن برسد که برگزاری نماز جماعت در خانه موجب کامل نبودن نماز می‌شود، نه ترک مسجد، ولی باید توجه داشت که در روایت قید «رغبة عن المسجد» آمده است و این همان برداشتی است که ما از روایت کردہ‌ایم؛ یعنی برگزاری نماز اگرچه به جماعت، ولی به خاطر اعراض و دوری از مسجد بوده و به همین دلیل، نماز این افراد کامل و تمام نیست.

۳ - شکایت مسجد: عنوان دیگری که در روایات بر ترک مسجد آمده، شکایت مسجد از مسلمانان است. در روایتی از رسول گرامی ص می‌خوانیم:

۱. شیخ طوسی، الامالی: ص ۶۹۶، ح ۱۴۸۶.

«وَيَقُولُ الْمَسْجِدُ: يَا رَبَّ عَطْلَوْنِي وَصَيَّعْوَنِي». ^(۱)

«مسجد می‌گوید: پروردگار، این‌ها مرا تعطیل کردند
و ضایع نمودند».

نظیر این روایت در شکایتی که مسجد از همسایگانش دارد، با لحن شدیدتری وارد شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که به دنبال شکایت مسجد از همسایگانش بر عدم حضور در مسجد، خداوند می‌فرماید:

«وَعَزَّتِي وَجْلَالِي، لَا قَبَلْتُ لَهُمْ صَلَاهَةً وَاحِدَةً وَلَا أَظْهَرْتُ لَهُمْ فِي النَّاسِ عَدَالَةً وَلَا نَالَهُمْ رَحْمَتِي وَلَا جَاؤُرُونِي فِي جَنَّتِي». ^(۲)

«به عزّت و جلالم! یک نماز آنان را قبول نمی‌کنم و عدالت را برای آن‌ها در میان مردم ظاهر نمی‌سازم و رحمتم را به آن‌ها نمی‌رسانم و در بهشت همسایه‌ام قرار نمی‌دهم».

سؤال ۱۱۴ - خدام و متولیان مساجد چگونه می‌توانند

با نوجوانان خاطی برخورد مناسبی داشته باشند؟

بدون شک دوران نوجوانی از حساس‌ترین دوران زندگی انسان به شمار می‌آید. این دوران به تعبیر روان‌شناسان مرحله‌ی «انتقال» از کودکی به جوانی و بزرگ‌سالی است. در این دوران نوجوان از یک سو می‌خواهد کارهای دوران کودکی

۱. الحصال: ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۵، ح ۲۳۲.

۲. شیخ طوسی، الامالی: ص ۶۹۶، ح ۱۴۸۵.

راکنار بگذارد و از دیگر سو توانایی و تجربه‌ی لازم را برای حل مسائل و مشکلات خود ندارد. وجود این دو حالت باعث بروز مشکلاتی در روحیات نوجوان شده و آرامش روحی و روانی آنان را سلب می‌نماید؛ به همین دلیل سرکشی و ناسازگاری و برآشتنگی و پرخاش در این دوران بیشتر از سایر اوقات مشاهده می‌شود. این گونه رفتارها ممکن است در هر زمان و مکانی بروز و ظهور نماید. مساجد نیز از این قاعده مستثنی نیستند حال اگر مشاهده شد که برخی از نوجوانان برای ابراز وجود در مساجد اقدام به کارهایی از قبیل؛ سر و صدا و ایجاد مزاحمت برای مؤمنین، رعایت نکردن حرمت و احترام مسجد و... نمودند؛ متولیان و خدام مساجد چگونه می‌توانند با اینان برخورد مناسب و صحیحی داشته باشند تا هم نظم مسجد حفظ گردد و هم از بروز هرگونه تنش و برخوردي جلوگیری شود؟ در ذیل به برخی از نکاتی که می‌تواند راهگشا باشد اشاره می‌کنیم:

امام علی^{علیه السلام} (در نامه‌ای خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی^{علیه السلام}) می‌نویسد:

«وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَّثِ كَأَلَارْضِ الْعَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا فِي لَهْلَكَةٍ».^(۱)

«قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده آماده‌ی پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده می‌شود».

۱. نهج البلاغه: نامه ۳۱، ترجمه‌ی استاد: محمد دشتی.

از این سخن نکاتی استفاده می‌شود:

نکته‌ی اول: امام علی این سخنان را مستقیماً و با داد و فریاد کردن برای امام حسن علیهم السلام بیان نکردند؛ بلکه به صورت نامه و نوشته در اختیار امام حسن علیهم السلام قرار دادند، از این برخورد امام علیهم السلام استفاده می‌شود که در هدایت نوجوان در درجه‌ی اول و تا آنجاکه امکان دارد باید از روش‌های غیرمستقیم استفاده کرد. روشن است، مقصود این نیست که متولیان امور مساجد به تک‌تک نوجوانان نامه بنویسنده؛ اما می‌توانند با نصب تابلوها و نوشته‌هایی با مضامین تربیتی نوجوانان را هدایت کنند. تجربه‌ی عملی نشان داده است که در همه موارد نصب این نوشته‌ها و تذکرات، مفید و سودمند است. از این رو در مسجد نیز می‌توان از این روش استفاده کرد و مؤمنین با نشان دادن تابلوها به افراد خاطلی بدون ایجاد کوچکترین تنفسی افراد را هدایت و فضای مناسب برای عبادت مؤمنین ایجاد کنند.

نکته‌ی دوم: امام علی با نوشتن نامه به فرزند عمالاً نشان می‌دهند که به ایشان توجه خاص و ویژه دارند؛ از این نکته استفاده می‌شود که متولیان مساجد نیز نه تنها باید از حضور نوجوانان در مساجد به سادگی عبود نکنند؛ بلکه باید با برخورد خاص و ویژه به همراه تشویق آنان و مشارکت عملی در امور و برنامه‌های مسجد نوجوانان را به مساجد مجدد کنند.

نکته‌ی سوم: امام علی با نوشتن نامه به پیروان شان می‌فهمانند که در برخورد با نوجوانان باید از راه‌های محبت‌آمیز و دوستانه وارد شد؛ نه امر و نهی‌ها و داد و فریاد کردن‌ها. هرگونه افراط در برخورد با نوجوانان ممکن است به گستاخی

و لجاجت و سیزه‌جويی منتهی شود. امام علی^{علیه السلام} می‌فرمایند:

«الإفراطُ فِي المَلَمَةِ يُشَبَّهُ بِنَيْرَانِ الْلَّاجَاجِ». ^(۱)

«افراط و زیاده‌روی در سرزنش کردن شعله‌های لجاجت را

دامن می‌زند».

از این‌رو متولیان مساجد تا آنجاکه امکان دارد با برخورد صحیح و مسالمت‌آمیز و مناسب با شأن و شخصیت خود و نوجوان خاطی را داشته باشند.

نکته‌ی چهارم: نکته دیگر آن‌که متولیان مساجد توجه دارند که خطوا و اشتباه نوجوان در اغلب موارد تعمدی و از روی غرض و رزی و... نیست بلکه این شرایط خاص سنی است که باعث بروز این‌گونه رفتار شده است. لذا خدام و متولیان باید سعی کنند تا با استفاده از این قلب‌های آمادی پذیرش به فرمایش امام علی^{علیه السلام} با پاشیدن بذر هدایت آنان را آباد کرده و از این دسته از نوجوانان؛ در آینده افرادی عاشق مسجد و مشارکت در امور خیر بسازند.

نکته‌ی پنجم: به ذهن می‌رسد که متولیان امور مساجد، ائمه محترم جماعات، در این باره رعایت کنند؛ آگاهی دادن در خصوص مسجد به نوجوانان است. متأسفانه اکثر نوجوانان ما به دلایل مختلف مسجد را صرفاً به عنوان مکانی برای عبادت می‌شناسند. و اطلاع کافی از تقدس و عظمت آن، تفاوتی که با سایر مکان‌ها دارد و احکام مربوط به آن ندارند. لذاگاهی از اوقات

۱. غزد الحکم: حدیث شماره ۴۵۰۷.

شاهد رفتارهای مناسبی نیستیم. از این‌رو اگر آگاهی‌های لازم در ارتباط با مساجد از طرق مختلف از قبیل برگزاری کلاس‌ها، مسابقات و... به نوجوان داده شود به نظر می‌رسد، کمتر و یا اصلاً شاهد این قبیل رفتارها نخواهیم بود. بنابراین به نظر می‌رسد متولیان مساجد می‌توانند، با برخوردهای محبت‌آمیز، توجهات خاص و تذکرات غیرمستقیم مشارکت دادن نوجوانان در امور مسجد بتوانند نقش و جایگاه خاص خود را در این باره به نحو احسن ایفا کنند.

ان شاء الله.

سؤال ۱۱۵- آیا مسجد می‌تواند اعمال و رفتار فاسد انسان را

اصلاح کند؟

نه مسجد و نه هیچ عامل دیگری نمی‌تواند اعمال و رفتار انسان را اصلاح کند؛ این عوامل و سیله‌اند برای اینکه انسان به اشتباهات خود پی ببرد و خود در صدد اصلاح اعمال و رفتار خویش برآید. متأسفانه‌گاهی اوقات انجام برخی عبادات از جمله «مسجد رفتن» برای افراد به شکل «عادت» درآمده است. تا زمانی که تمامی اعمال انسان به این شکل باشند و بدون تفکر و تأمل در پیرامون عمل، این اعمال هیچ تأثیری در اصلاح انسان نخواهند داشت. انسان باید نه تنها برای هر عمل عبادی اخلاص و انگیزه‌الهی داشته باشد، بلکه باید انجام این اعمال و عبادات، بخصوص در مسجد و حضور در مکان‌های مقدس، عاملی برای تصحیح اعمال و پرهیز از گناه و زشتی‌ها باشد؛ زیرا حضور در مسجد با روح و جسم آلوده به گناه و بدون تصمیم بر توبه و بازگشت از عصیان، نه تنها انسان را

محبوب درگاه حق تعالیٰ نخواهد کرد، بلکه موجبات خشم الهی را فراهم خواهد ساخت. از روایات استفاده می‌شود که اصرار ورزیدن برگناه و سرکشی و طغیان همراه با حضور در مسجد و درگاه الهی نوعی نفاق، بلکه استهزا و تمسخر نسبت به فرامین الهی است. در این صورت، حضور در مسجد خشم و نفرین الهی را به دنبال دارد.

در روایتی آمده است: پیامبر گرامی می‌فرمایند:

«خداؤند متعال به من وحی نمود: ای برادر پیامبران و ای برادر بیم دهنگان! به قوم خویش ابلاغ کن در حالی که مظلمه‌ای از یکی از بندگانم برگردان آنان است، به هیچ خانه‌ای از خانه‌های من داخل نشوند. من چنین شخصی را در حالی که به نماز در مقابل من مشغول است لعن می‌کنم، مگر اینکه آن مظلمه را به صاحبیش برگرداند». ^(۱)

در این روایت، تنها گناه «ظلم بر بندگان» ذکر شده، ولی طبیعی است که همه گناهان از این خصوصیت برخوردارند، بخصوص گناهانی که «حق الناس» محسوب می‌شوند. از این رو، باید گفت: تا زمانی که خود انسان عزم و اراده بر اصلاح رفتار و اعمال خویش نداشته باشد، این عوامل به تنها یی کارآیی نخواهند داشت.

۱. عدة الداعي: ص ۱۴۱.

سؤال ۱۱۶ - پیامبر اکرم ﷺ پیش از هجرت به مدینه

چه استفاده‌ای از مسجدالحرام می‌کردند؟

بنابر شواهد تاریخی موجود، پیامبر گرامی از نخستین روزهای دعوت آشکار،

از مسجدالحرام استفاده‌های مهم می‌کردند. این موارد عبارتند از:

الف) استفاده عبادی: فقط به ذکر یک نمونه اکتفا می‌کنیم: ابن اثیر در اسدالغابه و ابن حجر در الاصابة در ترجمه «عفیف کندی» نقل می‌کنند که گفت: در روزگار جاهلیت وارد مکه شدم. میزبانم عباس بن عبدالمطلب بود و ما دونفر در اطراف کعبه بودیم. ناگهان دیدم مردی آمد و در برابر کعبه ایستاد و سپس پسری را دیدم که آمد و در طرف راست او ایستاد. چیزی نگذشت زنی را دیدم که آمد و پشت سر آنها فرار گرفت و من مشاهده کردم که این دو نفر به پیروی از آن مرد، رکوع و سجود می‌کنند. این منظرة بی سابقه حس کنجکاوی مرا تحریک کرد که جریان را از عباس پرسم. او گفت: آن مرد محمد بن عبدالله است و آن پسر برادرزاده اوست وزنی که پشت آنهاست، همسر محمد است. سپس گفت: برادرزاده ام می‌گوید: روزی فرا خواهد رسید که خزانه‌های قیصر و کسرارا در اختیار خواهد داشت. ولی به خدا سوگند، روی زمین کسی پیرو این آیین نیست جز همین سه نفر. سپس راوی می‌گوید: آرزو می‌کنم که‌ای کاش من چهارمین نفر آنان بودم.^(۱)

ب) استفاده تبلیغی: بر پایه برخی از شواهد تاریخی، پیامبر گرامی

۱. فروغ ابدیت: ج ۱، ص ۲۴۳.

به صورت محدود از مسجدالحرام استفاده تبلیغی و آموزشی می‌کردند؛ زیرا کعبه و مسجدالحرام پیش از دین اسلام نیز جایگاه گردهمایی مردم بود و مشرکان برای پرستش بت‌ها و طواف خانه کعبه در آنجا گردهم می‌آمدند. اسلام آوردن شماری از یاران و صحابه ثمرة این کارهای تبلیغی بوده است. از جمله این مسلمانان، می‌توان به طفیل بن عمر، شاعر توانای عرب، اشاره کرد. سران قریش از ترس اسلام آوردن او با جوسازی، او را از حضور در نزد پیامبر و سخن با ایشان برحدر داشتند، به حدی که طفیل از بیم شنیدن سخنان پیامبر پنه در گوش فرو کرد. اما صبح هنگام، وقتی وارد مسجدالحرام شد، سخن در لبها و کلای زیبای الهی را از لبان پیغمبر شنید. احساس عجیبی پیدا کرد. با خود گفت: تو مرد سخن‌ساز و خردمندی هستی، چه مانع دارد سخن این مرد را بشنوی؛ اگر نیک باشد پذیری و اگر زشت بود آن را رد کنی. از این‌رو، برای ملاقات پنهانی با حضرت صبر کرد. به دنبال حضرت به راه افتاد. وقتی حضرت وارد خانه شد، اجازه ورود خواست و درخواست نمود که حضرت آین اسلام را برایش تشریح نماید. طفیل می‌گوید: به خدا سوگند، کلامی زیباتر از آن نشنیده و آینی معتمدتر از آن ندیده بودم. سپس به حضرت قول داد در میان قبیله‌اش، مبلغ اسلام باشد. ابن هشام می‌نویسد: وی تاروز حادثه «خیبر» در میان قبیله خود بود و به نثر آین اسلام استغال داشت و در همان حادثه، با هفتاد، هشتاد خانواده مسلمان به پیامبر پیوست و در عصر خلفاء، در جنگ «یمامه» شربت شهادت نوشید.^(۱)

۱. همان: ص ۳۳۵ - ۳۳۷.

ج) استفاده آموزشی و علمی: در برخی تواریخ نقل شده است که پیامبر در این دوران، یاران خویش را در مسجدالحرام گرد می‌آوردن؛ و برای آنان قرآن می‌خوانند و واجبات و محرمات الهی را به آنان آموزش می‌دادند:

«وَرَسُولُ اللَّهِ فِي نَفْرٍ مِّن أَصْحَابِهِ يَقْرَأُ عَلَيْهِمْ كِتَابَ اللَّهِ وَيُؤْذَى
إِلَيْهِمْ عَنِ اللَّهِ أَمْرَهُ وَنَهْيَهُ». ^(۱)

این‌گونه جلسات در مسجد الحرام گاه به مناظره و گفت‌وگوهای طولانی و علمی با سران قریش می‌انجامیدند و پیامبر با استناد به آیات قرآن کریم، به سوالات و شباهات آنان پاسخ می‌گفتند.^(۲) از آنجاکه این‌گونه مناظرات و گفتگوها ارتباطی با بحث ماندارد و بنای ما بر اختصار است، لذا از ذکر آنها خودداری می‌کنیم و کسانی که طالب آن هستند می‌توانند به منابع معرفی شده مراجعه کنند و اصل بحث و مناظره را ببینند.

سؤال ۱۱۷- نقش عبادی، فرهنگی و آموزشی مسجد پس از

هجرت به مدینه در صدر اسلام به چه نحو بوده است؟

با هجرت نبی اکرم ﷺ به مدینه و تأسیس «مسجدالنبی»، فصل نوینی از نقش مسجد در فعالیت‌های عبادی، فرهنگی و آموزشی مسجد آغاز می‌گردد. از این‌رو، می‌بینیم که وجود مقدس پیامبر پس از هجرت، علاوه بر حضور در

۱. الأَحْجَاج: ج ۱ ، ص ۲۹ (احتجاج النبي ﷺ على جماعة من المشركين).

۲. همان: ص ۲۹ - ۳۸ .

مسجد و اقامه عبادت در این مکان مقدس، دیگر مسلمانان را هم ترغیب و تشویق می‌کردند تا به مسجد رفت و آمد کنند و از برگزاری نمازهای پنجگانه واجب در مساجد بدون عذر تخلّف نورزند. این تأکید ایشان تا به آن حد است که خودداری از حضور در مساجد از روی بی‌اعتنایی، در روایات، روی‌گردانی از سنّت پیامبر به شمار آمده است و باعث می‌شود نمازهای انسان مقبول درگاه الهی قرار نگیرند. در روایتی امام باقر علیؑ از امام علیؑ نقل می‌کند که حضرت فرمود:

«من سمع النداء فلم يُجْهِهَ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ». ^(۱)

«کسی که صدای اذان را بشنود و بدون دلیل پاسخ نگوید، نمازش نماز نیست».

شاید به دلیل همین اهمیت فوق العاده است که خداوند متعال در قرآن کریم از هر کسی که به این نقش بنیادین مسجد یعنی «عبادت و پرستش» آسیب رساند، به عنوان «ظالم» یاد کرده است:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعْيُهِ فِي خَرَابِهَا». ^(۲)

«کیست ستم کارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کند و سعی و کوشش در ویرانی آنها نماید؟».

۱. اصول کافی: ج ۳، ص ۳۷۲، ح ۱۰۵، باب «فضل الصلاة في الجمعة».

۲. بقره: ۱۱۵.

از دیگر جنبه‌های عبادی مساجد در صدر اسلام، برگزاری نماز جمعه است. پیامبر اکرم ﷺ در نخستین روزهای ورود به مدینه، اقدام به برپایی این فریضه عبادی - سیاسی کردند. روایات زیادی از حضور انبوہ مردم در نماز و خطبه‌های رسول گرامی در منابع دینی شیعه و سنّی نقل شده‌اند.

از دیگر کارکردهای عبادی پس از هجرت، برپایی سنت «اعتكاف» است که از سوی پیامبر در مسجد صورت می‌گرفت.

در رابطه با نقش فرهنگی - آموزشی مسجد پس از هجرت به مدینه، باید گفت: نقش مسجد در فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی پس از ورود به مدینه، هرگز با قبل از آن قابل مقایسه نیست. با بنای مسجدالنبی در واقع، نه تنها معبد و پرستشگاهی برای مسلمانان ساخته شد، بلکه دانشگاهی فعال و سرشار از شور برای کارهای تبلیغی و فرهنگی فراهم آمد. از این‌رو، می‌بینیم که در روایات، به نقش آموزشی مساجد و ارزش این کار اشاره شده است.

شهید ثانی ؑ در منیة المرید نقل می‌کند:

«خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ فَادَأَ فِي الْمَسْجِدِ مَجْلِسَنِ: مَجْلِسٌ يَتَفَقَّهُونَ وَ مَجْلِسٌ يَدْعُونَ اللَّهَ وَ يَسْأَلُونَهُ. فَقَالَ: كَلَا لِالمُجَلِّسِينَ إِلَى خَيْرٍ؛ أَمَا هُؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللَّهَ وَ أَمَا هُؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ وَ يُفَقِّهُونَ الْجَاهِلَ، هُؤُلَاءِ أَفْضَلُ، بِالْعِلْمِ أُرْسِلُتُ. ثُمَّ قَدِ عَمِّهُمْ». ^(۱)

«پیامبر خدا روزی خانه را به قصد مسجد ترک کردند،

۱. منیة المرید: ص ۱۰۷.

در مسجد با دو گروه روبرو شدن: گروهی به مباحثات علمی و معارف اسلامی مشغول بودند و گروهی به دعا و نیایش. حضرت فرمودند: هر دو گروه در مسیر خیر و صلاحند: گروهی خدا را می خوانند و گروه دیگر به تعلیم و آگاهی دهی می پردازند: این گروه علمی از فضیلت بیشتری برخوردار است؛ زیرا من برای تعلیم فرستاده شده‌ام. خود نیز در جمع گروه عملی نشستند».

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام وارد شده است که فرمود:

«ما جلس قوم فی مسجدٍ یتلونَ کتابَ اللّٰهِ وَ یتدارسُونَهُ بینَهُمُ
الآنُزلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَ حَقَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ».^(۱)

«هیچ گروهی در مسجد به منظور تلاوت قرآن و مباحثه علمی در بین خود ننشست، مگر اینکه آرامش قلبی آنان را فراگرفت و آنان را ملائکه الهی (با بال و پر خویش) دربرگرفتند».

نتیجه آنکه مساجد پس از هجرت پیامبر به مدینه، کانون و دانشگاه تبیین احکام اسلامی و مرکزی برای اشاعه فرهنگ قرآن و سنت نبوی بوده است.

۱. عوالی الثنائي: ج ۱، ص ۳۷۵.

سؤال ۱۱۸ - آیا مساجد در صدر اسلام کارکرد سیاسی

و اجتماعی داشته‌اند؟

با تبعات تاریخی انجام شده به جرأت می‌توان گفت؛ در کنار بعد عبادی مسجد، مهم‌ترین و وسیع‌ترین کارکرد مساجد، کارکرد سیاسی و اجتماعی بوده است. مسجد در حقیقت پایگاه و مقر تمامی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی و «دارالحکومه» آن بوده است. نمایندگان خارجی در مسجد پذیرفته می‌شده‌اند و کلیه ملاقات‌های عمومی در زمان پیامبر و پس از او در زمان خلفای راشد و امام علی^{علیهم السلام} در مسجد بوده است. مساجد محل بیعت و اعلام برنامه‌های حکومتی بوده است. ابن ابی‌الحدید در شرح نهج البلاغه به نقل از تاریخ طبری می‌نویسد: وقتی مردم هجوم آوردندا تبا امام علی^{علیهم السلام} بیعت کنند حضرت امتناع ورزیدند، ولی اصرارها در حدی بود که حضرت چاره‌ای نداشت در این هنگام که می‌بینیم مشروعیت الهی با مقبولیت عمومی همراه گشته و حجت بر حضرت تمام شده می‌پذیرد ولی به جهت بیعت از منزل خارج شد و به مسجد می‌رود و لذا می‌فرماید:

«إِنْ كَانَ لَا يُبَدِّ مِنْ ذَلِكَ فَقِي الْمَسْجِدِ فَإِنَّ يَعْتَنِي لَا تَكُونُ مَحْفِيًّا
وَلَا تَكُونُ إِلَّا عَنِ رِضَا الْمُسْلِمِينَ وَفِي مَلَاءَ وَجْهَةِ فَقَامَ وَالنَّاسُ
حَوْلَهُ فَدَخَلَ الْمَسْجِدَ وَأَنْثَالَ عَلَيْهِ الْمُسْلِمُونَ فَبَا يَعْوُهُ». ^(۱)

۱. شرح نهج البلاغه: ج ۱۱، ص ۹

«اگر ناچار قرار است با من بیعت کنید، پس در مسجد، که بیعت با من نباید به طور مخفی و پنهان باشد، بلکه باید با خواست مسلمانان و در ملأعام و محل اجتماع مسلمین انجام گیرد. پس حضرت بلند شدند در حالی که مردم در اطرافش حرکت می‌کردند تا داخل مسجد شدند، مردم از هر طرف بر سر حضرت ریختند و با ایشان بیعت کردند». مسجد در صدر اسلام همواره مجلس مشورتی مسلمین در رویدادها بوده است و مهمترین این مشورت‌ها در حوزه نظامی و غزوات و تنظیم سیاست‌های دفاعی انجام می‌شده است. امام خمینی^{ره} معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران در ارتباط با این نقش می‌فرمایند:

«مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده و از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در زیر بیرق اسلام بوده است».^(۱)

از دیگر کارکردهای اجتماعی مسجد در صدر اسلام؛ انجام امور درمانی در موقع حساس بوده است. در تواریخ نقل شده که:

۱. صحیحه امام خمینی^{ره}: ج ۷، ص ۶۵.

«وقد كان في مسجد الرسول موضع يعالج فيه المرضى
و الجرحى و كان الرسول و الصحابة يتلقون المرضى
النازلين». ^(۱)

«در مسجد پیامبر ﷺ جایگاهی برای معالجه بیماران
و مجروحین معین شده بود و پیامبر و یارانش در آنجا از
بیماران عیادت می‌کردند».

و اقدی می‌نویسد:

«در ماجراهی جنگ احمد مردم در مسجد چراغ و آتش
برافروخته بودند و خستگان و مجروحان را زخم‌بندی
می‌کردند».

همچنین به دنبال زخمی شدن سعد بن معاذ می‌نویسد:
«پیامبر او را در خیمهٔ کعبیه دختر سعد بن عتبه در مسجد
پیامبر جای داد. این زن زخمی‌ها را معالجه می‌کرد». ^(۲)

روشن است که انجام این امور در مساجد مربوط به صورت اضطرار
و ناچاری است همان‌گونه که در صدر اسلام طبق این شواهد تاریخی به‌دلیل
نداشتن جا و مکان مناسب از مساجد استفاده‌های درمانی می‌شده است،
زیرا معمولاً درمان جراحت و زخم با خون‌ریزی همراه است و این با طهارت
و قداست مسجد سازگاری ندارد.

۱. الآداب الطيبة في الإسلام: ص ۶۹.

۲. معاذی و اقدی: ج ۱، صص ۳۸۶ و ۱۸۰ / سیما مسجد: ج ۲، صص ۲۰۸ - ۲۰۷.

سؤال ۱۱۹- آیا سر دادن شعارهایی از قبیل «مرگ بر آمریکا»

و «مرگ بر اسرائیل» در مسجد و مکان‌های مقدس صحیح است؟

قرآن کریم غیرمسلمانان، اعم از کفار و پیروان سایر ادیان را به دو دسته

تقسیم می‌کند:

دسته اول کسانی هستند که در نظام اسلامی و یا در سایر کشورها زندگی

می‌کنند و کاری به نظام اسلامی و مسلمانان ندارند. سفارش قرآن کریم این است

که در برخورد با آنان، نیکی کنید و نسبت به آنان به عدالت رفتار کنید:

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الدِّينِ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ

دِيَارِكُمْ أَن تَبْرُوْهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». ^(۱)

«خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی

که در امر دین با شما پیکار نکردن و از خانه و دیارتان بیرون

نراندند، نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند دادگران را دوست

دارد».

پرهیز از برخورد غیر منطقی با آراء و عقاید سایر ملل و پیروان دیگر ادیان

در صدر اسلام را باید از مهم‌ترین اسباب و عوامل رشد و شکوفایی اسلام

به حساب آورد. حضور گسترده یهودیان و مسیحیان در جوامع اسلامی

و مذاکرات و مباحثات و گفت‌وگوهایی که علمای آن‌ها با ائمه اطهار علیهم السلام

و اصحاب آنان داشته‌اند، شاهد این ادعاست.

۱. ممتحنه: ۸

اما دسته دوم کسانی هستند که علیه نظام اسلامی و مسلمانان توطئه می‌کنند و اهل قتال و جنگ و درگیری هستند. دستور قرآن کریم این است که مثل خودشان با آن‌ها رفتار کنید، بلکه رفتاری خشن‌تر و سخت‌تر داشته باشید:

﴿آشِدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ يَنِّيهِمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا﴾.^(۱)

«مسلمانان واقعی کسانی هستند که نسبت به کفار سخت و نسبت به مؤمنان مهربان هستند. آنان را در حال رکوع و سجود می‌یابی که در صدد کسب رضای خداوند هستند».

در آیه شریفه، پیش از رکوع و سجود، «سر سختی نسبت به کفار» مطرح شده و شعارهای مزبور مصدق و نمونه‌ای برای عمل به آیه شریفه به شمار می‌آیند. البته نباید به شعار دادن تنها اکتفا کرد و بالاتر و بهتر از شعار، شدت عمل است که در سایه تحصیل، وحدت، ابتکار، خودکفایی، عزّت نفس، نفوذناپذیری و دوری از هر نوع سازش و نرمشی که سبب طمع بدخواهان شود، به دست می‌آید.

ممکن است این سؤال مطرح شود که شعارهای مذکور از مصاديق لعن و نفرین هستند؛ آیا لعن و نفرین در اسلام جایز است؟

در پاسخ به این سؤال می‌گوییم: در منطق اسلام، کوتاه آمدن در برابر دشمنانی که علناً پرچم مبارزه علیه نظام اسلامی بر افراشته‌اند نه تنها جایز نیست، بلکه توصیه و سفارش این است که با تکبر و از موضع قدرت با آن‌ها برخورد

شود. پیامبر گرامی ﷺ فرمودند:

«اذا رأيتم المتكبرين فتکبّروا عليهم فانَّ ذلكَ لَهُمْ مذلةٌ
وصغارٌ». ^(۱)

«هرگاه متکبران و زورمداران را می‌بینید بر آن‌ها تکبّر کنید
که این باعث ذلت و کوچکی آن‌هاست».

البته اسلام به این حد هم اكتفا نکرده و لعن و نفرین این گروه از کفار و مشرکان را جایز، بلکه مستحب می‌داند. علامه بزرگوار ملا محمد مهدی نراقی ره می‌فرماید: «شکی در مذموم بودن لعن نیست؛ زیرا لعن عبارت است از: راندن و دور کردن از خدای تعالی. اما لعنی که شرع مقدس تجویز کرده لعن بر کافران، ظالمان و فاسقان است؛ چنان که در قرآن وارد شده است؛ زیرا آنچه از کلام خدای عزوجل استفاده می‌شود این است که لعن بعضی از منکران و معاندان از محبوب‌ترین عبادات و راههای تقریب به خدای تعالی است. خداوند سبحان می‌فرماید: کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتد، لعن خدا و فرشتگان و همه مردم برآنان باد. علامه نراقی در ادامه، به روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار صلی الله علیه و آله و سلم استشهاد کرده که افراد و یا گروه‌هایی را لعن کرده‌اند و در پایان، این چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

«و بالجملة اللعن على رؤساء الظلم والضلال والمجاهدين بالكفر
والفسوق جائزٌ بل مستحبٌ». ^(۲)

۱. مجموعه وزام: ج ۱، ص ۲۰۱.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر. ک: جامع السعادات: ص ۳۵۲ - ۳۵۶.

«لعن و نفرین سرانستم و گمراهی؛ کسانی که در راه گسترش
کفر و عصيان تلاش می‌کنند جایز، بلکه مستحب است».
بنابراین، شعارهای مزبور اگر هم مصدق لعن و نفرین باشند، شرع مقدس
آن را تجویز کرده است، و سر دادن آن‌ها در مساجد و مکان‌های مقدس
هیچ‌گونه منع شرعی ندارد.

سؤال ۱۱۰ - مساجد در پیروزی نهضت‌های اسلامی

چه نقشی داشتند؟

با اندکی تأمل در تاریخ مبارزات ملت‌های مسلمان، به این نتیجه می‌رسیم که مساجد نقش حساس و مهمی در مبارزه با نظام‌های جائز حاکم و نفوذ بیگانگان داشته‌اند. مساجد، که همواره عبادتگاه مستمر و دایمی مردم بوده و همه روزه برای ادائی فرایض مذهبی در شرایط عادی در آن‌ها گردد هم جمع می‌شده‌اند، مکانی برای مشورت و تبادل افکار و اطلاعات و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و مبارزاتی بوده‌اند و این بر اساس سنت و رویه‌ای ایجاد شده که در صدر اسلام و به ویژه زمان پیامبر اکرم ﷺ پایه‌ریزی شده است.

«در حقیقت، نهضت‌های اسلامی به قدری ریشه در آموزه‌ها و تفکرات مسجدی داشته‌اند که به صراحت می‌توان گفت: با نفی مساجد از حرکت‌های اسلامی، نهضت‌ها به یکباره از هویت اسلامی خود ساقط خواهند شد». ^(۱)

۱. مسجد نهاد عبادت و سعاد ولایت: ص ۹۷-۹۸.

از آنجاکه بنای مادر پاسخ به سؤالات بر اختصار است به دو شاهد تاریخی از این نهضت‌ها اشاره می‌کنیم؛ مؤرخان عصر مشروطیت به این موضوع اعتراف کرده‌اند که هرگاه حرکت‌ها و قیام‌ها از طرف علماء و از مسجد نشأت می‌گرفته؛ نتایج پربارتری به همراه داشته است. نویسنده کتاب «تاریخ مشروطه ایران» در جای جای کتاب تصریح می‌دارد که در ایام محرم و رمضان مساجد حال و هوای دیگری داشته و در حقیقت نقطه آغاز مشروطیت محرم سال ۱۳۲۳ (۱۲۸۴ هـ ش) بوده است.^(۱) در همین سال روس‌ها اقدام به تأسیس بانک نمودند که با مخالفت‌های بسیار علماء مواجه شد و عمدۀ این مخالفت‌ها از مسجد بود. فردا شنبه چهارم آذر ۱۲۸۴ (۲۷ رمضان) حاج شیخ محمد واعظ (در مسجد خازن الملک تهران) به منبر رفت و پس از گفتاری در مورد «حرمت ربا» و «حرمت اعانت به کفر» از احداث بانک روسی سخن راند، پس از منبر، مردم ریختند و به سرعت ساختمان بانک را ویرانه کردند.^(۲)

شاهد دوم بر شکل‌گیری نهضت‌ها از مسجد؛ نهضت «تحریم تباکو» است. به دنبال تحریم تباکو از سوی میرزا شیرازی^(۳) و تبعید آن جناب، مردم از طریق مساجد از موضوع اطلاع یافتند و در مسجد شاه تامیدان ارک جمعیت بود و بدون استثنای همگی از مرد و زن فریاد می‌زدند «یا علی یا حسین» و «اشریعتا و اسلاما» و امثال این اشعار را با صدای بلند تکرار می‌کردند.

۱. تاریخ مشروطه ایران: ص ۴۹.

۲. همان: صص ۵۴ - ۵۷. (خلاصه و اقتباس با تغییرات).

۳. تحریم تباکو، اولین مقاومت منفی در ایران: صص ۱۵۵ - ۱۵۰.

تاریخ نهضت «تحریم تنبایکو» حکایت از آن دارد که در سایر شهرهای ایران نیز وضعیت به همین منوال بوده است: در ماه رمضان ۱۳۰۸ق وقتی که مأمورین انگلیسی کمپانی رژی تا نزدیکی شهر شیراز می‌رسند، جمع‌کثیری از مردم شهر که عمدۀ محركین آنها همان تجار بودند، دکاکین و بازار را بسته و به رهبری و هدایت حاج «سید علی اکبر خال اسیری شیرازی» که به واسطه شجاعت و قوه بیانش، در بین علمای شیراز معروفیتی را دارا بود، در مسجد وکیل شیراز جمع شدند. و بنای داد و فریاد را گذارند و حاج سید علی اکبر به منبر رفته و بیاناتی علیه دولت و صاحب امتیاز نمود و در پایان شمشیری از زیر عبا درآورده اظهار داشت، موقع جهاد عمومی است ای مردم بکوشید تا جامه زنان نپوشید من یک شمشیر و دو قطره خون دارم هر ییگانه‌ای که برای انحصار دخانیات به شیراز بیاید شکمش را با این شمشیر پاره خواهم کرد و گریه کنان از منبر پایین آمد.^(۱)

نمونه کامل نقش مساجد در پیروزی نهضت‌های اسلامی، نقشی است که مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی^ر ایفاء نمودند. در ضمن سؤالات آینده به بررسی نقش تفصیلی مساجد خواهیم پرداخت.

۱. همان: صص ۶۸-۶۹.

سؤال ۱۶۱ - کارکرد فرهنگی و آموزشی مساجد

و نقش آن‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی تا چه حد بود؟

در پاسخ به این سؤال ابتدا باید اشاره کنیم، روند فرهنگی و آموزشی علمی مساجد منحصر به صدر اسلام نیست و در دوره‌های بعد هم اندیشمندان، متخصصان و دانش‌پژوهان علوم و معارف اسلامی جلسات بحث و درس خود را در مساجد برپا می‌کردند، مجالس تفسیر و قرائت قرآن، مباحث کلامی و فقهی و حدیثی در مساجد جهان اسلام در عصر ائمه علیهم السلام و پس از آن تا آنجاکه تضادی با منافع حکومت‌های وقت نداشته، برگزار می‌شده است. در دوران انقلاب اسلامی، مساجدی که از مدیریت قوی و ائمه جماعات فعال و متعهد و انقلابی برخوردار بودند، کلاس‌های مختلف در جهت آگاهی دادن به مردم در ابعاد و زمینه‌های مختلف برگزار می‌کردند.

در رژیم پهلوی مردم از هر صنف و طبقه، طی زندگی روزمره، کم و بیش نابسامانی وضع فرهنگی را احساس می‌کردند. و هر کس متناسب با آگاهی و دانسته‌های خویش تحلیلی از وضعیت آن دوران داشت، با فراگیر شدن انقلاب اسلامی، مساجدها جایگاهی بسیار مؤثر در این زمینه یافتند، سخنرانی‌های روحانیون و دانشگاهیان در مساجد، حسینیه‌ها و اماکن مذهبی، مردم را بیش از پیش با ابعاد فساد، ظلم، تبعیض و بی‌عدالتی که در ساختار سیاسی - اجتماعی و همچنین اقتصادی و فرهنگی کشور رایج بود آشنا کرد. مسجد به همان اندازه که در طرد رژیم طاغوت از سوی مردم اثر داشت در بازگشت به خویش، خودشناسی و ارزیابی هویت فراموش شده ملت ایران نیز مؤثر بود.

مردم از طریق مساجد هویت فراموش شده خویش را به حاطر آوردند و به فرهنگ اصیل، آرمان‌های والا و ارزش‌های انسانی معارف اسلامی بازگشتند.^(۱) طبیعی است که مقصود از کارکرد آموزشی مساجد به معنای عهده داری همه امور مربوط به تعلیم و تربیت نیست بلکه مسجد در واقع باید بهسان دیده‌بان امور جامعه را باید انتقادی بررسی و منعکس کند و در مرحله‌ای فراتر، به نقد و تحلیل و ارزیابی آنها از منظر هدف تعلیم و تربیت پردازد، در این رابطه شایسته است که مساجد ما با مراکز فرهنگی و مراکز تعلیم و تربیت موجود در جامعه مرتبط باشند.

رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی در مصاحبه‌ای در ارتباط با نقش فرهنگی مساجد می‌گوید:

«به‌طور کلی فرهنگ مردم یک فرهنگ دینی بوده است، حتی قبل از ظهور و ورود اسلام به ایران، جامعه ایرانی جامعه‌ای با فرهنگ دینی بوده است. مثل مکتب زرتشت و... به ویژه فرهنگ شیعی در ایران عامل مهمی بوده است چرا که تشیع پیوسته اعتراض به حکومت‌ها بوده است و مکتب شیعه روحانیت معارض را تربیت کرده و روحانیت که خانه او مساجد بوده است».^(۲)

۱. مسجد و انقلاب اسلامی: ص ۱۲۴.

۲. مسجد و انقلاب اسلامی: صص ۱۲۴-۱۲۳.

نقش فرهنگی، آموزشی مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی پس از تبعید امام خمینی^{ره} در سال ۱۳۴۳ جدی‌تر می‌شود، یکی از اصحاب انقلاب در این باره می‌گوید:

«پس از تبعید امام خمینی^{ره} در سال ۱۳۴۳ مبارزه سیاسی تقریباً فروکش کرد و مساجد به روی‌کرد دیگری روی آوردن و آن روی آوردن به کارهای فرهنگی، آموزشی هم چون آموزش قرآن، تفسیر و در برخی مساجد هم در محور سیاسی و اطلاع رسانی به تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی و تربیتی پرداختند». ^(۱)

در نتیجه این کلاس‌ها و این دسته از کارهای فرهنگی و آموزشی بود که مردم هویت و فرهنگ اصیل فراموش شده را بازیافتدند و برای احیای مجدد آن جانفشنایی‌های بسیار کردند تا به نتیجه مطلوب دست پیدا کردن.

سؤال ۱۲۲ - کارکرد سیاسی - اجتماعی مساجد و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی تا چه حد است؟

معمار کبیر انقلاب اسلامی با الهام گرفتن از روش و سیره نبی اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} مردم را به فرهنگ اصیل اسلامی توجه داد و با توجه به نبودن امکانات، از مساجد برای ساماندهی حرکت‌های سیاسی، اجتماعی و سنگر مبارزات انقلابیون،

۱. همان: ص ۲۴۷.

بهره برد. اینک به دو نمونه از سخنان امام خمینی ره پیش از انقلاب توجه کنید:

«مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده و از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در زیر بیرق اسلام بوده است». ^(۱)

«این مساجد است که این بساط را درست کرد، این مساجد است که نهضت را درست کرد. در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هم و بعد از آن هم تا مدت‌ها مسجد مرکز اجتماع سیاسی بود، مرکز تجیش جیوش بود». ^(۲)

از این‌رو، می‌بینیم پررنگ‌ترین نقش مساجد در انقلاب اسلامی محور «سیاست» بوده است:

«مساجد و محافل دینی را، که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین است، هرچه بیشتر گرم و مجہز نگه دارید». ^(۳)

«محراب یعنی مکان حرب، مکان جنگ، هم جنگ با شیطان و هم جنگ با طاغوت. از محراب‌ها باید جنگ

۱. صحیحه امام خمینی ره: ج ۷، ص ۶۵.

۲. همان: ج ۸، ص ۶۰.

۳. همان: ج ۲، ص ۴۸۵.

پیدا شود؛ چنانچه پیشتر از محراب‌ها پیدا می‌شد،
از مسجد‌ها پیدا می‌شد. ای ملت! مسجد‌هایتان را حفظ کنید
تا این نهضت به ثمر برسد». ^(۱)

در بی تأکیدهای رهبر معظم انقلاب بر بازگشت مساجد به نقشی که در صدر اسلام داشتند، یاران و شاگردان امام با افشاگری در مساجد، آتش مبارزات را روزبه روز شدیدتر و رژیم منحوس پهلوی را ناکار آمدتر کردند.

«پایه‌های اصلی و اولیه انقلاب را شاگردان و نزدیکان و معتمدین امام بنادردند؛ همچون شهید عراقی و طرانی. امام چهارصد شاگرد مخصوص تربیت کرده بودند و شما همه جا از آن‌ها اثر می‌دیدید. شرق تهران آیة‌الله امامی کاشانی، جنوب تهران با خدمات آقای ایروانی، جنوب شرقی آیة‌الله غبوری، شمیرانات آیة‌الله ملکی، در مسجد همت مرکز تهران، کانون توحید و مسجد پرچم خدمات آیة‌الله شهید مطهری، در شمال تهران امام جمارانی و بالآخره، در این مسجد (مسجد قبا) شهید بزرگوار دکتر مفتح. شاگردان امام در تمامی نقاط تهران و شهرستان‌ها به کار تبلیغی و سیاسی مشغول بودند». ^(۲)

۱. همان: ج ۸، ص ۶۰.

۲. مسجد و انقلاب اسلامی: ص ۸۸ - ۸۹.

«اصولاً در محور کارهای سیاسی، مساجد و نهادهای دینی به واسطه عملکردشان و عملکرد مبارزاتشان بر علیه حکومت‌ها، مورد توجه خاص کارگزاران دولت بود و در دوران معاصر نیز این امر صادق است؛ چه اینکه می‌دیدیم مسئولین بلندمرتبه رژیم شاه چه عکس العمل‌های تندي در مقابل مسجد و مسجدی‌ها ابراز می‌داشتند و اعمال می‌کردند. بی‌خود نبود که سپهبد رزم‌آرا، مهره حلقه به گوش شاه، می‌گفت: مسجد را بر سر کاشانی و مجلس را بر سر مصدق خراب می‌کنیم. در اینجا، اهمیت و حساسیت سیاسی بودن مساجد را بهتر درک می‌کنیم». ^(۱)

حمله به مسجد «گوهرشاد» در زمان شاه معدوم و کشتار مردم، به توب بستن حرم امام رضا^{علیه السلام} توسط روس‌ها و همچنین به آتش کشیدن مسجد «جامع» کرمان و کشتار مردم نشانگر اهمیت مسجد در مبارزات مذبور و استفاده از آن به عنوان سنگر مبارزه، نشان عنادی است که قدرت‌های سیاسی نسبت به این مکان مقدس داشته‌اند.

علاوه بر موارد مذبور، در بعد اجتماعی، می‌توان به حل مشکلاتی از قبیل حل اختلافات قضائی و خانوادگی در مساجد، کمک به خانواده‌هایی که سرپرست آن‌ها در زندان‌ها یا بازداشتگاه‌ها به سر می‌بردند، و کمک به مردم

۱. همان: ص ۸۵.

زلزله‌زده طبس در سال ۱۳۵۷ اشاره کرد. مساجد، بخصوص در اوایل انقلاب، پایگاه ترغیب و تحریک مردم برای همکاری و همیاری در زمینه‌های گوناگون بودند.

سؤال ۱۴۱- آیا مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی کارکرد اقتصادی هم داشته‌اند؟

بدون شک از اقدامات بسیار مؤثر و کارآمد مساجد و جلسات مذهبی در پیش از انقلاب اسلامی پشتیبانی‌های مالی و اقتصادی از انقلاب و مبارزان بوده است. در این زمینه می‌توان به تأسیس صندوق خیریه در مساجد اشاره کرد. یکی از مبارزان در این باره می‌گوید:

«در قبل از انقلاب اسلامی، بسیاری از مساجد، چنین تشکیلات اقتصادی داشتند. ولی با توجه به حساسیت رژیم که این نهادها را در مقابل بانک می‌دانست، اکثراً مخفی بود و افراد معتمد، متمول و نیکوکار که اکثراً از قشر بازاری بودند به صورت نهادینه اما غیرمحسوس، این کارها را انجام می‌دادند و اتفاقاً بسیار مؤثر هم بود، اولین صندوق قرض‌الحسنه در تهران احتمالاً در مسجد لرزاده بود که از بنیان آن آقای حسن لبانی بود که عضو هیئت‌های مؤتلفه اسلامی بود. بعد‌ها «صندوق جاوید» در بازار تهران که به وسیله بازاری‌ها راه‌اندازی شد

و «صندوق کوثر»؛ ولی آنچه که مهم بود اینکه همه این صندوق‌ها به وسیله افراد خیر تغذیه می‌شدند و تقریباً حساب‌های تعدادی از بازاریان در داخل همین صندوق‌ها (۱) بود».

از دیگر نهادهای اقتصادی مؤثر قبل از انقلاب که رژیم هم نسبت به آن عکس العمل نشان می‌داد مؤسسه کاریابی رفاه یا بنیاد رفاه و تعاون اسلامی بود که به وسیله جمعی از دوستان و یاران امام تأسیس شد: «این بنیاد که در سال ۱۳۴۲ هـ ش کار خود را آغاز کرد هدفش بیشتر این بود که در پوشش خاص خود، مشکلات کسانی را که در جریان مبارزه آسیب می‌دیدند حل کند... . صندوق‌های قرض الحسن را هم تشویق کردیم که هم پوشش خوبی بود برای همان کارهای امدادی و سیاسی و هم راهی برای حضور بیشتر در مساجد (به این ببهانه) و بهره‌گیری بیشتر از آنها به عنوان پایگاه مبارزه...».^(۲)

سؤال ۱۴- رمز پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن در چه

بود و در چیست؟

بدون تردید، وقتی به کارکردهای فرهنگی، آموزشی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مساجد به صورت یک مجموعه مرتبط نگریسته شود، این نتیجه

۱. همان: ص ۷۷.

۲. همان: ص ۷۹.

به دست می‌آید که «اگر مسجد نبود، انقلاب هم نبود».

حامد الگار آمریکایی در تحلیلی از چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی می‌نویسد:

«مسجد هسته اساسی تشکیلات انقلاب ایران بود. شاید این یکی از دیگر نکاتی است که در مجموعه نتیجه‌گیری‌های خود باید به آن می‌پرداختم. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب اسلامی احیای مجده مسجد و تمام ابعاد عملکردی آن بود. نقش مسجد دیگر نه گوشة عزلت‌نشینی و گریزگاهی از جامعه بود که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه می‌بردند، بلکه بر عکس، مسجد به یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی بدل گردید و به طور خلاصه، مسجد تماماً آن چیزی شد که در عصر پیامبر بود». ^(۱)

حضرت امام خمینی در سخنان خود، از مسجد به عنوان «رمز پیروزی» ملت ایران یاد می‌کند و می‌فرماید:

«رمز پیروزی ملت ما همین بود که دیگر نمی‌ترسیدند از اینکه بروند توی خیابان بکشنده‌شان، می‌رفتند خیلی هم کشته می‌شدند، بالاخره هم با همین فریادها و دادها

۱. دین و دولت در ایران: ص ۱۵۴.

و «الله اکبرها» پیروز شدند. رژیم اسلام این‌طور است که افرادش از مسجدند. از مسجد نهضت شروع می‌شد و از مسجد می‌رفتند به میدان، به میدان جنگ‌ها. در جمعه‌ها که خطابه‌می خوانند یا غیر جمعه که می‌رفت آن سردارشان منبر و صحبت می‌کرد، از آنجا راهشان می‌انداخت برای اینکه بروند مبارزه کنند و یک همچنین روحیه که از مسجد تحقق پیدا می‌کند، این دیگر نمی‌ترسد از اینکه حالا من بروم شاید چه بشود! این مسجدی است، این الهی است. آدم الهی نمی‌ترسد از اینکه حال شاید مرا هم بکشند. بهتر! ما می‌رویم جای بهتری داریم.^(۱)

ولی متاسفانه در سالیان اخیر، به مساجد توجه لازم نمی‌شود و برخی از کارکردهای آن، که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشتند و به یقین در دوام و ثبوت آن نیز نقش خواهند داشت، به دلیل پیدایش و تأسیس نهادها و مراکز دیگر کم‌رنگ و یا به فراموشی سپرده شده است، امری که امام خمینی^{ره} بنیانگذار انقلاب اسلامی، نیز از آن نگران بود، خالی شدن مساجد و سلب کارکردهای آن بود:

«مساجد را خالی نگذارید. این‌هایی که صحبت این را می‌کنند که حالا ما انقلاب کردی‌ایم، برویم سراغ کارهای

۱. صحیحه امام خمینی^{ره}: ج ۹، ص ۸۹.

دیگر، خیر، انقلاب از مساجد پیدا می‌شود. مساجد را آباد کنید، با مسجد رفتن خودتان». ^(۱)

«من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمان‌ها، حفظ مساجد امروز جزو اموری است که اسلام به او وابسته است. مساجد را پرکنید. اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد، ترس از فانتوم‌ها نداشته باشید، ترس از آمریکا و شوروی و این‌ها نداشته باشید. آن روز باید ترسید که شما پشت بکنید به اسلام، پشت بکنید به مساجد». ^(۲)

«ما امیدواریم حالا هم مساجد ما برگردد به آن وقتی که مسجد محل حل و عقد امور باشد و مسجد محل نقشه‌های جنگ باشد، همه‌چیز باشد و مسجدی‌ها باشند که بتوانند کارها را به خوبی انجام دهند». ^(۳)

از این‌رو، به نظر می‌رسد اگر بخواهیم به انقلاب اسلامی، که ثمرة خون هزاران شهید است، خدمتی بکنیم، باید تا می‌توانیم مساجد را فعال و پرنشاط کرده، فاصله موجود میان مردم و مسجد را روز به روز کمتر کنیم.

۱. همان: ج ۱۲، ص ۵۰۰-۵۰۱.

۲. همان: ج ۱۳، ص ۲۱-۹۱.

۳. همان: ج ۱۷، ص ۲۲۳.

سؤال ۱۲۵ - مقصود از روایاتی که می‌گویند:

«همسایه مسجد نمازش قبول نمی‌شود، مگر در مسجد»

چیست؟

اگرچه تأکیدها و تشویق‌هایی که در زمینه رفت و آمد به مسجد صورت گرفته عمومی و همگانی‌اند، اما این تأکیدها در خصوص همسایه مسجد جنبه جدی‌تر و گستردگرتری به خود گرفته‌اند. ولی معنای این دسته از روایات آن نیست که اگر همسایه مسجد نماز را در خانه خودش بخواند، باطل است. فقهای مانیز با استناد به این دسته روایات خاص، نماز خواندن همسایگان مسجد را در مسجد مستحب مؤکّد و ترک نماز همسایه در مسجد را مکروه شمرده‌اند.

حضرت امام خمینی[ؑ] در رساله توضیح المسائل می‌فرمایند:

«مستحب است نمازهای واجب، خصوصاً نمازهای یومیه،

را به جماعت بخوانند و در نماز صبح و مغرب و عشاء،

خصوصاً برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان مسجد

را می‌شنود، بیشتر سفارش شده است». ^(۱)

سؤال ۱۲۶ - همسایه مسجد کیست؟

برخی از روایات همسایه‌ی مسجد، را کسانی می‌دانند که صدای اذان را

می‌شنوند؛ امام علی[ؑ] می‌فرمایند:

۱. توضیح المسائل: مسئلله ۱۳۹۹.

«الاصلاة لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ أَلَا أَنْ يَكُونَ لَهُ عُذْرٌ أَوْ
بِهِ عِلْمٌ فَقِيلَ لَهُ وَمِنْ جَارِ الْمَسْجِدِ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ:
مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ». ^(۱)

همسایه‌ی مسجد چنان چه عذر یا بیماری نداشته باشد، نمازش جز در
مسجد مقبول درگاه الهی نخواهد بود. از آن حضرت سؤال شد: همسایه‌ی
مسجد چه کسانی هستند؟ فرمود:

«کسی که صدای اذان را بشنود».

ممکن است به ذهن آید که امروزه باگسترش فن آوری و تکنولوژی و فراهم
شدن امکانات صوتی در مساجد؛ آیا باز هم شنیدن اذان معیار و ملاک است
یا خیر؟ در پاسخ باید گفت؛ فقهای بزرگی هم چون علامه و محقق کرکی،
شهید ثانی و صاحب جواهر ملاک و معیار در تعیین همسایه را رجوع به عرف
می‌دانند.

صاحب جواهر رَبِّ الْأَنْوَافِ می‌نویسد:

«از آنجاکه لفظ همسایه یک لفظ عرفی است و شرع هم در
این زمینه اصطلاح خاصی ندارد، بایستی برای به دست
آوردن معنای آن به عرف مراجعه نمود». ^(۲)

۱. دعائیم الإسلام: ج ۱، ص ۱۴۸.

۲. ر.ک: جواهر الكلام: ج ۲۸، صص ۴۲ - ۴۳.

سؤال ۱۲۷- آیا همسایگان مساجد بر مسجد حقوقی دارند؟

همان‌گونه که مسجد دارای حقوقی نسبت به همسایگان خویش است، متولیان امور مساجد نیز متقابلاً باید نکاتی را نسبت به همسایگان مسجد مورد توجه و عنایت قرار دهند. امروزه در مواردی مشاهده می‌شود که گاهی مناقشات و مشاجراتی بر سر پخش اذان، قرآن و سایر مراسم‌های مذهبی از بلندگوهای مسجد رخ می‌دهند. آنچه در این زمینه می‌توان گفت آن است که پخش اذان از مسجد در پنج وقت فضیلت نمازهای واجب، یک سنت اسلامی است که از زمان نبی اکرم ﷺ تا به حال در تمام سرزمین‌های اسلامی رایج و متدالوی بوده است. اذان شعار جامعه اسلامی و نشانه مسلمانی است و مخالفت با آن و یا ابراز انزعج از صدای آن در صحیحگاهان و غیر آن برای انسان جایز نیست.

اما در مورد پخش سایر مراسم و امور مذهبی از قبیل مجالس دعا و سوگواری، باید متولیان رعایت حال همسایگان را بنمایند و بلندگوهای مسجد را به گونه‌ای تنظیم کنند که برای افراد حاضر در مسجد قابل استفاده باشد؛ زیرا اگر این امر سبب آزار و اذیت همسایگان شود، دلسردی آنان از مسجد و شعائر اسلامی را به همراه خواهد داشت.

علاوه بر آن، اذیت و آزار دیگران در شرع مقدس حرام است.

حضرت امام خمینی ره در یکی از سخنرانی‌هایشان فرمودند:

«گاهی می‌شود کارهای به ظاهر اسلامی، لکن با بی‌توجهی و خلاف اسلام واقع می‌شود؛ مثل اینکه نصف شب‌ها شروع می‌کنند به فریاد و شعار دادن و دعا خواندن و تکبیر

گفتن، در صورتی که همسایه‌ها هستند و ناراحت می‌شوند،
مریض‌ها هستند، معلولین هستند، بیمارستان‌ها هست
و این‌ها رنج می‌برند و شما یک چیزی را که می‌خواهید
عبادت باشد معصیت کبیره می‌شود».^(۱)

سؤال ۱۲۸ - نهی از ورود کودکان به مسجد

برای چیست؟

مسجد جایگاه عبادت، محل راز و نیاز مخلوق با خالق و خلوتگه تسویه نفس از آلدگی‌هاست. خوشابه حال کسی که از کودکی با این مکان مقدس مأتوس و همدم باشد. گاهی دیده می‌شود بعضی افراد از ورود کودکان به مسجد و حضور آنان در برنامه‌ها جلوگیری می‌کنند و توجه ندارند که این کار چه عواقبی به دنبال دارد! و چه نقشی در ذهن کودک ترسیم می‌شود! راندهای می‌گفت: چهل سال است از شرکت در مجالس مذهبی و حضور در مساجد گریزانم! وقتی علت آن را جویا شدم، از خاطرات کودکی و برخورد نامناسب بزرگ‌ترها با کودکان سخن می‌گفت! به راستی، چرا؟

اما در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است:

«جنّبوا مساجدَكُمْ صِيَانَكُمْ وَ مَجَانِيَنَكُمْ». ^(۲)

«دیوانگان و کودکان را از مساجدتان دور نگه دارید».

۱. صحیحه امام: ج ۱۶، ص ۴۱۱.

۲. تهذیب الأحكام: ج ۳، ص ۲۵۴.

باید توجه داشت که نهی از حضور این دو دسته شاید به این دلیل بوده که مسجد محلی مقدس و مطهر است و ممکن است کوکان ناخود آگاه مسجد را آلوده کنند و یا دیوانگان به خاطر نداشتن سلامت عقلی، نظم مسجدرا به هم بریزند. ولی آیا نهی عمومیت دارد و شامل همه کوکان می‌شود، حتی آن‌ها که خوب و بد را تشخیص می‌دهند؟ چنین نیست. شهید ثانی^(۱) ذیل بحث از روایت مزبور می‌نویسد:

«مقصود آن دسته از کوکانی است که انسان به طهارت آنان اطمینان ندارد و ممکن است مسجد را آلوده کنند و یا بچه‌هایی که خوب و بد را تشخیص نمی‌دهند. اما کوکانی که انسان به طهارت آنان اطمینان دارد، نه تنها راه دادن آنان به مسجد مکروه نیست، بلکه سزاوارتر آن است که آن‌ها را به مسجد بیاورند؛ همچنان که مستحب است کوکان را پیش از بلوغ به نماز عادت دهند».^(۱)

نتیجه آنکه آوردن کوکان به مسجد نه تنها مانع ندارد، بلکه این ما هستیم که باید برخورد مناسب و لطیف با آنان داشته باشیم. تا خاطرات خوبی را زبودن در این مکان در ذهن آن‌ها ترسیم کنیم و تا حد ممکن، آنان را تشویق هم بکنیم، و بالاخره آنکه آیا شایسته نیست با شرکت دادن کوکان در نظافت و پاکیزه کردن مساجد، آنان را به طور عملی با احکام مسجد آشنا کنیم؟

۱. مسالک الأفهام: ج ۱، ص ۳۲۹.

سؤال ۱۲۹- آیا ورود کفار و مشرکین به مساجد مطلقاً منوع

است یا خیر؟

بحث تفصیلی در باره این سؤال از عهده این کتاب خارج است و در کتب فقهی ما به تفصیل در باره آن بحث شده است، اما به اجمال برخی از این مباحث را ذکر می کنیم:

شیخ طوسی در کتاب الخلاف با تمسک به آیه شریفه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجْسٌ فَلَا يَقْرُبُوا

الْمَسْجَدَ الْحَرَامَ».^(۱)

می فرماید: چون خداوند متعال آنان را نجس دانسته، جایز نیست که به هیچ مسجدی وارد شوند؛ زیرا اجماع علماس است که مساجد را باید از نجاسات حفظ کرد.^(۲)

ایشان همچنین در کتاب المبسوط، مساجد را به سه قسم تقسیم می کند:

۱. مسجدالحرام؛ ۲. مساجد حجاز؛ ۳. مساجد سایر بلاد اسلامی. در مورد مسجدالحرام. نص خاص (آیه مزبور) داریم که مشرکان حق ورود به آنجا را ندارند. به مساجد حجاز هم حق ورود ندارند، مگر با شرایطی که بیان خواهیم کرد. اما در مورد مساجد بلاد اسلامی، اگر هدف کفار و مشرکان از ورود

۱. توبه: ۲۸، «ای کسانی که ایمان آورده اید، بدانید که مشرکان نجس هستند. پس نگذارید نزدیک

مسجدالحرام شوند».

۲. الخلاف: ج ۱، ص ۵۱۸، مسئله ۲۶۰.

به مسجد، خوردن و خوابیدن و کارهایی از این قبیل باشد، باید از آن جلوگیری کرد. اگر مقصودشان شنیدن قرآن و یادگرگشتن علم و حدیث باشد، باز هم باید آن‌ها را منع کرد؛ چون آن‌ها نجس هستند و مساجد را باید از نجاسات دور نگه داشت. ولی در صورت ضرورت و ناچاری، می‌توان آن‌ها را به مسجد راه داد؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ اسیران بنی قریظه و بنی النضیر را در مسجد جای دادند.^(۱)

همچنان که مشاهده می‌شود، فقهاء برای منع ورود مشرکان به یک دسته از آیات همچون آیه مزبور و روایاتی تمسک کرده‌اند که ما به سبب اختصار، از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌کنیم. ولی شواهد تاریخی گویای آن هستند که در برخی موارد، پیامبر اکرم ﷺ آنان را از ورود به مسجد جلوگیری نمی‌کردند. در هر صورت، مسئله محل اختلاف است و تفصیل آن را می‌توان در کتاب‌های فقهی مشاهده کرد. در پایان، سه استفتا از مراجع معاصر را ذکر می‌کنیم:

سؤال: شهرستان (...) فاقد محل مخصوص مجالس ترحیم است. در ایام فواتح، یهودی‌های ساکن این شهرستان جهت عرض تسلیت و اظهار همدردی با صاحبان میت، داخل شبستان مسجد مسلمین می‌شوند. آیا این مطلب جایز است؟

جواب: ورود غیر مسلمان در مسجد جایز نیست و این گونه مجالس فاتحه را، که در معرض شرکت غیر مسلمانان می‌باشد، در غیر مسجد منعقد نمایند.^(۲)

۱. المبسوط في فقہ الامامية: ج ۲، ص ۴۶ - ۴۷.

۲. مجمع المسائل: ج ۲، ص ۱۵۲، س ۹۶.

سؤال: آیا ورود غیر مسلمانان به مساجد مسلمین جایز است، هرچند برای مشاهده آثار تاریخی باشد؟

جواب: ورود آنان به مسجد غیر از مسجد الحرام و مسجد النبی فی نفسه منع ندارد، مگر آنکه موجب نجس شدن یا هتک حرمت مسجد یا توقف جنب در مسجد باشد.^(۱)

سؤال: ورود اهل کتاب به مساجد برای شرکت در مجلس ترحیم دوستان و آشنايان جایز است یا باید از آنها جلوگیری کرد؟

جواب: اگر موجب هتک مسجد نباشد، جلوگیری آنها واجب نیست.^(۲)

لئواں ۱۳۵ - چه مسجدی به دستور پیغمبر اکرم ﷺ

تخرب شد؟ و چرا؟

تنها مسجدی که خداوند متعال به علیٰ به پیامبر اکرم ﷺ دستور تخریب آن را داد، برگرفته از قرآن کریم، «ضرار» نام گرفت. در قرآن کریم می خوانیم:

«وَالَّذِينَ أَتَحَدُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِئَنْ حَارَبَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلٍ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنَّ أَرْذُنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشَهُدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقْنُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أَسَّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رَجُالٌ يُجْهُونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ». ^(۳)

۱. أوجبة الاستفتارات: ج ۱، ص ۱۲۹، س ۴۳۰.

۲. آیة الله فاضل لنگرانی، جامع المسائل: ج ۱، ص ۹۰، س ۲۸۷.

۳. توبه: ۱۰۷-۱۰۸.

«گروهی دیگر از آنان (منافقان) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن به اسلام و مسلمانان و تقویت کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود. آنان سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی نظری نداشته‌ایم! اما خداوند شهادت می‌دهد که آن‌ها دروغگو هستند. هرگز در آن (مسجد) به عبادت) نایست. آن مسجدی که از روز نخست بر پایهٔ تقوا بنا شده شایسته‌تر است که در آن به عبادت بایستی. در آن مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند، و خداوند پاکیزگان را دوست دارد».

در تفاسیر، در شأن نزول آیهٔ شریفه، چنین آمده است: پس از آنکه عمرو بن عوف و جماعتی مسجد «قبا» را ساختند، از حضرت دعوت کردند تا تبرکاً در آنجا نماز بخواند. حضرت قبول کردند و مسجد را افتتاح نمودند. عده‌ای از منافقان «بني غنم بن عوف» از روی حسد و انگیزه‌های غلط، اقدام به ساختن مسجدی در کنار مسجد «قبا» نمودند تا از آن به عنوان پایگاهی علیه مسلمانان استفاده کنند. سپس نزد حضرت آمدند و درخواست کردند در آنجا نماز بگزارد، ولی چون حضرت عازم جنگ تبوك بودند، و عده دادند که هنگام بازگشت، این کار را انجام خواهند داد، پس از مراجعت به مدینه، این آیات نازل شدند. از این‌رو، حضرت به دو تن از اصحابشان دستور دادند که بروید و این مسجد را، که مردمی ظالم ساخته‌اند، خراب کنید و آن را به آتش بکشید.

در روایتی هم آمده است که جای آن را زباله‌دان کردند تا کثافات محل را در آنجا بریزند.^(۱)

از دقت در آیه شریفه، اهداف بانیان این مسجد روشن می‌شود:

الف) از کلمه «ضراراً» فهمیده می‌شود که هدف اولیه اینان ضرر و ضربه وارد کردن به مسلمانان و جامعه اسلامی بوده است.

ب) از کلمه «کفراً» استفاده می‌شود که هدف بانیان تأسیس مسجدی به عنوان مرکز عبادت و بنگذگی حق نبوده، بلکه آن را برای کفرورزی و بازگشت به ارزش‌ها و عقاید جاہلیت بنادرد بودند.

ج) از کلمه «تفريقاً بين المؤمنين» استفاده می‌شود که در این مسجد، اهداف خدایی مدقّظر نبوده‌اند؛ زیرا مسجد پایگاه اتحاد و همدلی و همبستگی مؤمنان با یکدیگر است، در حالی که این مسجد به قصد ایجاد تفرقه در میان مؤمنان بنا شده بود.

د) نهایت اینکه قرآن کریم می‌فرماید:

«و إِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ».

«این مرکز نه تنها عنوان مسجد ندارد، بلکه کمین‌گاه و سنگر منافقان و دشمنان خدا و پیامبر است».

این مسجد با این اهداف و ویژگی‌ها، طبیعی است که سزاوار تخریب و سوزاندن باشد. از این‌رو، وجود هر یک از این اوصاف در مراکزی هم که

۱. ر.ک: مجمع‌البيان: ج ۵، ص ۱۰۹، ص ۳۸۹ / تفسیر القمی: ج ۱، ص ۳۰۵.

امروزه تأسیس می‌شوند موجود باشد، باعث تخریب آن‌ها خواهد بود و باید هم تخریب شوند؛ زیرا قرآن کریم برای همه عصرها و نسل‌هast و هدف قرآن صرفاً بیان و نقل یک حادثه تاریخی نیست و اگر چنین می‌بود، احتیاجی نبود که علل و عوامل و اهداف بانیان آن ذکر شود. در عصر غیبت نیز مسئولیت برخورد با این‌گونه مراکز و مساجد در صورت تأسیس، با حاکم اسلامی است:

«حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند

و مسجدی که ضرار باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب

نشود، خراب کند». ^(۱)

پیام دیگری که آیه شریفه برای ما دارد این است که به پیامبر دستور می‌دهد «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبْدًا»؛ هرگز در چنین مکانی حاضر نشو. از این‌رو، مؤمنان و مسلمانان باید توجه داشته باشند که از حضور در مکان‌هایی که سبب ضرر به مسلمانان و جامعه و کفرورزی و ایجاد تفرقه و پایگاه دشمنان می‌شود، خودداری کنند. و در پایان آیه، مسلمانان و پیامبر اکرم ﷺ را به حضور در اماکنی که بر پایهٔ تقوا و پرهیزگاری بنا شده‌اند تشویق می‌کند و در واقع، نقطه مقابل مسجد «ضرار» مسجد «تقوا» است که پاکان اقدام به احداث آن نموده‌اند. از این‌رو، مورد توجه و عنایت حضرت حق - جل و علا - قرار گرفته است.

۱. صحیحه امام: ج ۲۰، ص ۴۵۲.

سؤال ۱۳۱ - آیا غیر از مسجد «ضرار»، مساجد دیگری هم

هستند که اقامه نماز در آنها نهی شده باشد؟

براساس متون روایی، هر مسجدی که از روی انگیزه‌های غلط نباشد

- مثل مسجد ضرار - مورد نکوهش است.

امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه از

نمازگزاردن در پنج مسجد نهی فرمود: مسجد «اشعث بن قیس» مسجد «جریر»،

مسجد «سمّاک بن محمرة (خرشة)»، مسجد «شیث» و مسجد «یتم» یا «هیشم». ^(۱)

امام باقر علیه السلام در روایت دیگری می‌فرمایند: به انگیزه اظهار سرور

و خوشحالی از کشته شدن امام حسین علیه السلام، چهار مسجد کوفه (اشعث، جریر،

سمّاک و شیث) در کوفه تجدید بنا شدند! ^(۲)

از کنار هم گذاشتن دو روایت مزبور، این نتیجه به دست می‌آید که از آغاز،

مساجد پنج گانه مزبور بر تضعیف دین پی ریزی شده بودند که ابتدا امام علی علیه السلام

از نماز در آنها نهی فرمودند.

شیخ کلینی در اصول کافی همچنین از ابی بصیر نقل می‌کند که علاوه بر مساجد

مذکور، از نمازگزاردن در مسجد «بنیالسید» و مسجد «بنیعبدالله» و مسجد

«غنى» و مسجد «نقیف» نیز نهی شده است. ^(۳)

۱. اصول کافی: ج ۳، ص ۴۹.

۲. همان.

۳. همان.

صاحب جواهر اضافه می‌کند: مسجدی در حمراء بر قبر یکی از فراعنه مصر بنا شده است. ایشان نقل می‌کند: گاهی گفته می‌شود که احکام مساجد هم بر مساجد مزبور جاری نیستند. البته اکنون دیگر این مساجد از بین رفته‌اند و نشانی از آن‌ها نیست.^(۱)

روشن است که این مساجد خصوصیت ویژه‌ای ندارند و هر مسجدی که با انگیزه‌ها و اهداف ضد دینی بنا شود، نامبارک و ملعون و مطرود است.

سؤال ۱۳۲ - گناه کردن در مسجد چه حکمی دارد؟

گناه کردن در هر مکان و زمانی ممنوع است، اما چون مسجد جایگاه عبادت و انس گرفتن با معبد و گرفتن پاداش‌های الهی است و این مطلوب زمانی حاصل می‌شود که انسان با اقامت در مسجد مرتكب گناه و معصیت نشود، اجتناب از آن بیش از جاهای دیگر لازم است.

امام صادق علیه السلام از پدرش و او از رسول خدا علیهم السلام نقل می‌کند که فرمود:

«الجلوسُ فِي المسجِدِ لانتَظارِ الصَّلَاةِ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُحِدِّثْ. قيل: يا رسول الله و ما الحدث؟ قال علیه السلام: ألا غتابٌ». ^(۲)

«نشستن در مسجد به انتظار برپایی نماز عبادت است، تا زمانی که حدثی از شخص صادر نشود. گفته شد:

۱. جواهرالكلام: ج ۱۴، ص ۱۳۹.

۲. شیخ صدوق، الامالی: ص ۴۲۰، ح ۱۱ «المجلس الخامس و الستون».

ای رسول خدا، مقصود از «حدّث» چیست؟ فرمودند:
غیبت کردن.».

روشن است که هرگناه دیگری هم در مسجد انجام شود، همین اثر را دارد و این امر اختصاص به غیبت کردن ندارد. در روایت دیگری، از وجود مقدس پیامبر خاتم صلوات الله عليه و آله و سلم آمده است:

**«لَحْدِيْثُ الْبَغِيِّ فِي الْمَسْجِدِ يَا كُلُّ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ الْبَهِيمَةُ
الْحَشِيشَ».**^(۱)

«سخن زور و ظالمانه در مسجد، اعمال نیک انسان را می بلعد، آن گونه که چهار پا علف را می خورد».

اذیت و آزار دیگران در مسجد نیز در شمار اعمالی است که موجب بی بهره گی انسان از فضایل و آثار ارزشمند مسجد خواهد بود. در روایت دیگری از حضرت می خوانیم:

**«إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوَضُوءَ ثُمَّ أَتَى الْمَسْجِدَ لَا يَنْهَزُهُ إِلَّا
الصَّلَاةَ لَا يُرِيدُ إِلَّا الصَّلَاةَ فَلَمْ يَخْطُطْ خَطْوَةً إِلَّا رُفِعَ لَهُ بِهَا دَرْجَةٌ
وَخَطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ حَتَّى يَدْخُلَ الْمَسْجِدَ فَإِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ كَانَ
فِي الصَّلَاةِ مَا كَانَ الصَّلَاةُ هِيَ تَحْبِسُهُ وَالْمَلَائِكَةُ يُصْلُوْنَ عَلَى
أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ، يَقُولُونَ: اللَّهُمَّ ارْحِمْهُ،**

۱. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۷۱.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهِ، اللَّهُمَّ تُبْ عَلَيْهِ مَا لَمْ يُؤْذِنْ فِيهِ مَا لَمْ يُحِدِّثْ فِيهِ». ^(۱)
«هنگامی که یکی از شما وضوی خود را نیکو بگیرد
و به سوی مسجد حرکت کند و انگیزه او به جای آوردن نماز
در مسجد باشد، در مقابل هر گامی که به سوی خانه خدا
برمی دارد، یک درجه وی را بالا می برند و یک گناه و لغزش
از او محو می شود تا اینکه به مسجد داخل شود.
وقتی به مسجد داخل شد اوقاتی را که صرف نماز و مقدمات
آن نموده است برای او به عنوان نماز محسوب می شود
و فرشتگان بر شخص نمازگزار تا وقتی که در محل نمازش
اقامت نموده است، درود می فرستند و می گویند: خدایا،
وی را رحمت کن! خدایا، او را بیامرز! خدایا توبه او را پذیر!
(البته این امر) تا زمانی است که در مسجد کسی را مورد آزار
خود قرار ندهد و گناهی از او سر نزند».

سؤال ۳۳۱ - چرا خواندن شعر در مسجد نهی شده است؟

و آیا این نهی شامل همه انواع شعر می شود؟

همانگونه که بارها توضیح دادیم؛ مسجد جایگاه عبادت و راز و نیاز با خالق
هستی است و هرچه مخالف این باشد، انجام آن در مسجد صحیح نیست.

۱. صحیح مسلم: ج ۵، ص ۱۶۲ / صحیح بخاری: ج ۱، ص ۲۶۴.

در روایت وارد شده است که امام سجاد^{علیه السلام} می فرماید: پیامبر اکرم^{صلی الله علیہ وسلم} به مسلمانان دستور دادند که به کسی که در مسجد شعر می خواند، بگویید:

«فَضَّلَ اللَّهُ فَاكَ! إِنَّمَا تُصِيبُ الْمَساجِدُ لِلْقُرْآنِ». ^(۱)

«خداوند دندان هایت را بشکند! مساجد را برای قرآن
خواندن ساخته اند».

شهید اول پس از ذکر احکام مسجد در ذیل روایت مزبور، می فرماید:

«بعید نیست که این گونه روایات را بر اشعاری حمل کنیم
که فایده ای در بر نداشته باشند و یا مشتمل برخلاف واقع
و مبالغه آمیز باشند. اما اشعاری که در بردارنده موعظه
و حکمت و اندرز هستند یا بیانگر سنت و سیره پیامبر
و اهل بیتش باشند، نه تنها خواندن آنها در مسجد مذموم
ونکوهیده نیست، بلکه پسندیده و مطلوب نیز می باشند». ^(۲)

علامه مجلسی^{رحمه الله} ضمن نقل سخن شهید در ذیل روایت مزبور،
در بحار الانوار اضافه می کند: مؤید سخنان شهید اول آن است که امام علی^{علیه السلام}
در خطبه های خویش، که غالباً در مسجد ایراد می شدند، به ایاتی از اشعار شرعا
استشهاد می نمودند. همچنین شاعران مذاخ مانند حسان در حضور
معصومان^{علیهم السلام} در مسجد، شعر می خواندند. علاوه بر این، مدح معصومان^{علیهم السلام}

۱. اصول کافی: ج ۳، ص ۳۷۹.

۲. الذکری: ص ۱۵۶.

خود عبادتی بزرگ است و مسجد نیز جایگاه عبادت. پس مراد روایات، اشعار باطل و بی‌فایده است.^(۱)

سؤال ۱۴۱ - چه رابطه‌ای بین حضور در مسجد و پرداخت زکات و خمس است؟

هر مسلمانی نیک می‌داند که دین مبین اسلام ترکیب یافته از اصول و فروع دین می‌باشد و زکات و خمس نیز از حقوق مالیه و فروع دین است که شرع مقدس نحوه تعلق آنها به اموال ثروتمندان را تعیین و نحوه پرداخت و مصرف آنها را نیز مشخص نموده است. از دیگر سو روایات بسیار زیادی برای حضور در مسجد و آثار حضور داریم و بر ترک مسجد نیز عوایقی مترب است که در روایات به آنها پرداخته شده است، این تأکیدات تا بدان حد است که صاحب عروه می‌نویسد:

«در فضیلت حضور در مسجد و نهی از ترک حضور،
به حدی تأکید شده که نزدیک است ملحق به واجبات شود،
از این رو مقتضای ایمان آن است که بدون عذر مسجد ترک
نشود». ^(۲)

از سوی دیگر در روایتی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: که پیامبر خدا علیه السلام

۱. بحار الانوار: ج ۸۰، ص ۳۶۳-۳۶۴.

۲. عروة الوثی: ج ۱، ص ۲۶۲.

در مسجد بودند و پنج نفر را با نام صدا زده و از مسجد مسلمین بیرون کردند و فرمودند:

«اَخْرُجُوا مِنْ مَسْجِدِنَا، لَا تُصْلُوْا فِيهِ وَأَنْتُمْ لَا تَرْكُون». ^(۱)

از مسجد مسلمانان بیرون بروید و در آن نماز نخوانید، چراکه زکات مال خویش را پرداخت نمی‌کنید».

از روایات حضور در مسجد و این روایت؛ این گونه بهنظر می‌رسد که دین اسلام برانجام واجبات تأکید بسیار دارد تا آنجاکه تارک واجبات را از فیض حضور در مسجد محروم می‌نماید. بنابراین جامعه اسلامی و امت مسلمان باید توجه داشته باشند که سر لوحه اعمال آنها انجام واجبات و ترک محramat باشد و پس از آن به فکر انجام کارهای مستحبی و از جمله حضور در مساجد باشند.

۱. الکافی: ج ۳، ص ۵۰۳، ح ۲.

فصل هفتم

بهداشت مسجد

سؤال ۱۳۵- چه پاداش‌هایی برای تمیزکنندگان مسجد در نظر

گرفته شده است؟

اساساً گرایش به زیبایی و تمیزی در وجود همه انسان‌ها نهفته است. از این‌رو، بهترین و مقدس‌ترین مکان‌ها یعنی مساجد، باید در نهایت تمیزی و نظافت باشد تا انسان از حضور در آنجانه تنها خسته و دل‌زده نشود، بلکه همواره دل‌تنگ این مکان‌ها گردد. از این‌رو، می‌بینیم در روایات، پاداش‌های زیادی برای نظافت‌کنندگان مسجد در نظر گرفته شده است که در ذیل، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - آمرزش گناهان: رسول خدا ﷺ **فرمود:**

«مَنْ كَسَّ الْمَسْجَدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ لِيَلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ مِنْ

الثَّرَابِ مَا يَدَرُّ فِي الْعَيْنِ غَفِرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ». ^(۱)

۱. من لا يحضره الفقيه: ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۷۰۰.

«کسی که خانه خدا را در روز پنجشنبه و شب جمعه
خاک رویی کند و به اندازه غباری که در چشم می‌رود
از مسجد خاک برگیرد، خداوند او را مورد آمرزش خویش
قرار می‌دهد».

از حدیث مذبور استفاده می‌شود که نظافت مسجد در روز پنجشنبه و جمعه از فضیلت خاصی برخوردار است، ولی این کار در هر زمان دیگری هم صورت گیرد پسندیده است؛ چون نفس عمل مهم است. علاوه بر این، مهم نیست که حتماً مقدار زیادی خاک رویه و آشغال از مسجد بیرون کنند؛ مهم اهمیت دادن به نظافت و تمیز نگه داشتن مساجد است که باید از سوی تک تک مسلمانان صورت پذیرد.

۲ - سالم ماندن جسد پس از مرگ: عبدالله بن مسعود از رسول خدا ﷺ در حدیثی طولانی نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: در شب معراج دیدم که بر در ششم بهشت نوشته بود:

«... وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا تَأْكُلُ الْدِيَدَانُ تَحْتَ الْأَرْضِ
فَلِيَكُنْ السَّاجِدُ». ^(۱)

«و هر کس بخواهد کرم‌ها (جسد) او را در زیرزمین نخورند،
مسجد را جارو کند».

۳ - اشتیاق بهشت و حوریان بهشتی به ملاقات او: امام کاظم علیه السلام
از پدرش نقل می‌کند که:

۱. الفضائل: ص ۱۵۳.

«أَنَّ الْجَنَّةَ وَالْحُورَ لِتَشْتَاقُ إِلَى مَنْ يَكْسُحُ الْمَسَاجِدَ وَيَأْخُذُ
مِنْهَا الْقَدْرِ».^(۱)

«بهشت و حوریان مشتاق ملاقات کسانی هستند که مساجد را جارو کنند و به اندازه خاشاکی که در چشم می رود از آن خاک برگیرند».

۴ - برخورداری از رحمت متین: امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از رسول خدا علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«مَنْ قَمَ مسجداً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِنْقٌ رَقِيَّةٌ وَمَنْ أَخْرَجَ مَا يَقْذِي عَيْنَاهُ
كَتَبَ اللَّهُ لَهُ كَفْلِينِ مِنْ رَحْمَتِهِ».^(۲)

«کسی که مسجدی را جارو کند، خداوند پاداش آزاد کردن بندهای برای او می نویسد و اگر از مسجد به اندازه خاشاکی که در چشم می رود، غبار برگیرد خداوند - عز و جل - دو بهره و نصیب از رحمت خویش را به وی عطا می فرماید».

قرآن کریم برخورداری از رحمت مضاعف و دو چندان الهی را یکی از آثار تقوا معرفی می کند، آنجا که می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كَفِيلِينَ
مِنْ رَحْمَتِهِ».^(۳)

۱. بحار الأنوار: ج ۸۰، ص ۳۸۲.

۲. المحسن: ج ۱، ص ۵۷-۵۸.

۳. حدید: ۲۸.

«ای اهل ایمان! اگر تقوای الهی پیشه سازید و به رسول خدا ایمان آورید، خداوند رحمت مضاعف خویش را به شما عطا خواهد کرد».

سؤال ۱۴۶ - خوش بو کردن مساجد چه آثاری دارد؟

به طور کلی انسان فطرتاً از نظافت و پاکیزگی مسورو و از کثیفی و آلودگی بیزار است. براین اساس مقدس‌ترین و محبوب‌ترین مکان‌ها در روی زمین که مساجد هستند باید از نظافت کامل برخوردار باشند تا مؤمنین با حضور در این مکان احساس شعف و شوق عبادت پیداکنند. از لوازم این کار خوش بو نمودن و عطرآگینی مساجد است زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ يُحِبُّ الطَّيِّبَ».^(۱)

«همانا خداوند متعال خوش‌بوست و بوی خوش را دوست می‌دارد».

از این رو در متون روایی به خوش بو کردن مساجد سفارش زیادی شده است. امام علی^{علیه السلام} به نقل از رسول خدا^{صلی الله علیہ و آله و سلّم} در روایتی می‌فرماید: «وَأَجْمِرُوهَا [جمروها] فِي كُلّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ».^(۲) «و مساجد را در هر روز هفته خوش بو و معطر سازید».

۱. الكامل في ضعفاء الرجال: ج ۳، ص ۶.

۲. الجعفریات: ص ۵۱ / مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۸۰، ح ۳۸۳۵.

در روایت دیگری که در منابع اهل سنت وارد شده حضرت می فرماید:

«وَجَمِّرُوهَا فِي الْجُمُعِ».^(۱)

«در روزهای جمعه مساجد را خوش بو کنید.»

در روایت دیگری وارد شده است که:

«هَدِيَةٌ مَلَائِكَةٌ الْهَى خَوْشَ بُوكَرَدَنْ مَسَاجِدَ أَسْتَ».^(۲)

بنابراین مؤمنین نه تنها خود به برگرفتن زینت و پوشیدن بهترین و نظیف ترین لباس ها برای رفتن به مسجد مأمور شده اند، دستود دارند محیط نیایش و عبادت با خدای سبحان نیز نظیف و عطرآگین باشد، تا همگان از بودن در چنین مکانی نه تنها از لذت های معنوی برخوردار باشند بلکه از آرامش روحی و روانی برخوردار گردند به حدی که دوری از این گونه اماکن مقدس مایه دلتگی آنان گردد.

سؤال ۱۳۵۷- چرا از خوردن غذاهای بودار به هنگام مسجد

رفتن نهی شده است؟

در روایات متعددی از ائمه معصومین علیهم السلام و پیامبر اعظم صلوات الله عليه و آله و سلم از خوردن غذاها و سبزیجات بد بو مثل سیر و پیاز و تره در هنگام مسجد رفتن نهی شده است. حتی سیره عملی اهل بیت علیهم السلام نرفتن به مسجد به هنگام استفاده از این گونه

۱. سنن ابن ماجه: ج ۱، ص ۲۴۷، ح ۷۵۰.

۲. الجامع الصغیر: ج ۱، ص ۵۰۱، ح ۳۲۵۹.

غذاها بوده است.^(۱) و در برخی از روایت علت آن این چنین بیان شده است: محمد بن سنان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره خوردن پیاز و تره سؤال کرد، حضرت فرمودند:

«در خوردن آن به صورت خام و پخته اشکالی وجود ندارد،
لکن فَلَا يَخْرُجُ إِلَى الْمَسْجِدِ كَرَاهِيَّةً أَذَاهُ عَلَى مَنْ يُجَالِسُ. به هنگام استفاده برای مسجد رفتن بیرون نرود. چون در کنار هر کس که بنشیند از بوی بد آن آزرده می‌شود».^(۲)

در روایت دیگری این‌گونه تحلیل شده که علت منع حضور این افراد در مسجد آن است که؛ مساجد جایگاه عبادت مؤمنین هستند از این رو ملائک الهی پیوسته در آن حضور دارند و آنچه انسان‌ها از آن اذیت می‌شوند [نظیر بوی بد سیر و...] موجب اذیت و آزار ملائکه الهی نیز می‌شود.^(۳)

شاید به همین دلیل وجود مقدس رسول خدا علیه السلام فرمود: «هر کس از این گیاه بخورد نزدیک مسجد نشود تا زمانی که بوی آن از بین برود و مقصود حضرت گیاه سیر بود».^(۴) از این رهگذر تکلیف افرادی که در محیط‌های عمومی از قبیل مساجد و حسینیه‌ها سیگار می‌کشند، روشن می‌شود.

۱. الکافی: ج ۶، ص ۳۷۵، ح ۳.

۲. علل الشرایع: ج ۲، ص ۵۱۹، ح ۲.

۳. صحيح مسلم: ج ۲، صص ۷۹-۸۰.

۴. همان.

سؤال ۱۳۸- انداختن آب دهان و بینی و خلط سینه در مسجد

چه حکمی دارد؟

مساجد خانه خداوند در زمین هستند، از این رو حفظ احترام خانه و صاحب آن لازم است و از هر کاری که موجب توهین و هتك این مکان مقدس شود باید اجتناب نمود. در روایات متعددی از انداختن آب دهان و بینی و اخلط سینه در مسجد نهی شده است. در روایتی امام علی علیه السلام می فرماید:

«همانا مسجد هنگامی که کسی در آن خلط می اندارد از شدت درد و ناراحتی به خود می پیچد؛ همان‌گونه که اگر یکی از شما را با چوب خیزان بزنند از شدت درد به خود می پیچید». ^(۱)

در روایت دیگری از رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم نقل شده است که:

«مسجد از انداختن آب دهان در او چنان به خود می پیچد که پوست به هنگام آتش گرفتن جمع و منقبض می شود». ^(۲)
در روایت دیگری وارد شده است که رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم هنگامی که در طرف قبله مسجد آب دهان دیدن صاحب آن را لعن کردند. ^(۳) و در متون اهل سنت وارد شده که حضرت به هنگام ورود به مسجد خلطی را در قبله دیدند پس آن را

۱. دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۱۴۸.

۲. وسائل الشیعه: ج ۵، ص ۲۲۴، ح ۶۳۹۵.

۳. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۷۶، ح ۳۸۲۱.

پاک کردن و با ناراحتی رو به مردم کرده و فرمودند: آیا آسان است بر شما که کسی در صورت شما آب دهان اندازد! همانا یکی از شما هنگامی که رو به قبله می‌ایستد به طرف خداوند متعال ایستاده است.^(۱) از این رو در روایات آثار و ثواب‌هایی برای افرادی که از این عمل زشت پرهیز نمایند ذکر شده است که در سؤال بعدی به آنها خواهیم پرداخت.

سؤال ۱۳۹- پرهیز از آلوده کردن مسجد به اخلاط چه آثار

و ثواب‌هایی دارد؟

در متون روایی آثار و ثواب‌هایی برای کسی که از انداختن اخلاط در مسجد خودداری کند ذکر شده است.

۱- نامه عمل در دست راست: امام علی^{علیه السلام} می‌فرماید:

«کسی که احترام مسجد را حفظ کند و از انداختن اخلاط در آن خودداری نماید، در روز قیامت با سرور و شادمانی، در حالی که نامه اعمالش در دست راستش قرار دارد خداوند متعال را ملاقات می‌کند».^(۲)

۲- تبدیل شدن به قدرت و توان: امام صادق^{علیه السلام} از پدرش و او از رسول خدا^{علیه السلام} نقل می‌کند که فرمود:

۱. سنن ابی داود: ص ۱۱۶، ح ۴۸۰.

۲. تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۲۵۶، ح ۳۳.

«کسی که به خاطر بزرگداشت مسجد و احترام آن، آب دهان خود را فرو برد و در مسجد نیندازد، خداوند این آب دهان او را به قدرت و توانایی تبدیل می‌کند و برای او در مقابل این کار حسن‌های می‌نویسد و گناهی از او محظوظ نماید». ^(۱)

۳ - بهبودی امراض: عبدالله بن سنان می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«هر کس آب دهان و اخلاط بینی و سینه را در مسجد فرو برد، این آب دهان یا خلط به هر دردی که در بدن او بخورد نماید آن را بهبودی بخشد». ^(۲)

از آنجاکه ممکن است برخی افراد به دلایل مختلف قادر به فرو بردن اخلاط خود نباشند، شایسته است به هنگام مسجد رفتن دستمالی همراه داشته باشند تا در صورت لزوم، از آن استفاده کنند.

سؤال ۱۴۰ - در بنای سرویس بهداشتی مسجد، چه نکاتی باید رعایت شوند؟

در هنگام بنای مسجد، یکی از مستحبات آن است که مکان‌های بهداشتی را در کنار مسجد بسازند. از رسول گرامی روایت شده است که فرمود:

۱. المحسن: ج ۱، صص ۴۵-۵۵.

۲. تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۲۵۶، ح ۳۴.

«وَاجْعِلُوا مَطَاهِرَكُمْ عَلَى أَبْوَابِ مَسَاجِدِكُمْ». ^(۱)

«محل‌های تطهیر را در کنار مساجد قرار دهید».

صاحب جواهر پس از ذکر این روایت می‌فرماید: مؤید این حکم آن است که این کار به مصلحت کسانی است که به مسجد رفت و آمد می‌کنند و باعث می‌شود نمازگزاران از ناحیه بوی محل تطهیر دچار اذیت نشوند. علاوه بر آن، این کار باعث می‌شود تا مسجد در معرض نجس شدن قرار نگیرد و با احترام و منزه بودن مسجد نیز سازگار است. ^(۲)

شهید اول می‌فرماید:

«وَالْمَيْضَاةُ عَلَى بَاهِهَا».

«مستحب است که مکان‌های بهداشتی مسجد را در کنار در آن بسازند».

شهید ثانی در توضیح این عبارت می‌فرماید:

«این استحباب مربوط به فرضی است که بنای دست‌شوابی مقدم بر تحقق عنوان مسجد باشد (یعنی اگر زمینی عنوان مسجد ندارد می‌توان سرویس بهداشتی در آن ساخت)، ولی اگر تحقق عنوان «مسجد» شده باشد. ساختن هرگونه مکان بهداشتی در فضای مسجد حرام است و همچنین

۱. تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۲۲.

۲. جواهر الكلام: ج ۱۴، ص ۷۸.

ساختن وضو خانه چنانچه ضرری برای مسجد داشته باشد،
جایز نیست». ^(۱)

سؤال: قطعه زمینی است که آن را شخصی به نیت مسجد خریداری کرده و در صدد ساختن آن بوده است. لکن قبل از آنکه آنجا را ساختمان کند و قسمت شبستان و دستشویی و توالت آن را معین نماید، مرحوم شده، بعد از او چند نفر دیگر با خرج خودشان، قسمت شمالی زمین را که موردنظر بانی برای شبستان بوده، ساخته‌اند. (موردنظر از این جهت که بانی در آن قسمت زمین، گاهی نماز می‌خواند و آن قسمت را هموار کرده بود). و چون بانی زمین مرحوم شده و قسمت توالت و دستشویی را معلوم نکرده، هنوز مسجد فاقد توالت است، در حالی که وراث بانی هستند و برای هرگونه اصلاحی به صورتی که شرع مقدس اجازه فرماید، حاضرند. تقاضا می‌شود نظر مبارک را در مورد ساختن دستشویی و توالت مرفق فرماید که ان شاء الله مشکل حل شود؟

جواب: در محلی که به عنوان مسجد نماز در آن خوانده نشده، هر طوری که معمار و مهندس صلاح بدانند و با نقشه ساختمان مخالف نباشند، ساختن توالت و دستشویی مانع ندارد. ^(۲)

سؤال: زمینی به مساحت ۲۵۰ متر مربع واقع در جنب مسجدی به منظور اضافه کردن وسعت حیاط مسجد خریداری شده و بعداً ساختمانی در آن

۱. شرح اللمعة: ج ۱، ص ۵۴۱.

۲. مجمع المسائل: ج ۱، ص ۱۴۰، س ۵۲.

احداث گردیده که بالای آن به قسمت مسجد زنانه اضافه شده و از طبقه پایین و زیرزمین جهت انبار و کتابخانه و شوفاژ و سایر نیازها استفاده خواهد شد، و چون ساختمان مذکور احتیاج به دستشویی و توالت دارد، آیا می‌توان در زیرزمین این ساختمان، چاهی برای فاضلاب و توالت حفر نمود و در روی آن دستشویی و توالت ساخت یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال، اگر زمین مذکور را به قصد مسجدیت وقف نکرده باشند، یا قصد مسجدیت طبقه زیر را نکرده باشند و فقط طبقه روی زیرزمین را، که به قسمت زنانه اضافه شده، مسجد قرار داده‌اند، جایز است در زیرزمین، که مسجد نیست، چاه فاضلاب حفر نمایند و توالت بسازند؛ و اگر تمام آن به قصد مسجدیت وقف شده باشد زیرزمین نیز مسجد است و حفر چاه فاضلاب و ساختمان توالت و دستشویی در آنجا جایز نیست.^(۱)

۱. همان: س ۴۵.

فهرست منابع

- ١ - قرآن کریم.
- ٢ - ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، شریف رضی، ١٤١٢ ق.
- ٣ - استفتاءات حضرت امام خمینی رض.
- ٤ - اصول کافی، شیخ کلبی، تهران، دارالکتب الإسلامية، ١٣٦٥ ش.
- ٥ - اعتکاف سنت محمدی علیه السلام، رحیم توپهار، قم، عمران مساجد.
- ٦ - اعلام الدین، حسن بن ابی الحسن دیلمی، قم، آل الیت، ١٤٠٨ ق.
- ٧ - الأحتاج، ابو منصور احمد بن علی طبرسی، مشهد، مرتضی، ١٤٠٣ ق.
- ٨ - الآداب الطيبة فی الأسلام، جعفر مرتضی عاملی، قم، جامعه مدرسین، ١٣٦٢.
- ٩ - الأستیصال، شیخ طوسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ١٣٩٠ ق.
- ١٠ - العجفريان (الأشعثيات)، محمد بن اشعث کوفی، تهران، مکتبة نینوی الحدیثه.
- ١١ - الخصال، شیخ صدوق، قم، جامعه مدرسین، ١٤٠٣ ق.
- ١٢ - المخلاف شیخ طوسی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١٧ ق.
- ١٣ - الذکری، شهید اول، طبعة حجریة غیر مرقمة الصفحات، خط کرمانی، سنة ١٢٧٢.
- ١٤ - الروضة البهیمة (شرح اللمعة)، شهید ثانی، قم، داوري، ١٤١٠ ق.
- ١٥ - المروءة الوئیی، السيد الیزدی، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ١٤٠٩ ق.
- ١٦ - الفضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، قم، رضی، ١٣٦٣ ش.
- ١٧ - المبسوط فی فقہ الائمه، الشیخ طوسی، تحقیق محمد تقی الكشافی، المکتبة المرتضویة، ١٣٨٧ ق.

- ١٨ - المحسن، احمد بن محمد بن خالد برقى، قم، دارالكتب الاسلامية، ١٣٧١ ق.
- ١٩ - الميزان في تفسير القرآن، علامه سید محمد حسین طباطبائی، قم، اسماعیلیان.
- ٢٠ - النهاية في المجدد الفقه و الفتوى، شیخ طوسی، قم، قدس.
- ٢١ - امامی شیخ صدوق، کتابخانه اسلامیه، ١٣٦٢ ش.
- ٢٢ - امامی شیخ طوسی، قم، دارالثقافة، ١٤١٤ ق.
- ٢٣ - وجوب الاستئناءات، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای [مدظله] دارالنبا، ١٤١٥ ق.
- ٢٤ - بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجتبی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ١٤٠٤ ق.
- ٢٥ - پیدائی مساجد، حسین مؤنسی، ترجمه سید سعید سید حسینی، دو ماهنامه مسجد، ش ٣٨ و ٣٧.
- ٢٦ - پیرامون جمهوری اسلامی، مرتضی مطهری، قم، صدر، ١٣٦٧.
- ٢٧ - تاریخ مشروطه ایران، احمد کسری، تهران، امیرکبیر، ١٣٤٤.
- ٢٨ - تحریر الوسیله، الإمام الخمینی ره، قم، اسماعیلیان، ١٤٠٨ ق.
- ٢٩ - تحریر تباکو اولین مقاومت مندی در ایران، ابراهیم تیموری، تهران، سقراط، ١٣٢٨.
- ٣٠ - ترجمه و شرح رساله الحقائق امام سجاد علیه السلام، محمد سپهری، قم، دارالعلم، ١٣٧٢ ش.
- ٣١ - ترجمة الميزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، ١٣٧٤.
- ٣٢ - تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تهران، علمیه، ١٣٨٠ ق.
- ٣٣ - تفسیر القمی، ابن الحسن علی بن ابراهیم قمی، قم، دارالكتب، ١٣٦٧.
- ٣٤ - تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تهران، دارالكتب الاسلامیة، ١٣٦٥ ش.
- ٣٥ - ثواب الأعمال، شیخ صدوق، قم، رضی، ١٣٦٤.
- ٣٦ - جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، قم، رضی، ١٣٦٣ ش.
- ٣٧ - جامع السعادات، ملام محمد مهدی نراقی.
- ٣٨ - جامع المسائل، آیت الله فاضل لنکرانی.
- ٣٩ - جامع المسائل، حضرت آیت الله اراکی ره.
- ٤٠ - جواهر الكلام في شرح شریعۃ الأسلام، محمد حسین نجفی، دارالكتب الإسلامية، آخوندی، ١٣٦٥.

- ۴۱ - دعائم الاسلام، نعمان بن محمد تمیمی مغربی، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ ق.
- ۴۲ - دین و دولت در ایران، حامد آگار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، طوس، ۱۳۶۵.
- ۴۳ - راه تکامل، امین احمد، ترجمه احمد بهشتی، تهران، دارالكتب الاسلامیه، ۱۳۵۴ ش.
- ۴۴ - رساله توضیح المسائل رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی ره.
- ۴۵ - روضة الاعظین، محمد بن حسن فتال نیشابوری، قم، رضی.
- ۴۶ - سرائر، ابن ادریس حلی، جامعه المدرسین، قم، ۱۴۱۰ ق.
- ۴۷ - سنن ابن ماجد، حافظ ابوعبدالله محمد بن یزید قزوینی، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۳۹۵.
- تصحیح: محمد فؤاد عبدالباقي.
- ۴۸ - سنن بیهقی (السنن الکبری)، ابویکر احمد بن حسین بن علی بیهقی، بیروت، دارالمعارفه.
- ۴۹ - سیمای مسجد، رحیم نوبهار، قم، اعتماد، ۱۳۷۳.
- ۵۰ - شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن ابی الحدید معزلی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- ۵۱ - صحیح مسلم، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق. (ده مجلد در ۵ جلد).
- ۵۲ - صحیحه امام خمینی ره، مجموعه ۲۱ جلدی.
- ۵۳ - عده الداعی، ابن فهد حلی، دارالكتب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- ۵۴ - علل الشرايع، شیخ صدقوق، قم، مکتبة الداوري.
- ۵۵ - عوالي اللالی، ابن ابی الجمهور احسانی، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۵ ق.
- ۵۶ - عيون أخبار الرضا علیهم السلام، شیخ صدقوق، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ق.
- ۵۷ - غرالحكم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
- ۵۸ - فروع ادبیت، جعفر سبحانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
- ۵۹ - قرب الإسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، تهران، نینوا.
- ۶۰ - کنزالفوائد، علامه أبوالفتح کراجکی، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ ق.
- ۶۱ - گناهان کبیره، آیت الله سیدعبدالحسین دستغیب، قم، ۱۳۶۳ ش.
- ۶۲ - مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، دارالمعارفه.
- ۶۳ - مجمع المسائل، آیت الله گلپایگانی.

- ٦٤ - مجموعة ورام، ورام بن ابی فراس، قم، مکتبة الفقیه.
- ٦٥ - مسأله حجاب، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ١٣٦٨.
- ٦٦ - مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم، آل الیت، ١٤٠٨ ق.
- ٦٧ - مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، حسن رهبری، تبریز، حسن رهبری، ١٣٨٢.
- ٦٨ - مسجد و انقلاب اسلامی، رضا شریف پور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ١٣٨٠.
- ٦٩ - منتهی المطلب، علامه حلی، تبریز، جامع احمد، ١٣٣٣.
- ٧٠ - من لا يحضره الفقیه، شیخ صدوق، قم، جامعه مدرسین، ١٤١٣ ق.
- ٧١ - مینیة المرید، شهید ثانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ١٤٠٩ ق.
- ٧٢ - نهایة الاحکام فی معرفة الاحکام، علامه حلی، قم، اسماعیلیان، ١٤١٠ ق.
- ٧٣ - نهج البلاغه، مؤسسہ تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ترجمہ محمد دشتی.
- ٧٤ - وسائل الشیعہ، شیخ حرّ عاملی، قم، آل الیت، ١٤٠٩ ق.
- ٧٥ - الكامل فی ضعفاء الرجال، أبی احمد عبدالله بن عدی الجرجانی، ج سوم، بیروت، دارالفکر، ١٤٠٩ هـ.

لغت نامه ها و فرهنگ ها:

- ٧٦ - لسان العرب، ابن منظور.
- ٧٧ - کتاب العین، لاپی عبدالرحمن الخلیل بن احمد الفراہیدی.
- ٧٨ - مجمع البحرين، الشیخ فخر الدین الطریحی.
- ٧٩ - فرهنگ فارسی عمید، حسن عمید.